

بسم الله الرحمن الرحيم



مذمت فقر و راهکار فقر زدایی در سیره رضوی | برگی از فضایل عروس امام صادق علیه السلام | وقتی قرار باشد امام علیه السلام نگاهت کند... |
 گذری بر سفر پربرکت بانوی موسوی به ایران زمین | فهم سیره علمی حضرت رضا علیه السلام برای درک هویت ایرانی ضروری است |
 مروری بر الگوی رفتاری معین الضعفا | «مارسلا» عروس شهر امام رضا علیه السلام |

گل آرایی حرم مطهر رضوی
در ایام دهه کرامت
عکس: حسین کامشاد





كَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَبْلُغْ شِيعَتِي : اِنَّ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اَلْفَ حَجَّةٍ ، فَقُلْتُ لِابِي
جَعَفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْفَ حَجَّةٍ ؟!
قَالَ : اَيُّ وَاللَّهِ ، وَ اَلْفَ اَلْفَ حَجَّةٍ ، لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ .

امام رضا عليه السلام: به یکی از دوستانش نوشت: به دیگر دوستان و علاقمندان ما بگو: ثواب زیارت قبر من معادل است با یک هزار حج. راوی گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: هزار حج برای ثواب زیارت پدرت می باشد؟! فرمود: بلی، هر که پدرم را با معرفت در حقیقت زیارت نماید، هزار هزار یعنی یک میلیون حج ثواب زیارتش می باشد.

۶ اینجا مطاف ملائکه آسمان هاست ...

۷ تولیت آستان قدس رضوی:

حق حضرت رضا علیه السلام بر گردن ما
مودت و عشق به ایشان است

۸ امام رضا علیه السلام در کلام بزرگان

سیر معین الضعفا

مادران آسمانی (۱)

۱۲ برگ از فضایل عروس امام صادق علیه السلام

واکاوی مواجهه سیاسی امام رضا علیه السلام با حکومت طاغوتی
بنی عباس در گفت و گو با آیت الله محمود رجبی؛

۱۵ ولایت، با حاکمان مستبد و متکبران جهان سازش ندارد

بررسی رفتار سیاسی امام در مواجهه با حکام عباسی

در گفت و گو با دکتر سید سجاد ایزدهی

در قاموس سیاسی امام رضا علیه السلام

۱۸ آرمان‌ها فدای مصلحت‌سنجی نمی‌شود

۲۱ اهمیت سیره‌شناسی اهل بیت علیهم السلام در زندگی امروزی

با تأکید بر سیره اجتماعی معین الضعفا علیه السلام

۲۴ سیره عملی با حکمت عملی؟

در گفت و گو با یک استادیار دانشگاه مطرح شد

۲۶ سبک مناظرات علمی حضرت رضا علیه السلام

برای درک هویت ایرانی ضروری است

۲۹ فقر ریشه تباهی ایمان

مذمت فقر در کلام رضوی

۳۲ مروری بر الگوی رفتاری معین الضعفا

همنشین فقرا

۳۴ در گفت و گو با محسن ایمانی عنوان شد

شیوه تربیتی امام رضا علیه السلام برای تمام اعصار راهگشاست

۳۷ الگویی عملی برای تداوم و تربیت نسل

در خانواده امروزی

۴۰ پرسش‌های ابوقره و پاسخ‌های امام رضا

۴۲ مروری بر کتاب‌های منتسب به امام رضا علیه السلام

حیره زائف

۴۶ فرهنگ زیارت در اسلام و سایر ادیان الهی

وقتی قرار باشد امام علیه السلام نگاهت کند...

۴۹ روایتی از هشت زائر امام هشتم علیه السلام پشت پنجره فولاد

روایت شنیدنی از اسلام آوردن مارسلا و راگاس

در حرم مطهر رضوی

۵۱ «مارسلا» عروس شهر امام رضا علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین ماندگاری:

۵۳ هرکسی می‌تواند خادم معنوی امام رضا علیه السلام باشد

حامل پرچم امام حسین علیه السلام برای ثبت در گینس

در حرم مطهر رضوی عنوان کرد
نیامده ام به سرایش تا از او متاع بطلبم

۵۴

امام جمعه اصفهان در گفت و گو با «زائر»:

معنای زیارت رسیدن دست زائران به ضریح
یا بوسیدن آن نیست

۵۵

نگینی درخشان در جوار شمس الشمس

نگاهی به کتابخانه تخصصی شبانه روزی اهل بیت علیهم السلام

۵۶

قرآن منسوب به دستخط مبارک امام رضا علیه السلام

یکی از نفایس موزه قرآن آستان قدس رضوی

۵۸

نگامه

حجت الاسلام مروجی طبسی:

انحصارگرایی هرگز در مکتب علمی امام صادق ع راه نداشت

۶۰

دانش پژوهان تاریخ ساز در عصر امام صادق ع

۶۳

آیت الله سیدرحیم توکل:

ریشه بسیاری از کرامات حضرت معصومه علیها السلام

در ولایتمداری ایشان است

۶۶

گذری بر سفر پربرکت بانوی موسوی به ایران زمین

۶۸

تولیت آستانه مقدس «شاهچراغ» در گفت و گو با زائر

احمد بن موسی علیه السلام «نورانی ترین چراغ»

در بین امامزادگان هستند

۷۰

مروری بر شخصیت امامزاده احمد بن موسی علیه السلام

برادر ارجمند امام رضا علیه السلام

از بیعت با امام تا اشتهار به «شاهچراغ»

۷۳

کرنه

متولی بقعه حضرت رقیه (س) در پاکستان:

در قلبم خودم را خادم رضوی می دانم

۷۶

در نشست با کارشناسان رسانه عنوان شد:

ضرورت طرح مفاهیم دینی به زبان های جهانی

۷۸

بازترین پنجره این حوالی

۸۱

همسر شهید جاوید الاثر مدافع حرم:

...می گفت سوره کربلا امروز ماست

۸۲

حدیث دلتنگی

۸۴

زهد حقیقی در سیره رضوی

۸۶

اینجا مطاف ملائکه آسمان هاست...

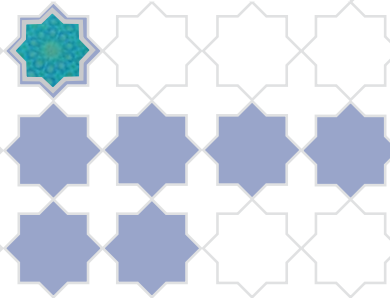
بارگاه منور رضوی همواره مأمّن و ملجاء بی‌پناهان و نیازمندان بوده است. محلی برای ارتباط با خالق یکتا و توسل به بنده خالص خدا. کلام بزرگان دین نیز موید همین امر است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در خصوص این آستان مقدس می‌فرمایند: «حضور این مرقد مطهر در بخشی از میهن بزرگ اسلامی برکات زیادی داشته است. بحمدالله بین مسلمانان در اقصی نقاط عالم - کسانی که دلشان به محبت اهل بیت (علیهم السلام) می‌تپد، از همه فرقه‌ها و نحله‌های اسلامی - به برکت این مزار مطهر، مضجع شریف، حرم اهل بیت (علیهم السلام) در خراسان ارتباطاتی تحقق پیدا کرده است. امیدواریم ان شاء الله برکات حضور این مرقد مطهر که توجه دل‌های ما به معنویات این خاندان پاک و مطهر است، روز به روز افزایش پیدا کند. اینجا مضجع علی بن موسی الرضا (سلام الله علیه) مطاف ملائکه آسمان هاست؛ محل حضور توجّهات الهی است. دل‌های پاک، دل‌های عاشق، دل‌سپردگان به این خاندان مطهر، در اینجا با دل‌مشتاقت خودشان با خدای متعال حرف می‌زنند. مرکز ذکر، توجه و توحید است. به برکت مضجع امام هشتم (علیه آلاف التحیة و الثناء) امیدواریم برکات توجّهات این بزرگوار شامل حال همه ما مردم ایران، همه مسلمانان عالم و موجب ارتباط مستحکم‌تر مسلمین با یکدیگر باشد» [۱]

عمر مبارک امام رضا (سلام الله علیه) تقریباً پنجاه و پنج سال بوده است. تمام زندگی این بزرگوار با همه این عظمت‌ها و عمق‌ها و ابعاد گوناگونی که می‌شود برای آن ذکر و تصویر کرد، در همین مدت عمر نسبتاً کوتاه انجام گرفته است. از این مدت پنجاه و پنج سال، نزدیک به بیست سال - تقریباً نوزده سال - مدت امامت این بزرگوار است؛ اما همین مدت کوتاه را که ملاحظه می‌کنید، تأثیری که در واقعیت دنیای اسلام گذاشتند و به گسترش و عمقی که به معنای حقیقی اسلام و پیوستن به اهل بیت (علیهم السلام) و آشنا شدن با مکتب این بزرگواران انجامید، یک داستان عجیبی و یک دریای عمیقی است. آن وقتی که حضرت به امامت رسیدند، دوستان و نزدیکان و علاقه‌مندان حضرت می‌گفتند که: علی بن موسی الرضا در این فضا چه کار می‌تواند انجام بدهد؟ این فضای به شدت اختناق‌ها را می‌بینی. این جوان در این شرایط، در ادامه جهاد امامان شیعه و در مسؤولیت عظیمی که بر عهده‌اش است، می‌خواهد چه بکند؟ این اول امامت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است. بعد از این نوزده یا بیست سال که پایان دوران امامت و شهادت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است، وقتی شما نگاه می‌کنید، می‌بینید که همان تفکر ولایت اهل بیت و پیوستگی به خاندان پیغمبر آن چنان گسترشی در دنیای اسلام پیدا کرده که دستگاه ظالم و دیکتاتور بنی‌عباس از مواجهه با آن عاجز می‌باشد؛ که این را علی بن موسی الرضا (علیه السلام) انجام داده است. [۲]

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان و دست‌اندرکاران حج؛ مورخه ۱۳۹۳/۰۶/۱۶.

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ مورخه ۱۳۹۲/۰۶/۲۶.



تولیت آستان قدس رضوی:

حق حضرت رضا علیه السلام بر گردن ما مودت و عشق به ایشان است

تولیت آستان قدس رضوی باین بیان این مطلب گفت: گره‌گشایی از نیازمندان و توسعه فرهنگ دگرخواهی در پر تو خداخواهی از جمله آموزه‌های سیره زندگی حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است، گفت: حضرت رضا (علیه السلام) به حقوق مسلمانان بویژه فقرا و نیازمندان توجه زیادی داشتند. حق حضرت رضا (علیه السلام) بر گردن ما مودت و عشق به ایشان است و ما باید با شناخت و معرفت نسبت به این امام همام لازمه مودت را کسب کنیم.

وی اظهار داشت: اگر مقام ولایت ایشان را بشناسیم و درک کنیم به معرفت واقعی نسبت به این بزرگوار رسیده ایم، چرا که شناخت زندگی حضرت و دانستن شأن و منزلت امام رضا (علیه السلام) از مهم‌ترین محورهای معرفت نسبت به این امام همام است.

حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی همچنین در یکی از دیدارهای خود با بیان این که خدمت به خیل عظیم زائران با فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف، آن هم با گستره عظیم و متنوع از خدمات، بدون شک کاری دشوار است، عنوان کرد: زمانی این کار دشوار برای خادمان، آسان و شیرین می‌شود که آنان احساس کنند حضرت امام رضا (علیه السلام) گوشه چشم و عنایتی به آنان دارد. بنابراین همه خستگی‌ها جای خود را به شادی و لذت‌های معنوی می‌دهد. بر این اساس در محضر این امام رئوف، خادمان و خدمتگزاران رضوی باید در مهر، محبت، مهربانی و سیر و سلوک، جلوه‌آفت آن حضرت باشند. از این رو خدمت در بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) موهبتی الهی و افتخاری بزرگ می‌باشد. همچنین لازمه خدمت در این آستان مقدس، عشق و دلدادگی به ساحت کبریایی آن حضرت است.

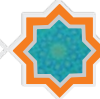
وی افزود: دلدادگی و شوق زیارت را خداوند متعال و ائمه معصومین (علیهم السلام) در دل‌ها نهاده‌اند و دست با کفایت امام مهربان هر روز این دلدادگی و شیفتگی را افزون می‌کند. ما نیز به عنوان خادمان امام رضا (علیه السلام) باید زمینه‌های لازم برای بروز و ظهور این احساسات و بهره‌مندی از ظرفیت انسان‌ساز و بی‌بدیل زیارت حضرت را برای همگان بارویکردی کریمانه فراهم کنیم، زیرا کرامت، بخشیدن قبل از سؤال است.

حجت الاسلام والمسلمین رئیسی همچنین در دیدار با اعضای شورای برنامه ریزی جشنهای دهه کرامت رضوی هجده فرهنگی و اعتقادی مغرب زمین علیه جوامع اسلامی را بسیار گسترده و ناجوانمردانه خواند و اضافه کرد: تنها راه مقابله با این تهاجمات گسترده و روز افزون مصون‌سازی است و این مصون‌سازی جز در پر تو اشاعه فرهنگ اسلامی، کرامت و آموزه‌های ائمه معصومین (ع) ایجاد نمی‌شود و دهه کرامت بهترین فرصت و بستر برای این امر است.

عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان رهبری، تمامی مسؤولان و دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ و اندیشه را به استفاده از ظرفیت‌های بی‌ظنیر بارگاه منور رضوی و دهه کرامت دعوت و ابراز کرد: امروز باید اتاق‌های فکر، مجتمع‌ها و کانون‌های فرهنگی بپندیشند که چگونه می‌توان برای مصون‌سازی جامعه در برابر هجده فرهنگی مغرب زمین از ظرفیت‌های فرهنگی بارگاه منور رضوی و دهه کرامت استفاده کرد.

تولیت آستان قدس رضوی با اشاره به گسترش هر ساله جشن‌های میلاد رضوی، تصریح کرد: توسعه و رونقی که امروز در جشن‌های دهه کرامت شاهد آن هستیم، چیزی جز عنایت شخص حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) نیست و اگر این عنایت نبود، بدون شک بسیاری از اتفاقات مبارک این دهه محقق نمی‌شد.





آیت‌الله مکارم شیرازی

زیارت امام رضا علیه السلام باید به مکتب عالی تربیتی، اسلامی و شیعی بدل شود

بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) فرصت بسیار خوبی برای جهان اسلام و به خصوص جهان تشیع در مسیر پیشرفت مسایل فرهنگی است. جاذبه امام رضا (علیه السلام) به عنوان یک جاذبه علمی مطرح است و ایشان به عالم آل محمد مشهور هستند، به همین خاطر هر سال شاهد حضور میلیونی مردم به حرم مطهر رضوی هستیم که به عشق ایشان به پابوسی مشرف می‌شوند. از این رو زیارت امام رضا (علیه السلام) باید به مکتب عالی تربیتی، اسلامی و شیعی بدل شود.

در زمان امامت حضرت رضا (علیه السلام)، جهان اسلام گسترش یافته و اقوام و ملت‌های دیگر نیز به زیر پرچم اسلام آمده بودند و افکارشان با افکار اسلامی آمیخته می‌شد، ولی با توجه به التقاط افکار سایر ملل با افکار اسلامی، لازم بود که افکار انحرافی کنار گذاشته و مبانی اسلام ناب محمدی (ص) تبیین شود، که این امر را امام رضا (علیه السلام) بر عهده گرفتند.

اگر امام رضا (علیه السلام) نبودند، معلوم نبود چه بر سر اسلام می‌آمد، امروزه هم ماهواره‌ها به شکلی خطرناک در جامعه نفوذ پیدا کرده‌اند و لازم است فیلترهایی مانند مراکز علمی، پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها حضور داشته باشند تا افکار انحرافی را دور کرده و اسلام ناب را تبلیغ کنند. حضرت رضا (علیه السلام) همچنین از زبان‌های مختلف در بیانات و مناظرات ارزنده خود استفاده می‌کردند، بنابراین ما هم باید به عنوان پیرو ایشان این شیوه را به کار بگیریم و در فراگیری سایر زبان‌ها بکوشیم.





حجت الاسلام والمسلمین قرآنتی

در حرم امام رضا علیه السلام دعاهای میلیاردي داشته باشید

با امام رضا (علیه السلام) معامله کنیم. هر کس گره ای دارد اگر اینجا بیاید باز می شود. هر وقت که به حرم می روید دعاهای میلیاردي داشته باشید و کینه در وجود خودتان راه ندهید و این دفعه که به حرم

امام رضا (علیه السلام) مشرف شدید به خاطر میلاد امام هشتم همه کسانی را که به شما ظلم کرده اند ببخشید و کینه آنان را از دل خودتان بزدایید، چرا که اگر شما ببخشید، خداوند هم شما را می بخشد و این بنا به نص صریح قرآن است. اگر قلبتان پاک باشد؛ بدین معنا که کینه کسی در وجودتان نباشد و لقمه تان نیز پاک باشد حتماً امام رضا (علیه السلام) صدای حاجات شما را می شنود، چرا که ثواب زیارت حضرت رضا (علیه السلام) از ثواب زیارت حضرت حسین (علیه السلام) بیشتر است؛ زیرا امام حسین (علیه السلام) را چهار امامی ها و شش امامی ها هم زیارت می کنند، ولی امام رضا (علیه السلام) را فقط دوازده امامی ها زیارت می کنند و از طرفی امام جواد (علیه السلام) نیز فرمود ثواب زیارت امام رضا (علیه السلام) از ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) بیشتر است.



آیت الله جوادی آملی

امام رضا علیه السلام؛ کلیددار مقام رضایتمندی الهی

حضرت ابوالحسن امام رضا (علیه السلام) که سلطان دین و دنیا است، مظهر اتم اسمای الهی بخصوص اسم رضای پروردگاری بوده و این اسم که واجد مسمی و حقیقت رضایت الهی است، منشأ مقام رضای الهی و مبدأ جلوه های گوناگون خشنودی است. برخی افراد ممکن است از مقام رضایتمندی الهی برخوردار باشند، اما وصول به مقام مظهریت تامه این اسم و باذن الله صاحب و خداوندگار این مقام بودن به گونه ای که هیچ خشنودی چه در قوس صعود و چه در قوس نزول در عالم اتفاق نمی افتد، مگر اینکه از ساحت حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) و به اجازه آن حضرت است، زیرا تنها کلیددار این مقام در عالم هستی حضرت رضا (علیه السلام) است. هیچ موجودی از هیچ موجود دیگری راضی نمی شود، مگر به وساطت مقام امام هشتم؛ هیچ انسانی به هیچ توفیقی دست نمی یابد و خوشحال نمی شود، مگر به وساطت مقام رضوان رضا (علیه السلام)؛ هیچ نفس مطمئنه ای به مقام راضی و مراضی بار نمی یابد، مگر به وساطت مقام حضرت رضا (علیه السلام)، او نه چون به مقام رضا رسیده، به این لقب ملقب شده است، بلکه چون دیگران را به این مقام می رساند، ملقب به رضا شد.



حجت الاسلام والمسلمین راشدیندی

امام رضا علیه السلام ایرانی ها را به سوی اهل زیارت و توسل سوق داد

بر کات فوق العاده ای در زیارت حضرت رضا (علیه السلام) نهفته است. ایشان امام رؤفی هستند که زیارتشان به منزله زیارت همه ائمه هدی (علیهم السلام) است. یکی از مهم ترین برکات امام رضا (علیه السلام)

گسترش تشیع در ایران است و امروز ایران پایگاه شیعه، بلکه پایتخت شیعه در جهان است و این اتفاق بسیار قابل توجهی است. ضمن اینکه اهل بیت (علیهم السلام) از همان ابتدا و از زمان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نسبت به ایرانی ها واقعاً عنایت، لطف و محبت داشتند و ایرانی ها هم نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) همین طور بوده و هستند و آن شخصیت الهی که ایران را ولایی کرد، امام رضا (علیه السلام) است.

اما یکی دیگر از برکات امام رضا (علیه السلام) این است که با حضورشان در ایران ما ایرانی ها را به سوی اهل زیارت و توسل سوق داد که پیش از ایشان در روایات متعدد اهل بیت (علیهم السلام) اشاره شده به زیارت کردن و توسل داشتن که ثامن الحجج (علیه السلام) عملاً این مسیر را برای ما مهیا کردند و امروز زائران حضرت از داخل و خارج کشور در هر شرایطی به زیارت ایشان می آیند. بنابراین تمام سیره زندگی حضرت، برکت و نعمت است و امروز ما در ایران اسلامی به برکت حضور قدسی این امام رؤف زندگی و حیات داریم.



حجت الاسلام والمسلمین فرحزاد

نزدیکی به ضریح خوب است اما نه به قیمت آزار دیگران

شایسته است تا کسانی که از امکانات و بنیه مالی قوی برخوردارند، سالانه چندین بار در آستان مقدس حضرت رضا

(علیه السلام) حضور پیدا کنند. زائران زمانی که در مشهد حضور دارند بهره و استفاده کامل را از زمان ببرند و سعی کنند حتی المقدور نمازهای یومیه را در حرم اقامه کنند و بطور متوسط سه بار در روز به حرم مطهر مشرف شوند. باید در هنگام زیارت توجه به این داشت که حضرت ولی خدا، امام واجب الطاعه، دارای اشراف و آگاهی از اعمال ما و مهربان تر از ما به خودمان هستند. باید به آنچه درباره ایشان در قرآن و روایات آمده باور و ایمان داشته باشیم و در پایان از خود حضرت معرفت زیارتشان را طلب کنیم تا ان شاء الله امام رضا (علیه السلام) زیارت با معرفت خود را به ما عنایت فرمایند. قطعا در هنگام زیارت هر چه انسان به مرقد حضرت نزدیک تر باشد بهتر است. اما اگر نزدیکی به ضریح مطهر موجب مزاحمت برای سایر زائران شود این نوع زیارت توصیه نمی شود. بهتر است کمی دور تر و در یک مکان خلوت که مزاحمتی برای کسی ایجاد نکند به زیارت بپردازیم.



حجت الاسلام والمسلمین آقا تهرانی

زیربنایی ترین پایه و مبنای اخلاق اسلامی

معروف است وقتی حضرت امام (ره) می خواستند عقد دختر و پسری را بخوانند، سفارش به سازش و تحمل یکدیگر می کردند.

بر اساس روایات اهل بیت (ع)، آدم های عاقل بهتر می توانند دیگران را درک و تحمل کنند، در بسیاری از موارد، پیامبر

اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) با مردم با مدارا و ملامت رفتار می کردند تا زمینه هدایت آن ها را فراهم کنند.

وی گفت: جمله «آنچه را که برای خود می پسندی برای دیگران هم بیسند و آنچه را که برای خود نمی پسندی، برای دیگران هم نیسند» زیربنایی ترین پایه و مبنای اخلاق اسلامی به شمار می رود که در کلام اهل بیت (ع) به شیوه های مختلف بیان شده است.

خوش خلقی یکی از مهمترین رفتارهای فردی و اجتماعی به شمار می رود که در پر تو آن، سعادت فرد و خانواده رقم می خورد، با خوش خلقی به راحتی می توان مشکلات را برطرف و اصول تربیتی را نهادینه کرد.



آیت الله ری شهری

احیای مکتب اهل بیت

هر کس به مجلس اهل بیت (ع) خدمت می کند مشمول این دعای حضرت رضا (ع) می شود که «خدا رحمت کند هر کس را که امر ما را زنده نگه می دارد».

حجت الاسلام والمسلمین ری شهری گفت: امام رضا (ع) در سخنانی می فرمایند بیان سخنان ما برای مردم موجب احیای مکتب ما می شود و اگر آنان بدانند ما چه می گوئیم حتما دنبال ما می آیند.

وی گفت: استفاده از هنر برای انتقال فرهنگ اهل بیت (ع) به نسل جوان ایران و جهان در دهه کرامت لازم است. ضمناً سخنان حضرت رضا (ع) در قالب فیلم های یک یا ۲ دقیقه ای برای جوانان و مردم بیان شوند.



حجت الاسلام والمسلمین رفیعی

نگاه به ضریح هم زیارت محسوب می شود

بعد از به دنیا آمدن امام رضا (علیه السلام)، موسی بن جعفر (علیه السلام) خطاب به نجمه خاتون گفتند این فرزند برای شما برکت زیاد دارد، این فرزند بقیه الله است و بهترین انسان روی زمین است. زائران، همین قدر که در حرم حاضر و به ضریح نگاه کنند، زائر محسوب می شوند. پیامبر

اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند هر کس پاره تن من در توس را زیارت کند، برای او دواثر وجود دارد؛ یکی اینکه هر غم دیده ای و هر داغ دیده ای و هر دلی که اندوه دارد و محزون است، اگر او را زیارت کند حزنش از میان می رود و دوم اینکه هر گناه کاری که کنار این حرم بیاید، آمرزیده از این حرم می رود. در روایت دیگری نیز ایشان فرموده اند هر کس پاره تن من در توس را زیارت کند گویا یک حج رفته و شاید تا ۷۰ حج ثواب داشته باشد. علاوه بر این، کرامات و اتفاقات امام رضا (علیه السلام) برای غیر شیعیان نیز بسیار زیاد است، شیخ صدوق کتاب بسیار مناسبی در زمینه امام رضا (علیه السلام) به نام عیون دارد و باید این کتب را مطالعه کرد.



حجت الاسلام والمسلمین ماندگاری

باطن واجبات هزینه اعزام به بهشت است

باید بپذیریم که فهم ما هنوز در زمینه امر به معروف و نهی از منکر بالا نرفته است و اگر می خواهیم فهم مان در این زمینه افزایش یابد، باید چند امر را انجام دهیم. اگر می خواهیم نهضت امر به معروف اتفاق افتد

و آسیب های منکر در جامعه کاهش پیدا کند، باید چشم مردم به باطن واجبات باز شود. باطن واجبات هزینه اعزام به بهشت است، باید بدانیم که خداوند نیازی به نماز ما ندارد. وی تصریح کرد: پیامبر گرامی اسلام در بدترین زمان که عصر جاهلیت بود به نهی از منکر پرداختند و توانستند مردم را که متعصب جاهلی بودند به افراد دینی تبدیل کنند. مهم ترین ویژگی امر به معروف این است که فرد خود عمل گرا باشد؛ امر به معروف زمانی باید صورت گیرد که فرد خود طاهر باشد نه اینکه بخواهد با گناه دیگران را امر به معروف کند. اگر قرار است امر به معروف و نهی از منکر صورت گیرد، ابتدا باید از خود و سپس خانواده شروع کنیم.

پرونده ویژه

سیره معین الضعفا

مادران آسمانی^(۱)

برگی از فضایلِ عروسِ امام صادق علیه السلام

عبدالکریم پاک نیا تبریزی (پژوهشگر تاریخ اهل بیت (ع)): در فرهنگ اسلامی، مادر جایگاه ویژه‌ای دارد و طبق آیات و روایات منزلت مادر یک موقعیت استثنایی است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در یک جمله زیبا مقام و منزلت حقیقی مادر را چنین بیان می‌فرماید: «تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛ زیر پای مادران باغی از باغ‌های بهشت است» [۱]. این کلام بزرگ رهبر جهان اسلام، نهایت تکریم مقام مادر است، یعنی هر کس بخواهد به عالی‌ترین مقامات انسانی دست یابد، باید مادر خود را تکریم کند و دست از دامنش بر ندارد. در این میان مادران معصومین (علیهم السلام) در اوج منزلت قرار دارند و این حاملان نور معصومین، ویژگی فوق العاده‌ای داشتند که وجودشان به عنوان ارحام مطهره رویشگاه بهترین انسان‌های هستی قرار گرفت. همچنانکه در زیارتشان شهادت می‌دهیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورَ أَفَى الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تَنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تَلْبَسْكَ مِنْ مَدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا؛ گواهی می‌دهم که شما در اصلااب عالی پاک پدران و ارحام مطهر مادران، نور پاک الهی بودید و هرگز مقام شما آلوده به ناپاکی‌های جاهلیت نگردید و عباری از شرک‌های عصر جاهلیت بر دامن شما ننشست» [۲].

بر آن شدیم تا در هر شماره مجله زائر به معرفی یکی از مادران آسمانی ائمه اطهار علیهم السلام بپردازیم:

نجمه خاتون حامل نور امامت

نجمه خاتون همسر امام کاظم (علیه السلام) و مادر امام رضا (علیه السلام) و فاطمه معصومه (س)، از جنس چنین مادران آسمانی است و جایگاه خاصی دارد. او که کنیزی از اهالی مغرب (حدود آفریقا و اندلس) [۳] به نام تکتم بود، توسط حمیده همسر امام صادق (علیه السلام) وارد فضای معنوی آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) گردید و در خاندان ولایت «نجمه» نامیده شد. در منابع حدیثی، از وی با نام‌های سگن، خیزران، صقره، اروی، ام البنین و طاهره نیز یاد شده است [۴]. یکی از شاعران زمان امام رضا (علیه السلام) نیز، در مدح آن حضرت و مادرش، چنین سروده است:

أَلَا إِنَّ خَيْرَ النَّاسِ نَفْسًا وَوَالِدًا
وَرَهْطًا وَأَجْدَادًا عَلَى الْمَعْظَمِ
أَتَنَّا بِهِ لِلْعِلْمِ وَالْحُكْمِ ثَمَانًا
إِمَامًا يُؤَدِي حُجَّةَ اللَّهِ تَكْتَمِ

بدانید که بهترین مردم از حیث ارزش ذاتی و مقام پدر و اصل و نیاکان، امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) شکوهمند است

که بانو «تکتم» این هشتمین حجت خدا را که مظهر علم و حلم است برای ما به ارمغان آورد و او پیشوای انسان‌هاست.

ورود به خانه اهل بیت (ع)

در مورد ورود آن مخدیره به منزل اهل بیت (ع) دو روایت مختلف ذکر شده است: السلف: در روایت علی بن میثم آمده است که: حمیده مصفاة مادر امام کاظم (علیه السلام) - در میان کنیزان، دختر صالح، خردمند و نیکویی به نام «تکتم» را برگزید [۵]. حمیده می‌گوید: در عالم خواب، پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را مشاهده نمودم که فرمود: ای حمیده! نجمه، سزاوار پسر موسی است؛ زیرا از این دختر برای موسی، فرزندی متولد خواهد شد که بهترین فرد روی زمین است. حمیده خاتون

پس از آن رؤیای صادقه یک روز فرصت را غنیمت شمرده و به پسر ارجمندش امام موسی کاظم (علیه السلام) چنین گفت: پسر من! همانا تکتم (نجمه) کنیز است؛ اما من هرگز کنیزی بهتر از او ندیده‌ام! لذا تردید ندارم خداوند متعال به زودی نسلی پاک به وی عطا می‌کند، البته اگر برای او نسلی [مقدر] بوده باشد. فرزندم! هم اکنون او را به تو بخشیدم و سفارش می‌کنم تو را به نیکی و محبت ورزیدن به او» [۶].

ب: در روایت هشام بن احمد می‌خوانیم: امام کاظم (علیه السلام) روزی به من فرمود: آیا می‌دانی که از اهل مغرب، کسی به مدینه آمده است؟ گفتم: نه. فرمود: چرا، مردی آمده است! بیا با هم نزد او برویم. سپس حضرت سوار بر اسب شد و ما نیز سوار شدیم و حرکت کردیم تا این که به نزد آن مرد مغربی رسیدیم. حضرت به او فرمود: همراهانت را به ما نشان بده. در این هنگام مرد ۹ کنیز را آورد، اما حضرت دوباره بعد از لحظاتی فرمود: همراهانت را به ما نشان ده. مرد مغربی گفت: غیر از اینها، کنیزی ندارم. اما امام کاظم (علیه السلام) همان مطلب را تکرار کرد؛ لذا فروشنده گفت: سوگند به خدا! دیگر جز کنیزی بیمار ندارم. حضرت پرسید: پس، چرا او را نشان نمی‌دهی؟ مرد از نشان دادن کنیز امتناع کرد، امام



کاظم (علیه السلام) نیز منصرف شد. هشام بن احمد در ادامه می گوید: فردای آن روز، حضرت مرا به حضور خواست و فرمود: هم اکنون نزد آن برده فروش برو و از او بپرس بهای آن کنیز چقدر است؟ هر مبلغی که معین کرد، بگو می پذیرم. آنگاه من نزد مرد مغربی رفتم و آنچه امام گفت را انجام دادم. مرد به من گفت: کنیز را به تو فروختم؛ اما آن مردی که دیروز همراهت آمده بود، چه کسی بود؟ گفتم: مردی از تبار بنی هاشم. پرسید: از کدام خاندان بنی هاشم؟ گفتم: بیش از این نمی دانم.

در این موقع گفت: حالا تو گوش کن! همانا این کنیز جوان، داستانی دارد: وقتی او را از دورترین نقاط مغرب خریدم، در مسیر بانویی از اهل کتاب (مسیحی یا یهودی) با من ملاقات کرد و پرسید: این دختر ممتاز، همراه تو چه می کند؟! گفتم: او را برای خود خریده ام. بانوی اهل کتاب گفت: سزاوار نیست این کنیز جوان همراه فردی مانند تو باشد. بلکه او شایسته، همسری بهترین مرد روی زمین است. چرا که پس از سپری شدن مدت زمانی از زندگی مشترک این کنیز و آن مرد، پسری از آنان متولد خواهد شد که شرق و غرب عالم در مقابلش خاضع خواهند شد. هشام بن احمد در پایان می گوید: «آن کنیز (نجمه) را نزد امام کاظم علیه السلام بردم» [۷].

در مکتب حمیده خاتون

حمیده مادر امام کاظم (علیه السلام) وقتی با نجمه خاتون آشنا شد و از کمالات اخلاقی و صفات والايش خبردار شد او را به همسری فرزندش امام کاظم (علیه السلام) برگزید. حضرت نیز برای تربیت فرزندان صالح همسری با چنین بانویی را پذیرفته و برای فرزندانش مادری شایسته انتخاب کرد. هنگامی که نجمه خاتون به خانه اهل بیت (علیهم السلام) راه یافت از محضر حمیده (مادر امام هفتم) مسایل اسلامی و معارف الهی را به نحو شایسته ای فرا گرفت. او از نظر عقل و هوشیاری و دین مداری از بلند مرتبه ترین بانوان عصر خود بود [۸]. جناب حمیده گفته است: من در خواب رسول خدا را زیارت کردم. آن گرامی به من فرمود: ای حمیده! نجمه را به همسری پسررت موسی، برگزین که از او به زودی بهترین شخصیت روی زمین به دنیا خواهد آمد. من نیز طبق این دستور نجمه را به همسری پسرم موسی انتخاب کردم [۹]. مادر امام کاظم (علیه السلام) در مورد انتخاب چنین همسری به فرزندش موسی بن جعفر گفت: پسرم! همسرت دوشیزه ای است که بهتر از آن سراغ ندارم. پسرم! به اطرافیان هم توصیه کن که به او خوبی کنند [۱۰]. مدت زمانی از حضور نجمه در خانه اهل بیت سپری شد؛ حمیده که خود نیز روزگاری کنیز بوده و با

توفیق الهی، شایستگی همسری امام صادق علیه السلام را پیدا کرده بود؛ به عنوان «مادر» آرزو داشت برای عزیزترین پسرش، امام کاظم (علیه السلام) عروسی پاک، مهربان و شایسته انتخاب کند. نجمه خاتون بهترین گزینه حمیده بود.

فضایل عروسی امام صادق (علیه السلام)

الف: شکوفه های آسمانی

از دواج امام هفتم (ع) با نجمه خاتون برکات فراوانی را نصیب مسلمانان کرد و ثمرات ارزشمندی داشت. چه فضیلتی بالاتر از اینکه جناب نجمه خاتون در دامن خود دو شخصیت تأثیرگذار جهان اسلام را تربیت کرده و مادر دو شخصیت وارسته ای است که در جهان اسلام کانون توجه عاشقان کمال و معنویت هستند و هر روزه میلیون ها زائر از اقصی نقاط جهان دل به مزار آنان می سپارند. آری این بانوی با عظمت همنشین امام هفتم و مادر هشتمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت و مربی حضرت معصومه (س) کریمه اهل بیت (ع) است. همچنین نجمه خاتون ام الائمه و مادر پنج امام معصوم هم محسوب می شود چرا که ایشان مادر بزرگ امام جواد و امام هادی و امام عسکری و حضرت مهدی (علیها السلام) هستند.



ب: متین و پر محتوا

یکی از لقب‌های معروفی که مورخان و محدثان برای آن بانو ذکر کرده‌اند، «سمانه» است [۱۱]. سمانه در کلام عرب از «سمین» و «سمینه» و معنای حقیقی آن به معنای سخن متین و پر معنی آمده است و نام مادر حضرت امام‌هادی (علیه‌السلام) نیز «سمانه» بوده است. البته معنای دیگر آن رفعت مقام و بلندی مرتبه انسانی است، از این لقب، فهمیده می‌شود که آن حضرت از لحاظ علمی و معنوی و کمالات در رتبه عالی قرار داشته است.

ج: نرم‌خو و ثابت قدم

یکی دیگر از لقب‌های آن بانوی مکرمه «خیزران» است [۱۲]. «خیزران» در لغت، دو معنا دارد: اول: صفت نرم‌خوبی و مهربانی و تواضع. دوم: صفت راست قامتی و استواری. که هر دو معنا در مورد نجمه خاتون صدق می‌کند. طبق معنای اول، آن بانو، زنی مهربان و متواضع و نرم‌خو و طبق معنای دوم، ایشان در باورهای خویش راست قامت و دارای عزم و اراده استوار بوده است.

د: عقل و دیانت

«نجمه» وقتی عروس خانم امام صادق (علیه‌السلام) شد و با خاندان رسالت و امامت آشنا شد خیلی زود بارفتار نیکویش محبت و توجه دیگران را به خود جلب کرد. در این باره، علی بن میثم می‌گوید: نجمه از جهت عقل، دیانت و بزرگداشت مقام مخدوم و مولایش «حمیده مصفا» جزو بهترین بانوان شمرده می‌شد [۱۳].

ه: محرم رازهای

بزرگ‌ترین موهبتی که حضرت نجمه خاتون دارا بود، بعد از شناخت حق و معارف الهی افتخار حمل نور حجت خدا و درک رازهای غیبی است. مادر امام رضا (علیه‌السلام) ظرفیت استماع رازهای غیبی را دارا بود [۱۴]. عظمت این بانوی نورانی به حدی است که صدای تسبیح و تهلیل فرزند را در دوران بارداری می‌شنود و این نمایانگر طهارت باطنی او است. وقتی گوش انسان از شنیدن سخنان بی‌پهوده و غیر الهی پاک بماند، به یقین شنوای سروش غیبی خواهد بود و صدای ملائکه الهی و همچنین تسبیح موجودات عالم را می‌شنود.

و: در محراب عبادت

حضرت نجمه خاتون در عبادات و مناجات حق تعالی آنچنان راغب و مشتاق بود که وقتی فرزندش امام رضا (علیه‌السلام) به دنیا آمد، برای شیر دادن حضرتش دایه‌ای کمک‌ی در خواست کرد وقتی

به او گفتند: آیا شیرت کم شده؟ نجمه گفت: مَا أَكْذِبُ وَ اللَّهُ مَا نَقَصَ الْدَّرَّ وَ لَكِنَّ عَلَيَّ وَرْدٌ مِنْ صَلَاتِي وَ تَسْبِيحِي وَ قَدْ نَقَصَ مِنْهُ وَلَدْتُ؛ نه خیر شیرم کم نشده، به خدا قسم دروغ نمی‌گویم، ولی نوافل و ذکرهایی که قبل از تولد فرزندم داشته‌ام و به آنها عادت کرده بودم، به خاطر شیر دادن کم شده است، از این رو می‌خواهم کسی من را در امر شیر دادن یاری کند تا بتوانم دوباره آن عبادات و مناجاتم را شروع کنم [۱۵]. این جریان، به خوبی نشان دهنده شدت علاقه او به عبادت و راز و نیاز با خدای یکتاست. او آن چنان عاشق عبادت بود که نمی‌خواست شیر دادن به فرزند، مانع راز و نیاز او باشد.

ز: شاخه‌ای از کوثر

آن روز که ابراهیم یگانه فرزند حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) در هفده ماهگی در مدینه طیبه رحلت کرد و در بقیع به خاک سپرده شد، گروهی از منافقان و دشمنان مرگ وی را علامت بریده شدن نسل رسالت و نابودی اسلام دانستند و با کنایه و زخم زبان دل حضرت را آزرده. این موضوع به شدت پیامبر (ص) را افسرده کرد در نهایت به نزول سوره مبارکه کوثر انجامید. اعجاز این سوره منحصر در حسن و حسین (علیه‌السلام) نبود، بلکه در نسل‌های بعدی نیز همین معجزه الهی جریان یافت. نجمه مصداقی از اعجاز سوره کوثر است. او کوثری جوشان است که نسل نبوت و امامت را زنده نگاه داشت. نجمه خاتون در تداوم شکوفه‌های معطر نسل کوثری نقش بی‌بدیلی دارد و دو گل زیبا و با برکت امام موسی (علیه‌السلام) و امامان بعدی در دامن او تربیت شدند.

روزگار هجران

این بانوی مکرّم اسلام بعد از عمری تلاش در پاسداری از خاندان اهل بیت (ع) و تربیت و تحویل فرزندان شایسته به

دنیای اسلام به سوی معبود شتافت. البته از زمان وفات نجمه خاتون گزارشی در دست نیست، اما محل دفن وی طبق گزارشی در مسجد و «مشر به ام ابراهیم» [۱۶] واقع در منطقه «العوالی» در شرق قبرستان بقیع در شهر مقدس مدینه است. علاوه بر مادر امام رضا (علیه‌السلام) قبر حمیده خاتون همسر امام صادق (علیه‌السلام) نیز در آنجا قرار دارد [۱۷]. در روایات اهل بیت، زیارت و نماز خواندن در مسجد و مشرب به ام ابراهیم بسیار تأکید شده است و این مکان مقدس همواره مطاف عاشقان اهل بیت (ع) بوده است، چنانکه امام صادق (علیه‌السلام) به معاویه بن عمار، زیارت چند مکان در مدینه را توصیه کرد که از آن جمله، زیارت مشرب به ام ابراهیم است [۱۸].

پی نوشت:

- ۱- مستدرک الوسائل، ج ۵: ۱۸۱
- ۲- مصباح المتعبد، سلاح المتعبد، ج ۲: ۲۲۱
- ۳- مناقب آل ابی طالب (ع)، ج ۴: ۳۶۷
- ۴- عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱: ۱۶
- ۵- عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱: ۱۵
- ۶- بحار الانوار، ج ۴۹: ۵
- ۷- همان: ۸
- ۸- عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱: ۱۲
- ۹- همان
- ۱۰- مسند الامام الرضا (ع)، ج ۱: ۱۲
- ۱۱- عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱: ۱۶
- ۱۲- مناقب آل ابی طالب (ع)، ج ۴: ۳۶۷
- ۱۳- بحار الانوار، ج ۴۹: ۵
- ۱۴- همان: ۹
- ۱۵- عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱: ۱۵
- ۱۶- مشرب به باغی بوده که در میان آن صُفّه یا غرّفه‌ای بوده و در این محل «مار به قبطیه»، ابراهیم فرزند رسول خدا را به دنیا آورده است
- ۱۷- این مسجد و مشرب به اکنون با یک دیوار سیمانی محاصره شده و اطراف آن قبرستان اهالی آنجاست (آثار اسلامی مکه و مدینه: ۲۶۳؛ المدینه بین الماضی والحاضر: ۴۲۶)
- ۱۸- کافی، ج ۴: ۵۶۰

واکاوی مواجهه سیاسی امام رضا(علیه السلام)

با حکومت طاغوتی بنی عباس در گفت و گو با آیت الله محمود رجبی:

ولایت، با حاکمان مستبد و متکبران جهان سازش ندارد



سهیلا انصاری: حضرت علی (علیه السلام) تنها امامی بود که مدت کوتاهی اداره حکومت را در دست داشتند. اما امام رضا (علیه السلام) با توجه به موقعیتی که در دوره ایشان بر جامعه اسلامی حکمفرما بود مجبور شدند برای مدتی ولایت عهدی مأمون خلیفه عباسی را بپذیرند. البته این ترفندی که مأمون به کار بست تا به نوعی هم امام را در دربار به بند کشد و هم شأن و موقعیت آن حضرت را زیر سؤال برد. اما نحوه مواجهه امام تمام توطئه‌های دربار استکبار را خنثی می‌کند و به این ترتیب با روشی فرهنگی و دینی، اعمال طاغوت زمان خود یعنی حکومت بنی عباس را زیر سوال می‌برند.

از همین رو فرصتی دست داد تا در این شماره ماهنامه زائر با موضوع «واکاوی ابعاد استکبارستیزی امام در مواجهه و تعامل با مأمون و رجال عباسی» به سراغ آیت... محمود رجبی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برویم و نظر وی را در این باره جویا شویم.

سیره عملی و رفتار آن حضرت الگویی برای نشان دادن مکتب صحیح و سبک زندگی درست و راستین اسلامی به شمار می‌رود که حتی نسبت به مسأله سبک زندگی، ایشان بهترین شیوه را در حوزه مناظرات عرضه نمودند

باشیم و از آن الگو بگیریم؟

با توجه به اینکه امام رضا(علیه السلام) محبوبیت بسیار گسترده‌ای در جامعه اسلامی داشتند حاکمان آن دوره از نفوذ ایشان وحشت کردند و برای اینکه مانع نفوذ امام در جامعه باشند، جامعه‌ای که ممکن است گروه‌هایی معارض با حاکمیت غاصب وقت بوده باشند، حکومتی که حق خاندان اهل بیت(علیهم السلام) را غصب کرده بود برای اینکه از خطر مصون باشند امام رضا(علیه السلام) را به اجبار از مدینه به مرو یا خراسان امروز منتقل کردند. بدین ترتیب می‌خواستند حضرت تحت نظارت و کنترل آن‌ها باشد و همچنین ارتباطات ایشان را با محیط پیرامون محدود نمایند.

امام رضا(علیه السلام) در مسیر خود از مدینه به خراسان، در واقع مبارزه خود را با حاکمیت وقت آغاز کردند و با یک بیان بسیار مهم آوازهای گسترده ایجاد نمودند. وقتی حضرت به نیشابور رسیدند مردم زیادی به استقبال ایشان آمدند و دانشمندان و اندیشمندان فراوانی از مذاهب مختلف،

امام با تربیت شاگردان زیادی توانستند یک جامعه علمی که پاسخ‌گوی شبهات و تهاجمات باشد را تربیت کردند.

سیره عملی و رفتار آن حضرت الگویی برای نشان دادن مکتب صحیح و سبک زندگی درست و راستین اسلامی به شمار می‌رود که حتی نسبت به مسأله سبک زندگی، ایشان بهترین شیوه را در حوزه مناظرات عرضه نمودند.

بنابر این امام رضا(علیه السلام) در مبارزه با تهاجم فرهنگی نیز چه در مسایل بنیادی و چه در مسایل روبنایی از طریق اندیشه و عمل مبارزات جدی داشتند و فرهنگ اسلامی را در جامعه زمان خود به خوبی نشان دادند.

امام رضا(علیه السلام) با چه

شیوه‌ای توطئه‌های مأمون و حکومت وقت را بر ملا می‌کردند؟ و اگر بخواهیم اوج استکبارستیزی در سیره سیاسی - اجتماعی امام را بررسی کنیم به کدام فراز از زندگی ایشان باید توجه داشته

باتوجه به شرایط خاص زندگانی امام رضا(علیه السلام) و ناگزیر بودن ایشان به ارتباط با دستگاه استکباری وقت (حکومت بنی عباس) موضع‌گیری ایشان با این دستگاه چگونه بود؟

امام رضا(علیه السلام) در زمان حیات خود، مبارزات چشم‌گیری در عرصه‌های مختلف با مخالفان اسلام داشتند و از به انحراف کشیدن افکار و عقاید اسلام به وسیله دشمنان دین ممانعت کردند و می‌توان گفت به روش‌های مختلف با تهاجم فرهنگی مقابله نمودند.

آن حضرت از یک سو اندیشه‌های ناب اسلام و مکتب اهل بیت(علیهم السلام) را به وسیله شاگردان خود در اقصی نقاط کشور اسلامی انتشار می‌دادند و از طرف دیگر مناظرات فراوانی با دانشمندان فرقه‌ها و نحله‌های مختلف فکری داشتند و با منطق خودشان باطل بودن اندیشه‌های این فرقه‌ها را اثبات می‌کردند و حقانیت اندیشه اسلامی و فرهنگ اهل بیت(علیهم السلام) را اثبات نمودند.



شیعه و سنی در پای رکاب حضرت حضور پیدا کردند و چنانکه در تاریخ ثبت شده است، اشکریزان از آن حضرت تقاضا کردند که حدیثی از جانشان برای آن‌ها روایت کند. اینجاست که امام رضا (علیه السلام) حدیث سلسله الذهب را بیان نمودند. ایشان با اشاره به این حدیث فرمودند که اعتقاد به توحید در عبودیت مستحکم الهی است و هر کس وارد آن شود از عذاب الهی در امان خواهد بود. امام این حدیث را در بهترین شرایط به وجود آمده عنوان نمودند از این رو تأثیر بسیاری در مخاطبان داشت.

امام در ادامه این حدیث فرمودند، اعتقاد به توحید در صورتی موجب امنیت و مانع از عذاب الهی می‌شود که شرایط آن نیز مهیا باشد و فرمودند «یکی از آن شرایط من هستم». بدین معنی که هر کس ولایت من را به عنوان امام نپذیرد و تابع حکومت جاعل و غاصب باشد در پیشگاه الهی مسؤول خواهد بود و خداوند در روز قیامت وی را مجازات می‌کند.

به این ترتیب امام رضا (علیه السلام) با این بیانات، غاصب و ناحق بودن حکومت عباسی را به مردم نشان می‌دهد و حقانیت مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را برای توده جامعه اسلامی بیان می‌کنند. این امر می‌تواند مهم‌ترین مبارزه امام در شرایط سختی که ایشان در آن به سر می‌بردند، به شمار رود.

سخنان امام رضا (علیه السلام) در اقصی نقاط جامعه اسلامی انتشار یافت و حدیث سلسله الذهب نیز به دلیل محبوبیت ایشان و نحوه بیان شان، توجه دانشمندان و اندیشمندان آن زمان را از هر فرقه و نحله‌ای به خود جلب کرد و این حدیث از طریق آن‌ها در اختیار توده مردم قرار گرفت. بدین ترتیب افراد به باطل بودن حکومت وقت پی بردند.

هنگامی که امام رضا (علیه السلام) به خراسان رسیدند و خرقة ولایت عهدی به حضرت داده شد ایشان با بیانات خود هنگام پذیرش ولایت عهدی، با این شرط که هیچ‌گونه مداخله‌ای در امور حکومتی نخواهند داشت باز هم بر غلط بودن حکومت و طریقه آن تأکید کردند.

در کتاب تاریخ نیشابور آمده است: در سفر حضرت رضا (علیه السلام) به خراسان، کجاوه امام وارد نیشابور شد و در حال عبور از بازار بود که دو نفر از روابیان احادیث به نام‌های «بوذرعه» و «محمد بن اسلم طوسی» جلو آمدند و به امام عرض کردند: «ای امام و فرزند امامان، ای سلاله پاک فاطمه زهرا، ای چکیده پرثمر نبوت! به حق پدران گرامی‌ات، صورت مبارک و پر نور خود را به ما بنمایان و حدیثی از جد بزرگوارت برای ما بگو!»

امام فرمود کجاوه را متوقف کنند، سپس سایبان را کنار زد و چشم مسلمانان به جمال نورانی‌اش منور شد.

مردم همه روی پا ایستادند. صدای گریه از هر سو بلند شد و اشک شوق از دیده‌ها فروریخت. گروهی خود را به خاک می‌افکندند، عدای افسار مرکبش را بوسه می‌زدند، یا گردن می‌کشیدند تا صورت مبارک امام را ببینند.

از دحام و غوغا تا ظهر طول کشید و مردم همچون سیل اشک می‌ریختند تا سرانجام بزرگان قوم فریاد زدند: «ای مردم! گوش فرادهید و فرزند رسول خدا را آزار ندهید که این کار آزار رسول

خداست».

مردم ساکت شدند و به نقلی ۲۴ هزار و به نقلی ۱۱ هزار قلم و دوات آماده شد تا حدیث امام را بنویسند. این حدیث شریف بعدها به حدیث سلسله الذهب (سلسله طلا) معروف شد؛ چون روابیان آن حدیث همه از معصومین (رسول خدا و ائمه) و جبرئیل (علیهم السلام) هستند.

بوزرعه و محمد بن اسلم نیز مأمور شدند تا حدیث را برای افرادی که صدای امام را نمی‌شنیدند با صدای بلند تکرار کنند.

امام رضا (علیه السلام) این چنین آغاز کرد: «پدرم، موسی بن جعفر الکاظم، برای من روایت کرد از قول پدرش، جعفر بن محمد الصادق، از قول پدرش، محمد بن الباقر، از قول پدرش، علی بن الحسین زین العابدین، از قول پدرش، حسین بن علی که در سرزمین کربلا شهید شد، از قول پدرش، امیر المؤمنین علی بن ابیطالب که در کوفه شهید شد، از قول برادر و پسر عمویش، محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، از قول جبرئیل که خداوند فرمود: «کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی ومن دخل حصنی امن من عذابی» کلمه توحید (لا اله الا الله) دژ و حصار محکم من است هر کس آن را بگوید، داخل حصار من شده و هر کس داخل قلعه و حصار من شود، از عذاب من در امان است.

سپس حضرت فرمود: «آری، خداوند راست فرمود و جبرئیل و رسول خدا و ائمه اطهار (علیهم السلام) همه راست گفته‌اند».

در این هنگام کجاوه امام به راه افتاد ولی امام اشاره کرد کجاوه را نگه دارند و فرمودند: «بشرطها و انا من شروطها» اما در صورتی که به شرط‌های آن عمل شود، و من یکی از آن شرط‌ها هستم.

فرمایش امام به این معنی است که توحید در صورتی مقبول در گاه خداوند است که همراه با پذیرش ولایت اهل بیت (علیهم السلام) باشد.

یکی از اهداف مأمون از ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) این بود که حاکمیت خود را تثبیت کند و چنان به او نزدیک شود که به راحتی بتواند او را از زندگی اجتماعی محروم سازد و بدین ترتیب مردم را از او دور کند تا آنان تحت تأثیر شخصیت، علم، حکمت و درایت امام قرار نگیرند.

از این مهم‌تر آنکه مأمون قصد داشت امام را از شیعیان و دوستانش نیز جدا سازد تا با قطع رابطه‌شان دچار پراکندگی شوند و دیگر نتوانند دستورهای امام را به عنوان الگوهای زندگی دریافت نمایند. اما حضرت نیز با درایتی که داشتند به توطئه‌های مأمون پایان دادند.

● آیا در حال حاضر که استکبار جنگ نرم را در پیش گرفته است می‌توانیم با تأسی بر سیره امام رضا (علیه السلام) در مبارزه با طاغوت پیروز شویم؟

عملکرد امام رضا (علیه السلام) در مقابله با استکبار ستیزی، همان محوریت ولایت است که در بیانات امام رضا (علیه السلام) هم وجود داشت امروزه نیز ولایت امری برای مقابله در برابر استکبار می‌تواند باشد. اگر بتوانیم نظریه ولایت فقیه را در بالاترین حد امکان تبعیت کنیم و اعتقاد داشته باشیم، بهترین شیوه مبارزه با استکبار را خواهیم داشت.

رهنمودهای مقام معظم رهبری می‌تواند راهبرد اساسی و راهنمای عمل ما در زمینه استکبار ستیزی باشد. بنابراین محوریت ولایت فقیه نیز نکته‌ای است که امام رضا (علیه السلام) بر آن تأکید ویژه داشتند. همچنین حضرت در عمل نشان دادند به هیچ عنوان ولایت با حاکمان مستبد و متکبران جهان سر سازش ندارد.

امروزه وظیفه ما تبعیت از رهبری و فرامین ایشان است و ما باید در اجرای رهنمودهای رهبری به طور تمام و کامل سرمایه‌گذاری و نیروها را بر محور ولایت فقیه بسیج کنیم؛ آن زمان است که در برابر استکبار به پیروزی کامل دست خواهیم یافت.

رمز پیروزی مادر انقلاب و جنگ تحمیلی و همچنین در بحران‌های مختلفی که استکبار پس از رحلت حضرت امام (ره) برای نظام ما و جهان اسلام طراحی کردند، همان تبعیت از ولایت و رهنمودهای رهبری بود که توانستیم تهدیدها را به فرصت تبدیل کردیم و امروز به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در سطح جهان مطرح باشیم. تمام این‌ها به برکت نظریه ولایت فقیه است که امروز عزتمند در جهان معرفی می‌شویم. بنابراین شیوه‌ای که می‌توان از امام



عملکرد امام رضا(علیه السلام) در مقابله با استکبار ستیزی، همان محوریت ولایت است که در بیانات امام رضا(علیه السلام) هم وجود داشت امروزه نیز ولایت امری برای مقابله در برابر استکبار می تواند باشد

مقام معظم رهبری، مکرر به این امر اشاره داشته باشند که استکبار جهانی با نظام ما، آن هم به دلیل اسلامی بودن نظام مخالفت دارد. و الا اگر هر نظام دیگری بود که مسایل هسته‌ای و سایر امور را داشت استکبار جهانی با آن‌ها هیچ کاری نداشت، یا اگر نظام مانند شیخ مرتجع منطقه اسلامی بود یا همانند عربستان سعودی اسلام آمریکایی را ترویج می کرد، به هیچ وجه با آن‌ها سر ستیزی نداشته و کاملاً سازش داشت.

تنها علتی که استکبار جهانی با نظام ما در مقام معارضه و جنگ است، داعیه داشتن اسلام ناب محمدی و مکتب اهل بیت(علیهم السلام) است و نقطه محوری تفکر اسلام ناب محمدی مسأله ولایت است. بنابراین نقطه اوج همان مسأله‌ای بود که امام در نیشابور صریحاً بیان کردند و در عمل هم در پذیرش ولایت عهدی این شرط را عنوان کردند که هیچ‌گونه مداخله‌ای در امور حکومتی نداشته باشند. وی با این روش به نامعتبر بودن حکومت آن زمان مهر تأکید زدند.

امام با اعلام نامعتبر بودن حکومتی که می خواست اسلام حقیقی در جامعه آشکار نباشد به طور علنی به مبارزه با طاغوت پرداخت و با تأکید بر مسأله ولایت در بیانات و مناظره‌های خود تفکری که امروزه در نظام جمهوری اسلامی نیز مورد توجه است را به وجود آوردند.

قشر فرهیخته تعلیم داده شود و نیز به صورت مستدل و برهانی به نسل آینده منتقل شود. بدین ترتیب باید نسلی از عمق جان معتقد به نظام اسلامی و ولایت فقیه تربیت شود که در آینده هم مبارزه با استکبار و استکبارستیزی تضمین شده باشد.

بنابر این آنچه مورد توجه است، ساخت زیربنای نظام اسلامی و ولایت فقیه است تا نظام جمهوری اسلامی بتواند تا ظهور حضرت مهدی(عج الله تعالی فرجه) با رویکرد استکبارستیزی باقی بماند و نسل‌های آینده نیز روحیه انقلاب‌گری و طاغوت‌ستیزی را در عمق جان خود داشته باشند.

امام رضا(علیه السلام) اوج استکبارستیزی را در حکومت وقت خود داشتند که از آن جمله می توان به طرح مسأله ولایت‌شان در حدیث سلسله الذهب اشاره کرد. به بیان شفاف، روشن و آشکار امام همان چیزی بود که در نیشابور نیز توجه دیگران را به خود جلب کرد. هم‌اکنون این جریان نیز به عنوان یک جریان برجسته و نیز الگویی ویژه مورد توجه اهل سنت است و جایگاه خاصی را برای آن قایل هستند.

بنابر این نقطه اوج استکبارستیزی حضرت امام رضا(علیه السلام) که مورد توجه است، به این نکته اشاره دارد که ایشان نظام‌های طاغوتی را به کل بی اعتبار معرفی کردند و تنها نظام معتبر را نظام مبتنی بر ولایت دانستند و همین امر باعث شده است که

رضا(علیه السلام) درس گرفت مسأله ولایت‌مداری و تبعیت کامل از بیانات مقام معظم رهبری است. البته نمونه‌های خارجی این مبارزه با استکبار نیز در حزب ا... لبنان است که تبعیت کامل از رهبری را در مقام فکر و اتحاد و عمل مد نظر خود قرار داده‌اند. شاهدیم که آن‌ها چگونه با دست‌های خالی و با تعداد معدود، توانستند با رژیم اشغالگر صهیونیستی مبارزه کنند و پیروز شوند.

سید حسن نصر... رمز پیروزی خود را این چنین بیان کرده است: «بالاترین رده حزب ا... تا کوچک‌ترین رزمنده حزب ا... خودش را سرباز ولایت فقیه و مقام معظم رهبری می‌داند».

ما در عمل دیده‌ایم که ولایت چگونه در مبارزه با استکبار در داخل کشور اثرگذار بوده است و این امر راه حلی است که امام رضا(علیه السلام) نیز در مسأله ولایت به حق تأکید داشتند و این امر نه تنها توسط آن حضرت تأکید شده، بلکه در قرآن نیز مسأله ولایت عدل کل اسلام و زحماتی که پیامبر(ص) برای رسالت محتمل شدند معرفی شده است. بنابر این می‌توانیم از این شیوه درس سبک زندگی داشته باشیم.

امروزه یکی از کارهای اساسی که مقام معظم رهبری در مسأله انقلابی‌گری بر آن تأکید کرده‌اند تبعیت از مبانی فکری نظام اسلامی است. این مبانی باید به صورت جدی در تمام سطوح مختلف جامعه از توده مردم تا

بررسی رفتار سیاسی امام در مواجهه با حکام عباسی در گفت و گو با دکتر سید سجاد ایزدهی

در قاموس سیاسی امام رضا علیه السلام آرمان‌ها فدای مصلحت‌سنجی نمی‌شود

محقق‌کنند که یکی از این موارد مبحثی تحت عنوان «حاکمیت سیاسی» است. از سویی دیگر می‌توان گفت در دوره امام رضا علیه‌السلام حاکمیت در فضای سیاسی غلبه دارد و اجازه نمی‌دهد نیرویی جایگزین در امور حکومتی دخالت داشته باشد. به همین دلیل اهل بیت علیهم‌السلام باید به بهترین و مناسب‌ترین شیوه در زمانه خودشان در مقابله با مواضع سیاسی رفتار نمایند و نیز بتوانند مصلحت اصلی اسلام را در جامعه خود به بهترین نحو در نظر بگیرند. شاهد هستیم که این مصلحت‌اندیشی به طور مثال در دوره امام صادق علیه‌السلام بیشتر از اینکه مبارزه با حکومت‌ها به صورت مستقیم جلوه پیدا کند به شکل مباحثات علمی و ترویج و بازخوانی مبانی دینی صورت می‌گرفت که اگر این گونه نبود کل جامعه به انحطاط کشیده می‌شد.

امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، در سن ۳۵ سالگی عهده‌دار مسؤولیت امامت و رهبری شیعیان شدند و حیات ایشان همزمان با خلافت سه تن از خلفای عباسی بود که سختی‌ها و رنج‌های بسیاری را بر امام روا داشتند. با وجود آن استبداد و خشونت وصف ناشدنی، هارون تا حدود زیادی امام را آزاد گذاشت و تسلیم خواسته‌های مخالفان این سیاست نشد؛ به گونه‌ای که حضرت با استفاده از این فرصت به اشاعه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام پرداخت. با جانشین شدن امین و تکیه وی بر مسند خلافت، فساد و تباهی به اوج خود رسید. گرچه سیاست در نظر هارون با ترس آمیخته بود اما منطق مادی قدرت را خوب می‌شناخت.

اما با به تخت نشستن مأمون و انتقال مرکز خلافت به مرو، فرصت و بستر لازم برای وقوع شورش‌ها و ابراز ناراضی‌ها در اقصی نقاط سرزمین اسلامی فراهم شد و مناطق مهمی را درگیر خود کرد. مأمون



سهیلا انصاری: قدرت و قدرت‌طلبی همیشه در بین حکام خود کامه به بسیاری از تنش‌ها در سطح جوامع منجر شده است. این امر مربوط به امروز یا دیروز نیست. به طور نمونه بنی‌امیه برای بقای حکومتش دست به جنگ‌ها و نیرنگ‌های بسیاری زد؛ به دنبال آن نیز دست‌های حکام بنی‌عباس آلوده به خون شیعیانی است که آن‌ها برای تثبیت حاکمیت خود به شهادت رساندند.

دوران امامت حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام به لحاظ سیاسی حساسیت خاصی داشت. روند تحولات سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی به گونه‌ای بود که افکار عمومی را بیش از پیش متوجه مکتب و سیره نبوی کرده که همین امر بنی‌عباس را نگران موقعیت خود ساخته بود. از همین رو مأمون امام را نزد خود آورد تا از نزدیک مراقب رفتار ایشان و پیروانش باشد. در این باب با سید سجاد ایزدهی، مدیر گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌آید.

● لطفاً در ابتدا توضیح کوتاهی از فضای سیاسی دوره امام رضا علیه‌السلام داشته باشید؟

در خصوص سیره سیاسی باید گفت سیره سیاسی هر فرد تابع اوضاع و شرایط زمانه خودش است و هر اندیشمند سیاسی به معنای عام و خاص براساس آن رفتار می‌کند. طبیعتاً چون رفتار خود را در ظرف زمانه و با توجه به شرایط موجود انجام می‌دهد بنابراین باید رفتارهای اندیشمندان سیاسی را با توجه به بستر و شرایط دوره خودشان ارزیابی و تجزیه و تحلیل کرد.

براساس همین معیار مشخص و بارز و با توجه به اینکه امام رضا علیه‌السلام معصوم است و از طرفی نیز عالم آل محمد است و در اندیشه و علم ایشان چه در میان شیعه و چه اهل سنت هیچ

تردید و وجود ندارد. چرا که در زمان و دوره خود مباحثات علمی زیادی با علما و اندیشمندان مکاتب مختلف انجام دادند. امام رضا علیه‌السلام شخصیتی فرهیخته به لحاظ علم و دانش هستند و از طرفی امامان همواره از سوی حاکمان تحت فشار بودند، زیرا به نوعی تهدید برای حاکمان به‌شمار می‌رفتند، بنابراین در چنین فضایی اهل بیت علیهم‌السلام و در بحث ما امام رضا علیه‌السلام باید بتوانند مبانی حداکثری دین را در جامعه خویش

که منطقی هواپرستانه و نگرشی مادی و دنیوی به قدرت داشت و ظاهراً فردی سیاست‌پیشه بود، نزدیکی به امام شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام را یگانه روزنه امید خود می‌دانست که وی را از این گرفتاری نجات خواهد داد. از این رو در یک تصمیم کاملاً سیاسی امام رضا علیه‌السلام را به ولا‌یتعهدی خویش انتخاب کرد که در نهایت با فشارهای زیادی امام با اکراه و از روی اجبار و به شکلی مشروط و ولا‌یتعهدی را پذیرفتند.

امام رضا علیه‌السلام در فضایی زندگی می‌کردند که هارون الرشید حاکم آن زمان سلطه زیادی بر جامعه اسلامی آن دوره داشت و پس از آن نیز درگیری دو برادر (امین و مأمون) و غلبه مأمون بر برادر خود باعث شد عملاً مأمون حاکمیت خود را گسترش دهد. از سویی دیگر مأمون می‌خواست امام رضا علیه‌السلام را در کنار خود داشته باشد تا بتواند رفتارهای امام را کنترل کند و مراقب عملکرد و رفتارهای ایشان باشد.

همچنین چون مأمون در ایران زندگی می‌کرد و حیطة قدرتش در این سرزمین شکل گرفته بود باید توانایی جلب شیعیان ایران به سمت خود را می‌داشت. به همین خاطر امام رضا علیه‌السلام را به اجبار به سمت خود کشاند. در چنین شرایطی امام علیه‌السلام توانایی مبارزه با وی را نداشت، چرا که مردم همراهی و همکاری نمی‌کردند و بستر لازم و کافی نیز فراهم نبود بنابراین حضرت باید به گونه‌ای رفتار می‌کرد تا از یک سو رویکرد علمی داشته باشد و از سوی دیگر فضای علمی شیعه را در جامعه ایران و جامعه اسلامی ترویج دهد و دین را در جامعه اسلامی بذرافشانی کند تا بتواند نیروهای تأثیرگذار در اسلام را پرورش دهد. بنابراین امام رضا علیه‌السلام در این شرایط باید به گونه‌ای رفتار می‌کردند که بین خود و حاکمان موجود مرزبندی کنند.

از این رو زمانی که از سوی مأمون به ایشان پیشنهاد خلافت و ولا‌یتعهدی می‌شود، امام در وهله اول این مسأله را نمی‌پذیرد و سپس که مجبور به پذیرش آن می‌شود، می‌فرماید من در هیچ یک از امور حکومتی دخالت نخواهم کرد و مسؤولیت این امور بر عهده من نیست. از سوی دیگر مشاهده می‌کنیم که امام

رضا علیه‌السلام زمانی که می‌خواهند مستقر شوند وارد دارالخلافة نمی‌شوند و در خانه‌ای کنار یک مسجد ساکن می‌شوند و در میان مردم به زندگی و فعالیت روزمره خود می‌پردازند، همچنین رفتارهای دستگاه حکومتی بنی عباس را به نقد می‌کشند و زمانی که حکومت بنی عباس به ایشان پیشنهاد می‌کند خواندن نماز عید فطر را بر عهده گیرند ایشان با ذکاوت و هوشمندی به گونه‌ای رفتار می‌کنند که نشان می‌دهد متوجه ریاکاری حکومت هستند، این امر باعث وحشت حاکمان عباسی می‌شود، امام را بر گردانده و اجازه برپایی نماز عید فطر به امامت ایشان را نمی‌دهند.

❖ رفتار سیاسی امام رضا علیه‌السلام در چنین شرایطی چگونه است؟

امام در مقابله با مأمون به گونه‌ای رفتار می‌کنند که مأمون نمی‌تواند از وجود امام رضا علیه‌السلام به نفع خود استفاده کند، بلکه عملاً به این باور می‌رسد که وجود حضرت در این فضا موجب سستی ریشه و بنیان‌های حکومتش می‌شود و حکومت بنی عباس به واسطه حضور شخص امام رضا علیه‌السلام به زودی در مسیر فروپاشی قرار خواهد گرفت.

اگر تقابل جدی بین امام با حکومت عباسی وجود نداشت و حضرت به طور آشکار در حال تضعیف حاکمیت مأمون نبود، مأمون حضرت را به شهادت نمی‌رساند بلکه از این بستر و موقعیت استفاده می‌کرد.

اگر امام رضا علیه‌السلام مثل یکی از عالمان زمان خود رفتار می‌کردند و در امر سیاست هیچ دخالتی نداشت. در امر حکومت نیز به گونه‌ای رفتار می‌کردند که حکومت بنی عباس احساس خطر نمی‌کرد، نه تنها مورد حمله‌های آنان قرار نمی‌گرفتند و به شهادت نمی‌رسیدند بلکه به عنوان یک حاکم بزرگوار دربار زندگی می‌کردند که مکتبی داشت و مورد اکرام و توجه درباریان قرار می‌گرفتند.

این نوع تعامل و برخورد با حکام عباسی و حاکمیت وقت نشان‌دهنده این امر است که امام رضا علیه‌السلام به بهترین وجه ممکن رفتار کردند و از طرفی بنیان آینده‌ای را پایه‌ریزی کردند که امروز ما

نظاره‌گر این مسأله هستیم.

به عبارتی دیگر مردم ایران عملاً با وجود امام رضا علیه‌السلام جامعه اسلامی را می‌شناسند و از روش و مسلک ایشان خط و جهت دینی می‌گیرند.

امام رضا علیه‌السلام در زمان خود گرچه در ظاهر با حکومت مأمون همکاری می‌کرد اما در اصل شاهد هستیم که نه تنها به مخالفت با حکومت مأمون پرداختند و موجب تضعیف حکومت شدند بلکه حکومت مأمون را به رسمیت نشناختند و همین امر یکی از دلایل اصلی شهادت ایشان است.

بنابراین باید رفتار و سیره سیاسی امام رضا علیه‌السلام را همچون دیگر اهل بیت علیهم‌السلام ارزیابی کنیم که با حاکمان جاهل و ظالم زمان خود موافق نبودند و حاکمیت آن‌ها را نامشروع می‌دانستند و هر یک بر اساس موقعیت زمانی خود رفتاری متفاوت داشتند؛ رفتاری متناسب با اقتضائاتی که در هر دوره وجود دارد. بنابراین چون این امام بزرگوار در فضای ایران وارد و با حاکمیت مأمون مواجه شدند و با توجه به اینکه شرایط علمی در آن زمان حاکم بود حضرت نیز سیره سیاسی و رفتاری خود را بر اساس اوضاع حکومتی بنی عباس پیش گرفتند.

❖ چگونه می‌توان با تأکید بر سیره سیاسی امام رضا علیه‌السلام از آسیب‌های حوزه سیاست از جمله مصلحت‌اندیشی و جاه‌طلبی جلوگیری کرد؟

با توجه به شرایطی که امام رضا علیه‌السلام در مرو دارند می‌توانند در جایگاهی قرار بگیرند که در موضع حاکمیت حضور داشته باشند و از همین موضع رفتار کنند. اما از آنجایی که این نوع رفتار سبب می‌شود که امام در منصب و جایگاه قدرت قرار بگیرند در حالی که قادر به تغییر فضا نیز نیستند بلکه اعمال و رفتارهای ظالمانه مأمون به ایشان مستند می‌شود در نتیجه مصلحت‌اندیشی خود را به مصلحت‌اندیشی جامعه اسلامی از حیثیت نمی‌دهند و رفتار آن‌ها از سوی امام نقد می‌شود.

در این دوره مصلحت اسلام اقتضا می‌کند امام مصلحت شخصی خویش را نادیده بگیرند. در حالی که اگر مصلحت

امام در مقابله با مأمون به گونه‌ای رفتار می‌کنند که مأمون نمی‌تواند از وجود امام رضا علیه‌السلام به نفع خود استفاده کند، بلکه عملاً به این باور می‌رسد که وجود حضرت در این فضا موجب سستی ریشه و بنیان‌های حکومتش می‌شود و حکومت بنی عباس به واسطه حضور شخص امام رضا علیه‌السلام به زودی در مسیر فروپاشی قرار خواهد گرفت



شخص ملاک بود امام در جایگاه قدرت در بالاترین موضع قرار می گرفتند و بهترین جاه و مقام را در حکومت بنی عباس به دست می آوردند.

اما حضرت هرگز با این مسایل کنار نیامدند و هرگز وارد مطامع دنیوی نشدند و در حیطه اقدامات حکومتی که در زمان مأمون وجود داشت قرار نگرفتند. ضمن اینکه ایشان مصلحت اسلام را در نظر داشتند و بر اساس مصلحت اسلامی و در مجموع مصلحت جامعه اسلامی رفتار می کردند.

بر این اساس اگر امروز کسانی در جایگاه حاکمیت قرار داشته باشند نمی توانیم بگوییم مصلحت اندیشی نکنند چرا که حکومت با مصلحت اندیشی در آمیخته است. نمی شود کسی حکومت را داشته باشد و در مواردی مصلحت اندیشی نکند. اما مسأله مهم این است که مصلحت بر چه مبنایی بنا شده باشد، آیا ملاک در مصلحت، مصلحت حفظ دین است یا مصلحت شخص و گروه.

سیره سیاسی امام رضا علیه السلام حکایت از این امر دارد که ایشان ضمن اینکه اصل مصلحت را در نظر داشتند آن را نیز به رسمیت می شناختند. نمی توان در سیاست وارد شد اما مصلحت را نادیده انگاشت. حتی مصلحت اندیشی در زندگی شخصی افراد نیز مشهود است.

امام رضا علیه السلام بعد متعالی مصلحت را مد نظر داشتند که حفظ اسلام و مصلحت هدایت جامعه اسلامی است و در سیره امام نیز رفتارها بر همین اساس بود.

در اینجا مصلحت به مثابه فرصت طلبی نیست که اگر به این منظور باشد طبعاً وقتی شخص در موضع حکومت قرار می گیرد مصلحت خود را بر بقیه امور مقدم می داند و به مطامع دنیوی بیشتر اهمیت می دهد. اما اگر مصلحت به مثابه مصلحت اسلام و جامعه اسلامی باشد طبعاً فرد مصلحت جامعه را بر مصلحت شخصی یا حزب و گروه خود مقدم می داند اگر چه مصلحت در نظر گرفته به نفع شخص یا حزب مورد نظر نباشد.

امام بزرگوار نیز در مقابله با حکومت مأمون همین رویه را در پیش می گیرد و با مأمون مسامحه نمی کند در عمل نکاتی را که باید به مأمون خاطر نشان کند در هر موقعیتی بیان می کند و بر نامشروع بودن حکومت بنی عباس تأکید دارد، همین مراعات نکردن مصلحت شخصی موجب شهادت ایشان می شود. اگر غیر از این بود امام باید مصلحت حفظ جان را در نظر می گرفت، اما این اتفاق برای امام رضا علیه السلام نمی افتد چرا که برای حفظ جان باید با حاکمیت ظالم تعامل و همکاری جدی می داشت.

بنابراین شاهد هستیم که حضرت برای حفظ اسلام، جان خود را به خطر انداختند در حالی که در بسیاری از موارد سیاستمداران جان خود را مقدم می دانند و چه بسا که با این شیوه، اسلام و جامعه اسلامی را در معرض خطر قرار می دهند.

سیاست و قدرت در بینش امام رضا علیه السلام چه معنایی داشت و بر چه مبنایی بنا شده است؟

در مقوله سیاست و قدرت نیز مبنای امام فارغ از مبنای اسلام نیست. به عبارت دیگر ما در اسلام وقتی صحبت از

قدرت می کنیم قدرت به مثابه موضوع علم سیاست شامل چهار نوع رفتار و نگرش می شود: نگرشی که قدرت را شر می داند و فرد باید از آن کناره گیری کند. اگر کسی قدرت را شر بداند و همچنین قدرت طلبها و حاکمان را شر بداند طبیعتاً باید زندگی صوفیانه را در پیش بگیرد و گوشه عزلت اختیار کند. اما نگاه امام این گونه نیست و نگاه منفی به قدرت نداشتند.

دومین نگرش نگاه خنثی به مقوله قدرت است، یعنی اگر قدرت در دست انسان های خوب باشد خوب است و اگر به دست افراد نادرست بیفتد به طور قطع بد خواهد بود. با توجه به اینکه قدرت یک ابزار است و هیچ بعد هنجاری ندارد امام رضا علیه السلام با این نگرش مخالف هستند، زیرا قدرت در اصل یکی از اسما خداوند است و خداوند قادر متعال است و قدرت دارد و نمی شود به چیزی مستند شود که ناپسند است. قدرت مقوله ای مطلوب است. البته وقتی در دست خداوند است به علت حکیم بودن خداوند، نیازی به نظارت ندارد اما در سطح پایین تر این قدرت در حالی که می تواند کارگردهای بسیار مثبتی داشته باشد اما نیاز به نظارت دارد تا در معرض خطر و فساد قرار نگیرد.

بعد دیگر قدرت که می تواند مد نظر قرار گیرد قدرت خیر محض است. یکی از دیدگاه ها این است که قدرت اگر چه شر و امری ناپسند است اما ناگزیر از آن هستیم. همچنان که غربی ها نیز این گونه رفتار می کنند و می گویند قدرت شر است، قدرت ما را مجبور می کند که کارهایی انجام دهیم که تمایلی به آن نداریم اما به خاطر حفظ نظم جامعه و امنیت مجبور هستیم آن را به رسمیت بشناسیم. این نظر به نیز در منطق امام رضا علیه السلام مورد قبول نیست. زیرا قدرت یکی از صفت های خداست و نمی تواند شر باشد. پس قدرت خیر است البته به شرطی که در راستای هدایت و سعادت جامعه قرار گیرد. امام رضا علیه السلام از یک سو وارد عرصه قدرت و حکومت می شود پس آن را شر نمی داند؛ از سویی دیگر قدرت موجود را نیز خیر مطلق نمی داند، به خاطر اینکه قدرت دست کسانی قرار گرفت که نه تنها

از این قدرت سوء استفاده کردند بلکه جامعه را نیز در معرض خطر قرار دادند و امام در موضع قدرت به نقد آن ها پرداخت. در نتیجه در دیدگاه امام رضا علیه السلام قدرت امری شایسته و بایسته است اما باید در دست افراد فرهیخته باشد و در مرحله بعد قدرتمندان باید در مسندشان به دنبال رضایت و هدایت جامعه باشند و مساوات و عدالت را رعایت کنند، زیرا اگر این گونه نباشد قدرت منجر به فساد می شود و آثار و تبعات ناخوشایندی در جامعه فراهم می کند.

خصوصیات اخلاقی امام رضا در سیره سیاسی شان چگونه بود؟

در این رابطه یکی از خصوصیات بارز امام رضا علیه السلام مردمداری ایشان است و هنگامی که وارد عرصه حکومت می شوند روابط خود را با افراد جامعه و مردم ترک نمی کنند و با مردم همان گونه رفتار می کنند که بیشتر داشتند.

با وجود سمت ولایتعهدی همواره در کنار مسجد زندگی می کردند و همانند مردم عادی زندگی معمولی داشتند. با مردم غذا می خوردند و همیشه نسبت به مشکلات آن ها پاسخگو بودند و حاکمان را خادمان مردم می دانستند. این ویژگی ها از جمله خصوصیات اخلاقی امام رضا علیه السلام است که در زمان ولایتعهدی در رفتار ایشان مشاهده می شود.

در تمام مدتی که ولایتعهد بودند نوع نگاهشان به مردم تفاوت نکرده بود و با کارگزاران وقت متفاوت بودند. ایشان مبتنی بر اندیشه توحید الهی رفتار می کردند که گونه ای خاص از حاکمیت را رقم می زد، نوع رفتار اما در بطن حکومت چیزی شبیه به حاکمیت مولا علی علیه السلام بود. هر چند نوع حکومت امیرمومنان با امام رضا علیه السلام متفاوت بود و امام علی علیه السلام در مسند حکومت قرار داشتند و امام رضا علیه السلام به عنوان ولایتعهد اما نوع رفتار و کردارشان متواضعانه، پاسخگویانه و نقادانه بود.

اهمیت سیره شناسی اهل بیت (علیهم السلام) در زندگی امروزی با تأکید بر سیره اجتماعی معین الضعفا (علیهم السلام)

آرش ضیایی هولاسو (کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث)

۱- شیعه برای پیروی از ائمه اطهار (علیهم السلام) و عمل به وظیفه خود، نیازمند شناخت «سیره» اهل بیت (علیهم السلام) است تا در رویارویی با نیازهای جدید در عصر غیبت و مواجهه با قضایای پیش رو، مطابق با الگوی رفتاری ائمه هدی (علیهم السلام) عمل و در مسیری همسو با هدف‌ها و دیدگاه‌های آنان حرکت کند تا زمینه ظهور فراهم آید.

۲- ائمه (علیهم السلام) جهانی و جاودانی می‌اندیشیدند و منطقه‌ای عمل می‌کردند ما نیز باید در راستای چنین دیدگاهی نسبت به اجتماع حرکت نموده و دغدغه‌های اجتماعی ما در بعد زمانی و مکانی بسیار بیشتر و افق دید ما وسیع تر و عمل ما دقیق تر باشد.

شناخت زندگی معصومان (علیهم السلام) دارای مراتب و مراحل است که بخشی از آن به عنوان شناخت «شخصی یا شناسنامه‌ای» مطرح است و به نام، القاب، انساب، محل و مکان زندگی و نظایر آن می‌پردازد. بخشی دیگر از شناخت «شناخت شخصیتی» نامیده می‌شود که به اجزای مختلفی از جمله شناخت فضایل، مناقب و مصائب آنان اشاره دارد.

در این میان مهم‌ترین جزء شناخت شخصیتی «اندیشه» و «نحوه عملکرد» ایشان را مورد کنکاش قرار می‌دهد. از طرفی دیگر در نگاه سطحی و دور از تدبیر و انصاف برخی افراد، گفته شده است: اهل بیت (علیهم السلام) به دلیل تحت فشار و ظلم بودن نتوانسته‌اند در مجموع رویکرد و نقش عملکرد گرایانه‌ای را در بستر جامعه و تاریخ و تمدن اسلامی داشته باشند.

این زاویه دید به زندگی اهل بیت (علیهم السلام)، دیگران را از دستیابی به یک الگوی جامع رفتاری و عملکردی دور می‌کند و نقش اهل بیت را در حد یک نقش فردی و خرد تنزل می‌دهد.

چرا که نتیجه اشتباه در راهنمایی برای رسیدن به مقاصد دنیوی عقب‌گرد است؛ ولی نتیجه اشتباه در راهنمایی برای وصول به سعادت اخروی، سقوط است. از این رو باید در مسیر رسیدن به سعادت جاودان و اخروی، از راهنمایی‌های استفاده شود که علاوه بر آگاهی، محفوظ از اشتباه باشند. از این رو پرداختن به زندگانی اهل بیت (علیهم السلام) از منظر شخصیتی با رویکرد رسیدن به الگوهای رفتاری و عملکردی در زندگی فردی و اجتماعی یک ضرورت عقلانی و

شرعی است.

تجلی این نوع نگاه را در مفهوم «سیره شناسی» می‌توان یافت.

در اصطلاح سیره عبارت است از:

«سبک رفتار، کیفیت سلوک میان مردم و الگو و روش کرداری اشخاص در زندگی» (۱) در مورد پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) به دلیل عصمت و امامت و نبوت آن‌ها، هر رفتار و کرداری که از آن‌ها صادر شود، آموزنده و هدایتگر و حسنه می‌باشد، لذا رفتار و شیوه برخورد و روش کرداری آن‌ها میزان و ملاک برای تشخیص «سیره حسنه» از «سیره سیئه» می‌باشد. یعنی سیره همه ایشان به عنوان سیره حسنه و اسوه حسنه می‌باشد.

۳- سیره اهل بیت علیهم السلام: رفتار و کیفیت سلوک آن‌ها در ابعاد فردی، اجتماعی که در کتابهای معتبر حکایت شده و یا گفتار آنان که از طرق معتبر نقل شده، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴- در شناخت آثار و فواید سیره شناسی اهل بیت (علیهم السلام) برای ما می‌توان به چند مورد ذیل اشاره کرد:

الف) توجه پیدا کردن به اصول انسانی ب) آشنایی با معارف الهی از طریق کردار

عترت ج) جلوگیری از تحریف در آموزه‌های

قرآنی و اسلامی توسط منحرین د) پیشگیری از بدعتهای ضد دین

ه) اطمینان خاطر نسبت به رعایت دستورات اسلام؛ زیرا رفتار و کردار و گفتار معصومین (علیهم السلام) عین دستورات اسلام است.

۵- امامان معصوم (علیهم السلام) در زمان‌های مختلف و مکان‌های گوناگون، با استفاده از الگوی مناسب با آن زمان و مکان، آموزه‌های دین مبین اسلام را در رفتار و گفتار خویش متبلور ساخته و به آن‌ها عینیت بخشیده‌اند.

البته سیره آن بزرگواران در روح و راهبرد مشترک است و در برخی وجوه این اشتراک بیشتر جلوه می‌نماید مثل: سیره عبادی و اخلاقی.

بنابراین شایسته و بایسته است که نوع و روش رفتار هر یک از معصومین (علیهم السلام) به طور جداگانه بررسی شده و در



امامان معصوم (علیهم السلام) در زمان‌های مختلف و مکان‌های گوناگون، با استفاده از الگوی مناسب با آن زمان و مکان، آموزه‌های دین مبین اسلام را در رفتار و گفتار خویش متبلور ساخته و به آن‌ها عینیت بخشیده‌اند



جهت پیروی از آنان، مورد استفاده همه انسان‌های آزاده قرار گیرد. ۶- در این مقال و مجال می‌خواهیم نقبی بزنیم بر سیره و روش و سلوک شخصی و اجتماعی شخصیتی که «عالم آل محمد» لقب گرفته است و به دلیل اینکه ایشان فرصت تبلور رشحاتی از ابعاد اجتماعی اسلام را در سلوک خویش داشته است، نگاه به سیره فردی و اجتماعی ایشان ما را بیشتر به اسلام ناب نزدیکتر می‌کند، بخصوص اینکه مسایل جدید و بین المللی نیز با رویکردهای ارتباطی، اجتماعی، علمی و اعتقادی در دوره ایشان اتفاق افتاده است.

سیره امام رضا (علیه‌السلام) چراغ روشن زندگی امروزی ماست که سیره‌های مختلف عبادی، قرآنی، اخلاقی، اجتماعی، علمی، تربیتی و سیاسی ایشان راهگشای ماست.

ما در این نوشتار و ابتدا به صورت نموداری و کلی به سیره امام رضا (علیه‌السلام) در دو مقطع قبل و بعد از امامت پرداخته و بعد از آن به عنوان نمونه عملی و کاربردی سیره اجتماعی ایشان را ذکر می‌کنیم.

اما پیش از هر چیز به ۳ شاخصه کلی سیره امام رضا (علیه‌السلام) اشاره می‌کنیم:

۱- عمومی سازی امر امامت
۲- حضور فعال امام در مبارزه‌های فکری و عقیدتی و نجات جامعه از انحرافهای فکری و التفات عقیدتی (به ویژه در مسأله توحید)

۳- نقل گزارش‌های مفصل سیره عملی و زندگی امام (علیه‌السلام) و نحوه برخورد ایشان با مردم، حاکمان، زیر دستان و... (به خاطر مسأله ولایتعهدی، این گزارش‌ها نسبت به دیگر ائمه بیشتر نقل شده است.)

این نمودار از کتاب «تدبر در سیره تمدن ساز اهل بیت»، نوشته محمد حسین الهی زاده نقل شده است.

سیره اجتماعی امام رضا (علیه‌السلام)

در سیره اجتماعی امام هشتم توجه به رفع گرفتاری آحاد جامعه اسلامی و جبران نیازمندی توده مردم، جایگاه ویژه‌ای دارد. امام (علیه‌السلام) در طول زندگی، چه زمانی که در مدینه بودند و تنها به عنوان امام المسلمین مشغول هدایت مردم بودند، و چه زمانی که عنوان ظاهری ولیعهدی به ایشان داده شد، یک لحظه از گرفتاری مردم، بخصوص مسکینان و مستضعفین غافل نبودند.

اهتمام امام رضا (علیه‌السلام) به رفع گرفتاری افراد جامعه

حضرت رضا همواره در جهت رفع گرفتاری نیازمندان و در ماندگان می‌کوشید و دیگران را نیز در بیانات خود به رفع مشکلات دیگران توصیه می‌کرد. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «من فرج عن مؤمن فرج الله قلبه يوم القيامة» (۲)
«هر کس که گره از کار مؤمنی بگشاید، خداوند در روز قیامت او را با قلبی گشاده و شاد محشور می‌نماید.»

همچنین در روایت دیگری داود بن سلیمان از امام رضا (علیه‌السلام) نقل می‌کند: آن حضرت از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده است: «وحي الله عزوجل الي

داود ان العبد من عبادي لياتيني بالحسنه فادخله الجنة. قال: رب و ما تلك الحسنه؟ قال: يفرج عن المؤمن كربته و لو بتمره» (۳)
«خداوند متعال به حضرت داود (علیه‌السلام) وحی کرد و فرمود اکنون یکی از بندگان من عمل نیکی را به نزد من فرستاد و من او را داخل بهشت خواهم نمود. حضرت داود عرض کرد: پروردگارا! آن عمل نیک چه عملی بود؟ خداوند متعال فرمود: او مؤمنی را از دلگرفتگی و ناراحتی بیرون می‌آورد، و هر چند با یک خرما او را خوشحال می‌نماید.»

بنابراین اهتمام به رفع گرفتاری مردم در سیره اجتماعی امام هشتم (علیه‌السلام) یکی از اصول مسلم و پایدار است که باید مورد توجه تمام افراد جامعه قرار بگیرد.

یاسر، خادم امام رضا (علیه‌السلام) می‌گوید: روزی غلامان آن حضرت میوه‌ای را تناول کردند و مقداری از میوه را که باقی ماند را دور انداختند، آن حضرت از این کار ناراحت شد و به آنان فرمود: «سبحان الله! این کنتم استغنیتم، فإننا سألنا يستغنون، أطعموه من یحتاج اليه» (۴)؛ «سبحان الله! اگر شما از همین میوه نیم خورده‌بی نیاز هستید بدانید افرادی هستند که به آن محتاجند، آن را به آنان که نیاز دارند بدهید.»

آن حضرت همواره دیگران را به رفع گرفتاری مردم و کمک به آن‌ها توصیه می‌کرد. در سیره امام (علیه‌السلام)، توجه دادن اشخاص به این امر مهم در هر طبقه‌ای، بخصوص کسانی که مسؤولیتی را در قبال مردم پذیرفته‌اند، یک قاعده فراموش نشدنی بود. بارها در زمان ولیعهدی به مأمون هشدار می‌داد که مهمترین اصل اخلاقی اجتماعی برای او و سایر زمامداران، توجه به مشکلات مردمی است که او را مسؤول می‌دانند.

لزوم اجتناب از مردم آزاری

در سیره امام هشتم (علیه‌السلام) مردم آزاری به ویژه نسبت به همسایه یکی از عمل‌های ناپسندی است که مانع از آن است که فرد بتواند خود را پیرو اهل بیت (علیهم السلام) معرفی نماید. آن حضرت درباره آزار رساندن به همسایه می‌فرماید: «لیس منا من لم یأمن جاره بوائقه» (۵)، «از ما نیست کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد.»

و در همین راستا امام رضا (علیه‌السلام) ضمن سفارش و تأکید بر صلح و رحمت و برقراری روابط مطلوب با نزدیکان، خودداری

از آزار و اذیت آنان را بهترین صلح و رحمت معرفی می‌کنند.

احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا (علیه‌السلام) روایت می‌کند: آن حضرت فرمود: امام صادق فرموده‌اند: «صل رحمک و لو بشریه من ماء، و أفضل ما توصل به الرحم کف الأدی عنها» (۶)، «صلح رحم کنید، اگر چه با دادن جرعه‌ای آب باشد. و بهترین صلح رحم خودداری از اذیت کردن خویشان است.»

حفظ کرامت انسانی

خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (۷)، «ما به فرزندان آدم کرامت بخشیدیم.»

اصل کرامت هر انسان در هر جایگاه و طبقه، با هر مذهب و عقیده، یک اصل مسلم اسلامی است که عمل به این اصل در گفتار و کردار معصومین (علیهم السلام) بطور خاص در ضمن اموری متبلور و ظاهر است.

۱- اصل آزادی انسان‌ها

یکی از جلوه‌های کرامت انسان‌ها در دین مبین اسلام اصل حریت و آزاده بودن آن‌هاست. در اسلام به جز کفار حربی که در جنگ به اسارت درمی‌آیند، سایر انسان‌ها آزاده بوده و برده هیچ کسی نشده و فقط بنده خداوند متعال می‌باشند و در این راستا تفاوتی میان انسان‌های مسلمان و انسان‌های کافر نیست.

زکریا بن آدم می‌گوید: از امام رضا (علیه‌السلام) پرسیدم: مردی از اهل ذمه بر اثر قحطی و گرسنگی شدید فرزندش را به مردی دیگر می‌دهد و می‌گوید: این بچه برای تو باشد، به او غذا بده و بنده تو باشد. آیا این کار صحیح است؟ آن حضرت فرمود: «لا یتباع حر، فانه لا یصلح لک و لا من اهل الذمه» (۸)، «انسان آزاده قابل خرید و فروش نیست، صدور چنین کاری از تو و اهل ذمه شایسته نیست.»

آری! در بینش اسلامی و سیره معصومین (علیهم السلام) هر انسانی آزاده است و نیاز اقتصادی در هر حدی که باشد، هرگز نباید موجب مصادره حریت و استثمار او بشود، بلکه در صورت نیاز اقتصادی عده‌ای که در جامعه زندگی می‌کنند کمک و مساعدت آن‌ها توسط مردم ثروتمند یک وظیفه شرعی شناخته می‌شود، و حکومت نیز باید از بیت المال به آن‌ها کمک کند و در جوامع غیر



اسلامی نه تنها چنین بینشی وجود ندارد، بلکه استعمار و استثمار مردم که در رفع همان بردگی به شکل نوین آن می‌باشد در دستور کار سرمایه داران و حکمرانان قرار گرفته است.

۲- اصل برابری انسان‌ها

یکی دیگر از جلوه‌های کرامت انسانی در دین مبین اسلام، اصل برابری و رعایت حقوق تک تک افراد جامعه است. و این اصل در سیره اجتماعی امام هشتم به عنوان یک اصل عملی شناخته می‌شود. یاسر، خادم امام رضا (علیه‌السلام) می‌گوید: نامه‌ای از نیشابور به مأمون رسید، مضمون آن نامه این بود که مردی مجوس وصیت کرده است که مقدار زیادی از اموالش میان فقرا و مساکین تقسیم شود. قاضی نیشابور این اموال را میان فقرا و مسلمان تقسیم کرده است. آیا این کار صحیح است یا نه؟

مأمون نظر امام رضا (علیه‌السلام) را در این موضوع پرسید امام فرمود: «ان المجوس لا یصدقون علی الفقراء المسلمین، فاکتب الیه ان یخرج بقدر ذلک من صدقات المسلمین، فیتصدق به علی الفقراء المجوس» (۹)، «مجوس غالباً به فقرا و مساکین مسلمان صدقه نمی‌دهند، شما به آن قاضی بنویس که به همان مقدار از صدقات مسلمان بردارد و میان فقرا و مجوس تقسیم می‌کنند.»

ربان بن شیبب نیز می‌گوید: از امام رضا این پرسش را پرسیدم، خواهرم مقداری مال برای گروهی از نصاری و وصیت کرده است، ولی من قصد دارم آن‌ها را به گروهی از مسلمانان بدهم. آیا می‌توانم چنین بکنم یا نه؟

امام (علیه‌السلام) فرمود: «امض الوصیه علی ما اوصت به، قال الله تعالی: فانما اثمه علی الذین یدلونہ...» (۱۰)، «آنگونه که خواهرت وصیت کرده است عمل کن خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: کسانی که مورد وصیت را تبدیل می‌کنند گناهکارند.» تمام این رفتارها حکایتگر بینش عمیق اسلام و نگرش صحیح معصومین (علیهم السلام) به کرامت انسانی است، تا جایی که امام رضا (علیه‌السلام) وقتی حقی از عده‌ای مجوس ضایع می‌شود دستور به جبران آن از بیت المال مسلمین را لازم می‌شمارد.

۳- اصل قدردانی از انسان‌ها

یکی دیگر از جلوه‌های کرامت انسانی

در سیره رضوی، رعایت اصل قدردانی و سپاسگزاری از زحمات و خدماتی است که انسان‌ها در جامعه عملیاتی می‌کنند. از این رو امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزوجل» (۱۱)، «کسی که از مردم خدمتگزار تشکر نکند از خداوند متعال تشکر نکرده است.»

از این رو می‌بینیم وقتی دعبل خزاعی اشعاری را که در مدح اهل بیت (علیهم السلام) می‌سراید، آن حضرت در جهت تشکر و قدردانی از او پیراهن خویش را به دعبل هدیه می‌دهد و می‌فرماید: «احتفظ بهذا القمیص، قد صلیت فیہ الف لیلة فی کل لیلة ألف رکعة و ختمت فیہ القرآن ألف ختمة» (۱۲)، «از این پیراهن محافظت کن، زیرا من در این پیراهن هزار شب و در هر شبی هزار رکعت نماز خوانده و در پوشش همین پیراهن هزار مرتبه قرآن را ختم کرده‌ام.»

۴- اصل احترام به انسان‌ها

اصل احترام به انسان‌ها یکی دیگر از اصولی است که جلوه‌ای از رعایت کرامت انسانی به شمار می‌آید.

یکی از جلوه‌های احترام به انسان‌ها این

است که وقتی کسی را صدا زدیم یا لقب و اسم او را صدا بزنیم، و اگر سخن بگویم کلامش را قطع نکنیم، و اگر اسرارش را برای ما بازگو کرده است راز پوشی کنیم. تمام این امور در گفتار و کردار امام هشتم متبلور می‌باشد.

آنچه آمد، جلوه‌ای مختصر از سیره اجتماعی امام رضا (علیه‌السلام) بود که در روابط اجتماعی مادر زندگی امروزی بسیار مورد نیاز و توجه می‌باشد، و عمل در این مسیر ما را به رشد اجتماعی بیشتر نزدیک تر خواهد کرد. ان شالله

پی نوشت‌ها:

۱- لسان العرب، جلد ۴، ص ۳۹۰

۲- الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰

۳- مسندالرضا (علیه‌السلام)، ج ۱، ص ۴۹۷

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۹۷

۵- وسائل الشیعه، جلد ۸، ص ۴۸۸

۶- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۷

۷- السراء (۱۷)، آیه ۷

۸- تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۷۷

۹- عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۸

۱۰- الکافی، ج ۷، ص ۱۶

۱۱- عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۲۷

۱۲- الامالی، ص ۲۳۰



سیره عملی یا حکمت عملی؟

حسین امیری: در روزهای نوروز برای دید و بازدید، منزل یکی از آشنایان بودم، در کمال تعجب و البته مسرت متوجه شدم پدر خانواده که سواد چندانی ندارد و شغلی فنی دارد، کتابی در دست گرفته و تا از صحبت با مهمانها آسوده می شود چند سطر می خواند. مشعوف و ذوق زده از اینکه در این زمانه که مطالعه کم رونق است، پیرمرد کم سوادی را آن هم در ایام مهمانی ها و خوش و بش ها در حال مطالعه می بینم، کنارش نشستم و خواستم ببینم چه کتابی را مطالعه می کند و مشعوف تر شدم از اینکه کتابی به نام سیره پیامبر اکرم (ص) را در دست وی دیدم. اجازه گرفتم کتاب را تورقی بکنم اما محتوای کتاب باعث شد خوشحالی و شغف من ناقص بماند، هر چند در کتاب روایت های قابل اعتنا و مستحکمی از رفتار و شیوه زندگی حضرت رسول اعظم (ص) هم بود اما بیشتر حجم کتاب را مطالبی تشکیل می داد که نسبتی با حقیقت محمدی (ص) نداشت؛ مطالبی مانند رنگ موهای ایشان و مطالبی از این دست، یا رنگ عبا و لباسشان؛ بی شک همانگونه که در آیه ۱۱۰ سوره کهف هم تأکید شده همانا پیامبر هم مانند ما بشری عادی بوده است و در وجه بشر بودن و نژاد و عشیره برتری بر دیگران ندارد، برای مرد سالخورده ای که برای فهم بیشتر از دین اسلام فرصتی غنیمت شمرده و با وجود مشکلات روزمره می خواهد مطالعه ای در دین

داشته باشد چه فایده ای هست در اینکه بداند موهای معصوم (علیهم السلام) چه رنگی بوده یا پیامبر اکرم (ص) چه قد و قواره ای داشته است؟ چه فرقی به حال اسلام می کرد اگر پیامبر رحمت قدشان کوتاه بود یا بر فرض رنگ موهایش رنگ دیگری غیر از آنچه در روایات آمده است بود؟ آیا تفاوتی در مبانی، اصول، فروع یا احکام اسلام به دست می آمد؟
با خود اندیشیدم که متأسفانه در معنی واژه سیره بواسطه تأویل های نادرست که در طول سالها حاصل شده، خلط هایی شده است که شاید لازم باشد از این واژه عبور کنیم و به جای تأکید بر سیره عملی بر حکمت عملی و تدوین و ترویج و تبیین آن همت بگماریم.
حکمت عملی، اندیشه ای است که در نسبت با انسان و رفتار انسان است، اگر به دنبال اندیشه حاکم بر رفتار در سیره معصومین (علیهم السلام) باشیم

بی شک دیگر به ظاهر، شکل و شمایل این اقطاب عالم امکان نخواهیم پرداخت. اگر نخواهیم تبعیت از تقسیم بندی ارسطویی که حکمت عملی را به اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن تقسیم می کند، داشته باشیم می توانیم حکمت عملی را چنین تعریف کنیم؛ «حکمت عملی عبارت است از علم به اینکه افعال بشر چگونه و به چه منوال خوب است و باید باشد» به خصوص اگر بین فلسفه به معنی یونانی آن و حکمت به معنی ایرانی اسلامی اش تمییز قابل باشیم. با این تعریف معنی حکمت عملی به اخلاق نزدیک تر می گردد اما معنی و شمول حکمت عملی عام تر است؛ چرا که تعریف از اخلاق یا توجه به کرسی های اخلاق و کتاب های اخلاق شمول خاصی از تعبد و اعمال متعبدانسه را حداقل در ذهن عوام در بر می گیرد- هر چند همین مباحث و جلسات اخلاق هم گاه به شؤون مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی



زندگی فردی توجه دارد - و با توجه به اینکه از ابتدای بحث تأثیر گذاری بر عموم مردم جامعه مد نظر است، استفاده از واژه حکمت عملی به نظر نگارنده مناسب تر و دقیق تر است.

یکی از این نشانه‌های اشتباه و انحراف، در اشعار و مداحی‌هایی است که در مورد همه ائمه اطهار و حتی بانوان مکرم اهل بیت (علیهم السلام) مانند حضرت زینب (س) و بی بی دو عالم حضرت فاطمه الزهرا (س) مدتهاست رواج پیدا کرده است. از همین انحراف در شمول سیره عملی سرچشمه می‌گیرد گاه در اشعاری که توسط مداحان محترم خوانده می‌شود با تعبیرات کاملاً مادی و ظاهر گرایانه در باره ائمه اطهار (علیهم السلام) و رسول اکرم (ص) مواجه می‌شویم که باعث شرم است و چه بسیار سوء استفاده‌ها که دشمنان شیعه از این اشعار می‌کنند. تعبیری که چشم‌ها و زلفهای این اقطاب

عالم امکان که هر کدام ناموس الهی هستند مورد وصف قرار می‌دهد و به تعبیر بسیار سطح پایین و عاری از معنا و اندیشه می‌پردازند، البته این انحراف فقط در حوزه شعر و شعر آیینی نیست، هر ساله فیلم‌های تلویزیونی متعددی به مناسبت شهادت یا ولادت امام رضا (علیه السلام) ساخته می‌شود که بخشی از این فیلم‌ها هم نگاه ظاهری و غیر اندیشمندانه به مسایلی مانند کرامات حضرت ساخته می‌شوند در حالی که بستر سینما سرزمین بکری برای کشت معانی عمیق و حکمی از کلام امام رضا (علیه السلام) است که با عنایت به زمانه زندگی ایشان و شرایط خاصی که به لحاظ سیاسی برایشان فراهم شده، احادیث پر باری در همه زمینه‌ها و بسیار متناسب با شرایط امروز جامعه از ایشان در دسترس می‌باشد.

از ابتدای تاریخ و با توجه به سنن الهی و ویژگی‌های آدمی، تنها ساکن ناطق کره خاکی و همچنین عهدی که ابلیس برای انحراف بشر با خود بسته؛ همواره جوامع دینی با پدیده انحراف از جامعه الهی مواجه بوده‌اند. همیشه جامعه‌ای که با ظهور پیامبری به سمت یکتا پرستی و اخلاق سوق پیدا کرده، پس از مدتی دچار انحرافات شده و عرصه تاریخ عرصه مبارزه شریعت الهی با انحرافات جدید است و این شرایط مکرر را می‌شود با مدرنیته امروزی مقایسه کرد.

با این نگاه، مدرنیته چیز جدیدی نیست و مانند همه اعصار گذشته کید شیطان است برای انحراف و به گناه کشیدن بشر، زمان ولایت امام رضا (علیه السلام) نیز چنین تقابلی بین جامعه دینی با انحرافات شیعه مدرنیزم امروزی وجود داشته است در آن زمان نیز بواسطه چند دهه سلطه بلامنازع عباسیان و امویان جامعه دچار مادی‌گرایی شده و از حقیقت دین و خداپاوری فاصله‌ای قابل توجه داشته. یکی از رفتارهای جالب توجه و مشهور امام رضا (علیه السلام) در آن زمان خواندن نماز

طلب باران است در جامعه‌ای که اکثریت باور دعا کردن و استمداد باران از درگاه خداوند را به فراموشی سپرده‌اند. حکمت نهفته در پس این واقعه می‌تواند نسخه‌ای امروزی برای تقابل با مادی‌گرایی افسار گسیخته بشر باشد. در ظاهر امر امام رضا (علیه السلام) بعنوان معصوم حاضر آن زمان معجزه‌ای را طلب کرده‌اند، اما نگاه حکمی اطلاق معجزه بر دعای طلب باران نمی‌کند، بلکه در تفکر دینی و زندگی منطبق بر دین، دعا جایگاه ویژه‌ای دارد و بنده همه رخدادهای افعال الهی می‌بیند و به این باور یقینی دارد، لذا بخشی از مهم‌ترین احادیث شیعه در باب نماز متعلق به آن حضرت است، بخصوص احادیثی که همه گشایش‌ها را متعلق به نماز می‌داند مانند حدیث «لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ أَلْفَ بَابٍ» (تهدیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۴۲، ح ۹۵۷) و حدیث زیر که نماز را شرط قبولی همه عبادت‌ها می‌داند: «أَوَّلُ مَا يُحَاسِبُ الْعَبْدَ عَلَيْهِ، الصَّلَاةُ فَإِنْ صَحَّتْ لَهُ الصَّلَاةُ صَحَّ مَسَاوَاهَا، وَإِنْ رَدَّتْ رَدَّ مَسَاوَاهَا». (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵، ح ۴)

یکی از شاخصه‌های سلوک عملی آن حضرت مداومت در قرائت قرآن البته با تأمل بر حقایق قرآنی است. احادیث و روایات زیادی در این خصوص به جا مانده است که ایشان در مدت کوتاهی قرآن ختم می‌کردند و روایتی نیز هست که ایشان فرموده‌اند «اگر قرار نبود در حقایق و معانی و شأن نزول تأمل کنم هر سه روز یک بار قرآن را ختم می‌کردم». توجه به قرآن یکی از مهمترین گم شده‌های جامعه امروزی است که غرق شدن در اشتغالات تمدن جدید، باعث غفلت بشر امروزی از قرائت قرآن شده است؛ غفلتی که روز به روز به غرق شدن بیشتر در مادی‌گرایی می‌انجامد.

تدبر در قرآن اگر بعنوان بخشی از سلوک عملی در نظر گرفته شود و حکمت این امر که قرآن را مبنای همه معارف الهی می‌داند، می‌تواند نسخه شفابخش بسیاری از نابسامانی‌های علمی و اجتماعی باشد. امروز فاصله گرفتن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی از قرآن به مثابه منبع علوم و قرار گرفتن قرآن در صدر مجالس رسمی یکی از معضلات جامعه است، اینکه علوم انسانی غربی می‌خواهند تمام شؤون زندگی را تحت تأثیر قرار دهند و در نهایت با روانشناسی و جامعه‌شناسی‌ای مواجه هستیم که تلاش بیهوده‌ای را برای درمان نابسامانی‌ها در پیش گرفته و هر روز خودش نابسامانی‌های جدیدی را بر جامعه تحمیل می‌کند. در رأس توجهات و تأکیدات امام رضا (علیه السلام) آنگونه که از روایات متعدد بر می‌آید توجه به توحید است که امام (علیه السلام) هم در حدیث سلسله الذهب و هم در مباحثات خودشان و در طول سفر از حجاز تا طوس بارها بر این حقیقت تأکید داشته‌اند. توحید افعالی می‌تواند مبنای این حکمت عملی قرار بگیرد و پژوهشها در شناخت سیره عملی، سلوک یا حکمت عملی بر مبنای تأکید آن حضرت بر توحید افعالی بعنوان مبنای همه اعمال و رفتار و تصمیمات فرد مسلمان شیعه مورد مذاقه قرار گیرد.



در گفت و گو با یک استادیار دانشگاه مطرح شد

سبک مناظرات علمی حضرت رضا برای درک هویت ایرانی ضروری است

فاطمه امیراحمدی: دوره حیات امام رضا علیه السلام با دیگر دوره‌های تاریخ تشیع و امامت تفاوت‌های بسیاری دارد. حضرت در این زمان از سوی خلیفه عباسی، مأمون برای پذیرش امر حکومت و قرار گرفتن در رأس قدرت مورد توجه و به قولی تحت فشار قرار می‌گیرند. امام از قبول این امر به شدت سر باز می‌زنند اما در نهایت پس از پافشاری‌های زیاد، ولایتعهدی مأمون را با گذاردن شروطی می‌پذیرند. بدیهی است این پافشاری مأمون با وجود هزینه‌هایی که برای رسیدن به قدرت پرداخته بود جای بسی تأمل دارد و این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که او در این واگذاری چه دستاوردی را جست‌وجو می‌کرد که بزرگ‌تر از مسأله خلافت و موقعیت سیاسی یا دستکم برابر آن بود؟ ترتیب دادن جلسات مناظره به وسیله مأمون با بزرگان دینی و فکری نحل‌های مختلف آن دوره نیز با هدف تضعیف موقعیت امام معصوم علیه السلام دنبال می‌شد که احاطه علمی و فکری حضرت بر تمام امور این حقه‌ها را ناکارآمد کرد.

در باب مواجهه علمی - سیاسی امام رضا علیه السلام در مقابل مخالفان خود سراغ محمدعلی فتح‌الهی، استادیار علوم سیاسی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رفتیم و نظر وی را جویا شدیم.

• در ابتدا بفرمایید امام رضا علیه السلام در مناظره‌های خود با مخالفان فکری چه عملکرد و مواجهه‌ای داشتند؟

یکی از موارد شاخصی که در ولایتعهدی امام رضا علیه السلام به وقوع پیوست جلسات علمی حضرت با رؤسای مذاهب و صاحبان نحل‌های فکری بود که در مرو اتفاق افتاد. این دوره موارد درخشان و ابعاد گوناگونی دارد که می‌توان به آن پرداخت. مهم‌ترین نکته قابل توجه در این دوره فضای حاکم بر مرو است. در آن دوران به واسطه حکومت‌هایی که به وسیله خلفا برقرار می‌گردید فضای آزاداندیشی در معنای واقعی خودش وجود نداشت و به نوعی در مباحث فکری سخت‌گیری‌های شدیدی اعمال می‌شد. بنابراین جلسات مناظره‌ای که هنگام ورود امام به مرو ترتیب داده می‌شد در واقع بستری برای فضای فکری آزاداندیشی فراهم نمود.

در این شرایط به وجود آمده، به نوعی به مسلمانان اجازه شد تا به مباحث مکتوب جوامع و مکاتب دیگر مراجعه کنند. پیش از این فضا، نوعی خودسانسوری در بین مسلمانان وجود داشت که از مراجعه به آثار دیگران پرهیز می‌کردند.

اما هنگامی که مسلمانان در این محیط جغرافیایی، شاهد بودند امام رضا علیه السلام در مناظره‌های خود کاملاً به آثار افراد مقابل خود مسلط هستند و در واقع با ابزار خودشان وارد بحث و گفت‌وگو می‌شوند نوعی روشنگری برای آن‌ها بود. به طور مثال با اهل یهود بر اساس کتاب‌شان تورات مناظره می‌کردند، با مسیحیان بر مبنای انجیل مناظره داشتند و حتی با صاحبان نحل‌های فکری نیز بر اساس کتاب‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها وارد بحث و مناظره می‌شدند. بنابراین جامعه اسلامی شاهد بود حجت‌الهی و فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله کاملاً مسلط به آثار مکتوب و فرهنگی جوامع غیرمسلمان هستند. این شرایط به وجود آمده اجازه

داد تا مسلمانان وارد این وادی از بحث و گفت‌وگوها شوند.

بدین ترتیب می‌بینیم که بعد از انجام مناظرات امام رضا علیه السلام بحث ترجمه آثار غیراسلامی از جوامع دیگر به شدت رونق می‌گیرد و با استقبالی که تحت تأثیر این فضای مناظره‌ای از سوی دانشمندان انجام شد ملاحظه می‌کنیم که بیت‌الحکمه در بغداد تأسیس و ترجمه آثار دیگر جوامع آغاز گردید.

در این دوره مسلمانان احساس آزادی عمل کردند و شرایطی برای آن‌ها فراهم شد که آزادانه به مطالعه آثار دیگران بپردازند و در فضای اسلامی با پیروان دیگر ادیان و مکاتب فکری وارد بحث و گفت‌وگو شوند. بنابراین می‌توان گفت مناظره‌های امام یک فضای آزاداندیشی در جوامع اسلامی ایجاد کرد که به نوعی پایه‌های تمدن باشکوه اسلامی را بنا نهاد.

البته از جهات دیگر نیز می‌توان به موضوع مناظره‌های حضرت پرداخت، چرا که امام رضا علیه السلام به عنوان عالم آل محمد علیه السلام مشهور شدند. در این دوره وجهه علمی اسلام به طور کامل نشان داده شد و از موضع رسمی، فعالیت علمی و فکری دین مقدس اسلام به جهانیان شناسانده شد و از این نظر در تاریخ تمدن اسلامی بسیار تعیین‌کننده است.

• شما به احاطه امام رضا علیه السلام روی مکاتب فکری و دینی اشاره کردید. آیا این تسلط بر اساس مطالعه و تحقیق امام علیه السلام بود یا بر پایه علم لدنی که ایشان داشتند؟

این موضوع روی اصل مسأله تأثیر زیادی ندارد، اینکه امام مطالعه کردند یا به واسطه جایگاه امامت‌شان دارای این آگاهی بودند. مهم این است که حضرت در جایگاه علمی آن دوره مطالعه آثار دیگر مکاتب دینی و فکری را مشروع دانستند. بنابراین هنگامی که جامعه اسلامی دید جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله به این



اندازه بر مبنای فکری و دینی افراد مقابل خود مسلط است و با این رویکرد وارد بحث و مناظره می‌شوند و بر اساس سخنان افراد مقابل خود در حال عرضه اسلام هستند به نوعی راه برای شروع ترجمه و مطالعه علوم دیگر جوامع باز شد. اگر چه دیگر افراد جامعه باید به صورت اکتسابی به دنبال این آثار می‌رفتند اما این قبج از سوی امام علیه‌السلام شکسته شد. به هر حال ائمه اطهار علیهم‌السلام دارای علم لدنی و اکتسابی هر دو با هم هستند. مهم در این بحث اثری است که این رویکرد امام بر جوامع مسلمان آن دوره و بعد از خود داشت.

این شیوه بر خورد ثامن الحجج، آن فضای بسته دوره خلافت را شکست و از این تاریخ به بعد شاهد هستیم که جامعه اسلامی در مسایل مختلف علمی احساس آزادی عمل بسیاری دارد. اثر و برکت این نوع برخورد به حدی بود که در مسایل سیاسی و اجتماعی نیز تأثیر بسیاری گذاشت و اثر آن در تضعیف خلافت بنی عباس و پیدایش نحله‌های اجتماعی قابل پیگیری است.

آیا در دوره‌های پیش از امام رضا علیه‌السلام این نوع برخورد با مکاتب فکری دیگر ادیان و نیز نحله‌های فکری وجود نداشت، بویژه در دوره امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام که مباحث علمی و فکری زیاد مورد بحث قرار می‌گرفت؟ فضایی که امام رضا علیه‌السلام در آن به سر می‌بردند چه تفاوتی با دوران پیش از ایشان داشت؟

به طور قطع بین این ادوار تفاوت‌هایی وجود دارد و فضای دوره‌های پیش از امام رضا علیه‌السلام این اجازه را به جامعه اسلامی نمی‌داد. در محیط مدینه که همه مسلمان هستند مباحث تنها مربوط به فقه اسلام و معارف اسلامی است. این فضا را با فضایی که امام رضا علیه‌السلام در مرو - پایتخت

و علمایی را دعوت کرد و در پایتخت خلافت عباسی در مرو نوعی مکان بین‌المللی برای این مباحث مناظره‌ای پدید آمد. اما طبیعی است بگوییم محیط ایران از این بابت مساعدتر از محیط عربستان بود که در گذشته نیز به لحاظ تمدنی، رونق خاص خودش را تجربه کرده و در خود داشت.

آیا می‌توان گفت تأثیری که سخنان و مواجهه علمی امام رضا علیه‌السلام داشت، به خاطر موقعیت و مقر حکومتی بود که ایشان در آن قرار گرفته بودند؟ در حالی که امامان پیش از ایشان تنها در محدوده کلاس‌های درس و در بین شاگردان و یاران خود به مباحثه و گفت‌وگو می‌پرداختند. در واقع دربار مأمون شرایط مساعدتری برای بازتاب فراگیر شخصیت علمی امام رضا علیه‌السلام بود.

بله، هم موقعیت حکومتی امام علیه‌السلام مهم است و هم گستره حکومت، چرا که حکومت مأمون گستره‌ای جهانی داشت. به طور نمونه اگر حکومت محدود به شهر یا موقعیت جغرافیایی کوچکی بود شاید این انعکاس و بازتاب بین‌المللی را نداشت. اما حکومت مأمون با ویژگی‌های خاصی که پیدا کرده بود و گستره و ارتباطاتی که با جوامع مختلف داشت موقعیت ویژه‌ای را به وجود آورده بود که تمام اتفاقات درون آن در سطح جوامع دیگر بازتاب پیدا می‌کرد. تنها حکومتی بودن موقعیت امام، مطرح نیست اما به هر حال حکومت نیز مؤثر بود.

فضای تمدنی که در این دوره با این مناسبات شکل گرفت به نوعی معارضه تمدن‌ها و افکار را به وجود آورد. صاحبان افکار از راه‌های دور در این جلسات حاضر می‌شدند و سخنان خود را در این مناظره‌ها عنوان می‌کردند. بنابراین تنها از موقعیت حکومتی گفتن شاید راه صوابی نباشد بلکه جایگاه حکومتی

خلافت عباسی - حضور دارند، در نظر بگیرید و اینکه خود مأمون تمام ارباب مکاتب را از اطراف و اکناف جهان در مرو جمع کرد تا به نوعی موقعیت امام را تضعیف کند، اما بر خلاف انتظار وی، در این فضای جدید قدرت و تسلط امام معصوم علیه‌السلام بر تمام مطالب علمی آن روز به رخ جهانیان کشیده شد. چنین فضایی تنها مخصوص دوران امام رضا علیه‌السلام در مرو بود و بدین ترتیب تسلط و احاطه علمی - فکری امام در سطحی رسمی و بین‌المللی منعکس شد و البته این موقعیت دارای ابعاد مختلف است که فرصت دیگری برای بیان آن نیاز است.

آیا می‌توان گفت که محیط و موقعیت خود ایران نیز روی این امر تأثیر داشت؟ موقعیتی که امام رضا علیه‌السلام در محیط دربار، در آن قرار گرفته بودند.

به هر حال محیط ایران نیز مهم بود. خلافت عباسی در واقع خلافت ایرانی بود و آمدن امام علیه‌السلام سنگ بنای تحولات فکری - سیاسی را در ایران پی‌ریزی نمود. البته در آن زمان مأمون مخصوص ایران عمل نکرد بلکه از جاهای دیگر شخصیت‌ها



توأم با شکل‌گیری این فضای تمدنی بود که یک فضای آزاداندیشی را منجر شد و تأثیر خود را برای شکل‌گیری تمدن اسلامی گذاشت.

❖ **پس به نوعی در مقابل حکومت بنی‌امیه با محدودیت‌هایی که داشت، این فضای تمدنی که حکومت بنی‌عباس در آن شکل گرفته بود فضا را برای ظهور تمدن اسلامی مساعدتر کرده بود؟**

حکومت بنی‌عباس به لحاظ فکری به نوعی سخت‌گیرتر از حکومت بنی‌امیه بود. به طور مثال زمان هارون الرشید در بحث‌های کلامی مثلاً خداوند متکلم است یا خیر، به این خاطر که افراد در ابراز عقاید موضع داشتند و وقتی این موضع‌گیری در جهت مخالفت با حکومت بود، به زندان می‌افتادند. بنابراین بنی‌عباس به این لحاظ عملکردی سخت‌گیرانه‌تر داشت.

اما شرایط این دوره به گونه‌ای پیش رفت که این فضایی که ما الان درباره آن در حال سخن هستیم را به وجود آورد. فضای خراسان با آن جنگ‌هایی که در آن اتفاق افتاد و بحث و مناظرات اربابان فکری سراسر سرزمین‌های اطراف، مأمون را که خودمقدمات این جلسات را فراهم کرده بود، خلع سلاح نمود.

او فکر نمی‌کرد این جلسات انعکاس وسیعی داشته باشد و فضای آزاد فکری را منجر شود. او تنها به دنبال هدف‌های شخصی خود بود اما در ادامه، این مناظره‌ها ابعاد وسیع‌تری پیدا کرد که نوع نگاه مردم به دین و مسایل فکری و حتی حکومتی تغییر کرد و این شرایط کاملاً از اختیار حکومت بنی‌عباس خارج شد. کما اینکه بعدها می‌بینیم که جریانات علمی جوامع اسلامی به طور کامل از کنترل حکومت خارج می‌شود و نوعی آزادی در مسیر این فعالیت‌های علمی در جهان اسلام پدید می‌آید که در دوره اول بنی‌عباس وجود نداشت. یعنی تا زمان ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام دیده نمی‌شود که بنی‌عباس این ویژگی را از خود نشان داده باشد.



هر چقدر ما بتوانیم در شخصیت امام رضا علیه‌السلام تعمق و مطالعه داشته باشیم و آن اتفاق بزرگی که در زمان ایشان رخ داد درک کنیم به نظر من در شناخت وضع امروز و هویت خودمان موفق‌تر خواهیم بود

همچنین شاهد هستیم ابهت حکومت بنی‌عباس در این دوره و در زمان مأمون و حادئه ولایتعهدی امام علیه‌السلام از بین می‌رود و فضای علمی و فکری رونق بسیاری می‌گیرد. بنابراین بحث آزاداندیشی علمی - فکری را نمی‌توانیم به خلافت بنی‌عباس منتسب کنیم چرا که در سوابق ابتدایی این حکومت چنین چیزی دیده نمی‌شود.

❖ **با توجه به شرایط سیاسی که امام رضا علیه‌السلام در آن قرار گرفته بودند مواجهه سیاسی امام با مخالفان فکری - سیاسی درباری چگونه بود؟**

تشریف آوردن امام علیه‌السلام به ایران مسأله بسیار مهمی برای موقعیت اسلام در ایران بود و توانست سرنوشت اسلام را تحت تأثیر قرار دهد. امام رضا علیه‌السلام در واقع جامعه ایرانی را با مبانی واقعی اسلام آشنا کرد و حرکت مجدد زرتشتی‌گری که خیزی برداشته بود تا دوباره خود را احیا کند را در همان ابتدای کار خنثی نمود و این در ابعاد مختلف شخصیت امام، نظیر رفتارهای شخصی و اجتماعی‌شان با مردم و موضع‌گیری‌هایی که در مناظره‌ها اعمال و اعلام می‌شدند متبلور شد.

حدیث مشهوری در نیشابور از حضرت نقل شده است؛ «کلمه لا اله الا الله حصنی فمن قالها دخل حصنی و من دخل حصنی امن من عذابی» و نیز آخرش که می‌فرمایند: «بشرطها و انا من شرطها» یعنی شخص امام رضا علیه‌السلام جایگاهی دارند که در واقع سنگ بنای حیات سیاسی و فرهنگی اسلام را بعد از خود پی‌ریزی می‌کنند.

اگر کسی به شخصیت امام رضا علیه‌السلام توجه نکند نمی‌تواند حقیقت جامعه اسلامی و اسلامی بودن اجتماع و بحث توحید را درک کند و این مهم به وسیله این شخصیت بزرگ دینی انجام شد.

حکومت بنی‌امیه تحت تأثیر سنت‌های رومی عمل می‌کرد که به هر حال از بین رفت اما حکومت بنی‌عباس کاملاً تحت تأثیر سنت‌های زرتشتی بود و حتی به اسم فقهایی مسلمانی که در دست‌گاه بنی‌عباس بودند بسیاری از آیین‌های زرتشتی مطرح می‌شد.

این سنگین‌ترین مسأله‌ای بود که به عالم اسلام هجوم آورده بود و ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام بود که جلوی این هجمه فرهنگی و سیاسی را در این دوره گرفت و جامعه ایرانی را در مسیر اسلامی‌تر شدن قرار داد.

در این باب مجموعه فعالیت‌های امام تأثیر داشتند اما جلسات مناظره‌ای به طور ویژه در این امر تأثیرگذار بودند، چرا که در این مجالس هم بحث‌های فکری مطرح بود و هم سنت‌های فکری به وسیله امام بنا گذاشته شد. مباحث فقهی، عرفانی و فلسفی که امام داشتند تماماً به نوعی بسترسازی برای تمدن اسلامی جدیدی بود که بعد از این دوره آغاز شد.

❖ **به عنوان سخن آخر اگر مطلبی باقی مانده است، بفرمایید.**

هر چقدر ما بتوانیم در شخصیت امام رضا علیه‌السلام تعمق و مطالعه داشته باشیم و آن اتفاق بزرگی که در زمان ایشان رخ داد درک کنیم به نظر من در شناخت وضع امروز و هویت خودمان موفق‌تر خواهیم بود. اینکه امام خمینی (رحمه الله علیه) آستان قدس را رأس ایران می‌دانستند سخنی در باب تعارف نبود. معنی این سخن این است که اگر ایرانی می‌خواهد خود را بشناسد و هویت و جایگاه خود را در جهان کنونی درک کند باید به حقیقت و جایگاه امام رضا علیه‌السلام مراجعه کند. نباید فراموش کنیم که تمام اسلام و سیاست اسلامی مدیون حادثه ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام است. اگر کسی امام را در نظر نگیرد حتی می‌توان گفت از دایره اسلام خارج شده است چرا که نمی‌توانیم بگوییم کسی در دایره اسلام قرار دارد اما درکی از فضای ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام ندارد و خود را در آن راستا قرار نمی‌دهد. نه تنها در ایران بلکه در تمام جوامع اسلامی هویت و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی آن‌ها مدیون حادثه ولایتعهدی امام است و ضروری است این مسأله هر چه بیشتر مورد توجه جهان اسلام و مسلمانان قرار گیرد.

فقر ریشه تباهی ایمان

مذمت فقر در کلام رضوی

جست و جو کرد.

چرایی نکوهش فقر در اسلام

فقر به دو دلیل فردی و اجتماعی قابل بررسی است. نخست آنکه فقر در بحث فرد باعث سستی ایمان به رزاقیت ذات اقدس الهی و سستی در عبادات به دلیل تخریب ذهنیت فرد از جهان بینی اسلامی می‌گردد و سپس با هدف قرار دادن ماهیت جامعه باعث ابتدال و یابزهکاری‌های خطرناک می‌شود. به همین دلیل است که برخی جامعه‌شناسان فقر را مانند ویروس که قابل تکثیر و نمونه‌سازی است می‌دانند. اما آنکه واژه شناسی فقر در اسلام بر پایه آیات و روایت چگونه است و اساساً دین ریشه فقر را در چه عواملی می‌داند، خود مقوله‌ای اساسی و قابل بررسی است.

در آیه ۲۷۳ سوره مبارکه بقره اشاره ای به کلمه «الفقرا» شده است که در معانی فارسی با بنیوایان، تهیدستان و یا مسکینان هم تراز گشته و همچنین در آیه ۲۶۸ همان سوره چنین آمده است که: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ / شيطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد» و در ادامه آیه، خداوند یکی از دلایل فحشا را همین اضطراب ناشی از تهیدستی خوانده است. لذا در ادامه آیه می‌فرماید: «وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ / و شما را دستور به ناشایستی (پلیدی) می‌دهد». پر واضح است که می‌توان فقر را عاملی دانست که شیطان به واسطه آن سعی بر خلل در ایمان فرد

حامد سرلکی: اگر چند نمونه از کلمات مذمت بار و نکوهیده در اسلام را مشخص کنیم، بدون شک در فقره «فقر» شاهد تباهی عظیمی خواهیم بود. فقر را نباید کوچک دانست زیرا آنچه که چون مورپانه می‌تواند ایمان‌های قوی و بی‌خلل را بحدود، درگیری ذهن نسبت به چیزهایی غیر از خداست و برای ایجاد چنین درگیری و در افتادن در گرداب نادانی و سرکشی چه چیزی از فقر بهتر است؟! بی‌شک در نکوهش دنیا پرستی و مدارا با رزق اندک اما حلال، سخن‌های زیادی به میان آمده است اما دام فقری که ریشه در کاهل بودن و سستی در امور اجتماعی - اقتصادی دارد بسیار گسترده و خطرناک است. حال این فقر می‌تواند فقر فرهنگی و معنوی باشد یا فقر اقتصادی. به همین جهت است که کار، کوشش و سازش با دنیا در دستورهای دینی بسیار توصیه شده است. مسلمان کوشا بهتر از مسلمان کاهل است، زیرا خود را در هجوم وسوسه‌های شیطانی مبنی بر پوچی خلقت، بخل آسمان و هزار آسمان ریسمان دیگر قرار نمی‌دهد. به همین جهت است که اولیای جلیل‌القدر بر این اساس تأکید داشته‌اند که عصیان خانه و خانمان بر بی‌بضاعتی مفرط و گرسنگی شکم البته از تن پروری و کاهلی شخص، زبان ذکر گورا از بیخ و بن ساقط می‌کند. از این میان باید اصول چنین نگرشی را در اسلام از دو منبع وحیانی و انسانی هدایت یعنی «قرآن حکیم و نهج البلاغه»

مسلمان کرده و وی را مجبور به بزهکاری‌های اجتماعی - مدنی و یا نافرمانی‌های الهی کند. در نهج البلاغه و در کلام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) نیز نکوش‌های مختلفی از فقر به میان آمده است. به طور مثال چنین آمده است که: «ای فرزندان! من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است» [۱].

در این سفارش قطعی، حضرت علی (علیه‌السلام) به صراحت فقر را عامل جدایی انسان از خدا دانسته و بر همین اساس فرزند گرامیشان (محمد حنفیه) را از تهیدستی بیم می‌دهد. زیرا انسان به واسطه فقر خود جانب سرکشی را گرفته و هر آینه از مرام حقیقی و صراط مستقیم دورتر می‌گردد. همچنین در دیگر حکمت از ایشان چنین آمده است که: «همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه داران قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید» [۲]. اما در ادامه ایشان یکی از عوامل فقر را در جامعه، بی‌عدالتی‌های اجتماعی دانسته و گرسنگی هر فقیر را در سبیری توانگران و به قولی به اعتنایی اغنیاء در کار دیگر خلاق می‌داند.

بی تفاوتی حکام و توانگران در امور عامه مردم باعث ایجاد تهیدستی و تهیدستی نیز باعث خلل در ایمان عمومی جامعه و امید ادامه حیات می‌گردد. اما بی‌لکنت‌ترین پیام اسلام در نهج البلاغه و در کلام حضرت امیر (علیه‌السلام) چنین است که: «فقر مرگ بزرگ است!» [۳]. و این مرگ بزرگ همان مصیبتی است که در دل‌ها ظاهر شده و پس از احاطه زندگی تک‌تک افراد در بطن جامعه نیز بروز می‌کند.

اما در نهایت می‌توان گفت که در قالب آیات و روایات جامع‌ترین کلام، کلام پیام اسلام (ص) است که می‌فرماید: «فقر سیاه رویی در کار دنیا و آخرت است» [۴]. به همین دلیل است که سخن از فعالیت، کار و معاش یکی از مهم‌ترین ارکان اجتماعی در جامعه اسلامی به شمار می‌آید.



بررسی عوامل فقر از منظر سیره رضوی و راهکارها

یکی از زیباترین سخنان در خصوص عامل محر که فقر حدیثی منسوب به پیامبر اکرم (ص) است که در آن چنین آمده: «هر چیزی را جفتی است. تنبلی و کم کاری را هم جفت است که مولود آن ها فقر است» [۵]. پس می توان مهم ترین عامل فردی تهیدستی را در کم کاری های ناشی از نداشتن برنامه ریزی و تلاش برای رزق طاهر دانست. در هر جامعه ای که کلنگی بر زمین به همت و درایت و به نیت آبادانی خورده می شود، دیگر مهم نیست که آن کلنگ به دست مسلمان بوده یا غیر مسلمان یا آن زمین، زمینی مقدس است و یا زمینی غیر مقدس. به همین دلیل این رسم تکوینی قدیمی الهی یعنی برداشت به میزان کاشت باعث شده بر خی به جای استمرار در امور و فعالیت های خود، بدون هیچ گونه تلاشی تنها دست دعا به در گاه خدا برده و برای تمامی کم کاری های خود طلب رزق راحت طلبی بکنند. همانگونه که به فرمایش قرآن طلب دنیا امری نکوهیده است به همان میزان نیز ترک دنیا امری ناشایست و زیننده پشمینه پوشان متظاهر و لایعقل می باشد.

حلال با تمام این تفاسیر جامعه هم عصر با امام رضا (علیه السلام)، بخصوص جامعه خراسان در عصر مأمون عباسی، از گزند بی عدالتی و جور خلفا و کشور گشایی های رؤیا پردازانه این قوم دور است. امام رضا (علیه السلام) نیز به دلیل وضعیت پیش آمده پس از قبول اجباری امر ولایتعهدی، خود را موظف دانسته در این بی عدالتی ها شرکت نکرده و همواره حاکم عباسی هم عصر خود را از عوامل بروز فقر آگاه ساخته و او را به چالش بکشاند. لازمه این بررسی، دانستن نظر قطعی امام رضا (علیه السلام) در خصوص مقوله فقر است. بدون شک قرآن ناطقی چون مقام امامت، کلامی جز حکم الهی در قرآن را بیان نمی کند. ایشان نیز چون سلف صالح خود، پیامبر (ص) و علی (علیه السلام) فقر را «کلید بدبختی ها» می دانستند [۶]. به طور نمونه در تاریخ اسلام داستانی است که امام رضا (علیه السلام) نمونه بارزی از مبارزه در برابر فقر را معرفی می کنند. ایشان با در نظر گرفتن فقر آگاهی و عقلی مردم در آن عصر، پس از مواجهه با مردی که فرزند خود را در بازار به فروش می رساند وی را مذمت فرموده و همچنین جامعه را از فقر عقل بر حذر داشته و ثمرات امروزی انسان را حاصل کاشته های آن می داند. در همین راستا ایشان مانع فروش فرزند شده و با آن مسکین از در رحمت برخوردار می کنند. در نهایت ایشان جامعه را نسبت به خطر فقر بر حذر می دارد [۷].

در دین مبین فقر تنها تهی دستی مالی تعریف نشده است. بدون شک کسی مانند مأمون عباسی به عقیده علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فقیر ترین مردم از حیث عدالت و امانت بوده است. آنچنان که حضرت رضا (علیه السلام) پس از فتح کابل توسط این خلیفه و خوشحالی مأمون به وی می فرماید: «تو خود را تباه کرده ای در صورتی که مردمان سرزمینت در فقر و رنج معاش هستند، آیا نمی بینی فرزندان انصار و مهاجر و رعایا

برای گذراندن معاش خود به آب و آتش می زنند و کسی را ندارند که به امور آن ها به عدالت رسیدگی کند؟ [۸]. حضرت پس از مذمت مأمون که مخارج روزانه شخصیش به شش هزار دینار می رسید [۹] انصاف از دست رفته در جامعه اسلامی و فقر آگاهی حاکمان و مردمان از وضعیت پیش آمده را دلیل اصلی رخت بر بستن آموزه های اسلامی - انسانی چون انفاق دانستند.

سه عامل ایجاد فقر
در سیره پژوهی امام رضا (علیه السلام)
سه عامل حقیقی در خصوص ایجاد فقر مالی جامعه در نظر گرفته شده است:

۱- عوامل روانی فردی (تکاثرت، فقر عقل)
۲- عوامل بیرونی جامعه، انحصار ثروت (احتسار، ربا، حکومت ناعادل، خباثت شهروندان جامعه)

۳- عدم الزام به قوانین دین
تکاثرت و تفاخر به دارایی های دنیوی سبب می شود فرد هرگز توجهی به فقیران و تهیدستان نکند و این شکاف طبقاتی روز به روز وسیع تر گردد، به حدی که دیگر نتوان با هیچ ابزاری آن را پر کرد. به دلیل همین ایجاد شکاف، فقیر اگر زاهد باشد او را کافر و اگر راستگو باشد دروغگو می پندارند و این معرفی غلط از وضعیت ظاهری فقرا به نوعی به دلیل ایجاد همین شکاف و افتادن پرده خود بر تر بینی روی چشم توانگران جامعه است. به همین دلیل است که فقر عقلی دست در دست خود بر تر بینی داده و باعث می شود اکثریت جامعه رو به سمت جامعه دو قطبی فقیر و غنی حرکت کنند.

در ابعاد دیگر که بیشتر مختص به خود جامعه نه تک افراد آن است، قوانین و وضعیت حاکمان و رفتار آن ها به توده مردم است. بر همین اساس امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «از اسلام و ایمان ناب است بیزاری از کسانی که نیاکان را از جامعه تبعید کردند و اموال مسلمانان را در میان ثروتمندان به گردش گذاشتند.» [۱۰]. این انحصار وقیحانه قدرت و ثروت میان عده ای محدود جزو نکوهیده ترین سخنان امام رضا (علیه السلام) خطاب به حاکمان مسلمان است. ناامیدی اهل فقر در

خصوص غارت اموالشان در حالتی که هیچ قدرتی در باز پس گیری آن ها ندارد نوعی دافعه در امر دینی و مسلمانی بوجود می آورد که دود آن در چشم انسانیت و آموزه های دینی می رود. دلیل ایجاد چنین بنگاه های بی عدالتی از منظر امام رضا (علیه السلام) پنج عامل اصلی است؛ مال دنیا و بخل به آن، آرزوهای دراز، آزمندی چیره بر انسان، ترک صله رحم و عدم رسیدگی به بستگان تنگدست و در نهایت دنیا دوستی (فراموش کردن آخرت) [۱۱].

دیگر علت بیرونی ترویج فقر، بحث ربا در جامعه است. ربا نوعی سودا بر نیستی انسان هاست و به همین طبع، انسان نیست شده به دلیل ادای این سودا دست به هر عملی زده و در نهایت خود را تباه می کند. از آن طرف فرد ربا گیرنده خود را روز به روز از اموال ناحقه درشت تر و قلدر مابانه تر می کند. تا جایی که امام رضا (علیه السلام) درباره علت تحریم ربا به فرمان خداوند متعال، می فرماید: «زیرا انسان اگر یک درهم را به دو درهم بخرد، آدر حقیقت [بهای درهم، یک درهم بیشتر نیست، و بهای درهم دیگر باطل (و بدون حق) است، پس خرید و فروش ربوی، در هر حال برای فروشنده و خریدار زیان و کمبود دارد، پس خداوند متعال ربا را ممنوع اعلام کرد؛ زیرا اموال تباه می گردد، چنان که منع کرد سفیهان اموال خود را در دست گیرند، چون بیم تباهی آن اموال می رود [۱۲]. در ادامه ایشان می فرمایند که هیچ پیامبر و کتاب آسمانی نبوده که در شریعت آن ربا حرام نشده باشد و برای آن کیفری کمتر از آتش جهنم در نظر گرفته نشده باشد» [۱۳]. این انحصار ثروت در حالت احتکار نیز وجود دارد، احتکار نیز بریدن رزقی است که مردم می توانند با داشته ای مشخص تهیه کنند اما فروشنده به صرف افزایش سود دهی مال خود آن را انبار کرده تا تقاضا بالا رفته و با قیمتی بیشتر بفروشد. به همین دلیل امام رضا (علیه السلام) از احتکار کنندگان در اموال بیزاری جسته اند و آن را مایه تباهی دین در جامعه می دانند [۱۴].

با توجه به مثال مقابل امام

رضا (علیه السلام) با مأمون و گوشزد کردن به دیگران در خصوص دقت و انصاف در امور رعیت، می‌توان چنین برداشت کرد که دیگر عامل مهم در ترویج بی‌عدالتی‌های اجتماعی از دید ایشسان وجود حاکم و یا حاکمان ناعادل است. بدون شک در کنار هر کاخ آبادی، کوخی در هم شکسته است و هیچ بنای مرتفعی بالا نمی‌رود مگر آن که بناهای کوچک فرو ریزد. امام رضا (علیه السلام) در اکثر راهنمایی‌های اجتماعی خود ابتدا مردم به بازپس‌گیری حقوق خود، سپس تلاش و توکل و در نهایت حاکمان را به عدالت و انصاف در حق و حقوق رعیت سفارش می‌نمایند. به همین جهت ایشسان تلاش در رفع امور مالی را هم تراز با جهاد می‌دانند و می‌فرمایند: «آن که با کار و کوشش، در جست و جوی مواهب زندگی برای تأمین خانواده خویش است، پاداشی بزرگ‌تر از مجاهدان راه خدا دارد» [۱۵]. دیگر نشانه مشخص از احادیث امام رضا (علیه السلام) در خصوص موضع‌گیری ایشان در برابر جور حکما و توانگران متزور حدیثی است که در آن می‌فرمایند: «آنچه بر سر ناداران، نیازمندان، گرسنگان و برهنگان می‌آید، همه و همه، در اثر جنایت اغنیا و توانگران است» [۱۶].

راهکارهای فقرزدایی

در نهایت ریشه تمامی این کاستی‌ها و مشکلات جامعه در امر فقر، توجه نکردن به دستوره‌های دینی است. صدها و هزاران آیه و حدیث نسبت به میانه‌روی، خضوع، مذمت فقر، عدالت، صبر، تلاش و کوشش، رزق حلال، طغیان علیه حکام و یژه خوار و غیره وجود دارد که در آن مسلمانان به احقاق حق خود سفارش شده‌اند. بدون شک کلید بدبختی در دنیا و آخرت و مرگ بزرگی چون فقر، آن چنان راحت و پیش پا افتاده نیست که بتوان از آن به راحتی گذشت. امام رضا (علیه السلام) و دیگر ائمه بزرگوار هدایت و طهارت (سلام الله اجمعین) برای فقرزدایی بهتر در جامعه، مردم را هر آینه به بازگشت به دستورات قرآن و عترت خوانده‌اند. جامعه‌ای که دچار مصرف‌گرایی و اسراف



عکس: مهدی حسینی

این اسوه حقیقی مردم‌داری و مردم‌خواهی بیش از صدها حدیث در امور اجتماعی مسلمانان داشته که اگر تنها به بخشی از این فرامین جامه عمل پوشانیده شود دیگر وجودی بنیان‌سوز به نام «فقر» در تمدن اسلامی بروز نمی‌کند و دیگر چشمی در حسرت نانی نمی‌ماند و این‌گونه ایمان و سرشت فطری خداپرستی انسان‌ها به خطر نخواهد افتاد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹
۲. همان، حکمت ۳۲۸
۳. همان، حکمت ۲۶۸
۴. میزان الحکمه، محمد محمدی، صفحه ۴۹۸
۵. همان، صفحه ۲۵۱
۶. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد هفتاد و پنجم، صفحه ۳۵۳
۷. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، جلد هفتم، صفحه ۷۷
۸. عیون الاخبار الرضا، شیخ صدوق، جلد دوم، صفحه ۱۲۶
۹. ر.ک: تاریخ سیاسی اسلام، حسن ابراهیم حسن به ترجمه ابوالقاسم پاینده
۱۰. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، جلد دوم، صفحه ۱۲۶
۱۱. الخصال، شیخ صدوق، جلد اول، صفحه ۴۱۱
۱۲. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، جلد دوم، صص ۹۳ و ۹۴ / مستند الامام الرضا، جلد دوم، صفحه ۳۰۶
۱۳. فقه الرضا، صفحه ۲۵۶
۱۴. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، جلد دوم، صفحه ۱۲۶ / مستند الامام الرضا، جلد دوم، صفحه ۵۰۲
۱۵. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، جلد اول، صفحه ۸۰۸
۱۶. همان، جلد ششم، صفحه ۴

است اگر خود را از جهل و فقر عقلی برهاند و با تمکین و خضوع نسبت به فرامین الهی رفتار کند مطمئناً دیده روشن‌تری نسبت به قضایا داشته و خود را اسیر تباهی نمی‌کند، اسراف نمی‌کند، به بی‌عدالتی رفتار نمی‌کند و در نهایت انفاق - این میراث بزرگ اسلامی که در کنار نماز - جزو بزرگترین علایق ام‌المعصومین، حضرت زهرا (س) بوده است راجع می‌نهد. محال است در جامعه‌ای که خمس و زکات و سایر دیون شرعی به دست اهلیش سپرده شود، فقری به وجود آید و بزرگ‌تر از آن محال است در جامعه‌ای که بجز قرآن خوانی رو به «قرآن دانی» می‌آورد، دیگر فقری زاده نشود. اگر حاکم ظالم از کرده خود توبه کند راهی روشن‌تر برای وجود می‌آید و اگر بر کرده‌های خود پا فشاری کند، این بار مردم از جهل بیرون آمده سعی بر احقاق حق خود می‌کنند. به همین دلیل است که در اسلام، انقلاب فردی والاتر از هر گونه دگرگونی است. اگر آن چنان که پیامبر (ص) بر حق همسایه و خانواده و بستگان تأکید دارند آن را در هسته‌های دیگر جامعه بروز دهیم، دیگر جهان به شکلی تبدیل نمی‌شود که عده‌ای از چاقی‌های مفرط در رنجند و دیگران از گرسنگی در فلاکت. امام رضا (علیه السلام)



مروری بر الگوی رفتاری معین الضعفا

همنشین فقرا

بینوایان بودند و با آنان نشست و برخاست داشتند و همانند آنان زندگی می‌کردند و از تجملات و اشرافی‌گری و گرایش به طبقات برتر دوری می‌گزیدند و از آنان که گرایش به دنیاداری و دنیاخواری داشتند دوری می‌کردند و همگان را نیز به این سیره و روش فرا می‌خواندند، چنان که خود چنین رفتار می‌کردند. امامان ما نیز همگان چنین بودند و هیچ‌یک - چه در مسند حاکمیت بودند و چه نبودند - بر خلاف این سیره و روش گامی برداشتند؛ بلکه همانند پایین‌ترین طبقات مردم زندگی می‌کردند. امام رضا (علیه‌السلام) نیز در دوران زندگی همانند پدران خویش، همراه با بینوایان و تهیدستان بود و همانند آنان می‌زیست و از هر نوع تجمل و اشرافی‌گری دوری می‌گزید.

همه اموال خود را بخشید!

امام رضا (علیه‌السلام) در دوران ولایتعهدی، مالی نیندوخت و چیزی را برای خود و خانواده‌اش ذخیره نکرد؛ بلکه آنچه را در اختیارش بود به بینوایان می‌بخشید و برای آخرت خود ذخیره می‌کرد. امام در خراسان، همه اموال خویش را در روز عرفه (میان مردم و نیازمندان) تقسیم کرد. (در این هنگام) فضل بن سهل عرض کرد: این کار زیان است. امام فرمود: بلکه این کار غنیمت و سود است. آنچه را که برای دستیابی به پادشاهی و کرامت انسانی بخشیدی، غرامت و زیان مشمار. (بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰)

معمر بن خلاد گوید: هنگامی که امام رضا (علیه‌السلام) غذا می‌خوردند، سینی می‌آوردند و نزدیک سفره می‌گذاشتند، او به بهترین غذایی که برایش می‌آوردند می‌نگریست، و از هر غذا مقداری را بر می‌داشت و در آن سینی می‌نهاد، سپس دستور می‌داد آن سینی غذا را برای فقرا ببرند. (اصول کافی، ج ۴، ص ۵۲)

امام در ظاهر نیز چنان بود که هیچ تفاوت و تمایزی با مردمان و توده‌های جامعه نداشت و در جایی که حضور می‌یافت شناخته نمی‌شد و هیچ‌گاه تشریفات و همراهان و ملازمان به همراه نداشت و همانند شاهان رفتار نمی‌کرد. بدین گونه امام درد آشنای توده‌های محروم بود. نقل است روزی امام رضا (علیه‌السلام) وارد حمام شد. مردی که آن حضرت را نمی‌شناخت، به او گفت بدن مرا مالش ده. امام شروع به مالش بدن او کرد. هنگامی که مردم آن شخص را از جریان آگاه کردند، و امام را شناخت، پریشان شد و عذرخواهی کرد، لیکن امام همچنان به مالش بدن او ادامه داد و او را

اموال را دستمایه اسراف، تفاخر، ریخت و پاش و... نمود قطعا مورد مواخذه خداوند قرار خواهد گرفت.

این مسأله تا جایی است که همه معصومین از جمله امام رضا (علیه‌السلام) حساسیت خاصی نسبت به برترنمایی و تفاخر به مال و تحقیر کرامت انسان‌های دیگر توسط ثروتمندان و اکنش نشان می‌دادند و آن را بشدت رد می‌کردند. امام رضا (علیه‌السلام) در یکی از سخنان خود درباره نفی معیارهای اقتصادی برای ارزش‌گذاری افراد فقیر می‌گویند: هر کس با مسلمانی فقیر رو به رو شود و به او سلامی متفاوت با سلامی که به ثروتمند می‌کند بکند، روز قیامت خداوند را دیدار کند در حالی که خدا از او خشمگین است (مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَيَّ الْغَنِيِّ، لَقِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانِ. أمالی صدوق، صفحه ۳۵۹).

با این اوصاف می‌توان دریافت، امامی که قائل به تکریم همه خلق خداست خود چگونه با آن خلق رفتار می‌کند و خود چگونه معیارهای مجازی و غیر اصیلی مانند نژاد، وضع اقتصادی، نسبت‌های خانوادگی و... را که بشر به آن‌ها افتخار کرده و آن را مایه برتری خود بر دیگران می‌بیند نفی می‌کند.

همسان‌سازی کردن با محرومان و بینوایان یکی از ویژگی‌های اساسی امام و حاکم در جامعه اسلامی است؛ و رهاوردهایی بسیار سازنده دارد. از روزهای آغازین اسلام و در هنگامه فراخوانی پیامبر اسلام این اصل مهم مورد توجه بود و به همگان گوشزد می‌شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از همان آغاز در کنار محرومان و

قاسم مدبر: یکی از مسایلی که پیشوایان دینی حق را از دیگر جریانات و فرقه‌ها و نحله‌ها جدا می‌کند، موضوعاتی است که در سیره و رفتار عملی آنان بصورت متفاوتی متجلی می‌شود. به طوری که بسیاری از مشاهیر فکر و اندیشه بشری را هیچ‌گاه نمی‌توان الگوی رفتاری برای علاقه‌مندان آن‌ها قلمداد کرد. این موضوع اما در میان معصومین متفاوت است تا جایی که رفتار و سیره معصوم، آیینه تمام‌نمای تفکر و حیاتی اوست.

در این راستا همانگونه که قرآن کریم به کرامت بخشیدن به همه انسان‌ها تأکید دارد (و لقد کرّمنا بنی آدم...)، امام معصوم نیز در رفتار و گفتار خود به چنین اصلی به طور حقیقی پایبند است. یکی از مظاهر این کرامت بخشی، نگاه به انسان فارغ از جایگاه و پایگاه مالی و اقتصادی اوست.

در زندگی امام رضا (علیه‌السلام) درباره این موضوع با توجه به شرایط زمانی زندگی حضرت، نقاط قابل تأملی به چشم می‌خورد که نوع موضع امام را نسبت به زندگی اقتصادی و نقش آن در برخورد با مردم مشخص می‌کند.

لازم به ذکر است که به طور کلی در اندیشه و سیره عملی امام رضا (علیه‌السلام) مالکیت مطلق از آن خداست که خداوند این مالکیت را به صورت مجازی به انسان داده است. در این نگاه باور به مالکیت حقیقی و باور به غنای مطلق خدا آثار سازنده بسیاری دارد، از جمله آن که سبب می‌شود حس مالکیت فردی کنترل شود و فرد خود را مالک اموال خود نداند بلکه مالک حقیقی را، خداوند دانسته از این رو، مالکیت خود را مجازی و وکالتی تلقی کند. در نتیجه می‌توان گفت مالکیت مجازی انسان به او اجازه دخل و تصرف مطابق میل را نداده بلکه شرع محدودده تصرف را برایش مشخص کرده است. چه در مخارج زندگی شخصی و چه در بخشش و انفاق به محرومان. (ن.ک: الحیاه، حکیمی، ج ۳، ص ۱۱۰)

مالکیت حقیقی فقط از آن خداست

در اندیشه امام رضا (علیه‌السلام) با توجه به این اصل، انسان اگر از مالی که در اختیارش است به قدر نیاز مصرف نمود و اضافه این مال را در اختیار نیازمندان قرار داد که به حیات سالم و مورد تأیید خداوند که مالک حقیقی است نزدیک شده، اما اگر این

دلجویی داد. (مناقب آل ابی طالب، ج ۴ ص ۳۶۲)

در پایین مجلس...

امام رضا (علیه السلام) در طول زندگی خویش، به شیوه اجداد خویش رفتار می کرد و در کنار محرومان بود و از صدر نشینی پرهیز می کرد و از زیست اشرافی دوری می جست. روزی یکی از بزرگان و صاحب دولتان نیشابور مهمانی

شاه نشین نشست. (تاریخ نیشابور ص ۲۱۰)

این چنین بود که امام با رفتار و سیره خویش مردمان را آگاه کرد و شیوه الهی و انسانی روابط اجتماعی را نمایان ساخت؛ و بر هر گونه امتیاز خواهی و برتری جویی و زیست اشرافی خط سرخ کشید و اصل برابری و برادری اسلامی را در عمل نشان داد و به صورت سیره و رفتاری خدایی به همگان آموخت. درباره بر خورد امام رضا (علیه السلام) با

و این پول را از طرف من صدقه نده. خارج شو تا من تو را نبینم و تو مرا نبینی.» اطرافیان امام وقتی از آن حضرت علت این رفتار را پرسیدند، ایشان علت این رفتار را ترس از دیدن آثار ذلت در چهره آن فرد عنوان کردند و فرمودند: «نخواستم آثار ذلت در خواست را در چهره او ببینم.» (کافی، کلینی: ج ۴، ص ۲۳). نکات اخلاقی فراوانی از این روایت قابل استخراج است اما آنچه مورد نظر نوشتار حاضر می باشد، شیوه بر خورد حضرت در مقابل شخص سائل است؛ حضرت چهره مبارک خویش را از فرد سائل پوشاندند تا به سیره رسول الله (صلی الله علیه و آله) عمل نمایند و این رفتار در حقیقت به معنای حفظ آبرو و کرامت شخص سائل است تا وی هنگام دریافت کمک مالی احساس حقارت و شرمندگی نکند.



السلام علیک یا

الاعظمی

از یک پدر و مادر... در روایت دیگری نقل است مردی از اهالی بلخ می گوید: «در راه سفر خراسان با امام رضا (علیه السلام) همراه بودم، سفره ای برای ایشان پهن کردند.

پس تمام موالی خود از سیاه و غیر سیاه را بر سر آن سفره فراخواند، با دلخوری گفتم: ای کاش برای آنان سفره دیگری می گستراندی! فرمود: ساکت شو! خداوند تبارک و تعالی یکی است، مادر یکی است و پدر یکی است و پاداش افراد به کارهاست.» (کافی، شیخ کلینی، ج ۵، ص ۲۳۰، ج ۲۹۶).

روشن است که طبق این حدیث، امام رضا (علیه السلام) به هر دو نوع کرامت توجه داشته اند؛ بنابراین برده یا آزاد بودن، سیاه یا سفید بودن دلیل برتری نخواهد بود چرا که همگان در دو امر با یکدیگر مشترک هستند و آن، خدای واحد و پدر و مادر واحد است و این توجه به کرامت ذاتی انسان هاست. اما آنچه موجب برتری افراد بر یکدیگر می شود، تنها اعمالی است که به آن پاداش داده می شوند و این دیدگاه جز توجه به کرامت اختیاری افراد، چیز دیگری نیست که البته معیار آن در اختیار خداوند است و قابلیت این که انسانی با آن بر دیگران برتری جویی و تفاخر داشته باشد را ندارد.

فقر روایات دیگر بسیاری نقل شده که ذکر همه یا بخش اعظمی از آن در این مجال نمی گنجد، اما به عنوان نمونه ذکر دو نمونه دیگر در مورد سیره حضرت درباره مسایل مالی و بخصوص مواجهه با فقرا مفید فایده است.

ذلت «در خواست»!

نقل است روزی مردی که از راه مکه به وطن باز می گشت به نزد امام رضا (علیه السلام) رفت و تقاضای کمک مالی کرد و به آن حضرت گفت پس از آنکه مشکلش حل شود، مبلغ را از طرف ایشان به فقرا و نیازمندان صدقه خواهد داد. امام به داخل اتاقی رفتند و پس از مدتی دست خود را از بالای در بیرون آوردند به طوری که آن مرد صورت ایشان را ندید و به او فرمودند: «این هزار دینار را بگیر و از آن در مخارجت کمک بگیر و به آن تبرک جو

بزرگی برپا داشت و امام رضا (علیه السلام) را دعوت کرد. راه و رسم آن روزگار چنین بود که اگر به خاطر بزرگی و عزیزی مجلسی برپا می شد، پیش از آمدن آن عزیز همگان به مجلس می آمدند تا آن مهمان عزیز انتظار نکشد. از این رو همه مهمانان، عالمان، بزرگان و اشراف آن شهر جمع گشتند و بر بلندای مجلس تختگاهی (شاه نشین) قرار دادند و بزرگان بر آن جا نشستند و تکیه کرده بودند. و این نیز از رسوم آن روزگار بود که در مجالس، بزرگان بر بلندای مجلس می نشستند و خادمان و کارگران و مردمان عادی در کنارهای آن می نشستند. آنگاه که امام رضا (علیه السلام) به مجلس وارد شد، راه بگشودند تا امام به جای بزرگان برود و در بلندی و شاه نشین بنشیند. لیکن امام به آن جا توجهی نکرد و به همراه خادمان و کارگران (نه بر شاه نشین)؛ بلکه در پایین



در گفت و گو با محسن ایمانی عنوان شد

شیوه تربیتی امام رضا علیه السلام برای تمام اعصار راهگشا است

برخی از افراد است، همان گونه در بالا توضیح داده شد تنها در معدود افراد ظهور و بروز دارد به طور نمونه همه می توانیم وزنه ای را برداریم اما افراد کمی وزنه بردار می شوند.

اگر در هنگام تربیت، استعدادها کشف شود و در آن راستا مربی حرکت کند کودک هم دارای اعتماد به نفس می شود و هم عزت نفس خواهد داشت. به این شکل بهداشت روانی افراد نیز تامین می شود و این باعث تربیت یک انسان مطابق با ظرفیت های درونی اش می شود و در بزرگسالی، در جامعه کمتر دچار مشکل خواهد شد.

«ایجاد عادت نیک در کودک» تعریف دیگری از تربیت است. بدین معنی که بزرگسالان عادت نیکی را به کودکان بیاموزند که در بزرگسالی آن ها منطبق با ارزش های حاکم بر جامعه هستند. به طور نمونه در کودکی سلام کردن به بزرگترها آموخته می شود و این یک عادت در افراد می شود و در بزرگسالی معنی سلام را درک می کنند. یا به پای بزرگتر ایستادن در کودکی آموخته می شود و در افراد تبدیل به یک عادت نیک می شود. و سپس هنگام بزرگ شدن در می یابند ایستادن در مقابل بزرگترها ارزش و یک امر اخلاقی است. بنابراین ما به کودکان عادت هایی می آموزیم که در بزرگسالی سهمی از ارزش های اخلاقی را با خود داشته باشند. از این رو مربیان در تربیت و پرورش کودک باید نسبت به این مسایل حساس بوده و اهمیت بدهند که کودکان را حتما با عادت های نیک آشنا کنند.

این امر در بحث تربیت از گذشته های دور در بین بزرگان و عالمان ما نیز وجود داشته است از فارابی و ابن سینا

فاطمه امیراحمدی: شهید مرتضی مطهری درباره تعلیم و تربیت در زندگی در یکی از کتاب های خود عنوان کرده است: «تربیت، پرورش استعداد های درونی و به فعلیت در آوردن آن ها است». تعلیم و تربیت در زندگی بشر مهم ترین و اساسی ترین جنبه زندگی است به گونه ای که هر گونه، اعوجاج و انحراف در آن باعث انحراف در همه امور زندگی می شود. بنابراین در اسلام به این مهم توجه بسیار شده و قواعد مناسبی برای رشد انسان تعیین شده است. از جمله موضوع های اساسی که لازم است طرح شود این است که تربیت چیست؟ تربیت، پرورش دادن است یعنی استعداد های درونی را که بالقوه در یک شی موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن است. زمانی که بحث از تربیت اسلامی و به طور ویژه تر از دید معصومین علیهم السلام پرداخته می شود هدف غایی تربیت اسلامی، پرورش انسان مقرب الهی است که شاکله دینی در او موجود است؛ به معنای دیگر الهی شدن آدمی است. مقوله تربیت اسلامی در سیره علمی امام رضا علیه السلام یکی دیگر از محور های این شماره از ماهنامه است که محسن ایمانی نائینی، روانشناس و استاد دانشگاه تربیت مدرس درباره آن به سخن پرداخت.

تربیت یاد آور می شود «ندهد هوشمند روشن رای / به فرومایه کار های خظیر / بور یا باف اگر چه بافنده است / نبرندش به کارگاه حریر»

در این باره بزرگان و اندیشمندان ما سخنان بسیاری گفته اند که از آن جمله ابن سینا عنوان می کند، معلم باید استعداد های شاگردان خود را کشف کند و آن ها را پرورش دهد. به طور مثال تمام افراد می دوند اما بسیار معدود افراد هستند که دونده می شوند؛ یا همه ما می نویسیم اما تنها تعدادی از ما نویسنده می شوند.

بنابراین شناسایی استعدادها در تربیت بسیار مؤثر است. البته لازم به یاد آوری است که در بحث استعدادها زمینه های وراثتی نیز نقش دارند و می توان این طور نتیجه گرفت که استعدادها یک جنبه عمومی و یک جنبه اختصاصی دارند. جنبه عمومی، استعداد هایی است که در همه به یک نسبت وجود دارد و تمام افراد قادر به انجام آن هستند. و بخشی دیگر از استعدادها که اختصاصی و مختص به

● در ابتدا بفرمایید واژه «تربیت» به چه معناست؟
برای این واژه تعریف های بسیاری مطرح شده است که در این فرصت محدود تنها به چند مورد اشاره می کنم.

یکی از این تعریف ها این است که تربیت یعنی شکوفا کردن استعدادها. بدین معنی که هر فردی که به دنیا می آید درون خود دارای استعداد هایی است. و زمینه هایی از یادگیری در وجود هر کودک تازه متولد شده ای وجود دارد. بالقوه ای در وجود اوست که می تواند در موقعیت های مناسب به منصفه ظهور برسد و بالفعل شود. بنابراین باید به این نکته توجه داشته باشیم که در تربیت به زمینه های موجود در هر فردی توجه کنیم و آن ها را در موقعیت های مناسب خود پرورش دهیم. در تربیت انسانی ضروری است هر مربی استعداد های درون افراد را بشناسد و آن ها را به بهترین وجه شکوفا کند.

در همین راستا می بینیم یک کودک ممکن است استعداد خوبی در ریاضی داشته باشد و دیگری مستعد کارهای هنری از جمله نقاشی کشیدن است. بنابراین به تعبیری که مولانا دارد «هر کس را بهر کاری ساختند / میل آن را در دلش انداختند / دست و پای میل جنبان کی شود / خار و خس بی آب و بادی کی رود». یا در جایی دیگر می گوید «همچنانک سهل شد ما را / حضر / سهل شد هم قوم دیگر را سفر»
همچنین سعدی در یکی از حکایات های گلستان در تأثیر



اگر مناظرات حضرت با بزرگان نحله‌های فکری و دینی آن زمان به دقت مورد مطالعه قرار گیرد به خوبی شیوه برخورد و تربیتی امام با افراد مختلف قابل درک است

غیرالحکم، ص ۴۳) یعنی عادت به منزله طبع ثانوی است. بنابراین آموزه‌های دینی ما نیز با این دو تعریف منافاتی ندارد بلکه هماهنگی و سازگاری دارد.

در فرهنگ اسلامی نیز نیاز است تا ضمن پرورش استعدادها، کودکان را به انجام کارهای نیک عادت دهیم؛ آنچه که در فرهنگ ما به عنوان ارزش‌های اخلاقی یاد می‌شود.

❖ در باره امام رضا علیه السلام، با توجه به شرایطی که ایشان در دو برهه زمانی متفاوت در زندگی شان (در مدینه و در مرو) و در دوره‌ای که از خانواده خود دور بودند چگونه به این امر یعنی تربیت کودکان خود اهتمام داشتند؟

در امر تربیت هم پدر نقش دارد و هم مادر. در نتیجه در نبود حضرت، مادر کودکان به این امر می‌پرداختند. همچنان که درباره ائمه علیهم السلام مساله طی الارض نیز مطرح بوده است.

❖ اگر مولفه «اسلامی» به تربیت اضافه شود در آن صورت تربیت اسلامی چگونه معنی می‌شود؟

اینجا بحث بر سر این خواهد بود که کودک خود را بر اساس مؤلفه‌های دینی پرورش دهیم. به طور مثال در دین مبین اسلام نیز روی استعداد‌های هر فرد بسیار تأکید شده است. و تفاوت تربیت در هر جامعه و دینی در انتقال ارزش‌ها و آموزه‌های آن است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تربیت اسلامی می‌فرمایند: «النَّاسُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» (کافی، جلد ۸، ص ۱۷۷) یعنی مردم معدن‌هایی مثل معادن‌های طلا و نقره هستند. این حدیث به این معنی است که معادنی در درون افراد نهفته است که این وظیفه معلم است آن‌ها را کشف و استخراج کند.

یا درباره عادت‌های نیک نیز امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «العادات طَبْعُ ثَنِي»

تا اندیشمندان عصر حاضر کسانی مثل شهید مطهری که روی این موضوع تأکید بسیاری داشته‌اند اینکه کودکان خود را به انجام کارهای نیک عادت دهیم. و به تعبیر خواجه نصیر عادت انجام دادن کاری، بدون فکر قبلی است و فرد آن را انجام می‌دهد بدون اینکه نسبت به آن امر تعقل داشته باشد.

❖ پس با توجه به توضیح‌های شما در بحث تربیت باید در ابتدا بالقوه‌های هر فرد بالفعل شود یعنی استعدادها کشف و شکوفا شود و دیگر اینکه انجام کارهای نیک را در کودکان عادت کنیم؟

بله، پرورش استعدادها و ایجاد عادت نیک از معناهای تربیت محسوب می‌شود. بدین ترتیب فرد مطابق با ارزش‌های موجود جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، پرورش پیدا می‌کند. و این امر در هر فرهنگی بسیار قابل اهمیت است.



گفته می شود «گر چه دوریم به یاد تو سخن می گویم / بعد منزل نبود در سفر روحانی».

به هر حال عنایاتی که خاص امامان معصوم علیهم السلام و بزرگان دین است شامل فرزندان آنان نیز می شود. ضمن آنکه یک سلسله مقدمات مهم در تربیت فرزندان می تواند از پیش فراهم شده است. به طور نمونه می بینید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پیش از آنکه صاحب فرزند شوند و قبل از حضرت فاطمه سلام الله علیها، چهل روز روزهدار بودند. بنابراین مقدماتی را پیش از کودک فراهم می کنند که در تربیت فرزند بسیار موثر است. بنابراین درباره امام رضا علیه السلام و تربیت فرزندان این گونه نیست که حضرت در مرو هیچ ارتباطی با خانواده نداشته باشند.

همچنین امام رضا علیه السلام در زندگی خود به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت می کردند و بنابراین رفتار پدر به طور قطع در تربیت و پرورش فرزندان موثر بوده است. و اگر چه در دوره ای به لحاظ جسمانی حضرت از فرزندان دور هستند اما به لحاظ معنوی حضوری پررنگ در خانواده دارند.

● حال اگر این تربیت را از سوی امام رضا علیه السلام بخواهیم تسری به افراد بزرگتر و به شاگردان و یاران شان در جامعه بدهیم، شیوه تربیتی ایشان چگونه بوده است؟ چه در هنگامی که حضرت در مدینه هستند و چه زمانی که مجبور به حضور در درباره عباسی هستند؟

اگر مناظرات حضرت با بزرگان نحلله های فکری و دینی آن زمان به دقت مورد مطالعه قرار گیرد به خوبی شیوه بر خورد و تربیتی امام با افراد مختلف قابل درک است. مامون شناخت درستی از امام رضا علیه السلام نداشت و با آوردن امام به دربار می خواست به نوعی ایشان را تحت کنترل بگیرد و با ترتیب دادن جلسات مناظره قصد داشت شان و شخصیت حضرت را در نزد مسلمانان زیر سؤال ببرد. بنابراین به گمان خود بزرگانی را دعوت می کرد که در مناظرات بر امام غلبه کنند و امام رضا علیه السلام از عهده پاسخ گویی به آن ها بر نیاید. به این ترتیب از میزان علاقه و ایمان مردم به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله کاسته شود، و در بوق و کرنا کنند که فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله که مدعی هستید جانشین وی است از عهده پاسخ گویی افراد بر نمی آید.

بنابراین مامون برای رسیدن به هدف خود بزرگان فرقه های مختلف آن زمان را برای مناظره با امام دعوت می کند، اما حضرت پاسخ هایی به پرسش های هر یک از فرقه های فکری و دینی آن زمان می دهد که تعجب همگان را برانگیزد. همچنان که بر همگان مسلم می شود که هیچ کس یاری مناظره با امام رضا علیه السلام را ندارد. این نشان می دهد که بر خورداری امام از علم لدنی و علمی که خداوند به ایشان عطا کرده است بر حقانیت وی صحه می گذارد «علم دیگر هدیه یزدان بود/ جایگاهش در میان جان بود». این جلسات خود برای افراد نوعی تربیت محسوب می شود.

همچنین افرادی که برای دیدار امام می آمدند چون ایشان در رفتار و گفتار خود پیرو سیره نبوی بودند بنابراین تمام آن ها در پرورش افراد مرتبط با حضرت موثر بوده است. در این باره نیز می توان به حدیث سلسله الذهب که بسیار معروف است، اشاره کرد که حضرت به طور آشکارا شرط توحید را ولایت خود عنوان

می کند.

همچنین سفارش شده است علوم را تنها از اهل بیت علیهم السلام بگیریم زیرا برای هر کاری نیازمند شناخت آن هستیم که حضرت امیر المومنین علیه السلام می فرماید: «یا کَمِيلٌ لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا تَكُنْ مِنَّا يَا كَمِيلٌ مَا مِنْ حَرْكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةِ» (تَحْفَ الْعُقُولِ ص ۱۷۱) ای کمیل جز از ما مگیر تا از ما باشی. ای کمیل هیچ حرکت (و عملی) نیست مگر آنکه تو به شناخت آن نیازمندی.

بنابراین این آموزه ها، تعلیمات عمومی بود که از سوی معصومین علیهم السلام برای تربیت شاگردان و یاران شان آموخته می شد. همچنان که شاگردان خاص از تربیت اختصاصی این بزرگان برخوردار بودند.

به هر حال آنجایی که فرصت بود، و اصحاب خاص در کنار امامان معصوم خود بودند به صورت ویژه مورد پرورش قرار می گرفتند. و برای عموم مردم نیز زمانی که امکان دسترسی وجود داشت نکاتی را برای جمع می فرمودند که نمونه هایی از آن ها بارها از سوی امام رضا علیه السلام نقل می شود، و حدیث معروف سلسله الذهب یکی از آن هاست.

● پس بر اساس آنچه که توضیح داده شد در تربیت بزرگسالان، دیگر ایجاد عادات نیک مطرح نیست، همین طور است؟

در تربیت بزرگسالان بحث «شناخت» مطرح است. بنابراین تربیت اسلامی در این مرحله یعنی «شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر» است. یا گفتیم یکی از مولفه ها، در تربیت کودکان شکوفایی استعدادهاست. و البته شکوفایی استعدادها تا پایان عمر انسان ادامه دارد و محدود به دوره کودکی او نمی شود. در هر دوره ای خود افراد نیز باید در جهت رشد استعدادهای خود تلاش کنند.

● اگر در باب تربیت در سیره امام رضا علیه السلام سخنی باقی مانده است، بفرمایید.

یکی از نکاتی که درباره سیره تربیتی امام رضا علیه السلام وجود دارد بر خورد

یکسان ایشان با تمام شاگردان بوده است. و حضرت مساوات و رعایت عدالت را در بین افراد به جد دنبال می کردند؛ نه سفید را بر سیاه ترجیح می دادند و نه عرب را بر عجم. در حالی که در حکام آن زمان به طور مثال در بنی امیه این تفاوت ها بسیار بود. یا خلفای آن ها معتقد بودند کسانی که زودتر اسلام آوردند از بیت المال سهم بیشتری باید ببرند و برای این سخن خود به این آیه استناد می کردند «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه/ ۱۰).

تعبیر خود امام رضا علیه السلام است که اگر مسلمانی به فقیری به گونه ای سلام کند که متفاوت با سلام کردن او با افراد غنی باشد روز قیامت خداوند را ملاقات نمی کند مگر خشمناک. نقل است در گفت و گو به کسی جفا نمی کردند یعنی سخن کسی را قطع نمی نمودند. زیرا حق شنونده بر گوینده این است که هنگام سخن گفتن سکوت کند. و درباره تمام این آموزه ها این است که در ابتدا خود معصوم علیه السلام بر آن پایبند بود و سپس به دیگران سفارش می نمود. و این می تواند در تربیت اسلامی افراد بسیار موثر باشد.

یاد ر جای ابراهیم بن عباس نقل می کند که امام رضا علیه السلام، هیچگاه از مردم روی بر نمی گرداند. همواره با روی خوش از آن ها استقبال می کرد. و می گوید این شیوه رفتار امام همچون آهن ربایی قوی مردم را به سوی ایشان جذب می نمود. بنابراین خوش خلقی یکی از صفات بارز معصوم علیه السلام بود. یا مسأله تکبر که در این بزرگان دیده نمی شد و با مردم به دور از هر نوع تکبری به دعوت خودشان روی زمین می نشستند و مشغول غذا خوردن می شدند. و زمانی که فردی معترض می شد ایشان گوشزد می کردند که پدر و مادر همه ما یکی است.

این تواضع از نکات تربیتی برای افراد جامعه در تمام دوران است. بیتی منسوب به پوریای ولی است که می گوید: «فتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است». یا صائب تبریزی می سراید: «شبنم به آفتاب رسید از افتادگی / بنگر که از کجا به کجا می توان شدن». و معصومین علیهم السلام با تواضع به ما نشان دادند که با این رفتار بر شان و موقعیت افزوده می شود. در نتیجه امام رضا علیه السلام و البته تمام امامان این نکات تربیتی را در رفتار و گفتار به پیروان خود آموخته اند.

الگوی عملی برای تداوم و تربیت نسل در خانواده امروزی

{مقاله}

بهاره داداشی: در دنیای کنونی و با رشد ارتباطات و فناوری در بسیاری از حوزه‌های زندگی، شاهد بروز ناامنی‌ها و بی‌اخلاقی‌هایی هستیم که بنیان خانواده‌ها را در معرض فروپاشی قرار داده است. آمارها حکایت از این دارد حتی در خانواده‌هایی که اعضای آن ظاهرأ در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند ولی تعهدات اخلاقی در خانواده‌ها نسبت به یکدیگر به راحتی نادیده گرفته می‌شود و حفظ حرمت زن و شوهر نسبت به یکدیگر و فرزندان نسبت به والدین - که از توصیه‌های اکید در اسلام است - نقض می‌شود.

بازگشت به روح اصیل و آرامش بخش اسلام در همه حوزه‌ها کلید مؤثر و کارساز در مشکلات است. اسلام دینی است که به دلیل عنایتی که به زندگی دنیوی و اخروی دارد، انسان‌ها را بلا تکلیف و سردرگم به حال خود رها نکرده است تا عمر خود را در گمراهی طی کنند. توجه به امور دنیوی و توصیه‌های بسیاری که در کتاب آسمانی قرآن و نیز سیره رسول اکرم (ص) وجود دارد راه صحیح زندگی کردن را آموزش داده است و هر کس طالب رفاه مادی و معنوی است با کسب معرفت از این سیره می‌تواند زندگی توأم با آرامش را تجربه کند. در این میان شیعیان از این شانس و امتیاز برخوردار هستند که با شناخت نسبت به زندگی و سلوک ائمه معصومین (ع) مسیر زندگی خود را راحت‌تر و هموارتر کنند.



عکس: مسعود نوبوری

❁ فرزند بخواهید

توجه به اصل خانواده و توصیه‌های مکرر و اکیدی که در اسلام نسبت به تشکیل و حفظ آن وجود دارد در جزئی‌ترین مسایل و زمینه‌ها وارد شده است به طوری که آشنایی و اجرای درست آن‌ها در زندگی نتیجه‌ای جز آرامش، حفظ حرمت‌ها در خانواده، عاقبت به خیری در دنیا و آخرت نخواهد داشت. توصیه به داشتن فرزند نیز در همین راستا و در جهت ایجاد آرامش و هدف در زندگی مقرر شده است به طوری

که رسول خدا (ص) فرمودند:
طَلِبُوا الْوَلَدَ وَ التَّمَسُّوهُ؛ فَإِنَّهٗ قَرَّةُ الْعَيْنِ، وَ رِيحَانَةُ الْقَلْبِ (مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۴۸۰ ح ۱۶۶۵)
فرزند بخواهید و آن را طلب کنید؛ چرا که مایه روشنی چشم و شادی قلب است.
از امام رضا (ع) نیز حدیث است که به دنیا آمدن فرزند در خانواده را خیر خواهی خداوند برای بنده می‌داند.
إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا لَمْ يُمَتِّهْ حَتَّى يَرِيهٗ الْخَلْفَ (من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۴۸۱ ح ۴۶۹۰)
بی تردید، هرگاه خداوند - تبارک و تعالی - خیر بنده‌ای را بخواهد، او را نمی‌میراند تا جانشینش (فرزند صالح) را به او



نشان دهد. امام رضا (ع) هم در همین راستا، فرزندآوری را لازمه تداوم زندگی می‌داند و می‌فرماید: آن کسی که از خود فرزندی به جا نگذارد مثل این است که هرگز میان مردم نزیسته است؛ اما آن کسی که از خود فرزندی به یادگار نهد گویی نمرده و در میان مردم زنده است. امام رضا (ع) همچنین فرزند را موهبتی از طرف خداوند دانسته و می‌فرماید: فرزند آدمی هدیه‌ای است برای او.

● پرهیز از تجرد

تداوم نسل در بین معصومین (ع) از توصیه‌های مکرر و اکید بود و اگر کسسانی قصد تجرد اختیار کردن می‌نمودند به شدت آن‌ها را از این عمل نهی می‌کردند و این امر را موجب محروم کردن خودشان از نعمت‌های خاص خداوند بر می‌شمردند. در روایتی از امام رضا (ع) وارد است که «زنی نزد امام باقر (ع) رسید و گفت می‌خواهم برای رسیدن به فضل و کمال هرگز از دواج نکنم، حضرت فرمودند این کار را نکن اگر خودداری از دواج، فضیلت و کمالی در برداشت، فاطمه (س) به درک این فضیلت از تو شایسته تر بود، در حالی که هیچ کس در فضیلت و کمال بر او پیشی ندارد.» در روایت دیگری است که امام رضا (ع) از امام باقر (ع) نقل کردند که «مردی نزد ایشان رسید، حضرت فرمود: از دواج کرده‌ای؟ مرد گفت: نه. حضرت فرمود: دنیا و هر آنچه در آن است را دوست ندارم اگر شبی بی همسر بسر کنم، دو رکعت نمازی که فرد متأهل می‌گزارد برتر از عمل مجردی است که شب زنده‌داری کند و روزها روزه دار باشد.» چنین پاسخی از ضرورت و اهمیت توجه به مقوله از دواج به عنوان پایه تشکیل خانواده و تداوم نسل حکایت دارد و ضمن تأکید بر امر از دواج، از دواج به موقع از توصیه‌های ایشان است.

● از دواج به موقع

توجه به از دواج در زمان مناسب نیز به علت بهترین و بیشترین زمان برای باروری است. زیرا همانطور که علم پزشکی امروز به این نتیجه رسیده است که بهترین زمان برای فرزند دار شدن در حدود ۱۰ تا ۱۴ سال است؛ امام رضا (ع) بسیار پیش از این زمان از این امر مهم مطلع بودند؛ به همین علت نیز به جوانان برای از دواج به موقع توصیه می‌کردند و می‌فرمودند: دختران همانند میوه درخت می‌باشند. هر گاه میوه درخت رسیده، چاره‌ای جز چیدن آن نیست و اگر چیده نشود، تابش خورشید آن را تپاه می‌سازد و ورزش باد مزه آن را از بین می‌برد (منتخب میزان الحکمه، ح ۲۷۸۵).

با تشکیل خانواده همه اعمال و رفتار فرد باید با در نظر گرفتن شرایط خانوادگی باشد. از امام رضا (ع) همچنین توصیه‌های مکرری در خصوص تلاش برای تأمین معاش خانواده و ایجاد رفاه و آرامش در خانواده وجود دارد. ایشان فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ مُعَافَى فِي بَدَنِهِ مَخْلَى فِي سَرْبِهِ وَعِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَكَانَ مَخْلَى لِهَ الدُّنْيَا» هر کس صبح کند در حالی که تنش سالم و خاطرش آسوده و معاشش تأمین باشد از موهب یک زندگی مطلوب و آرام بر خوردار است. و همچنین است: «کسی که در پی به دست آوردن درآمدی برای تأمین معاش عائله‌اش باشد بهتر از مجاهدان در راه خداست.»

مقوله از دواج و تشکیل خانواده مسأله‌ای چند بعدی است و از اولین انتخاب دختر و پسر تا نحوه سخن گفتن برای آشنایی دو طرف، نکات مورد توجه در انتخاب زوجین، چگونگی معاشرت و برخورد همسران با هم، وظایف طرفین در زندگی زناشویی، تا نکات ریز و مهمی که در زمینه فرزنددار شدن وجود دارد را شامل می‌شود. از حسین بن بشار واسطی روایتی وجود دارد که اظهار می‌دارد خدمت امام رضا (ع) نامه نوشتم که یکی از بستگانم از دخترم خواستگاری کرده است، ولی مرد بد اخلاقی است. (یا صلاح هست که دخترم را به از دواج او در آورم؟) حضرت فرمود: اگر بد اخلاق است، دخترت را به از دواج او در نیاور.

● طعام حلال والدین و فرزند صالح

تمرکز و توجه بسیاری که از طرف پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در مورد از دواج وجود دارد همگی حکایت از ضرورت توجه و اهمیت داشتن فرزندان سالم و صالح است تا با وجود انسان‌هایی که دارای کمال اخلاقی و رفتاری هستند و در خانواده‌های سالم رشد می‌کنند، جامعه اسلامی از سلامت کافی برخوردار باشد تا توان خود را در جهت حرکت کردن به سمت کمال و خشنودی خداوند طی کنند. در کتاب شریف فقه‌الرضا، که به حضرت رضا (ع) منسوب است، در مورد اولین برخورد زن و مرد، خطاب به شوهر، چنین آمده است: هنگامی که زن به خانه تو وارد شد، پیشانی‌اش را بگیر، او را به طرف قبله بنشان و بگو: «خداوند، او را به امانت گرفته‌ام و با میثاق تو بر خود حلال کرده‌ام، پروردگارا، از او فرزند با برکت و سالم روزی‌ام کن و شیطان را در نطفه‌ام شریک مساز و سهمی برای او قرار مده.» از این رو در تربیت اسلامی به عنوان اولین رکن در شکل‌گیری نطفه سالم، به تغذیه توجه شده است. تغذیه والدین با طعام حلال در ایجاد نطفه مؤثر است و هر چه قدر که سلامت در آن رعایت شود، به همان اندازه بر خوردار شدن از نعمت فرزند سالم و صالح نیز بیشتر خواهد بود. در همین زمینه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: فرزندانان را زمانی که در شکم مادرشان هستند تربیت کنید؛ سؤال شد این چگونه است یا رسول خدا؟ فرمودند با

خوراندن غذای حلال. بهره‌گیری از برخی خوردنی‌ها در ایام بارداری نیز در کلام ائمه (ع) توصیه شده است. از جمله محمد بن سنان از امام رضا (ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمودند: «همسران باردارتان را کندر دهید، اگر حمل آن‌ها پسر باشد، پاکیزه قلب و دانشمند و شجاع خواهد شد و اگر دختر باشد، خوش اخلاق و زیبا می‌شود و نزد شوهرش منزلت می‌یابد. در همین زمینه توصیه‌هایی برای خوردن به، عسل، گلابی، خرما و بسیاری چیزهای دیگر وارد شده است و همگی از تأثیر تغذیه بر روحیات و خلقیات جنین حکایت دارد. در روایتی منسوب به امام رضا (ع) نیز آمده است که آن حضرت، در بخشی از مطالبی که برای مأمون نوشت، چنین نگاشت: عقیقه کردن برای پسر و دختر، نامگذاری، تراشیدن موهای سر نوزاد در روز هفتم و معادل وزن موها طلا یا نقره صدقه دادن لازم است.

حسن خلق و رفتار صحیح و همراه با آرامش زوجین با یکدیگر در طول دوران بارداری نیز به سلامت روان جنین کمک می‌کند و این آرامش در اولین ساعات و لحظات به دنیا آمدن نوزاد از طریق قرائت نام زیبای خداوند بر دو گوش او به عمق جاننش منتقل می‌شود. امام رضا (ع) فرموده است: «إِذَا وُلِدَ مَوْلُودٌ فَأَدِّنْ فِي أُذُنِهِ الْأَيْمَنَ وَ الْأَقَمَّ فِي أُذُنِهِ الْأَيْسَرِ» هر گاه فرزندی به دنیا آمد، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او، اقامه بخوان.»

● نام نیکو

از آنجا که امام رضا (ع) تنها یک فرزند داشتند و ایشان به خواست مأمون مجبور به ترک وطن شدند و از امام جواد (ع) دور بودند؛ با این وجود نسبت به تربیت آن حضرت بی‌توجه نبودند و از راه دور هر آنچه را که برای سعادت دنیوی و اخروی امام جواد (ع) ضرورت داشت، تعلیم نمودند. از اولین نکات تربیتی امام رضا (ع) برای پیروان سیره عملی ایشان، انتخاب نام نیکو برای فرزند بزرگوارشان است. انتخاب نام نیکو که دارای معنای مناسب نیز باشد از وظایف پدر و مادر نسبت به فرزند است. امامان معصوم (ع) همواره نسبت به این مهم توجه می‌کردند و نام‌های نیکو برای فرزندان خود

برمی‌گزیدند و آن‌ها را با بهترین القاب صدا می‌کردند. امام رضا(ع) نیز نام محمد بر زاده خویش نهاد و فرمود: خانه‌ای که در آن نام محمد باشد، روز و شبشان را با خیر و نیکی به پایان می‌رسانند. همچنین در اهمیت انتخاب نام نیکو فرمودند: سَمِّهِ بِأَحْسَنِ الْأَسْمَاءِ وَ كُنْهُ بِأَحْسَنِ الْكُنْيَةِ؛ فرزندان خود را به بهترین اسم و کنیه نامگذاری کن. و نیز از آن حضرت است که فرمود: لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ جَعْفَرَ أَوْ طَالِبَ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ؛ در خانه‌ای که کسی به نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله و از زنان به نام فاطمه وجود داشته باشد، فقر و تنگدستی راه نخواهد یافت. و یا در اهمیت نام «محمد» فرموده است: «الْبَيْتُ الَّذِي فِيهِ مُحَمَّدٌ يَصِيحُ أَهْلُهُ بِخَيْرٍ وَيَمْسُونَ بِخَيْرٍ؛ خانه‌ای که در آن محمد باشد، اهل آن خانه بامداد و شامگاهشان با خیر و برکت، توأم خواهد بود.

تکریم فرزندان

احترام متقابل بین والدین و فرزندان در ایجاد حس آرامش و عزت نفس و اعتماد به نفس بخصوص در فرزندان تأثیر زیادی دارد و روانشناسان امروزه بر ضرورت توجه به اظهار نظر فرزندان در مسایل و مشکلاتی که در خانه و خانواده پیش می‌آید به دلیل تأثیرات مثبت و عمیق آن تأکید دارند. امام رضا(ع) با خطاب قرار دادن فرزندان با کنیه و القاب محترم برایشان شأن و شخصیت قایل می‌شدند و این مطلب را محمد بن ابی‌عباد، که از طرف فضل بن‌سهل امور نگارش حضرت رضا(ع) را به عهده گرفته بود نقل کرده است. وی می‌گوید: حضرت رضا(ع) همواره از فرزندان بزرگوارش محمد با کنیه نام می‌برد و می‌فرمود: ابو جعفر به من چنین نوشت و من به ابو جعفر چنین نوشتم. و همین نحوه خطاب قرار دادن فرزندان و احترام قائل شدن برای وی از سوی والدین موجب ایجاد احترام اجتماعی نیز برای فرد می‌شود. و فرزندى که شخصیت مورد احترام راز خانواده گرفته باشد؛ زمانی که در اجتماع وارد شود، حاضر به ارتباط برقرار

کردن با هر کسی نخواهد شد و کمبودهای شخصیتی خود را به هر قیمت در جامعه دنبال نخواهد کرد.

تربیت دینی

از نکات برجسته دیگری که در سیره تربیتی امام رضا(ع) و ائمه و بزرگان اخلاق وجود دارد توجه به تربیت دینی فرزندان است. آموزش تعالیم دینی، فرزندان را در مسیر صحیح زندگی و همسو با نظام آفرینش هدایت خواهد کرد. ناگفته

برای تلنگر و ایجاد معرفت و بینش صحیح به کار می‌برند و علاوه بر این به کار بردن چنین تشبیهی نشان از اهمیت توجه به آموزش‌های دینی دارد.

وفای به عهد

وفای به عهد، از ضروریات اخلاقی و اجتماعی است و هر آن کس که نسبت به آن بی‌توجه باشد در زندگی خانوادگی و اجتماعی نیز طرد شده و اعتماد اطرافیان خود را از دست خواهد داد. به همین دلیل است که دستورالعمل مربوط به این نکته نیز برای مسلمانان وارد شده است و هر آنچه در اسلام مطرح می‌شود هم به بعد خانوادگی و فردی و هم به بعد اجتماعی توجه



دارد. از جمله از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمودند: إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَّانَ فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَرَفُّونَهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيْسَ يَغْضِبُ لَشَيْءٍ كَغَضْبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ. (الكافي، ج ۶، ص ۵۰). هر گاه به کودک‌کان وعده‌ای می‌دهید، آن را برایشان عملی کنید؛ زیرا آنان می‌پندارند شما همان کسانی هستید که روزی شان می‌دهید. و بی‌گمان خداوند بزرگ و باشکوه به اندازه‌ای که برای (رعایت نکردن حقوق) زنان و کودک‌کان خشمناک می‌شود، برای چیز دیگری خشمناک نمی‌شود.

امام رضا(ع) در این روایت علاوه بر خوش‌عهدی، احترام به حقوق در خانواده را تعلیم می‌دهند. اگر اهل منزل نسبت به حقوق همدیگر شناخت پیدا کرده و نسبت به رعایت آن اهمیت و توجه نشان دهند، فضای حاکم در خانه توأم با آرامش و امنیت شده و نهاد خانواده در بهترین شکل آن شکل یافته و در مسیر صحیحی حرکت خواهد کرد.

پیدااست که حرکت در صراط مستقیم رضایت و خشنودی خالق هستی را به دنبال خواهد داشت. ضمن اینکه بررسی زندگینامه بزرگان حاکی از وجود آرامش روحی و رفتاری آنان بوده است و کسب آرامش هدف نهایی همه انسان‌ها است. امام رضا(ع) درباره اهمیت آموختن تعالیم دینی برای جوانان می‌فرماید: «لَوْ وَجِدْتُ شَابًا مِنْ شِبَّانِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَّقُهُ لَضَرَبْتُهُ عَشْرِينَ سَوْطًا؛ (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۶) اگر جوانی از جوانان شیعه را بیابم که در مقام فراگیری دانش دین نباشد (برای تشبیه او) بیست تازیانه بر او خواهیم زد.

قطعاً اعمال خشنونت از طرف معصوم(ع) برای اهداف شخصی نیست و امامان به عنوان معلمانی که راه صحیح زندگی کردن را آموزش می‌دهند، تشبیه احتمالی را نیز



پرسش‌های ابوقره

و پاسخ‌های امام رضا علیه السلام



● سخن خدا چگونه است؟

در این باره از «صفوان بن یحیی» نقل شده است، «ابوقره» محدث از پیروان «شبرمه» از من خواست تا او را خدمت امام رضا (علیه السلام) برسانم. من هم از آن حضرت اجازه گرفتم، ایشان نیز اجازه دادند. ابوقره خدمت امام رسیدند و سؤال‌هایی در مورد حلال و حرام و احکام شرعی و واجبات پرسیدند، تا آن که سؤالش به توحید رسید. ابوقره پرسید: در مورد کلام خداوند متعال با حضرت موسی (علیه السلام) برایم بفرمایید. امام رضا (علیه السلام) فرمودند: خداوند و پیامبرش آگاه‌ترند که با چه زبان خداوند با موسی (علیه السلام) سخن گفت؛ به زبان سریانی، یا به زبان عبری. ابوقره دست بر زبان خود گذاشت و گفت: من از این زبان سؤال می‌کنم. امام رضا (علیه السلام) فرمودند: سبحان الله از آنچه تو می‌گویی و پناه بر خدا از این که خداوند شبیه به خلق خود شود و همچنان که آنان سخن می‌گویند، سخن گوید و خداوند هیچ مثل و مانندی ندارد و هیچ‌گونه گوینده و انجام دهنده‌ای همانند او نیست. ابوقره گفت: سخن خدا چگونه است؟ امام رضا (علیه السلام) فرمودند: سخن گفتن آفریننده با مخلوقات، همانند سخن گفتن مخلوقات با یکدیگر نیست و نیازی به باز کردن دهان و حرکت دادن زبان ندارد و همین که خداوند بگوید: باش، ایجاد می‌شود. سخن گفتن خداوند با حضرت موسی (علیه السلام) و امر و نهی الهی که به ایشان ابلاغ می‌شد، همین گونه است.

● چرا هنگام دعا دست‌هایتان را به سوی آسمان بلند می‌کنید؟

گفت و گو، مناظره و احتجاج از اساسی‌ترین ابزارهای ارتباط جمعی انسان‌ها برای تفهیم و تفاهم است. تاریخ ادیان توحیدی نشان می‌دهد پیامبران بزرگ الهی نیز همواره در موقعیت‌های گوناگون تبلیغی از این ویژگی عمومی و فطری بشر بهره‌های فراوان برده‌اند. احتجاج حضرت نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، شعیب، موسی و عیسی (علیهم السلام) با کافران قوم و مخالفان فکری خود، در قرآن، گزارش شده است. چنان که احتجاج پیامبر اکرم (ص) با مشرکان عرب، مسیحیان نجران، یهودیان، ماده پرستان و منکران معاد در بسیاری از آیات و منابع حدیثی انعکاس یافته است. پس از پیامبر، اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) نیز ادامه دهنده این سیره بوده‌اند. مناظره امام علی (علیه السلام) با دانشمندان یهود درباره خدا و صفات او، گفت و گوی امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) با معاویه و دیگر شامیان، گفت و گوی امام باقر (علیه السلام) با خوارج و مناظره‌های امام صادق (علیه السلام) و شاگردان ایشان با زندقان از این جمله است. اما در این میان، گفت و گوی نغز و ژرف امام رضا (علیه السلام) با مخالفان و متکلمان نامدار، بسیار شنیدنی و مثال زدنی است. ایشان از راه گفت و گو و مناظره، به مقابله با مخالفان پرداختند و سؤال‌ها و چالش‌ها و اشکالات دگراندیشان در حوزه عقاید اسلامی و شیعی را پاسخ گفتند. یکی از این موارد پاسخ به پرسش‌های «ابوقره» است که در ادامه به بخشی از آن اشاره می‌نماییم.

پی نوشت:

۱-سوره طه: آیه ۱۱۴

۲-سوره انبیاء: آیه ۲

۳-سوره اعراف: آیه ۱۸۰

* برگرفته از ترجمه فارسی رساله حول الرویه اثر

علامه حسن زاده عاملی

● کتب الهی حادث است یا قدیم؟

ابو قره گفت: در مورد کتاب‌های آسمانی چه می‌فرمایید؟ امام رضا (علیه‌السلام) فرمودند: تورات و انجیل و زبور و قرآن و هر کتابی که از جانب خداوند نازل شده، کلام خدا و نور و هدایتی است برای جهانیان و همه آنها حادث هستند؛ یعنی زمانی نبوده و بعد موجود شده‌اند و همه آنها غیر از ذات خداوند متعال هستند؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَوْ يَحْدُثُ لَهُمْ ذِكْرًا! يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَاذْكُرُوا فِيهَا مَا يَتْلُوَنَّكُمْ مِنْهَا مَا تَتْلُونَ مِنَ الذِّكْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَمَّدٌ إِلَّا اسْمُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ؛ این مردم غافل هیچ پند و موعظه‌ای از جانب پروردگارشان نیاید و حادث نشود، مگر آن که آن پند را شنیده و باز به بازی و لهو و لعب عمر می‌گذرانند» [۲].

پس خداوند تمام کتاب‌هایی را که نازل فرموده، ایجاد کرده است. ابو قره گفت: پس آیا آنها فانی می‌شوند و از بین می‌روند؟ امام رضا (علیه‌السلام) فرمودند: تمام مسلمانان اتفاق دارند که هر چیزی غیر از خداوند متعال از بین رفتنی است و هر چیزی غیر از خدا، فعل خداوند و مخلوق اوست و تورات و انجیل و زبور و قرآن نیز فعل خدا و مخلوق او هستند. آیا نشنیده‌ای که مردم می‌گویند: «پروردگار قرآن» و این که روز قیامت قرآن می‌گوید: «پروردگار! این فلانی است» و او را بهتر از خود او می‌شناسد و می‌گوید: «او روز و شب خود را مشغول من کرد.

حال خدایا! تو هم شفاعت من را در مورد او بپذیر» و همچنین تورات و انجیل و زبور، همه حادث شده‌اند و خدایی که هیچ کس همانند او نیست، آنها را آفریده و حادث کرده است تا برای ملتی که عقل خود را به کار می‌برد، هدایتی باشد و هر کس گمان کند که این کتاب‌های آسمانی همیشه بوده‌اند، معنایش این است که خداوند اول و قدیم و یکی نیست! بلکه کلام هم همیشه با او بوده و شریک و همراه او بوده است.

پس ابو قره گفت: ما روایت داریم در روز قیامت کتاب‌های آسمانی همه در برابر چشمان مردم به سوی خداوند، که پروردگار جهانیان است، باز خواهند گشت؛ زیرا این کتاب‌ها از خداوند و جزیی از او هستند، پس به سوی او باز خواهند گشت؟

امام رضا (علیه‌السلام) فرمودند: مسیحیان نیز در مورد حضرت مسیح (علیه‌السلام) همین گونه گفتند که مسیح روح خدا و جزیی از اوست و به سوی خدا باز می‌گردد و همچنین آتش پرست‌ها (زرتشتیان) نیز در مورد آتش و خورشید همین چیزها را گفتند که آنها جزیی از خدا می‌باشند و به سوی او باز می‌گردند، در حالی که خداوند متعال بری از آن است که جزء داشته باشد و یا مختلف باشد و چیزی که جزء دارد، مختلف و یا همانند می‌شود؛ زیرا هر متجزی‌ای، متوهم است و قلت و کثرت نیز مخلوق هستند که بر خالقی دلالت می‌کنند که آنها را آفریده است.

● خداوند کجاست؟

سپس ابو قره از حضرت پرسید: خداوند کجاست؟ امام رضا (علیه‌السلام) فرمودند: کجا، مکان است و در فرق میان حاضر و غایب مطرح می‌شود، که حاضر در این مکان است و غایب در مکان دیگر، ولی خداوند نه غایب است و نه حاضری بر خداوند سبقت می‌گیرد و خداوند در هر مکانی هست و همه چیز را تدبیر می‌کند و آفریننده هر چیز است و آسمان و زمین را نگه می‌دارد. ابو قره گفت: آیا خداوند در آسمان نیست؟

حضرت بیان داشتند: خداوند در آسمان‌ها و زمین است و هم در آسمان خداست و هم در زمین خداست و خداوند شمارا در رحم‌های مادر اتان، هر گونه که بخواهد، شکل و قیافه می‌دهد و هر جا که باشید، خداوند با شماست و خداوند بر آسمان‌ها تسلط یافت، در حالی که آسمان‌ها به شکل دود بود و خداوند بر آسمان‌ها تسلط یافت و آنها را به هفت آسمان تقسیم کرد و او خدایی است که بر عرش تسلط یافت، در حالی که خداوند بود، اما هیچ آفریده‌ای نبود و او همانگونه که خداوند است، زمانی که آفریده‌ای نبود نیز خداوند بود و همانند مخلوقات نیست که از حالتی به حالت دیگر انتقال یابد.

ابو قره گفت: پس چرا شما هنگامی که دعا می‌کنید، دست‌هایتان را به سوی آسمان بلند می‌کنید؟ امام رضا (علیه‌السلام) فرمودند: خداوند به شکل‌های مختلف عبادت، آفریدگانش را به بندگی دعوت کرده است و برای خداوند جایگاه‌هایی است برای پناه بردن به آن و او عبادتگاهی است برای عبادت او، خداوند از راه سخن گفتن و علم و عمل و توجه به سوی خداوند و دیگر راه‌ها بندگانش را به عبادت دعوت کرده است؛ مثل این که نماز رو به قبله باشد و برای حج و عمره باید به سوی کعبه رفت و یکی دیگر از راه‌هایی که خداوند بندگانش را به آن دعوت کرده، این است که به هنگام دعا و درخواست و تضرع، دست‌ها را بگشاییم و به سوی آسمان دراز کنیم؛ زیرا این حالت گدایان است و علامت بندگی و ذلت و خواری در پیشگاه خداوند است.

صفوان می‌گوید: بعد از پاسخ امام رضا (علیه‌السلام) رنگ چهره ابو قره تغییر کرد و دیگر مطلبی نداشت بگوید و بلند شد و از خدمت امام بیرون رفت.



مروری بر کتاب‌های منتسب به امام رضا علیه السلام

دیگر را در بردارد. امام رضا (علیه السلام) این رساله را در حدود سال ۲۰۱ ه.ق، برای مأمون خلیفه عباسی فرستاد. در این زمان، دانش پزشکی صورت علمی نداشت و در حالت ابتدایی و اولیه و بر اساس مداومت و تجربه بود، نه بر پایه اکتشافات علمی. این رساله، در ظاهر، ساده و هماهنگ با درک مردم آن زمان است، ولی در باطن، عمیق و پیچیده بوده، نیاز به بررسی‌های علمی و مباحثه‌های طولانی دارد تا نکات و اسرار آن مکشوف و با حقایق جدید علمی سنجیده و تطبیق شود [۲]. پس از آن مأمون، این رساله را با خوشحالی بسیار پذیرفت و برای نشان دادن اهمیت که به آن می‌دهد دستور داد با طلا نوشته و پس از آن، در خزانه دارالحکمه نگهداری شود؛ به همین مناسبت، آن را «رساله ذهبیه» نامیده‌اند [۳].

در طول تاریخ بسیاری از دانشوران دیگر، به شرح این رساله شریفه پرداخته و اسرار و دقائق آن را توضیح و تفسیر کرده‌اند. شاید آخرین آن‌ها دکتر عبدالصاحب زینی است که مطالب آن را با تازه‌ترین اکتشافات علمی مقایسه و تطبیق داده و در سلسله انتشارات «ملتقى العصرین» چاپ و منتشر کرده است.

● صحیفه الرضا

از دیگر کتاب‌های منتسب به امام رضا (علیه السلام) کتاب صحیفه الرضاست که در نزد علمای مشهور ما ثابت نشده است؛ هر چند، در مستدرک الوسائل آمده از کتاب‌های معروف و مورد اعتمادی است که هیچ کتابی از نظر اعتبار و ثوق - چه پیش از تصنیف آن و چه بعد - به پای آن نرسیده است و ما نمی‌دانیم احکامی را که صاحب مستدرک در این گونه موارد صادر می‌کند، تا چه حد با حقیقت مطابقت دارد.

برخی از مورخان و تذکره نویسان، از حضرت رضا (علیه السلام) به جز احادیث و اخباری که از آن حضرت نقل کرده‌اند، تالیفاتی را نیز ذکر کرده‌اند، هر چند صحت انتساب آن‌ها به امام نیازمند ادله کافی است که برخی از آثار نامبرده فاقد آن است. ولی شماری از جزوات و رساله‌ها، که با دلایل و قراین قوی تری به آن حضرت منتسب است، در این جا معرفی می‌شوند.

و تردیدی باقی نمی‌ماند؛ زیرا طبق قاعده جاری، شرایطی که برای استنباط احکام شرعی و معرفت اصول دین لازم است، در غیر از این موارد، ضروری نیست و چنانچه بنا باشد آن شرایط، در غیر از آن موارد در نظر گرفته شود، درباره نسبت بسیاری از آثار و تالیفات به صاحبان آن‌ها شک و تردید پدید می‌آید، زیرا راه و دلیلی در اختیار نداریم که ما را به صحت انتساب آن‌ها کاملاً مطمئن سازد، علاوه بر این، چون بسیاری از محققان، شهرت را یکی از طرق اثبات شرعی شمرده‌اند، اشتهار این کتاب، صحت انتساب آن را ممکن می‌سازد و اگر برای ما ثابت شود که مقصود نجاشی در گفتار خود که نوفلی رساله‌ای از امام رضا (علیه السلام) روایت کرده، همان رساله ذهبیه می‌باشد، این مشکل حل شده است. این رساله بلیغ علمی، از نفیس‌ترین و گرانبهارترین مواریث اسلامی، در زمینه دانش پزشکی است و به طور مختصر، مشتمل بر رشته‌هایی از علوم پزشکی، مانند: علم تشریح، زیست‌شناسی (بیولوژی)، وظائف الاعضا (فیزیولوژی) و علم الامراض (باکتریولوژی) و بهداشت و... است و بخش زیادی از طب پیشگیری را نیز بیان کرده است، همچنین، مطالبی از دانش شیمی، تغذیه و بسیاری از دانش‌های



● رساله ذهبیه، در طب

رساله ذهبیه، کتابی در پزشکی است و برای آن، اسنادی ذکر شده که برخی از آن‌ها به محمد بن جمهور منتهی می‌شود و در بعضی از این اسناد، نام حسن بن محمد نوفلی آمده است که نجاشی او را توثیق کرده و درباره او گفته است: ثقه و جلیل القدر است از امام رضا (علیه السلام) رساله‌ای را روایت کرده که احتمال دارد منظور او همان رساله ذهبیه باشد. شاید شهرت این رساله، میان دانشمندان و موافقت آن‌ها درباره نسبت آن به امام، در دوران‌های مختلف و عدم ورود خدشه‌ای از جانب احدی بر این انتساب، از جمله اسبابی است که به پژوهشگر، اطمینان می‌بخشد که این رساله از عطایای شخص امام رضا (علیه السلام) است. بر این اساس، در انتساب این کتاب به حضرت جای شک

شگفت این است که مجلسی در مقدمه بحار الانوار آورده است: این صحیفه با همه شهرتی که دارد، از جمله مراسیل است، نه مسانید.

سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه، برای این صحیفه به استناد نسخه‌هایی از آن که شیخ عبدالواسع یمانی زیدی از یمین برای او آورده و در دمشق آن را به چاپ رسانده است، اسنادی برای آن ذکر کرده است. همچنان که در برخی از نسخه‌های این صحیفه، سند آن به ابوعلی طبرسی نسبت داده شده است، ولی مرحوم مجلسی می‌گوید: این، نزد ما ثابت نیست. در مستدرک می‌گوید: نویسنده فاضل میرزا عبدالله افندی در ریاض العلماء، طرق اسناد آن را جمع آوری کرده و گفته است: در شهر اردبیل، نسخه‌ای از این صحیفه را مشاهده کردم و در آغاز آن، سندش بیان شده بود. سپس، سند را ذکر می‌کند، اما اسنادی که بیان داشته، از نظر رجال، خالی از مناقشه نیست؛ به هر حال، روایتی است که به ثبوت نرسیده است و محتوای آن برای اثبات احکام شرعی صلاحیت استدلال ندارد. در این باره، ضروری است بدانیم علما و محققان بزرگ گذشته، از اعتماد به این کتاب اعراض کرده و به صدور آن از امام و ثوق نیافته‌اند؛ بنابراین، دلیلی وجود ندارد که ما آن را از افادات علمی و تألیفات امام رضا (علیه‌السلام) به شمار آوریم.

محض الاسلام

از دیگر مؤلفاتی که به امام رضا (علیه‌السلام) نسبت داده شده، کتاب محض الاسلام و شرایع الدین است. شیخ صدوق، در عیون اخبار الرضا، آن

را از فضل بن شاذان نقل کرده است؛ اما فضل بیان نکرده که امام آن را به خواهش مأمون تألیف فرموده است [۴]. آنچه از ملاحظه رجال سند این کتاب، حاصل می‌شود، عدم وثوق درباره انتساب آن به امام رضا (علیه‌السلام) است، زیرا برخی از رجال آن معتبر نیستند. علاوه بر این، دارای اسلوبی مضطرب و غیر منسجم و تعبیرات ناموزونی است که بعید به نظر می‌رسد، نوشته شخص امام باشد؛ همچنین، مشتمل بر احکام چندی است که التزام به آن‌ها در مذهب ما ثابت نشده است. از احتمال‌هایی که درباره این کتاب داده‌اند، به نظر می‌رسد، این رساله، مجموعه فتوای یکی از علماست که مشتمل بر نظریات او در شؤون اعتقادی و تشریحی است و اسلوب رساله و سبک ناموزون آن در تنظیم و ترتیب مطالب و ذکر برخی احکام شاذ و نامقبول، دلایل این نظریه و مؤکد آن است.

پاسخ مسائل ابن سنان

گروهی، پاسخ‌های امام رضا (علیه‌السلام) به پرسش‌های ابن سنان را از مؤلفات آن حضرت به شمار آورده‌اند، ولی این درست نیست و نمی‌توان این پاسخ‌ها را به منزله تألیفی از امام دانست؛ زیرا، در این صورت، لازم است پاسخ‌های آن حضرت به مسائل افراد بسیار دیگر در زمینه انواع علوم و معارف نیز تألیفی از آن حضرت به حساب آید.

علل ابن شاذان

کتاب علل را که ابن شاذان ذکر کرده و برخی آن را از تألیفات امام رضا (علیه‌السلام) دانسته‌اند، نمی‌توان نوشته

امام دانست؛ به سبب این که، کتاب مذکور را ابن شاذان تنظیم کرده و مطالب آن را از سخنان و پاسخ‌های حضرت رضا (علیه‌السلام) به پرسش‌های او درباره علل شرایع، فراهم آورده است. ابن شاذان، در این کتاب، علل را به صورت اشکال و پاسخ‌ها را به صورت حل عرضه می‌کند و معلوم نیست آیا نصوصی را که ذکر کرده عین حروف و الفاظ امام است یا خیر و چه بسا با حفظ غرض و مقصودی که امام در بیان خود داشته‌اند در الفاظ تصرف کرده و آن‌ها را به سبک خاص خود در آورده و عرضه داشته باشد.

بر این اساس از بررسی صادقانه و صریحی که ما درباره صحت انتساب برخی مؤلفات به امام رضا (علیه‌السلام) آشکار می‌شود، تنها کتابی که با جرأت می‌توان آن را به آن حضرت منسوب داشت، رساله ذهبیه در طب است که آن را به خواهش مأمون خلیفه عباسی مرقوم فرمودند. اشکالی ندارد اگر بگوییم مؤلفات دیگر را به این سبب به آن حضرت نسبت داده‌اند که این تألیفات حامل نظریات و افکاری است که امام در پاسخ پرسش کنندگان و کسانی که خواسته‌اند از سرچشمه زلال دانش آن حضرت کسب فیض کنند بیان فرموده‌اند. آشکار است که ارزیابی‌ها و ایرادهای بیان شده، تنها در جهت صورت و ترکیب این کتاب‌هاست نه محتوا و مدلول آن‌ها.

پی‌نوشت:

۱- شاهرودی، المحاضرات فی الفقه الجعفری، ج: ۱، ۷

۲- علی بن موسی الرضا (ع)، طب الرضا: ۲۰-۱۹

۳- امین، اعیان الشیعه، ج: ۴، ۱۴۴

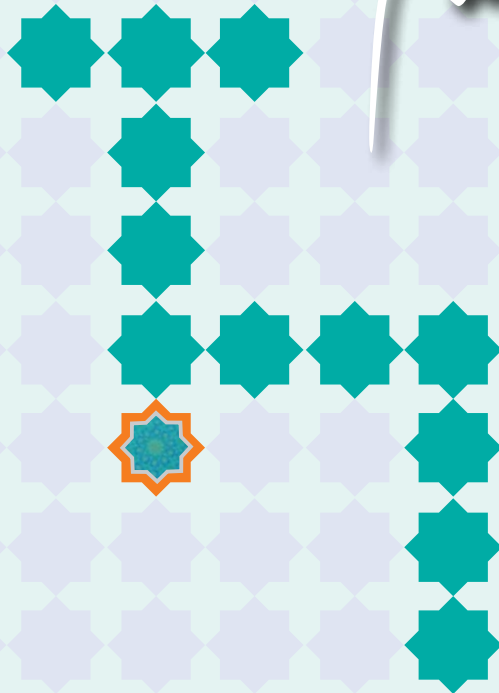
۴- صدوق، عیون اخبار الرضا، ج: ۲، ۱۲۱

*بر گرفته از نگارش‌های امام رضا (علیه‌السلام)، اثر محمد صادق عارف





حمیم رؤف





فرهنگ زیارت در اسلام و سایر ادیان الهی

می‌کنند. ضمن اینکه تمامی انبیا و اولیای الهی، در انجام این آموزه‌های دینی، کوشا بودند و پیروان خود را به انجام آنها تشویق و ترغیب می‌کردند. حضرت رضا(ع) در روایتی می‌فرماید: «هر امامی را بر گردن اولیا و پیروانش عهدی است که وفای به آن عهد و حسن ادای آن، با زیارت مراقد مطهر آنان تمام و کامل می‌شود. پس هر کس آنان را از روی رغبت و میل زیارت نموده و آن چه را که ایشان به آن توجه دارند، تصدیق نماید، امامان در روز قیامت شفیع او خواهند بود» [۱].

از این منظر بدیهی است که زیارت مرقد مطهر امام رضا(ع) در ایران اسلامی و در میان مسلمانان جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مشمول برکات و موجب وفای به عهد با آن حضرت و بلکه سلسله امامت و ولایت و بهره‌مندی از وجود ایشان خواهد شد. زیرا ارتباط ما با آن از طریق ارتباط روحی است از این روز زمانی که به زیارت امام رضا (ع) می‌رویم، عرضه می‌داریم: «أَشْهَدُ أَنْكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَرُدُّ سَلَامِي» و ما لذت مناجات با شما را می‌فهمیم. لذا در روایات زیادی آمده است که هر کس

احمد رضا قوامی دربندی: زیارت در فرهنگ اسلامی، از جایگاه والا و بلندی برخوردار است. گرچه پیشینه زیارت در آموزه‌های دیگر ادیان و حتی در جامعه‌های غیر دینی و مذهبی نیز به چشم می‌خورد، اما بخش گسترده‌ای از میراث دینی و مذهبی شیعیان، بر محور زیارت شکل گرفته است. زیارت واقعیتی است دینی و اجتماعی در اندیشه اسلامی و سبب روابط اجتماعی، آزمایش خاطر، تکامل معنوی و اخلاقی است و نقش‌های گوناگونی در زندگی انسان دارد.

روایات فراوانی درباره اهمیت، آداب، آثار و دستاوردهای زیارت سخن گفته‌اند؛ عالمان بزرگ مسلمان نیز در این زمینه مطالب بسیار نوشته که به آن اشاره خواهد شد. اما برخی از کج‌اندیشان و کوه‌نظران، پیشینه زیارت، مستندات زیارت، آداب زیارت، صفای زیارت، نقش‌های گوناگون زیارت و سیره اولیا و اصحاب درباره زیارت را نادیده گرفته و به شدت با آن مخالفت کرده‌اند. آنجا که شخصی به نام «ابن تیمیه» پرچم مبارزه با زیارت و برخی دیگر از موضوعات ارزشی اسلام را به دست می‌گیرد و روزگاری دیگر «محمد بن عبدالوهاب» اندیشه نادرست خود را دنبال می‌کند و اکنون وهابیان از او پیروی نموده، با زائران حرم نبوی و مشتاقان زیارت امامان بزرگوار بقیع و دیگر اماکن مقدس، بد رفتاری می‌کنند.

این نکته حائز اهمیت است که در تمامی ادیان الهی، آموزه‌های تأثیرگذار و مهمی با عنوان «زیارت»، «توسل» و «ارتباط با انسان‌های بزرگ و اسوه» وجود داشته، که نقشی اساسی در تربیت معنوی و رشد اخلاقی جوامع ایفا

باید دانست که عظمت و جایگاه زیارت تنها منوط به روایات شیعه نیست، بلکه در روایات و مستندات اهل سنت مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم نیز جریان دارد. منتها افکار وهابیت بزرگ‌ترین مانع تفهیم این مسأله است، به طوری که برخی از علمای اهل سنت برای رعایت برخی ملاحظات در این مبحث سخن نمی‌گویند. زیرا تبلیغ منفی وهابیت بر این مسأله سیطره یافته است. ولی علمای گذشته اهل سنت متفق القول زیارت قبور را دارای ثواب دانسته و اقدام آن را مقدم و برتر از ترک آن معرفی نموده‌اند. در سنن ابوداود و شرح صحیح مسلم هم زیارت از قبور مسلمانان دارای ثواب دانسته شده و زیارت مرقد مطهر پیامبر (ص) را مستوجب ثوابی بزرگ می‌دانند.

فرهنگ زیارت در مسیحیت

اسلام و مسیحیت تشابهات زیادی با یکدیگر دارد و این مسأله کاملاً مشهود است. آیین مسیحیت از ادیان مردم ایران در پیش از اسلام بوده است. در این دین نماد اصلی پرستش بر پایه زیارت است. زیارت از کلیسا و پاپ و اسقف‌ها و همچنین زیارت خواندن برای مسیح و پاپ‌های شهید و ارواح مطهره، از آداب عبادی این دین به شمار می‌رود. زیارت با هر دو تعریف کاربرد آن، یعنی زیارت قلبی و باطنی و مشاهده کردن مکان‌های مقدس در آیین مسیح جریان دارد. چنان‌که در انجیل متی از زبان عیسی آمده است: «ای تمامی کسانی که زیر یوغ سنگین، زحمت می‌کشید، نزد من آیدید و من به شما آرامش خواهم داد، یوغ مرا به دوش بکشید و بگذارید من شما را تعلیم دهم، چون من مهربان و فروتن هستم» [۱۴]. در مسیحیت، زیارت دارای مراحل است که با آمادگی پیش از زیارت آغاز می‌شود. گام برداشتن و ملاقات با افراد دیگر زبان‌ها و نژادهای گوناگون و حضور در اقامتگاه‌های ایجاد شده در طول مسیر و گوش دادن به سخنان و توضیحات روحانیون و همچنین زنده کردن یاد زندگی افراد مقدس و دیدار با افراد زنده و مؤمنین، از دیگر مراحل فرهنگ زیارت در مسیحیت است. همچنین مرحله بعد از زیارت در مسیحیت، بسیار مهم است؛ به ویژه اینکه بازگشت به اماکن مذهبی اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا مؤمن در فاصله زیارت‌های گوناگون با خود تأمل و چگونگی تغییر در زندگی خود را بررسی می‌کند.

در مسیحیت مسافرت به مکان‌های مقدس یا حرم‌ها به انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. برای کسب یاری ماوراء الطبیعه، سپاسگزاری یا توبه، به خاطر دعا و پرستش. اسناد نشان می‌دهد زیارت‌ها به اورشلیم از ابتدای قرن دوم شکل گرفت و حفاری‌های دهه ۱۹۴۰ در کلیسای «سنت پتر» در رم لوح یادبودی از یک «حواری» به همراه تعداد بی‌شماری از کتیبه‌های تراش خورده از قرن دوم و سوم را آشکار کرد که شاهدی بر اعمال پرهیزکارانه بودند.

با مطالعه اجمالی مسأله زیارت در مسیحیت و کلیسای کاتولیک به این نتیجه می‌رسیم که زیارت قدیسین و اماکن زیارتی در این آیین، دارای اهمیت است. زیارت از دیدگاه کلیسای کاتولیک دارای دو معناست: زیارت اماکن مقدس زمینی و زیارت آسمانی که این معنی با بحث صلیب و گناه اولیه گره خورده است.

در زیارت آسمانی، فرد کاتولیک مسیحی باید از طریق زندگی زائرگونه در زمین و از طریق اتحاد با بدن مسیح که همان معبد واقعی است، به اورشلیم آسمانی نائل آید. مقام شفاعت‌کنندگی قدیس، نقطه مرکزی باور به زیارت قدیسان است، لذا فرد کاتولیک به امید شفاعت، به مسیح، مریم قدیسه، روح القدس و قدیسان متوسل می‌شود.

زیارت در دین یهود

قوم بنی اسرائیل علاوه بر این که از مزار و مقبره پیامبران خود و کنیسه‌های مقدس زیارت می‌کنند، دارای زیارت‌نامه‌ها و سرودهای مقدسی هستند که از جانب پیامبران خود به یادگار دارند. مانند سرود موسی در تورات و مزامیر حضرت داوود و حضرت سلیمان (ع) و سرودهای پیامبران بنی اسرائیل. زیارت حضرت موسی (ع) در کوه طور و ملاقات او با نماد الهی و صحبت کردن با حضرت حق، خود نمایی از زیارت در این آیین است. در تورات در سفر خروج زیارت موسی (ع) است که به نوعی زیارت قلبی با خدای کریم است: آن‌گاه موسی و بنی اسرائیل در ستایش خداوند این سرود را خواندند: خداوند را می‌سراییم که شکوه‌مندانه پیروز شده است او اسب‌ها و سواران‌شان را به دریا افکنده است. خداوند قوت و سرود و نجات من است او خدای من است، پس ستایش می‌کنم [۱۵].

البته این زیارت و عبادت به اشیای مقدس مانند صندوق عهد، میز نان مقدس، چراغدان با هفت چراغ، خیمه عبادت و قربانگاه و... نیز تعلق می‌گیرد که ابزار مقدسی برای عبادت یهوه یا همان خدای یهود هستند. بنابراین زیارت در آیین یهود نیز به صورت حضوری و مشاهده جریان دارد. مانند زیارت از هیکل سلیمان و کنیسه‌های قدیمی و قربانگاه‌ها و چراغدان‌های عبادت و مزار پیامبران‌شان و نیز زیارت به صورت ارادت قلبی و باطنی جریان دارد [۱۶].

بر اساس آنچه ذکر شد می‌توان دریافت زیارت و فرهنگ زیارت در تمام ادیان الهی وجود دارد. همچنین عقلا و علمای تمامی مذاهب اسلامی زیارت را تأیید می‌کنند. حال ممکن است این فرهنگ در میان برخی از عوام شیعه گاهی همراه با خرافات باشد و یا از طرف عوام اهل سنت شرک و گناه به

شمار آید. اما وقتی خداوند کریم خانه خود را مکانی برای زیارت مردم معرفی می‌کند و از طرفی رسول خدا (ص) در احادیثی مستند و متواتر بیان می‌فرماید «هر کس به زیارت من بیاید شبیه آن است که در زنده بودن من مراد دیده است و یا کسی که به دیدن من بیاید و مزارم را زیارت نکند به من ظلم نموده است»، خود به خود این تلقی را ایجاد می‌کند که خداوند کریم به این وسیله از مردم می‌خواهد ضمن طسواف خانه خود و زیارت مسجدالحرام، به مزار شهدا و مرقد مطهر رسول خدا (ص) نیز بروند. زیرا بارها در قرآن آمده است که شهدا زنده‌اند و روزی داده می‌شوند [۱۷].

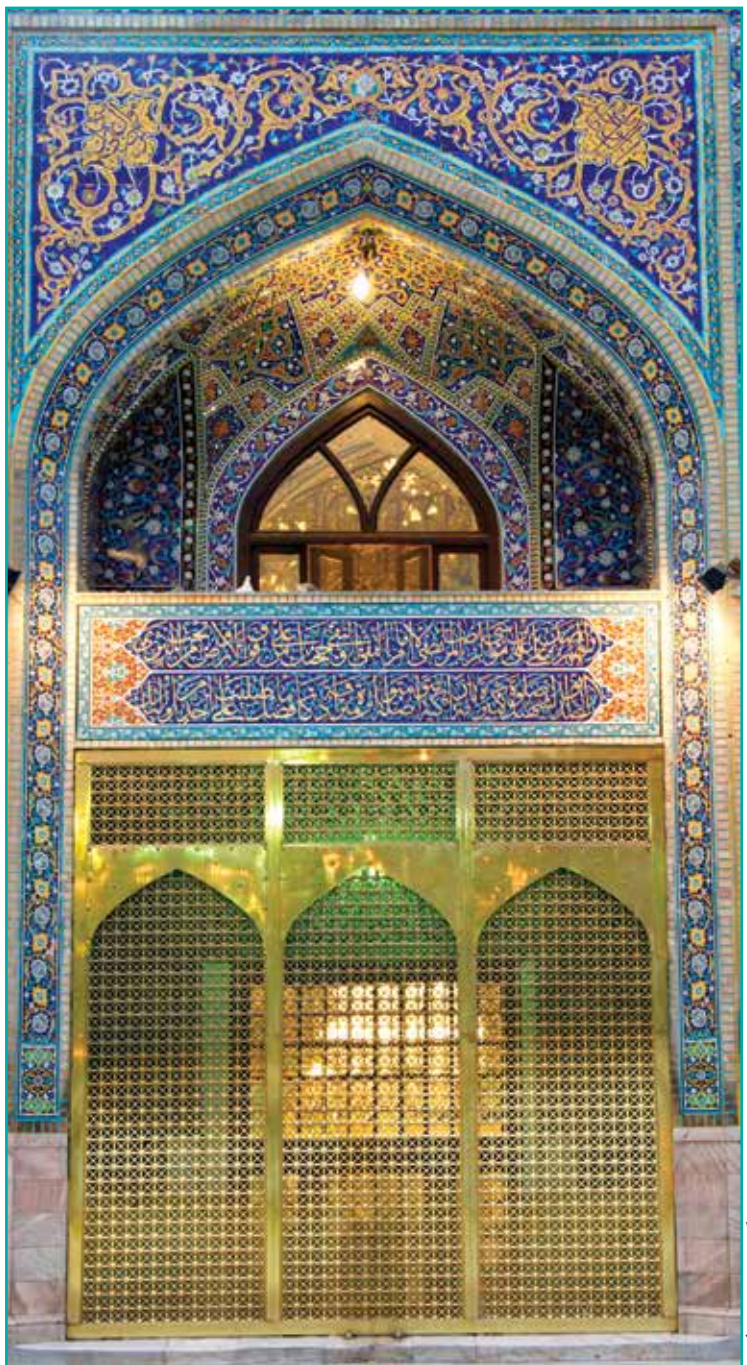
در حقیقت زیارت از مکان‌های زیارتی و مذهبی بیش از همه سبب جلای روحی و معنوی افراد می‌شود. در بسیاری از موارد هم مردم به اذن خدا خواسته‌های خود را از توجه و توسل به مقربان در گاه الهی به دست می‌آورند. بنابراین فرهنگ زیارت امری پذیرفتنی و قابل قبول است و از نظر علم روان‌شناسی به انسان آرامش می‌دهد.

پی‌نوشت:

- ۱- کلینی، اصول کافی، ج ۴: ۵۶۷
- ۲- حرعاملی، وسائل الشیعه، باب ۹۷، ج ۲: ۵، ۴
- ۳- همان، باب ۵۷، ج ۵
- ۴- بحرانی، الحدائق الناطره، ج ۴: ۱۶۹-۱۷۰
- ۵- فردوسی، شاهنامه، دفتر اول: ۱۹
- ۶- همان ج ۲: ۳۶۹
- ۷- مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱: ۲۶۵
- ۸- علوی مالکی، الزبارة القبور: ۳۵
- ۹- سبکی، شفاء السقام فی زیاره خیر الأنام (ص): ۸۲-۸۱
- ۱۰- محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳: ۶۱۶
- ۱۱- صدوق، عیون أخبار الرضا (ع): ۲۳۴
- ۱۲- همان
- ۱۳- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰: ۳۸۱
- ۱۴- انجیل متی، باب ۱۱، بند ۲۸
- ۱۵- تورات، سفر خروج، فصل ۱۵، بند ۱-۸
- ۱۶- کتاب مقدس، مزامیر، توضیحات ابتدای کتاب
- ۱۷- «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عند ربهم يُرزقون» (آل عمران: ۱۶۹)

وقتی قرار باشد امام علیه السلام نگاهت کند...

روایتی از هشت زائر امام هشتم (علیه السلام) پشت پنجره فولاد



عکس: مسعود نوری

راحله ندافی مقدم: جایی روبه روی پنجره فولاد نشسته‌ام. تا اذان مغرب هنوز ساعتی مانده. مردم می‌روند و می‌آیند. وارد صحن انقلاب که می‌شوند دست بر سینه می‌گذارند و سلام می‌دهند به حضرت (ع). بعد چشم به گنبد طلا می‌دوزند و آرام جلو می‌روند. به سقاخانه اسماعیل طلا که می‌رسند جرعه‌ای از آب گوارایش می‌نوشند. از سقاخانه که می‌گذرند می‌ایستند. دوباره سلام می‌دهند و دل و دست می‌سپارند به شبکه‌های درهم تنیده پنجره فولاد. گاهی پارچه‌ای سبزه رنگ به نیت گرفتن حاجت بر مشبک‌های آن گره می‌زنند، گاهی هم بیماری را به قصد شفا دخیل می‌بندند و روز و شب در پشت این پنجره که روبه روی ضریح مطهر حضرت (علیه السلام) است درنگ می‌کنند. دعا می‌خوانند و حاجت می‌طلبند.

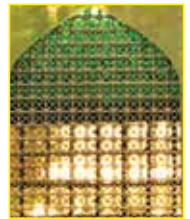
و من امروز میان عده کثیری از این حاجتمندان و ارادتمندان شمس الشموس (علیه السلام) باز هم به دنبال نشانی ام... همان نشانی همیشگی که همیشه مرا همنمون می‌شود به آن جایی که فقط خودش می‌داند و شاید کیبوتران آزاد حرمش... هر سو که می‌نگری اشک می‌بینی و تضرع...

قرآن پیش رویش باز است. چند خطی می‌خواند و باز سر بر می‌دارد و با چشمان بارانی اش به پنجره فولاد می‌نگرد. و دوباره این تکرار می‌شود و تکرار می‌شود و تکرار... کنارش می‌نشینم. حواسش به من که هیچ... به دنیا هم نیست... خودش است و خودش... انگار در جهان تنهای تنهاست و روبروی پنجره فولاد نشسته و با امام (علیه السلام) خلوت کرده است! دستم را روی شانه اش که می‌گذارم انگار از میان آسمان به زمین می‌آید. نگاهم می‌کند. چشمان سرخش باز لبریزتر از اشک می‌شود. مجاور امام رضا (علیه السلام) است و ساکن مشهد. می‌گوید: از دیشب او دم اینجا پشت پنجره فولاد دخیل بستم. خودش میدونه چی می‌خام... و بغضش می‌ترسد: مطمئنم از اینجا دست خالی بر نمی‌گردم... دوباره چشم به آیات نور می‌دوزد و من بی حرف برمی‌خیزم و او را با امامش تنها می‌گذارم...

به سوی دیگری می‌روم. دختر جوان کرمانی چادر سفیدی به سر دارد. یک چادر سفید با گل‌های صورتی و سرخ... از همان چادرهایی که نوستالژی کودکی همه دختران این سرزمین است. همان چادرها که سوغات مادر بزرگ بود از سفر مشهد... همان‌ها که مادر روی سرت اندازه می‌گرفت و آن را می‌دوخت و تو هر روز جلوی آیینه به سرت می‌انداختی و روز شماری میکردی برای قولی که بزرگترها به تو داده بودند برای سفر به مشهد و پابوسی امام هشتم (علیه السلام) که چادر را سرت کنی و به زیارت بیایی...

حال کیمیای ۱۷ ساله با همان چادر پر گل خاطرات سرخ و صورتی از اینکه اکنون در مشهد و روبروی پنجره فولاد ایستاده خرسند است و دعا می‌کند این سعادت نصیب همه آرزومندان بشود. می‌گوید: خدا را شاکرم که هر وقت دل و روحم به زیارت حضرت (علیه السلام) نیاز داشت طلبیده شدم. این بار تا حاجتم را نگیرم بر نمی‌گردم. می‌پرسم: از امام چی می‌خواهی؟ اشک‌هایش را پاک می‌کند و می‌گوید: همان چیزی که برای همه می‌خواهم! عاقبت بخیری، خوشبختی و شادی... کیمیا دوست دارد زمان به عقب برگردد تا دیگر اشتباه نکند... کیمیا آمده است تا توبه کند... از کیمیا فاصله می‌گیرم و می‌گذارم به واگویه‌هایش با امام (علیه السلام) ادامه دهد.

نسرین مرادی ۲۵ ساله است و این اولین باری است که از شهر اندیمشک خوزستان به پابوسی آقا علی بن موسی رضا (علیه السلام) آمده است. نسرین با چهره رنجورش اشک می‌ریزد و می‌گوید: آمده‌ام تا از اقا شفاعت بگیرم. من سرطان دارم! امام رضا (علیه السلام) را به جان فرزندشان جواد الاثم (علیه السلام) قسم می‌دهم که پسر کوچکم را نا



مردم را می بینم که هر یک با حاجت و نیازی به کنار پنجره فولاد آمده اند. اینجا همه نیاز به پشتیبان دارند. نیاز دارند کسی باشد که حرفهای دلشان را نگفته بشنود. خیلی مهم است که کسی باشد که در اوج سختی به دادت برسد. در اینجا رویه روی پنجره فولاد که می ایستی احساس می کنی کسی هست که عمق روح و جانت را می بیند و نگاهش به تو است. این احساس خیلی دلنشین است

امید برنگرداند و به خاطر این بچه شفا می بدهند. گریه اش به حق تبدیل می شود و رو به پنجره فولاد کرده و میگوید: یا امام رضا (علیه السلام) همه مریضها را شفا بده. من رو هم در کنار ششون شفا بده تا همیشه پیام به زیارتت.

دختر جوان کنار مادرش نشسته و دارد زیارتنامه می خواند. ۲۳ ساله است و از تهران آمده و اکنون روبروی پنجره فولاد شفای مادرش را از امام رضا (علیه السلام) می خواهد. می گوید: ششمین بار است که به زیارت امام هشتم (علیه السلام) آمده ام. شب نوزدهم ماه مبارک رمضان صلوات خاصه امام رضا (علیه السلام) را خواندم و گفتم آقا ما رو طلب و روسیاه برنگردان و مادرم را شفا بده. و انگار همان شب تذکره این سفر را آقا (علیه السلام) امضا کردند و ما ناگهان طلبیده شدیم. نگاهی به مادرش که از شدت بیماری تکیه به شانه های دختر داده می اندازد و با بغض می گوید: هر زمان که دلم برای امام (علیه السلام) تنگ می شود چشمانم را می بندم و به حضرت (علیه السلام) سلام می دهم و خودم را در این صحن و سرای بهشتی تصور می کنم. هر کسی قدم به این مکان الهی بگذارد مانند پرنده ای است که با دلش پرواز کرده و به اوج رسیده. از اینجا می شود به خدا رسید! امام رضا (ع)، امام رؤف هستند و امیدوارم همانطور که ضامن آهو شده اند در پیشگاه خداوند ضامن ما هم بشوند و باز هم ما را به زیارت و پابوشان دعوت کنند.

لیلا ی نه ساله از دوماهگی بر اثر تشنج فلج شده و معلولیت پیدا کرده است. برادران نوجوان لیلا چهار سال است که بعد از تعطیل شدن مدرسه سرکار می روند تا بتوانند با دستمزد کارشان خواهر بیمارشان را از روستایی در پاکدشت ورامین به نیت شفا به مشهد بیاورند. اکنون لیلا در آغوش مادر است و چشمان زیبایش به سمت پنجره فولاد. مادر می گیرد و دعا می کند برای تمام بیماران. دستان لیلا را می گیرد به سوی پنجره فولاد. لیلا به جمعیتی که کنار پنجره ایستاده اند نگاه می کند. مادر اشک می ریزد و یا امام رضا (علیه السلام) گویان لیلا را در آغوشش می فشارد.

با دختر جوانش کنار پنجره فولاد ایستاده و اشک صورت هر دویشان را خیس کرده است. در حال خواندن زیارتنامه هستند. تمام که می شود جلو می روم و با آنها به صحبت می نشینم. از استان مرکزی آمده

اند. دختر را پدر صدا می زند و من با مادر خوش سخنش تنها می مانم. مهری محمدی ۴۶ ساله است و تمام حرفهایش را در حالی بیان میکند که یک چشمش به پنجره فولاد است و اشکهای جاری رو صورتش را تند تند پاک می کند. می گوید:

من ۱۸ سال است که قسمتم نشده بود به پابوس امام رضا (علیه السلام) بیایم. از این مطلب خیلی ناراحت بودم. نمی دانم چرا هر چه که تلاش می کردیم سفر جور نمی شد. شاید امام (علیه السلام) ما را نمی طلبید یا لیاقت نداشتیم. من دلم برای این صحن و سرا پر می زد. اما نمی شد. اکنون که فکر می کنم با خود می گویم شاید حضرت رضا (علیه السلام) می خواست روح و قلبم کاملاً صیقل پیدا کند. شاید ایشان می خواستند تا با تمام روح و قلبم به زیارتشان بیایم. من بیماری سختی داشتم. چند بار از امام (علیه السلام) شفا می خواستم و درخواست کردم تا با یک نشانه مرا متوجه لطف و رحمتش کند. تا اینکه آن نشانه را دیدم و کم کم بیماری ام بهبود یافت. از همان زمان دلم می خواست به زیارت حضرت (علیه السلام) بیایم. تا اینکه ناگهان چون معجزه ای این سفر جور شد. اکنون هم نمی دانم از شوق روی زمین هستم یا در آسمان. حس عجیبی دارم. انگار خواب هستم. اما من... خانواده ام... رویه روی پنجره فولاد امام رضا (ع)... حضور در این مکان حقیقت محض است...

مردم را می بینم که هر یک با حاجت و نیازی به کنار پنجره فولاد آمده اند. اینجا همه نیاز به پشتیبان دارند. نیاز دارند کسی باشد که حرفهای دلشان را نگفته بشنود. خیلی مهم است که کسی باشد که در اوج سختی به دادت برسد. در اینجا رویه روی پنجره فولاد که می ایستی احساس می کنی کسی هست که عمق روح و جانت را می بیند و نگاهش به تو است. این احساس خیلی دلنشین است. برای همه سلامتی و تقوی بسیار آرزو دارم. بنظرم قشنگ ترین خواسته ای که می شود از ائمه (علیه السلام) داشت این است که بخواهیم در دنیا و آخرت دست ما را بگیرند.

خانم امینی ۳۵ ساله است و از اصفهان مسافر مشهد شده. تا به حال بارها به مشهد آمده است. زیارتنامه اش را که تمام می کند با او هم صحبت می شوم. می گوید: خدا را شاکرم که باز هم توفیق زیارت پیدا کرده ام که در این حرم بهشتی حضور داشته باشم. هر وقت به حرم می آیم سعی میکنم پس

از زیارت و دیدن ضریح مطهر حتی بصورت گذرا صحنها و رواقها و تمام نقاط حرم را ببینم و بدون اینکه جایی را ندیده بگذارم به شهرم بازنگردم. چون واقعا نمیدانم که آیا باز هم زنده باشم و قسمتم شود که دوباره به زیارت بیایم.

به همین خاطر سعی می کنم به نحو احسن از این فرصت ها استفاده کنم. اما هر وقت به پنجره فولاد می رسم بیشتر می ایستم و دعا و رازو نیاز می کنم و از حضرت (علیه السلام) می خواهم ضامنمان شود و شفاعتمان کند.

باسادات کوچکش زهر افاطمه یک ساله از شاهرود آمده است. بار سوم است که برای شفای دخترک او را به پابوس امام هشتم (علیه السلام) می آورد. کودک از همان لحظه تولد سرش ضربه خورده و مغزش بزرگ نمی شود. فاطمه ۳۰ ساله که صاحب سه دختر ۷، ۱۰ و یک ساله است کودکش را در آغوش می فشارد. او را به طرف پنجره فولاد می گیرد و اشک می ریزد و امام رضا (علیه السلام) را صدا می زند. می پرسد چرا مردم به پنجره فولاد ارادت خاصی دارند؟ می گوید: شاید چون از ایام قدیم مردم اعتقاد قلبی به حاجت گرفتن از این پنجره داشته اند و هنوز هم این اعتقاد پابرجاست. آدم وقتی رویه روی این پنجره می ایستد حس دیگری دارد احساس می کند که آقا (علیه السلام) او را نگاه می کند. گرچه برای ایشان فرقی ندارد کجا باشی. وقتی قرار باشد نگاهت کنند و حاجتت را بدهند از دورترین فاصله ها تو را به خواسته ات می رسانند.

اشکها امان می برند طاقتش را... صبر می کنم آرام تر شوم. چشمم به دخترک معصومش می دویم که با لبخند شیرینی به لب در خواب است. کسی چه می داند؟! شاید کودک دارد در خواب به فرشتگان الهی لبخند می زند!

دقایقی می گذرد. فاطمه اشکهایش را پاک می کند و بی آنکه پیرسهم می گوید: امیدوارم هیچ کس عزیزش بیمار نباشد. خیلی سخت است بنشیننی و ذره ذره آب شدن پاره تنت را نگاه کنی که مثل شمع می سوزد و تو هیچ کاری از دست بر نمی آید. اما من حتی وقتی در خانه هستم و تصاویر حرم امام رضا (علیه السلام) را از تلویزیون می بینم واقعا حس می کنم در حرم مطهر هستم و کنار پنجره فولاد. اصلاً فرقی نمی کند کجا باشی! دلت خودش می رود به همان جا که باید برود.

روایت شنیدنی از اسلام آوردن مارسلو راگاس در حرم مطهر رضوی

«مارسلا» عروس شهر امام رضا علیه السلام



معصومه فرمائی کیا: این سفر با همه سفرهای زندگی اش فرق داشت چمدان را با این هول می بست که نکند چیزهای مهمی یادش برود. سفر عجیبی بود. چمدانش را باز کرد و یک بار دیگر همه وسایل آن را بررسی کرد. همه چیز درست و به جا بود.

لااقل خیالش از این بابت راحت شد قرآن در این سفر بزرگ همراهش است. قرآنی که از ورود آن به زندگی اش چند ماه می گذشت اما عجیب با آن مانوس شده بود.

قرآن را برداشت و به رسم آیین ایرانی ها توی سینی کنار یک کاسه آب بزرگ گذاشت که روشنایی بود و دل او را هم شفاف و روشن می کرد. قرآن را که بوسید دلش آرام و قرار گرفت.

از زیر آنکه رد می شد حضرت مسیح را یاد کرد و خواست تا فرمان زندگی اش را به دست آدم های صالح و خوب بسپارد. مارسلو راهی کشور ایران بود و مشهد الرضا (ع)؛ شهری که معین از آنجا آمده بود.

«مارسلا وارگاس سانتاماریا» در خانواده ای کم جمعیت با دین مسیح بزرگ شده بود با یک برادر و یک خواهر. ساکن شهر لیمون کاستاریکا است که برای ادامه تحصیل در دانشگاه به شهر اولسان کره می آید و آشنایی اش با یک جوان ایرانی باب تازه ای را در زندگی دختر جوان باز می کند.

مارسلا حالا ۲۳ ساله است و چهار سال از جریان آشنایی اش با معین میر حسینی می گذرد. زمانی که همکلاسی تازه وارد در دانشگاه اولسان با زبان اسپانیایی با او صحبت کرده بود و گفته بود از یک شهر دور از یک کشور مسلمان است هیچ چیز از مسلمانی و آیین اسلام نمی دانست و فکر نمی کرد یک روز آن قدر راغب این دین و آیین بشود که بخواهد به درخواست همسری یک پسر ایرانی که فرسنگ ها راه دور تر از او کشور و خانواده اش است پاسخ

ساده و شیرینی کنار خانواده کوچکش دارد به شهر اولسان نیز شنیدن دارد.

وقتی تک فرزند خانواده میر حسینی در خانه مادر بزرگی که همه روزهای کودکی و نوجوانی اش را در آن گذرانده کنار همان طاقچه های قدیمی و کمد دیوار آیینی روبه روی ماو کنار مارسلا که حالا نام «ریحانه» را برای خود انتخاب کرده نشسته و تعریف می کند. مادر معلم است و از همان کودکی به خاطر علاقهای که به زبان و یادگیری آن داشتیم مراد دوره های زبان آموزی ثبت نام کرد. علاقه و استعدادی که در این زمینه داشتیم باعث رشد و پیشرفتیم شده بود طوری که در دوره کوتاهی مسلط به زبان انگلیسی شدم.

● اشتیاق به جهانگردی داشتیم

اما علاقه رفتن من به سیاحت و جهانگردی بر می گردد به معلمی که در دوران راهنمایی داشتیم. نه تنها من که خیلی از بچه های کلاس را مشتاق به گردشگری و رفتن به کشورهای دیگر کرده بود. تصاویری که آموزگار من از کشورهای دیگر می آورد آتش این اشتیاق را روز به روز بیشتر می کرد و از همان زمان زمزمه های رفتن من به جهانگردی آغاز شد. هر چند بچه های کلاس اعتقاد داشتند این ها بیشتر رویاپردازی و خیالیافی است و بهتر است واقع بین باشیم. این اعتقاد مادرم هم بود که اصرار داشت به جای این فکر و خیال های عجیب و دور و دراز دل به درس و مشق و کتاب بدهم و برای کنکور آن

مثبت بدهد.

مارسلا که جز کلیسا و آیین خود تا به حال چیزی از ادیان دیگر نشنیده بود در مرآده و رفت و آمد با «معین» مسیر تازه ای در زندگی اش باز شد. علاقه به معین و فکر رفتن زیر یک سقف و شریک زندگی او شدن مسیر تازه ای را در زندگی دختر جوان باز کرد.

● اسلام شرط اول ازدواج

مسیری که «معین» شرط پذیرش آن را اسلام آوردن و مسلمان شدن مارسلا تعیین کرد. زمان زیادی باید می گذشت که مارسلا خواهد این دین و آیین را به عنوان دین خود بپذیرد و قبول کند و بیشتر از آن خانواده خود را به گرویدن به این دین راضی کند. ماجرای که ۴ سال زمان برد تا مارسلا به معین بگوید من برای اسلام آوردن آمادهم.

اما جریان رفتن معین میر حسینی جوان ۲۳ ساله مشهدی که در یکی از محله های نزدیک حرم امام رضا (ع) زندگی

سال که می‌توانست نقش مهمی در ساختن آینده من داشته باشد وقت بگذارم.

معین تعریف می‌کند ارتباط من و حمید نادری نژاد آموزگارم روز به روز بیشتر می‌شد. در تابستان یک سالی با او به کشور هند و نپال رفتم و این سفر درهای تازه‌ای را به روی من باز کرد و من مشتاق‌تر از قبل دل به سفرهای خارج از کشور دادم. سال‌های متوسطه خیلی زود گذشت تا اینکه بچه‌ها خود را برای کنکور و یک دوره جدید آماده می‌کردند. حقیقتاً خانواده من شرایط مالی مناسبی برای همراهی ورود من به دانشگاه‌های ایران را نداشتند و باید راه دیگری پیدا می‌کردم به همین خاطر از طریق سایت‌های مختلف به دنبال یک دانشگاه با شرایط مناسب گشتم تا از طریق یکی از این سایت‌ها با دانشگاهی در کره جنوبی آشنا شدم. دانشگاه تازه تأسیسی که یکی از شرایط تحصیل رایگان بود و با شرط معدل نمی‌خواست برایش هزینه‌ای پرداخت کنم و این شرایط ایده آلی به نظر من بود و خیلی زود در دانشگاه ثبت نام کردم.

روزی که از کنکور بر می‌گشتم سر راه در یکی از کافی نت‌ها به سایت مورد نظر سر زدم. خوشبختانه علاوه بر پذیرش، دانشگاه تقبل کرده بود ماهی ۳۰۰ دلار ماهیانه پرداخت کند و این شرایط را ایده آل تر می‌کرد و ورودی این دانشگاه برای کره‌ای‌ها خیلی سخت بود. و من در یک کشور بیگانه با فرهنگ خاص برای مهندسی کامپیوتر ثبت نام کردم. حالا فقط یک مشکل داشتم چون تک فرزند خانواده بودم در زمان مشخص باید معافیت می‌گرفتم و این برای من در این فرصت کوتاه باقیمانده خیلی سخت بود. در فاصله‌ای که ویزا و بلیت رفتن را هم مهیا کرده بودم.

✦ خروج و بلا مانع شد

شرایط خاص و ویژه‌ای بود و درست چند روز قبل از حرکت کارت معافی را گرفتم و به اصطلاح خروجی ام سبز شد. کره کشور جالب و قشنگی بود و جالب اینکه من اصلاً حس غربت و غریبی در این کشور نداشتم.

آشنایی من با مارسلا به همان ماه‌های ابتدایی ورودم بر می‌گردد. می‌دانستم ساکنان کشور کاستاریکا اسپانیایی زبانند و من به این زبان علاقه‌مند بودم و این بهانه‌ای برای مراوده من با «مارسلا» شد.

✦ اعلام مسلمانی در کشور بیگانه

همان ابتدا برایش تعریف کردم اهل یک کشور مسلمانم و به عقاید، فرهنگ و آیینم معتقد و مقید هستم و حتی برایش گفتم پدر بزرگم طلبه و روحانی است که البته خیلی طول کشید تا «مارسلا» این معانی و مفاهیم را درک کند. به «مارسلا» گفتم در دین و آیین ما بین دختر و پسر یک حرم مخصوصی هست که باید رعایت شود اتفاقاً او از این جریان خیلی خوشش آمد و استقبال کرد.

✦ مردمی که خوشبین نبودند

هراسی که اوایل آشنایی در رفتار و گفتار او می‌دیدم برایم پرسش بر انگیز شده بود تا این که یک روز «مارسلا» برایم تعریف کرد مردم کشور او به خاطر تبلیغاتی که می‌شود خیلی به مسلمانان خوشبین نیستند و خانواده او هم به همین خاطر به او هشدار داده‌اند. من هم به خاطر همان اعتقاداتی که داشتم برای ارتباط با مارسلا با مادرم مشورت کردم که آیا این اجازه را می‌دهد همسر آینده‌ام را از این کشور انتخاب کنم. قطعاً مادرم به خاطر اینکه من تک پسر خانواده بودم به موضوع خوشبین نبود و همان ابتدا با صراحت مخالفت کرد و گفت آرزوی خواستگاری رفتن برایم دارد و دختری را به همسری من می‌خواهد که انتخاب خودش باشد.

اما این‌ها دلیل جدا شدن من از «مارسلا» نبود در این مدت من مجابش کرده بودم که اگر قرار به همراهی بامن است حتماً باید نوع پوشش را تغییر دهد و پوشیده‌تر بیرون بیاید و او هم پذیرفت. حتی او قبول کرده بود غذاهایی که من لب نمی‌زدم و مشکل شرعی داشت را پرهیز کند و مهم‌تر از همه اینکه «مارسلا» بر خلاف سایر همکلاسی‌ها اهل مشروب نبود و این موضوع نکته خیلی مهمی در زندگی من بود اما بعضی اوقات بین ما هم اختلاف سلیقه پیش می‌آمد و این خیلی طبیعی بود که دو نفر از دو کشور مختلف با فرهنگ‌ها و آیین متفاوت این تفاوت‌ها بینشان باشد.

گذشت زمان ما را نسبت به هم وابسته‌تر می‌کرد در این فاصله در رفت و آمدهایی که به ایران داشتم برای «مارسلا» روسری خریدم و یک قرآن به زبان اسپانیایی و کلی از کتاب‌هایی که می‌توانست گوشه‌هایی از دین من را برای او باز کند.

روزی که مارسلا حجاب را انتخاب کرد روزی که مارسلا قرار به روسری گذاشتنش بود و هدیه‌ای که به او دادم تا یک دوره جدید پیش پای زندگی‌ام باز شود را فراموش نمی‌کنم. مارسلا ترجمه‌های قرآن را خط به خط می‌خواند و گاهی با ترس و تشویب پیش من می‌آمد و پرسش‌هایی را می‌پرسید که برایش شبهه

شده بود. مثلاً اینکه چرا پیامبر (ص) شما عایشه نوجوان را به همسری انتخاب کرده است و پرسش پشت پرسش که تقریباً تمام ساعت غیر درسی من را می‌گرفت.

خوشبختانه مارسلا کم کم جذب دین من شده بود و در این باره با من حرف می‌زد اینکه امام مهربان شهر ما مشهدی‌ها چه ویژگی‌هایی دارد و...

حالا یک پرسش به پرسش‌های مارسلا اضافه شده بود و اینکه ما چه وقت زندگی مشترک خود را شروع خواهیم کرد و من در این بین دچار دوگانگی شخصیت شده بودم اینکه اگر مادرم رضایت به این وصلت ندهد و اگر مارسلا مسلمان نشود و هزار اما و اگر دیگری که نمی‌خواستم به آن فکر کنم. حقیقت این بود که ماجراهای پیش آمده باعث شده بود بعضی از ترس‌ها معذم شده به حد نصاب نرسد و این یعنی اینکه باید شهریه پرداخت می‌کردم و حالا مارسلا با تدریسی که داشت گاهی اوقات به من کمک می‌کرد.

تصمیم داشتم مارسلا را با آداب و رسوم ایرانیان آشنا کنم و به همین خاطر مقدمات اولین سفر را به مالری آماده کردم و مارسلا از نزدیک با آداب و رسوم یک کشور تقریباً اسلامی آشنا می‌شد آنجا برای اولین بار بود که ما غذای ایرانی خوردیم اصلاً در این مدت من به مارسلا سخت نگرفتم که باید اسلام بیاورد و سعی کردم خودش به دلخواه انتخاب کند. در این بین چون ارتباط من و مارسلا جدی شده بود مادرم یک سفر به کره آمد و خوشبختانه بر خلاف انتظار من از مارسلا به عنوان یک عروس خوشش آمد.

حالا نوبت دیدن مارسلا از ایران بود. در اولین فرصت مقدمات این سفر را آماده کردم و مارسلا در عاشورای ۹۳ به ایران و مشهد الرضا (ع) آمد از دیدن این همه هیأت عزاداری به وجد آمده بود و اما برایش سؤال شده بود که چرا خانم‌های ایرانی باید چادر سیاه بپوشند.

مارسلا را در یکی از روزها به حرم بردم با وجود آنکه گرفتن چادر برایش خیلی سخت بود خودش چادر گذاشت و داخل حرم شد. آنجا با روابط بین الملل آشنا شد و با کتاب‌هایی که از این مجموعه گرفت

حجت الاسلام والمسلمین ماندگاری:

هر کسی می تواند خادم معنوی امام رضا (علیه السلام) باشد

عشق به خاندان اهل بیت و امام رضا (علیه السلام) را نمی توان توصیف کرد. همه دنیا مبهوت این عشق است. چه کسی کارگردان این همه عشق و شور و محبت به این خاندان است؟ همه دوست دارند به نحوی خودشان را به حضرت وصل کنند، همه دوست دارند دستی به ضریح بزنند و دری را ببوسند. این عشق را باید تبدیل به یک عملیات زیبا بکنیم تا پایدار باشد و رشد و نمو زیبایی داشته باشد. همه ما دوست داریم که در حرم امام رضا (علیه السلام) خادم بشویم. قریب به بیست هزار نفر در نوبت هستند و چندین سال طول می کشد تا آن ها خدمت بکنند. به قول مرحوم مهندس بیاییم دیوارهای حرم را برداریم و به شهر و دیار خودمان ببریم. خدمت، محدود به این دیوارها و لباس خادمی نیست. هر کس داری دارد و هر کس که با مخلوق خدا ارتباط دارد و می تواند از این داری خودش به مخلوق خدا خدمت بکند و آن خدمت را به امام رضا (علیه السلام) و اهل بیت هدیه کند، خادم معنوی امام رضا (علیه السلام) می شود. این خدمت می تواند هر روز یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال باشد. من می توانم خدمتی را که به خانواده ام بخاطر واجب النفقه بودن آن ها انجام می دهم به امام رضا (علیه السلام) هدیه کنم. با این نگاه هر کس



در هر جایی که هست می تواند خادم معنوی امام رضا (علیه السلام) بشود. اولین ویژگی یک خادم معنوی بار بردار بودن اوست. زائر خودش می تواند کفش خودش را در جا کفشی بگذارد ولی خادم این کار را می کند. ویژگی بعدی این است که قدرشناس باشد و به طرف نگاه نکند به امام رضا (علیه السلام) نگاه کند. اگر زائری به خادم پر خاش بکند خادم می گوید که من می دانم تو خسته هستی و از این رفتار ناراحت نمی شود. دیگر اینکه خادم باید شبیه امام رضا (علیه السلام) باشد. رفتار من باید نشانگر رفتار مولا باشد. امام با کرامت برخورد می کند. بر در و دیوار این حرم ننوشته است که گناهکار نیاید. خادم باید رفتار مودبانه و کریمانه داشته باشد. دیگر اینکه خادم نباید موجبات سرافکندگی مولا را فراهم بکند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اگر شما کار خوب بکنی موجب سرافرازی ماست چون به ما وصل هستی و اگر کار بد بکنی مایه سرافکندگی ماست. ما باید زینت امام رضا (علیه السلام) باشیم. امام رضا (علیه السلام) با دوستان خدا دوست و با دشمنان خدا دشمن بودند. ما هم باید همینطور باشیم. خادم معنوی امام رضا (علیه السلام) نباید دوستدار دشمن امام رضا (علیه السلام) باشد. الان هر کس به حرم امام رضا (علیه السلام) می آید می گوید: خدایا ریشه دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) را بکن. کسی که دوستدار امام رضا (علیه السلام) است نباید در کارهای دوستداران امام رضا (علیه السلام) کوتاهی بکند. دیگر اینکه از حداکثر توان خودمان استفاده بکنیم. خادم معنوی باید از حداکثر توان خودش استفاده بکند. همه کارها در مقابل امام رضا (علیه السلام) یک جور هستند. دیگر اینکه کارها باید بر اساس دستور مولا انجام بشود. عمل باید بر اساس آیین نامه اسلام باشد.

با این حال هر کس امروز در هر جا، یک سلام به امام رضا (علیه السلام) بدهد زائر حضرت شده است. اگر زائر دلش هم شکسته باشد ارتباط دلی هم پیدا خواهد کرد. با این دانستن یک روز ارتباط با امام رضا (علیه السلام) جسارت به حضرت است. امام رضا (علیه السلام) امام آخر صفر (روز شهادت) و یازده ذی القعدة (روز تولد) نیست. اگر من به حرم امام رضا (علیه السلام) بیایم و یک کلام از امام یاد بگیرم و در زندگی ام بکار ببرم به حضرت جسارت کرده ام. دعای امام رضا (علیه السلام) می فرماید: خدا رحمت کند کسی که امر ما را احیا کند. یعنی معارف ما را یاد بگیرد و هم خودش عمل کند و هم به دیگران یاد بدهد. هر کس به دستورات ائمه عمل کند با توجه به زیارت جامعه کبیره که از لسان امام هادی (علیه السلام) است به امنیت و آرامش، موفقیت و سعادت و حمایت می رسد خواه زائر باشد و خواه خادم. با این حال ما باید با معرفت به حق این خاندان ارتباط برقرار بکنیم، زیرا آن ها از ما به ما آگاه تر، مهربان تر و از هر علقه ای آزاد هستند. عقل و فطرت من می گوید که چنین افرادی باید امام تو باشند. پس حق ائمه امامت است. حق ائمه فقط زیارت و محبت نیست. اگر کسی امامت آن ها را قبول کرد روز قیامت هم با آن ها محشور می شود.

برگشتیم کره.

سفر خیلی خوبی بود اما مارسلا هنوز هم پر از شبهه بود و احتیاج داشت تحقیق کند حالا در کنار من روابط بین الملل آستان قدس هم می توانستند از طریق مکاتبه پاسخ پرسش های «مارسلا» را روشن و شفاف بیان کنند.

می خواهم اسلام بیاورم

عید ۹۴ بود که مارسلا اعلام کرد آمادگی اسلام آوردن دارد و من حالا باید نماز خواندن یادش می دادم. دوباره به خاطر احترام از پدر و مادرم برای این وصلت اجازه گرفتم و همان عید خطبه عقد بین من و مارسلا خوانده شد. اما برای انجام مراسم باید به ایران می آمدم. مارسلا از طریق ایمیل خبر اسلام آوردنش را اعلام کرده بود و مقدمات سفر ما در ماه مبارک امسال مهیا شد تا اینکه این بار هم مارسلا چادر سر کرد و برای عقد شرعی بالای سر حضرت به حرم آمد.

حالا نوبت مارسلای مسیحی است که از آن لحظه ها بگوید

خانواده من همراه نبودند در بین راه دوباره حضرت مسیح را قسم دادم اگر امام رضا (ع) که این قدر حرف از مهربانی اش را می زنند از اولیا نیک خداست این پیوند صورت بگیرد.

مارسلا تعریف می کند مراسم اسلام آوردن من در یکی از رواق های آیینهای حضرت رضا (ع) و در کنار خدام با لباس های یک شکل و یک رنگ انجام شد و من آنجا حال خیلی خیلی خوبی داشتم و حتی به مادرم زنگ زدم و گفتم من عروس شهر امام رضا (ع) شده ام.

مارسلا تمام وقت به صحبت های معین لبخند می زند و می گوید: اگر شخصی که مرقدش اینجا در شهر شماس است یک رهبر واقعی است که من را هدایت کرده است مراقب زندگی من هم خواهد بود. و ما ایمان داریم امام مهربانی ها حافظ همه قلب ها و زندگی هاست که نور ایمان و اسلام را در آن شعله ور می کند.

حامل پرچم امام حسین (ع) برای ثبت در گینس در حرم مطهر رضوی عنوان کرد

نیامده ام به سرایش تا از او متاع بطلبم



کنند برای همین در سرتاسر ایران این نقطه را برگزیدم.

دکتر حکیم که در سال‌های قبل از انقلاب در نجف پزشک امام خمینی (ره) بوده است، درباره نخستین تشریفش به حرم سلطان خراسان با اشک‌هایی حلقه زده در چشمان و بغضی آکنده در صدایش می‌گوید: هیچ گاه نمی‌توانم آن لحظه را فراموش کنم. از دور نوری هویدا بود که هر چه نزدیکتر به بارگاه می‌شدم آن نور در روح و جانم رسوخ می‌کرد. هر لحظه نفسم بیشتر می‌گرفت تا اینکه به گنبد حضرت رسیدم و آن‌گاه بود که بغضم دیگر دوام نیاورد و اشک‌هایم جاری شد. هیچ‌گاه در طول عمرم چنین حسی نداشتم. بی‌اختیار اشک می‌ریختم. در آن لحظه دو درخواست از خدا کردم و حضرت را واسطه قرار دادم. یکی آنکه یا در راه خدمت به اهل بیت (علیهم السلام) شهید شوم و یا اینکه روی سجاده در حال عبادت و به عشق به ائمه بمیرم.

این دل‌داده علی بن موسی الرضا (علیه السلام) که دیگر بی‌اختیار اشک‌هایش جاری و شانه‌هایش می‌لرزید بیان داشت: من هیچ گاه با امام رضا (علیه السلام) با معامله رفتار نکرده‌ام. نیامده‌ام به صحن و سرایش تا از او متاع بطلبم و یا نیازهای دنیوی‌ام را برآورده کنم. آمده‌ام به عشق خودش و به خاطر ارادتی که به او دارم و برای همین از کیلومترها فاصله راهی حرم ایشان شده‌ام. این بارگاه مقدس است و نمی‌شود با نگاه کاسب کارانه به آن وارد شد. او مرا طلبید و من اکنون به پابوشش آمده‌ام.

دکتر حکیم همچنین با بغضی غریب به خبرنگار ما می‌گوید: این امامی که در اینجا روزانه هزاران نفر به زیارتش می‌آیند دیگر غریب نیست، بلکه غریب ائمه بقیع هستند که بارگاهشان در دست افرادی قرار گرفته است که مزار آنان را در محاصره گرفته‌اند. حضرت رضا (علیه السلام) بارگاهش مطاف فرشتگان و زیارتگاه عاشقانی است که آزادانه و فارغ از هیچ سختگیری به آن راه می‌یابند و حتی تا چند قدمی ضریحش رفته و آرامش جان از این مکان مقدس کسب می‌کنند، اما ائمه بقیع اکنون در غربت به سر می‌برند و مسلمانان بسیاری از نعمت زیارت آنان محروم هستند.

کنون در طول تاریخ با هیچ خانواده اسیر شده‌ای صورت نگرفته است. از این رو با این کار در پی آن می‌باشم تا حق ضایع شده این خاندان را نشان دهم و تبلیغات سوء رسانه‌های اسلام ستیز را بی‌اثر کنم. لذا به این منظور تا کنون به کشورهای بسیاری از جمله آلمان، سوئد، انگلیس و بیروت سفر کرده‌ام.

او که دارای لحن عربی فصیح و روایی گشاده است درباره دلیل انتخاب حرم امام رضا (علیه السلام) در ایران برای اهتزاز پرچمش و جمع‌آوری دلنوشته‌های زائرین بر روی آن چنین بیان می‌کند: ایران منطقه‌ای ممتاز و مشهود در آن همچون نگینی برجسته است. بی‌شک در ایران نقاط بسیاری وجود دارد، اما مشهود و صحن و سرای حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) با تمام نقاط جهان متفاوت است. در این بارگاه دل‌ها می‌شکند و اشک‌ها جاری می‌شود و زائرین آن مهمان ملائکه‌اند. مأمنی است که زبان از توصیف آن عاجز و تنها دلدادگان می‌توانند حقیقت آن را درک

مصطفی لعل شاطری: شاید این جمله را فراوان شنیده باشید که عشق به اهل بیت (علیهم السلام) حد و مرزی ندارد. فردی با جان، دیگری با دارایی، شخصی با اندیشه خود و خلاصه هر عاشقی به شیوه‌ای به خدمت به این خاندان مطهر می‌پردازد، اما این بار «دکتر صاحب جواد الحکیم» با حرکتی منحصر به فرد عشق خود را بروز داده است.

۷ سال پیش بود که جمعی از شیعیان لبنانی تصمیم گرفتند تا طولانی‌ترین تابلوی جهانی درباره امام حسین (علیه السلام) را تهیه و سپس در کتاب رکوردهای جهانی گینس ثبت کنند. این موضوع بازتابی خوبی داشت و توجه بسیاری از کشورهای اروپایی، عربی و اسلامی را به خود جلب کرد. چنانکه تصمیم بر این گرفته شد تا این بارچه نوشت به وسیله میلیون‌ها نفر از شیعیان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) امضا شود و نماینده این نیت پاک دکتر الحکیم معرفی شد. او سفیر صلح سازمان ملل است که از «پاپ ژان پل دوم» رهبر اسبق کاتولیک‌های جهان، مدال صلح جهانی دریافت کرده است و ارادت به خاندان نبی مکرم اسلام و بزرگی بارز اوست.

دکتر حکیم که دارای ظاهری متین و برخوردی بسیار صمیمی است درباره انگیزه خود به خبرنگار ما می‌گوید: بر آن هستیم تا جهانیان را با مظلومیت امام حسین (علیه السلام) آشنا و بر حق بودن ایشان را بیان کنیم. چراکه این امام همام مظلومانه به شهادت رسید و بی‌رحمانه با خاندان ایشان برخورد شد. برخوردی که تا

معنای زیارت رسیدن دست زائران به ضریح یا بوسیدن آن نیست



راضیه کشاورز: نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه اصفهان گفت: معنای زیارت رسیدن دست زائران به ضریح یا بوسیدن آن نیست بلکه حضور قلب و زیارتی تسوأم با معرفت مدنظر الهی است، گفت: گاهی در حرم بعضی از زائران به اشتباه می‌گویند که مثلاً ۵ روز است به مشهد آمده ایم اما هنوز زیارت نکرده ایم، این باور آنها اشتباه است چرا که معنای زیارت همان حضور زائر با معرفت و شناخت از ائمه اطهار (ع) است.

طباطبایی نژاد اضافه کرد: وقتی وارد حرم می‌شویم زیارت است، بنابراین باید از این موقعیت که ممکن است برای بسیاری از افراد به وجود نیاید، بهترین استفاده را ببریم و در آن مکان مقدس از خدا بخواهیم خطاهای ما را ببخشاید، تصمیم‌های خوب بگیریم

وی با تأکید بر اینکه معنای زیارت رسیدن دست زائران به ضریح یا بوسیدن آن نیست بلکه حضور قلب و زیارتی تسوأم با معرفت مدنظر الهی است، گفت: گاهی در حرم بعضی از زائران به اشتباه می‌گویند که مثلاً ۵ روز است به مشهد آمده ایم اما هنوز زیارت نکرده ایم، این باور آنها اشتباه است چرا که معنای زیارت همان حضور زائر با معرفت و شناخت از ائمه اطهار (ع) است.

طباطبایی نژاد اضافه کرد: وقتی وارد حرم می‌شویم زیارت است، بنابراین باید از این موقعیت که ممکن است برای بسیاری از افراد به وجود نیاید، بهترین استفاده را ببریم و در آن مکان مقدس از خدا بخواهیم خطاهای ما را ببخشاید، تصمیم‌های خوب بگیریم.

وی گفت: باید از اینگونه فرصت‌ها استفاده کرد و هنگام وارد شدن به حرم ائمه (ع) به خصوص حضرت امام رضا (ع) توبه واقعی کنیم.

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه اصفهان خاطر نشان کرد: خداوند متعال اماکنی را بر روی زمین مقدس قرار داده

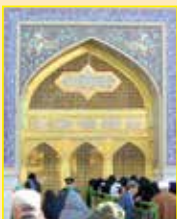
مثل: عرفات، زیر گنبد امام حسین (ع)، حرم ائمه اطهار (ع) و یا حتی زمان‌های مقدسی همچون شب‌های جمعه، ماه رمضان، ماه شعبان و شب‌های قدر که این‌ها لطف خداوند به بندگانش است تا دعاهای انسان را مستجاب کند.

وی با تأکید بر زیارت ائمه (ع) همراه با حضور قلب، بیان داشت: حواس زائران باید جمع باشد که این مکان‌های مقدس به لطف خدا تعیین شده است اما متأسفانه بعضی‌ها می‌شمارند که مثلاً حرم چقدر امکانات دارد، چقدر صحن دارد و یا فلان امکانات دیگر، غافل از اینکه در اینگونه مکان‌ها باید بین خود و خدایشان تصمیم‌های خوب بگیرند که این کار اساسی است.

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار داشت: قرار است تعدادی زائر سرادر مشهد مقدس ساخته شود که طبیعی است وقتی به زائر حضرت امام رضا (ع) اهمیت می‌دهیم، باید جایگاه‌های خوبی را برای زیارت آنها بنا کنیم تا سفری توأم با آرامش و امنیت با حداقل هزینه‌ها داشته باشند.

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه اصفهان ادامه داد: بنا شد تصمیمی هم با اشاره مقام معظم رهبری گرفته شود از این قرار که شهرداری مشهد برای هر استانی قطعه زمینی را جهت احداث زائر سرا واگذار کند و هزینه پروانه را هم دریافت نکند؛ ما هم عضو چنین طرحی بودیم اما در حقیقت به دلیل دور بودن زمین‌های در نظر گرفته شده به حرم مطهر انصراف دادیم.

وی تصریح کرد: البته اصفهان حدود ۱۰۵ زائر سرا در مشهد مقدس دارد و اصفهانی‌ها از این لحاظ کمبودی ندارند اما اگر قرار است جایی برای احداث مهمانسرای زائران در نظر گرفته شود باید به گونه‌ای باشد که ارزش هزینه کردن داشته باشد.



وقتی وارد حرم می‌شویم زیارت است، بنابراین باید از این موقعیت که ممکن است برای بسیاری از افراد به وجود نیاید، بهترین استفاده را ببریم و در آن مکان مقدس از خدا بخواهیم خطاهای ما را ببخشاید، تصمیم‌های خوب بگیریم

نگینی درخشان در جوار شمس الشمس

نگاهی به کتابخانه تخصصی شبانه روزی اهل بیت (ع)

● از این تعداد منبعی که بر شمردید چند کتاب و منبع در مورد حضرت رضا (علیه السلام) در کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام) موجود است؟ اکنون در این کتابخانه بیش از دو هزار کتاب و ۹۰ نسخه تصویر کتاب‌های خطی با محوریت سیره و زندگی امام رضا (علیه السلام) وجود دارد.

● آیا به منابعی که اکنون در کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام) دارید اضافه می‌شود؟

بله. ما همراه به این منابع اضافه می‌کنیم. هر کتاب جدیدی که چاپ شود یا هر کتابی که کسر داشته باشیم به این کتابخانه اضافه می‌شود. در طول ماه کتاب‌های خریداری شده ثبت و لیبل‌گذاری می‌شود سپس شماره دیوپی می‌خورد. بعد هم به کتابخانه تخصصی اهل بیت (علیهم السلام) فرستاده می‌شود. حتی در مواقعی اگر محقق و مراجعه کننده‌ای به کتابی نیاز داشت و آن کتاب در کتابخانه موجود نبود بلافاصله در همان روز خریداری و ثبت شده و ما آن را به درخواست کننده ارایه می‌دهیم.

● کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام) شامل چه بخش‌هایی است و چه خدماتی را به مراجعین ارایه می‌دهد؟

خدمات این کتابخانه در هشت تالار همچون کتابخانه الکترونیکی (اینترنت) و نرم‌افزارهای اسلامی، تالار کتاب‌های مرجع، تالار امانت کتاب، تالار خدمات نسخه‌های خطی و چاپ سنگی و ویژه محققان و... به علاقه‌مندان ارایه می‌شود.

● چرا کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام) شبانه روزی است؟

این تصمیم نظر تولیت فقید و همچنین ریاست سازمان کتابخانه‌های آستان قدس رضوی بود. کتابخانه مسجد گوهر شاد ابتدا کتابخانه عمومی بود و بعد بعلت تخصصی شدن آن در محور اهل بیت (علیهم السلام)

را حله ندافی مقدم: کتابخانه تخصصی امام رضا (علیه السلام) در سایه لطف حضرت و با عنایت و اهتمام تولیت فقید آستان قدس رضوی مرحوم آیت الله واعظ طبسی در ۲۲ بهمن ۱۳۷۹ راه اندازی شد. این کتابخانه همزمان با راه‌اندازی کتابخانه تخصصی اهل بیت (علیهم السلام) در سال ۱۳۸۹ توسعه یافت و اکنون در جوار بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، به مرکزی شبانه‌روزی برای پاسخ‌گویی علمی به نیاز مراجعان، زائران و مشتاقان معارف اهل بیت (ع) تبدیل شده است. این کتابخانه با ۱۲۰۰ مترمربع زیر بنا در حرم مطهر رضوی، انتهای صحن جمهوری، جنب دفتر تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی بصورت شبانه‌روزی پذیرای برادران اهل علم و پژوهش است. با حسن محکی رئیس کتابخانه تخصصی شبانه‌روزی اهل بیت (علیهم السلام) ساعتی به گفت و گو نشستیم که ماحصل آن در ادامه از نظر تان خواهد گذشت.

دینی و حوزوی، دانشجویان، محققان، زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی حضرت رضا (علیه السلام) تشکیل می‌دهند که می‌توانند از خدمات مطالعاتی کتابخانه تخصصی اهل بیت (علیهم السلام) آستان قدس رضوی بصورت شبانه‌روزی استفاده کنند.

● کتابخانه تخصصی اهل بیت (علیهم السلام) آستان قدس رضوی شامل چه میزان منابع مطالعاتی است؟

این کتابخانه با بهره‌مندی از ۶۰۰ هزار منبع مطالعاتی و ۸۰ هزار کتاب درباره زندگانی و سیره معارف نورانی اهل بیت (علیهم السلام) اعم از کتاب‌های چاپی به زبان‌های فارسی، عربی، اردو، انگلیسی و...، ۴۰۰۰ نسخه چاپ سنگی، ۳۹۲۵ نسخه خطی، بیش از ۵۰۰ هزار کتاب الکترونیکی، ۶۵ عنوان نشریه و ۴۰۰ نسخه پایان‌نامه با موضوع سیره و معارف اهل بیت (علیه السلام) آماده خدمات‌رسانی به عموم پژوهشگران اهل معرفت است.

● جناب آقای محکی! در ابتدا توضیحاتی در مورد کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام) برای خوانندگان مجله زائر بفرمایید.

کتابخانه شبانه‌روزی اهل بیت (علیهم السلام) آستان قدس رضوی اولین، غنی‌ترین و بزرگ‌ترین کتابخانه تخصصی اهل بیت (علیهم السلام) در جهان اسلام به شمار می‌رود. این کتابخانه در جوار آقا علی بن موسی الرضا (علیه السلام) چون نگینی درخشان بر پهنه گیتی می‌درخشد و این مهم چیزی جز نظر و نگاه اهل بیت (علیهم السلام) نیست. کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام) از لحاظ تعداد مراجعه‌کنندگان، تخصص در سیره اهل بیت (علیهم السلام) و حضور کتابداران متخصص جایگاه ویژه‌ای در جهان اسلام به دست آورده است.

● کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام) چند نفر عضو دارد و این اعضا بیشتر چه قشری از جامعه را در بر می‌گیرند؟

این کتابخانه با بیش از ۱۶ هزار و ۳۵۰ عضو به‌طور شبانه‌روزی فعالیت دارد. براساس آمار در سال ۱۳۹۴، ۳۲۰ هزار نفر از خدمات شبانه‌روزی این کتابخانه تخصصی بهره‌مند شدند. همچنین در دو ماهه نخست سال ۱۳۹۵ نیز، ۶۰ هزار نفر با مراجعه به این کتابخانه از منابع و خدمات متنوع آن استفاده کردند. که این آمار بصورت شبانه‌روزی در ماه به ۲۸ هزار مراجعه کننده می‌رسد. مراجعین این کتابخانه را طلاب علوم



کرمان؛ همچنین حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها ۵ هزار میهمان داشتیم و پذیرای مهمانان ویژه‌ای از محققین و اساتید کشور بودیم.

آیا برای خدمت به زائران خارجی و بین‌المللی که در مدت اقامت در مشهد چنانچه به کتاب خاصی نیاز داشته باشند هم تدبیری اندیشیده‌اید؟

خدمات کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام) برای تمامی اراکین و عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) با هر نژاد و زبانی است. این زائران نیز می‌توانند بصورت گروهی یا انفرادی با هماهنگی روابط عمومی سازمان کتابخانه‌های آستان قدس رضوی معرفی نامه دریافت کرده و از کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام) بازدید کرده یا براساس زبان مادری و تخصص خود به کتاب‌های مورد نظرشان دسترسی پیدا کرده و به مطالعه و تحقیق بپردازند.

آیا در کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام) امکان استفاده مراجعین از نسخه‌های خطی وجود دارد؟

بله. تمامی کتاب‌های خطی بصورت نسخه دیجیتال تهیه شده و در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. محققینی که به این منابع نیاز داشته باشند می‌توانند با مراجعه به رئیس بخش مخطوطات کتابخانه مرکزی این تصاویر را در دستگاه مشاهده کرده و اگر هم به خود نسخه اصلی نیازی باشد باز هم با نامه‌ای از رئیس بخش مخطوطات این افراد به ما معرفی شده و ما نسخه مورد نظر را در اختیارشان قرار می‌دهیم.

کنندگان بسیار زیاد می‌شود. در ماه‌های شعبان، رمضان و شوال از ۷ شب تا ۷ صبح گاهی اتفاق می‌افتد که یک صندلی برای نشستن در کتابخانه پیدا نمی‌شود. مراجعین حتی در راهروهای کتابخانه روی زمین می‌نشینند. بنوعی اینجا شب و روز معنایی ندارد.

بجز اعضای کتابخانه چه کسانی و چگونه می‌توانند از خدمات کتابخانه اهل بیت (علیهم السلام) استفاده کنند؟

زائرین تا هر زمان که در مشهد اقامت دارند می‌توانند با ارایه کارت شناسایی معتبر و مراجعه به روابط عمومی سازمان کتابخانه‌های آستان قدس رضوی و دریافت معرفی نامه بصورت رایگان از این کتابخانه استفاده کنند. ما در اینجا براساس معرفی نامه به آن‌ها برگ مهمان تحویل می‌دهیم. این برگ میهمان هم بصورت انفرادی و هم بصورت گروهی است و بمدت یک ماهه، دو ماهه یا بیشتر به آن‌ها ارایه می‌شود. در شش ماهی ماه رمضان امسال ما از سراسر ایران و شهرهایی چون تهران، قم، اصفهان، رشت،

برای زائرین و مجاورین، طلاب حوزه‌های علمیه، محققین، دانشجویان در تمام سال بصورت شبانه روزی مشغول خدمت رسانی به مراجعین است.

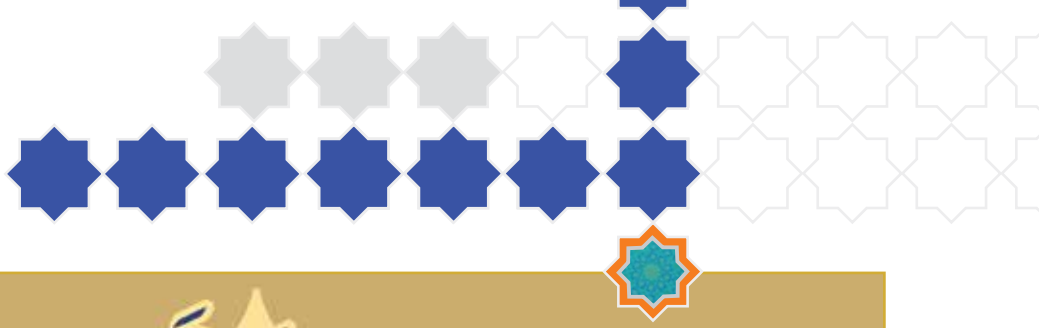
آقای محکی شبانه روزی یعنی کل ۲۴ ساعت! از غروب به بعد تعداد مراجع کنندگان به کتابخانه اهل بیت (علیه السلام) بیشتر می‌شود یا کمتر؟ و طیف غالبی که در این زمان مراجعه می‌کنند چه قشری هستند؟

تعداد مراجعین در طول ۲۴ ساعت معمولاً یکسان هستند. در شبقت شب به طور مثال محققینی که در کتابخانه مرکزی مشغول مطالعه و تحقیق هستند پس از ساعت تعطیلی این کتابخانه به کتابخانه اهل بیت (علیه السلام) مراجعه می‌کنند. دانشجویان و طلاب هم با در دست داشتن کارت عضویت کتابخانه مرکزی هم در این ساعات به کتابخانه اهل بیت (علیه السلام) مراجعه کرده و شب تا صبح به مطالعه مشغول می‌شوند. گاهی در فصل‌هایی از سال مانند ایام امتحانات یا تابستان تعداد مراجعه



قرآن منسوب به دستخط مبارک امام رضا (ع) یکی از نفایس موزه قرآن آستان قدس رضوی

این قرآن که منسوب به دست خط مبارک امام رضا (ع) است در قرن سوم قمری به خط کوفی ۱۶ سطری بر روی پوست آهو کتابت شده است. این اثر با قطع بیاضی خود و به ابعاد $۲۵ \times ۱۷/۷$ سانتی متر، دارای ۲۷ ورق بوده و شامل قسمت‌هایی از سوره‌های: «نور، قصص، عنکبوت، روم، لقمان، سجده، احزاب، مؤمنون، فصلت، جاثیه، احقاف، واقعه و حدید» است. این قرآن از اواسط آیه ۶۰ سوره مبارک که «نور» آغاز شده و تا اواخر آیه ۵ سوره مبارک که «حدید» ادامه دارد. در پایان هر سوره خطی مستقیم و گره دار به تحریر و زر تا آخر سطر کشیده شده است، در فاصله هر ده آیه یک ترنج کوچک به تحریر و زر و زنگار و شنگرف ترسیم گردیده است. جلد این قرآن نفیس تیماج عنابی ضربی است. این اثر یکی از مهمترین قرآن‌های نفیس موزه قرآن و نفایس آستان قدس رضوی در صحن کوثر است.



حجت الاسلام مروجی طبسی:

انحصارگرایی هرگز در مکتب علمی امام صادق علیه السلام راه نداشت

از باطل را در طول تاریخ فراهم کرده است، چه چیز سبب شد تا در میان شیوه‌های مختلف هدایت و راهبری جامعه اسلامی، ایشان نهضت علمی را برگزینند؟

درباره زندگانی ایشان باید گفت، با توجه به آنکه عمر شریفشان از همه ائمه علیهم السلام بیشتر بود، برکات بیشتری را در ابعاد مختلف نصیب جامعه اسلامی و شیعیان کردند، البته همه ائمه علیهم السلام از نظر ما یک نور هستند و تقسیم وظایف و مأموریت میان آنان به اقتضای شرایط و زمان صورت گرفته است و گرنه ما همه را به منزله یک انسان واحد می‌دانیم، چنان که مقام معظم رهبری تعبیر «انسان

آئمه مستقیمی: همانطور که شیعه، امام حسن علیه السلام را به صلح و انجام آن نرزش قهرمانانه تاریخ، سیدالشهدا علیه السلام را به قیام جاودان کربلا و حضرت سجاد علیه السلام را به دعاها و سجده‌های طولانی شان می‌شناسد، تا نامی از حضرت صادق علیه السلام به میان آید برگ زرینی دارد در کتاب افتخارات خویش تا به آن بیابد و به مدعیان تمدن و آن‌ها که می‌خواهند اسلام و تشیع را به توحش متهم کنند بگویند قرن‌ها قبل امام صادق علیه السلام در مکتب علمی خویش علمی را عرضه کرد که عقل و درک هیچ بشری به آن‌ها قد نمی‌داد و هر تمدنی در شرق و غرب مرهون این نهضت علمی و فرهنگی است که جهان را متأثر کرد. از این رو و به منظور بررسی ابعاد مختلف این نهضت با حجت الاسلام والمسلمین نجم الدین مروجی طبسی، استاد سطوح عالی و خارج حوزه و صاحب تألیفاتی همچون «چرایی گریه و سوگواری»، «امام حسین علیه السلام در مکه مکرمه»، «فرقه‌ای برای تفرقه»، «الوهاییه دعاوی و ردود»، «معجم احادیث الامام مهدی (عج)» و «شناسه‌هایی از دولت موعود» به گفت و گو پرداخته ایم که مشروح آن به حضورتان تقدیم می‌شود:

اسلام داشته و دارند و نقل احادیث فراوان از ایشان زمینه تشخیص حق

• امام صادق علیه السلام به عنوان رئیس مکتب تشیع، باره اندازی نهضت علمی، نقشی خاص در تاریخ



۲۵۰ ساله» را برای آن حضرات علیهم السلام به کار می‌برند و در این باره کتاب دارند و مرحوم آیت‌الله مروجی طیسی نیز در کتاب «الشیعه و الرجعه» به آن اشاره کرده‌اند.

دوران زندگانی با برکت امام جعفر صادق علیه‌السلام مقارن بود با دوران ضعف دو حکومت، چرا که امویان رو به زوال داشتند و در مقابل عباسیان در حال روی کار آمدن و نوپا بودند، از این رو، امام صادق علیه‌السلام از موقعیت استفاده کرده و نهضت علمی فرهنگی را برای نشر فرهنگ اسلام ایجاد کردند، به گونه‌ای که نزدیک به ۸۰ درصد از روایات معصومین علیهم السلام از ایشان و امام محمدباقر علیه‌السلام به دست ما رسیده است، آنهم در شرایطی که تهاجم فرهنگی به اعتقادات و اهل بیت (ع)، سیاه نمایی و جعل حدیث شدت یافته و امری رایج بود؛ از این رو، این دوران فرصت مناسبی برای کادر سازی توسط امام صادق علیه‌السلام در رشته‌های مختلف بود.

این کادر سازی چگونه انجام شد و آیا همه رشته‌های علمی را در بر می‌گرفت یا به تعداد معدودی از رشته‌ها خلاصه می‌شد؟

امام صادق علیه‌السلام در علوم مختلف از تفسیر و فقه تا کلام و اصول، شاگردانی تربیت کردند، چنان که ابن خلکان در کتاب «وفیات الاعیان» و وقتی از عظمت امام صادق علیه‌السلام یاد می‌کند، می‌گوید: ایشان جابر بن حیان را در علم شیمی تربیت کردند و وی ۵۰۰ رساله شیمی را که از بیانات حضرت صادق علیه‌السلام بود، نگاشت!

نکته مهم آنکه امام صادق علیه‌السلام در رشته‌های مختلف به تربیت شاگرد همت داشتند، بویژه در حوزه کلام افرادی همچون هشام بن حکم را تربیت کردند و به تصریح تاریخ‌ها در او در حالی که هنوز محاسنش نرویده بود چنان تخصصی در علم کلام یافت که حضرت صادق علیه‌السلام بزرگان مذاهب و نیز متخصصانی را که از شام برای مناظره با ایشان می‌آمدند، به کسانی چون او رجوع می‌داد و آنان برابر او شکست می‌خوردند و اعتراف می‌کردند که چیزی در چنته ندارند. البته افراد دیگری چون «حمران بن اعین» هم در علم کلام در محضر امام صادق علیه‌السلام شاگردی می‌کردند. در رشته فقه نیز شخصیت‌هایی مثل

«زراره» و «محمد بن مسلم» را تربیت کردند که مدرس احکام الهی بودند و حتی بزرگان عراق وقتی در مسایل فقهی می‌ماندند نزد محمد بن مسلم می‌آمدند و سوالات خود را مطرح و پاسخ آن را دریافت می‌کردند.

علاوه بر این، در فن مناظره نیز شخصیت‌هایی همچون «بابن تغلب» را تربیت کردند که بسیار اثر گذار بود و وقتی در مدینه حضور داشت مساجد و دیگر جلسات خالی می‌شد و همه پای منبر او می‌نشستند و خصوصاً جوانان درس و بحث را از وی می‌آموختند و شخص امام علیه‌السلام می‌فرمودند: «دوست دارم همه شیعیان و دوستان ما مثل تو سخن بگویند»، چرا که او ماهرانه و بدون ایجاد تنش و با محوریت حق، سوالات را پاسخ می‌داد.

باید توجه داشت که درباره نهضت علمی امام صادق علیه‌السلام بحث بسیار است، چنان که شخصی مثل ابوحنیفه که جمع کثیری از مسلمانان او را به عنوان امام خود می‌دانند، اعتراف می‌کند که فقیهی همچون امام صادق علیه‌السلام ندیده است و این در حالی است که او امام یکی از مذاهب اهل سنت بود، اما پس از مناظره و گفت‌وگوی علمی، خود را شاگرد حضرت صادق علیه‌السلام یافت.

ابوالحجاج مزی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب «تهذیب الکمال فی أسماء الرجال» خود می‌گوید: منصور دوانیقی یکی از خلفای عباسی به ابوحنیفه گفت: توجه مردم به امام صادق علیه‌السلام زیاد و مردم شیفته شخصیت و عظمت او شده‌اند، اگر می‌توانی سوالاتی آماده کن، تا او از عهده پاسخ آن بر نیاید و شکست بخورد و جایگاهش را در میان مردم از دست بدهد! ابوحنیفه می‌گوید: ۴۰ سؤال سخت و مشکل را برای شکست دادن امام صادق علیه‌السلام آماده کردم. نزد منصور دوانیقی رفتم امام علیه‌السلام هم حضور داشت و عظمت ایشان مرا گرفت، به گونه‌ای که نتوانستم به منصور سلام کنم و فقط به امام صادق علیه‌السلام سلام کردم. ابوحنیفه می‌گوید: سپس ۴۰ سؤال را که از قبل آماده کرده بودم، مطرح کردم و ایشان بدون مکث و به سرعت و بر اساس مذاهب مختلف به سؤال من پاسخ می‌دادند و می‌گفتند: اهل مدینه یعنی اهل حدیث چنین می‌گویند و اهل عراق یعنی اهل قیاس چنان می‌گویند، گاهی نظرش موافق اهل مدینه بود و گاه موافق اهل عراق و گاه مخالف هر دو.

ابوحنیفه در پایان مناظره خود با امام صادق علیه‌السلام می‌گوید: من کسی را فقیه‌تر و عالم‌تر از جعفر بن محمد علیه‌السلام ندیدم!

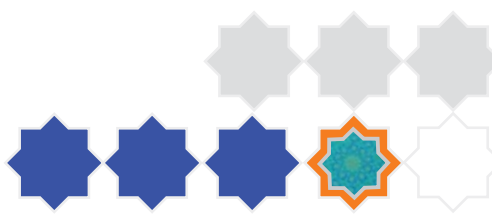
امام صادق علیه‌السلام در زمینه‌های مختلف فقهی، تاریخی، اصولی و کلامی مباحث و مناظرات بسیار داشتند که علامه مجلسی در جلد‌های ۹ و ۱۰ بحار الانوار و دیگران در منابع مختلف نقل کرده‌اند. هر یک از این مباحث و مناظرات از عظمت علمی ایشان حکایت دارد و من بخاطر شغل تحقیق و مطالعه، ندیده‌ام عالمی از عالمان اهل سنت اسم امام علیه‌السلام را ببرد مگر آن که به عظمت و شخصیت بزرگ و به عنوان خورشید رخشان آسمان ولایت معترف باشد. ذهبی که یکی از علما و شخصیت‌های بزرگ اهل سنت است در کتاب خودش مطلبی را از یحیی بن سعید قطن درباره امام علیه‌السلام و مقایسه آن حضرت علیه‌السلام با سایر علما مطرح کرده و سپس به نقد و رد آن پرداخته و کار یحیی بن سعید قطن را اشتباه و بی‌اساس و از لغزش‌های او دانسته و می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام به هیچ وجه قابل مقایسه با علمای دیگر نیستند و ایشان بالاتر از این مقایسه‌اند.

ابن خلکان نیز وقتی از محل دفن امام صادق علیه‌السلام سخن می‌گوید، از جلالت ایشان یاد می‌کند و به دفن ایشان در بقیع و کنار امام حسن، امام سجاد و امام باقر علیهم السلام و عنایت الهی به آن حضرت (علیه‌السلام)، اشاره می‌کند. به طور کلی همه اهل سنت به جز امویان، ناصبی‌ها و وهابی‌ها که با امیرالمومنین امام علی علیه‌السلام مشکل دارند و می‌خواهند عظمت اهل بیت علیهم السلام را زیر سؤال ببرند و در واقع بار رسول خدا (ص) و خدا مشکل دارند، بر عظمت شخصیت و مقام علمی امام صادق علیه‌السلام اذعان دارند و ما نیز خود بنا بر حدیث ثقلین معتقدیم ایشان عدل قرآن و همتای قرآن هستند.

امروز و در جهان کنونی شاهد هستیم که برخی جوامع با انحصارگرایی علمی، مانع دستیابی دیگر کشورها و ملت‌ها به علم می‌شوند و در این مسیر از تهدید، تحریم و ترور بهره می‌گیرند! آیا چنین انحصارطلبی‌ای در سیره و نهضت علمی امام صادق علیه‌السلام نیز وجود داشت و اینگونه بود که حضرت علیه‌السلام به دلیل اختلاف قومی، نژادی، مذهبی و...



درباره نهضت علمی امام صادق علیه‌السلام بحث بسیار است، چنان که شخصی مثل ابوحنیفه که جمع کثیری از مسلمانان او را به عنوان امام خود می‌دانند، اعتراف می‌کند که فقیهی همچون امام صادق علیه‌السلام ندیده است و این در حالی است که او امام یکی از مذاهب اهل سنت بود، اما پس از مناظره و گفت‌وگوی علمی، خود را شاگرد حضرت صادق علیه‌السلام یافت



مانع دستیابی عده‌ای به علمی که تدریس می‌کردند، ششوند؟ یا برای برخی دیگر امتیازی در علم آموزی در نظر بگیرند؟

شکی نیست که امام صادق علیه‌السلام نه تنها در علم انحصارگرایی نمی‌کردند، بلکه بر آموختن علم از هر طریق تأکید داشتند و پیرو حدیث «اطلبوا العلم ولو بالصین» بودند. از این رو، حضرت صادق علیه‌السلام نه تنها در علم احتکار نمی‌کردند، بلکه کلاس درس و بحث ایشان آزاد بود، چنان که ابوالحجاج مزنی در کتاب «تهذیب الکمال فی أسماء الرجال» اسم ده‌ها نفر از علمای اهل سنت مثل ابوحنیفه و مالک بن انس را که از ائمه مذاهب اهل سنت هستند، جزو شاگردان آن حضرت علیه‌السلام نام می‌برد. اگر امام علیه‌السلام علم را در انحصار می‌کشیدند و کانالیزه می‌کردند، صدها نفر از محدثان اهل سنت از امام علیه‌السلام حدیث نقل نمی‌کردند، کسانی چون «غیاث بن ابراهیم» یا «حفص بن غیاث» و ده‌ها نفر دیگر که همه پای درس امام صادق علیه‌السلام می‌نشستند و وقتی وارد مسجد کوفه می‌شدند ده‌ها طلبه نشسته بودند و محور بحثشان حرف‌های حضرت علیه‌السلام بود و می‌گفتند: قال الباقر علیه‌السلام و قال الصادق (علیه‌السلام)؛ علاوه بر این، نقل است که چهار هزار نفر در کوفه در درس امام علیه‌السلام شرکت می‌کردند و محور بحثشان مباحث امام علیه‌السلام بود؛ این مطلب نشان می‌دهد که محور تلاش و تمرکز ایشان بر انتشار علم بود، البته علمی که به خدا متصل شود و می‌فرمودند: «شرق و غرب می‌خواهید بروید، علمی که به درد جامعه بخورد علمی است که از ما اهل بیت علیهم‌السلام ساطع شود». چون خاندان نبوت به پیامبر (ص) و پیامبر (ص) به وحی و وحی به خدا وصل است. از این رو، ایشان علم نافع را چنین علمی دانسته و رواج می‌دادند، نه علمی که از یونان و هند یا توسط مرتاضان، عرفا و از تباط با جنیان به دست می‌آمد.

● با توجه به شرایط آن روزگار و مسایل معیشتی که انسان‌ها با آن درگیر بودند و شاید مانع توجه آن‌ها به مسایل علمی می‌شد، امام صادق علیه‌السلام برای جذب اکثریت به نهضت علمی خود، چه راهبردی داشتند و این راهبرد چه دستاوردهایی داشته است؟
امام صادق علیه‌السلام می‌کوشیدند

شاگردانی تربیت کنند که جاذبه داشته باشند نه دافعه، چرا که جامعه به اندازه کافی با تبلیغات خائنانه، مردم را از اهل بیت علیهم‌السلام دور کرده بود. از این رو، حضرت صادق علیه‌السلام به گونه‌ای شاگردان را تربیت می‌کردند تا افرادی که پراکنده شده بودند، جذب شوند. برای مثال در کوفه «مفضل بن عمر» را مأمور کردند تا با جاذبه‌های خاص، جوانان بریده از مسجد را دوباره جذب کند و او با این که از فقها و معتمدین امام علیه‌السلام بود در میان جوانان می‌رفت که برای مثال کبوتر باز بودند و این نارضایتی برخی علما را در پی داشت تا جایی که به حضرت علیه‌السلام نامه نوشتند و به رفتار مفضل بن عمر اعتراض کردند، اما امام علیه‌السلام در پاسخ آنان، کار مفضل بن عمر را تأیید کردند.

یا نقل است که یکی از شاگردان را برای مأموریت به جایی فرستادند، وقتی بازگشت، گفت: اهالی آن منطقه اعتقادات ما را ندارند. امام علیه‌السلام فرمودند: «اگر اینطور باشد پس باید ما هم شما را طرد کنیم!» (کنایه از این که شما هم به ما نمی‌رسید) اینها همه برای داشتن جاذبه و نفی دافعه در سیره و شیوه شاگردان بود. ایشان برای این مهم، داستان مسلمان شدن فرد مسیحی توسط یک مسلمان را تعریف می‌کردند که در همسایگی هم بودند و همسایه مسلمان دایم آن تازه مسلمان را به نماز شب، نماز جماعت، تعقیبات نماز، نافله ظهر و عصر و ... و می‌داشت تا جایی که در نهایت مسیحی تازه مسلمان گفت: این دین مال کسانی است که بیکارند، من مشغله و خانواده دارم!

در واقع حضرت علیه‌السلام می‌کوشیدند با این تذکرات، اصحاب را به رعایت حداکثر جاذبه در دعوت و همراهی جامعه به نهضت علمی-فکری خویش، تشویق و توصیه کنند.

● با توجه به آن که بعد از یک دوره اختناق، فرصت در دوران امام صادق علیه‌السلام به دلیل گذار سیاسی حکومت‌ها برای بیان واقعیت عاشورای حسینی فراهم شده بود، ایشان چگونه شعائر حسینی را در جامعه احیا کردند؟

مسأله احیای عزای زیارت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام از تأکیدات و جزو سیره امام صادق علیه‌السلام است و به این مسأله تشویق می‌کردند. خود حضرت

علیه‌السلام گاه روضه می‌خواندند و وقتی کنار فرات رسیدند و جریان آب را دیدند، گلایه کردند. ایشان همچنین شاعران را به شعرگویی برای حضرت علیه‌السلام تشویق می‌کردند و در روز عاشورا بلند بلند می‌گریستند و با رفتارهایشان و تشویق شاعران سعی می‌کردند تا این مسأله را نهادینه کرده و سند محکم برای کربلای حسینی داشته باشند.

علاوه بر این، ایشان برای نخستین بار محل قبر مطهر امیرالمومنین علیه‌السلام را نشان دادند. راوی می‌گوید: ایشان وقتی به مزار رسیدند خود را بر قبر مطهر انداختند و طوری بودند گویی جان از تنشان خارج شده است و هنگام بازگشت به حضرت امیر علیه‌السلام پشت نکرده، بلکه عقب عقب می‌رفتند و این نشان می‌دهد که رفتار ما شیعیان و عقب عقب رفتن هنگام خروج از مضاجع شریف اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها عوامانه نیست، بلکه برگرفته از سیره حضرت صادق علیه‌السلام است!

نوع برخورد حضرت علیه‌السلام با جریان‌های مخالف و معاند چگونه بود؟ آیا می‌توان از این سیره برای امروز که جهان اسلام در آتش درگیری‌ها و جنگ افروزی جریان‌های تکفیری می‌سوزد، بهره گرفت؟

امام صادق علیه‌السلام در برخورد و مبارزه با انحرافات، شدت عمل داشتند. نقل است وقتی وارد عراق شدند یکی از مسؤولان بنی‌عباس ایشان را برای مراسم ختم فرزندش دعوت کرد و امام علیه‌السلام هم پذیرفتند، اما وقتی سر سفره نشستند و متوجه وجود شراب در سفره شدند از جا برخاستند و فرمودند: «ما بر سفره‌ای که شراب باشد، نمی‌نشینیم» یعنی در عین رعایت جاذبه، در برخورد با منکرات شدت عمل داشتند.

علاوه بر این، ایشان با عده‌ای از مخالفان معاند برخورد تند و صریح داشتند و می‌فرمودند: «بینی شما را به خاک می‌مالم»، اما نسبت به برخی مخالفان که معاند نبودند، برخورد تند نداشته و حتی یاران را از برخوردهای تند و خشن با آنان بر حذر می‌داشتند و حتی اگر یکی از اصحابش با مخالفان برخورد تند می‌کرد، آن مخالف می‌گفت: جعفر بن محمد علیه‌السلام با ما چنین رفتاری ندارد، این مطلب نشان می‌دهد که آن حضرت علیه‌السلام بر استفاده از منطق و استدلال قوی در کنار رفتار نرم و آرام تأکید داشتند.



امام صادق علیه‌السلام می‌کوشیدند شاگردانی تربیت کنند که جاذبه داشته باشند نه دافعه، چرا که جامعه به اندازه کافی با تبلیغات خائنانه، مردم را از اهل بیت علیهم‌السلام دور کرده بود



دانش پژوهان تاریخ ساز در عصر امام صادق (علیه السلام)

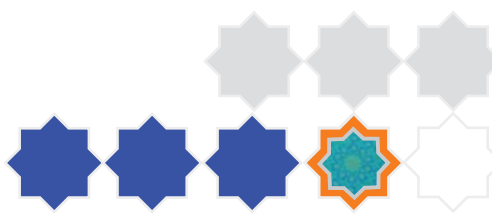
دانش؛ طب، کیمیا، فیزیک و... نظریاتی را بیان داشته است که امروز آزمایش‌های علمی، نظریات امام صادق (علیه السلام) را ثابت می‌کند و بر آن صحنه می‌گذارد.

دانشمندی که در زمان امام صادق (علیه السلام) زندگی می‌کردند، به شاگردی ایشان افتخار و در برابر حضرت زانوی ادب زده و از دانش وسیع و سرشار او بهره‌هایی بردند. دانشمندان چه در زمان ایشان، و بعد از ایشان، در تعریف و تمجید از امام و ستودن مقام علمی آن بزرگوار از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. نه تنها علمای شیعه و علمای اهل سنت که علمای غیر مسلمان هم از امام جعفر صادق (علیه السلام) تعریف و تمجید می‌کنند و علمای شرق و غرب، مسلمان و غیر مسلمان تحت تأثیر امام جعفر صادق (علیه السلام) قرار گرفته‌اند. از بزرگان علم و معرفت، بسیاری کسانی که از محضر شریف حضرتش به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم بهره برده‌اند و بسیاری کسانی که درباره ایشان سخن‌ها گفته‌اند و مقالات با ارزش به رشته تحریر در آورده‌اند؛

به کمک شاگردان خود، دست به اصلاحات فرهنگی زدند و دو کار اساسی برای جامعه شیعه انجام دادند. اول: رسمی کردن مذهب شیعه که به مذهب جعفری شهرت یافت و دوم: تأسیس دانشگاه جعفری بود که در این حوزه درسی، شاگردان زیادی اعم از شیعه و اهل سنت از قبیل: هشام بن حکم، محمد بن مسلم، زراره ابن اعین، مالک ابن انس و ابوحنیفه که از محضر امام صادق (علیه السلام) کسب فیض نمود و تربیت شدند.

امام جعفر صادق (علیه السلام) از جمله شخصیت‌هایی است که نظریات و افکار علما و دانشمندان را به خود مجذوب داشته و در رشته‌های زیادی از علم و

دنیای پورمند: امام جعفر صادق (علیه السلام)، امام ششم شیعیان، در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ ه.ق در مدینه متولد شد. کنیه ایشان ابو عبدالله و لقبشان صادق است. پدر ارجمندشان امام باقر و مادرش ام فروه است. عصر امام صادق (علیه السلام) به نوبه خود عصر خاصی بود، درگیری دو حکومت اموی و عباسی برای رسیدن به قدرت، آنان را از پرداختن به امور دیگر باز می‌داشت. در این فرصت بود که حضرت به تبلیغ دین و گسترش معارف تشیع و علوم اسلامی پرداختند. در زمان امام صادق (علیه السلام)، عقاید فکری، فلسفی مختلفی وارد جامعه مسلمانان شد و امام به عنوان رهبر جامعه،



چه آنها که اعتقاد و باور به امامت او دارند و چه آنها که ندارند و یا همانطور که گفته شد اصلاً مسلمان نیستند.

با این حال گفته می‌شود ارزش هر مکتبی را می‌توان از تربیت شدگان آن مکتب دریافت. اگر مکتبی بتواند شخصیت‌های بزرگ علمی و اجتماعی تحویل دهد، این امر دلیل بر داشتن برنامه صحیح آموزشی و نشان توانایی آن مکتب در پرورش و روشن نمودن افکار جامعه است.

شاگردان خاص از اهل تشیع

آمار شاگردان حضرت صادق (علیه السلام) را تا ۴ هزار، شماره کرده‌اند که در میان آنان شاگردان اهل تشیع فراوانند که در ادامه به اجمال به بررسی چند تن از ایشان می‌پردازیم.

جابر ابن حیان

یکی از شاگردان امام صادق (علیه السلام) ابوموسی جابر بن حیان صوفی، شیمی‌دان بزرگ اسلامی است که در اصل خراسانی است اما محل دقیق تولدش معلوم نیست. حیان، پدر جابر خراسانی بود و در طوس داروخانه داشته و مورد اعتماد همگان بود. حیان در خراسان کشته شد و پسرش جابر که بسیار جوان بود با سپاهیان شیعه از خراسان به کوفه آمد و از آنجا به مدینه طیبه به خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام شرفیاب شد و بعدها در ردیف شاگردان امام صادق (علیه السلام) قرار گرفت و به اندازه‌ای به حضرت نزدیک شد که پیوسته مورد لطف و محبت امام صادق علیه السلام بود.

تصنیفات او را حدود ۵۰۰ جلد گفته‌اند که متأسفانه بیشتر آنها از دست رفته است. کتاب‌های اسرار الکیما، الخواص و صندوق الحکمه از ایشان است. او در کشورهای اروپایی شهرت فراوان دارد. او کسی است که الکل را «زیت الزاج» نامید. سرانجام در توس

در گذشت. او در نوشته‌هایش چنین تصریح کرده که، در همه این علوم شاگرد جعفر بن محمد بوده است و در همه جا از امام به عنوان «سیدی جعفر الصادق (علیه السلام)» یاد کرده است. جابر، کتابی در هزار ورق تألیف کرده و رساله‌های امام جعفر صادق (علیه السلام) را که ۵۰۰ رساله است در آن فراهم آورده است [۱].

هشام ابن حکم

هشام از بزرگ‌ترین متکلمان شیعه و از بهترین شاگردان مکتب امام صادق (علیه السلام) و از خواص اصحاب امام هفتم (علیه السلام) بود. او دانشمندی جامع در علوم عقلی و نقلی، خوش قریحه، حاضر جواب، خوش بیان و عقاید شناسی بزرگ بود. امام صادق (علیه السلام) با انقباض قدسیه‌اش چنان هشام را برای مباحثه با مخالفان مجهز و آماده نمود که در هیچ مناظره‌ای از هیچ کس شکست نخورد و همیشه قهرمانی پیروز بود. جایگاه او در نزد امام صادق (علیه السلام) تا حدی است که در مورد او می‌فرماید: هشام بن حکم مراقب و نگهبان حق ما و مؤید صدق ما و نابودکننده نظرهای باطل دشمنان ماست. کسی که از او پیروی کند، از ما پیروی کرده است و کسی که با او مخالفت کند با ما مخالفت ورزیده است [۲].

ابان ابن تغلب

ابو سعید بکری الجریری، معروف به ابان ابن تغلب، محضر امام سجاد و امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهم السلام) را درک کرده و از آنها نقل روایت نموده و نزد ایشان مورد وثوق و صاحب منزلت خاصی بوده است. امام باقر (علیه السلام) به ابان فرمود: در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا و احکام الهی را بیان کن زیرا من دوست دارم در میان پیروان من کسانی مانند تو دیده شود. ابان به کثرت روایت از امام صادق (علیه السلام)، معروف بود و گفته‌اند که ۳۰ هزار حدیث از آن حضرت روایت کرده است. ابان علاوه بر قرآن و

حدیث، در هر یک از علوم فقه، ادب، لغت و نحو صاحب نظر شمرده می‌شد به گفته طوسی، امام صادق (علیه السلام)، یک بار او را برای مناظره ادبی با مدعی تعیین کرد [۳].

زراره بن اعین شیبانی

از شاگردان خاص امام صادق (علیه السلام) که جمیع فضایل در او جمع بوده، زراره قاری، فقیه، متکلم، شاعر، ادیب و در آنچه نقل می‌کرد راستگو بود و روایات زیادی را از امام سجاد و امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) نقل کرده است [۴].

ابو حمزه ثمالی

نامش ثابت و اسم پدرش دینار و کنیه‌اش ابوصفیه است. او از ثقات سلسله امامیه و از مشایخ اهل کوفه که روایات او نزد علما، معتمد و موثق و مورد قبول است. او دارای کتابی در تفسیر قرآن است و رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) و دعای سحر از او نقل شده است.

بزرگان اهل سنت در جمع شاگردان امام صادق (علیه السلام)

در میان شاگردان امام صادق (علیه السلام) از گروه‌ها و فرقه‌های مختلف با مشرب‌ها و رشته‌های گوناگون حضور داشته‌اند، از جمله جمعی از برجستگان اهل سنت را می‌بینیم که عده‌ای از آنان علاوه بر سمت فقهی و یا کلامی که در میان اهل سنت دارند، جزء رهبران و پیشوایان مذاهب اربعه عامه (حنفی، مالکی، حنبلی، شافعی) به شمار می‌روند.

ابوحنیفه

نعمان بن ثابت، معروف به ابوحنیفه که پیشوای معروف گروه حنفی‌هاست، یکی از شاگردان معروف امام صادق (علیه السلام) بود. خود ابوحنیفه با صوت اعلی اعلام کرد: «أُولَ السِّنْتَانِ لَهْلَكِ النَّعْمَانُ؛ اگر آن دو سال (که شاگرد حضرت صادق (علیه السلام) بودم) نبود، نعمان



اگر مکتبی بتواند شخصیت‌های بزرگ علمی و اجتماعی تحویل دهد، این امر دلیل بر داشتن برنامه صحیح آموزشی و نشان توانایی آن مکتب در پرورش و روشن نمودن افکار جامعه است.

آمار شاگردان حضرت صادق (علیه السلام) را تا ۴ هزار، برشمرده‌اند که در میان آنان شاگردان اهل تشیع فراوانند

(ابوحنیفه) هلاک می‌شد». همچنین بخاطر همین شاگردی بود که اعتراف کرد: «مَا رَأَيْتُ أَقْفَهَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ: دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیده ام» [۵]. با این حال ابوحنیفه تلاش داشت با امام مخالفت کند و یا لاقل او را در مسأله ای محکوم سازد. خود او می‌گوید: زمانی که «منصور» (دوانیقی) جعفر بن محمد را احضار کرد، مرا خواست و گفت: مردم شیفته جعفر بن محمد شده‌اند. برای محکوم ساختن او مسائل مشکلی را آماده کن، من ۴۰ مسأله مشکل آماده کردم. اما هر مسأله‌ای می‌پرسیدم، ایشان پاسخ می‌داد، عقیده شما در این باره چنین و عقیده اهل مدینه چنان و عقیده ما چنین است. در برخی از مسایل با نظر ما موافق و در برخی دیگر با اهل مدینه موافق و گاهی، با هر دو مخالف بود. بدین ترتیب ۴۰ مسأله را مطرح کردم و همه را پاسخ گفت. ابوحنیفه به این جا که رسید با اشاره به امام صادق (علیه السلام) گفت: «أَعْلَمُ النَّاسِ أَعْلَمَهُمْ بِاخْتِلَافِ النَّاسِ؛ آگاه‌ترین مردم، آگاه‌ترین آنها به اختلاف مردم در فتاوا و مسایل فقهی است» [۶].

● مالک ابن انس

مالک بن انس مدنی یکی دیگر از پیشوایان مذاهب اربعه یعنی مالکی‌ها، در زمان جعفر بن سلیمان عباسی در مدینه به سر می‌برد و توسط او شلاق زده شد و او را به قدری روی زمین کشیدند که بازوی او از جا کنده شد و سرانجام در سال ۱۷۹ ه. ق از دنیا رفت. او نیز از شاگردان حضرت صادق (علیه السلام) بود. خود او می‌گوید: «مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می‌کردم، او را همواره در یکی از سه حالت دیدم. یا نماز می‌خواند یا روزه دار بود و یا قرآن تلاوت می‌کرد و هرگز او را ندیدم که بدون وضو حدیث نقل کند». نیز می‌گوید: «وَمَا رَأَيْتُ عَيْنٍ وَلَا سَمِعْتُ أُذُنٍ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٍ أَفْضَلَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عِلْمًا وَوَعَادَةً وَرِعًا؛ در علم و عبادت و پرهیزکاری، برتر از جعفر بن محمد، هیچ

چشمی ندیده و هیچ گوش نشنیده و به قلب هیچ کسی خطور نکرده است» [۷]. امامان و بزرگان مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) هر چند اعتقادی به امامت امامان شیعه نداشتند، اما عداوتی نیز با ایشان نداشتند و جاهل به جایگاه علمی امامان به ویژه امام صادق (علیه السلام) نبوده‌اند و علوم و معارف اسلامی را یا مباشرتاً از امام صادق (علیه السلام) فرا گرفته‌اند (مانند ابوحنیفه و مالک بن انس) که بدان اشاره شد و یا از شاگردان آن حضرت استفاده کرده‌اند، مانند شافعی (ابوعبدالله محمد بن ادریس) که علاوه بر چهار سالی که شاگرد مالک بن انس بوده است، از درس ابراهیم بن سعد انصاری و عبد الوهاب بن عبد المجید که هر سه از روابان و شاگردان امام صادق (علیه السلام) بوده‌اند، استفاده کرده است و همچنین احمد بن حنبل (احمد بن محمد بن حنبل، متوفای ۲۴۱ ق) که شاگرد شافعی بوده است و در زمان مسافرت شافعی به بغداد از او استفاده کرده. احمد در طول سفرهای علمی به کوفه، مکه و مدینه از بسیاری از شاگردان امام صادق (علیه السلام) کسب علم نموده است [۸].

● یحیی ابن سعید انصاری

یحیی بن سعید بن قیس انصاری، از طائفه بنی‌نجرار، که در سال ۱۴۳ در هاشمیه، از دنیا رفت و قاضی دستگاه منصور دوانیقی در مدینه بود، نیز از شاگردان آن حضرت بوده است.

● محمد ابن اسحاق

محمد بن اسحاق بن یسار، صاحب مغازی در مدینه به دنیا آمد و در مکه ساکن شده و در سال ۱۵۱ ه. ق در بغداد از دنیا رفت. از علمای اهل سنت صاحب تهذیب، ینابیع الموده و از علمای شیعه مانند شیخ طوسی در کتاب رجالش، به شاگردی او در مکتب امام صادق (علیه السلام) اعتراف کرده‌اند [۹].

تاریخ نویسان دوستدار امام صادق (علیه السلام)

● شهرستانی

شهرستانی در کتاب خود موسوم به *الممل و النحل*، درباره عظمت و بزرگی حضرت صادق (علیه السلام) می‌نویسد: «جعفر بن محمد الصادق، هو ذو علم و أدب، کامل فی الحکمة، و زهد فی الدنیا و ورع تام عن الشهوات و قد أقام بالمدينة مدة يفيد الشيعة المنتسبين إليه و يفيض على الموالين له أسرار العلوم؛ جعفر بن محمد صادق، دارای علم بسیار و ادب کامل در حکمت و زهد در دنیا و ورع تام از شهوات بود. او مدتی در مدینه اقامت کرد و به شیعیان منسوب به خود، نفع فراوان رسانده و بر دوستداران خود اسرار علوم را بیان نموده است» [۱۰].

● ابن خلکان

این مؤلف مشهور و بنام اهل تسنن در کتاب خود موسوم به «وفیات الاعیان» اظهار داشته است: حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) از سادات اهل بیت (علیهم السلام) بشمار می‌رود و به دلیل راستگویی در گفتارش ملقب به صادق شده است، فضیلتش مشهورتر از آن است که ذکر شود. ابن خلکان همچنین می‌نویسد: امام صادق (علیه السلام) در صنعت کیمیا (شیمی) از مهارت خاصی بهره‌مند بود، ابوموسی جابر بن حیان طرطوسی، شاگرد او بود. جابر کتابی شامل هزار ورق تألیف کرد که تعلیمات جعفر بن محمد صادق را دربرداشت و حاوی ۵۰۰ رساله بود [۱۱].

پی‌نوشت:

- ۱- شهیدی، زندگانی امام صادق (علیه السلام): ۶۵
- ۲- صفائی، هشام بن حکم مدافع حریم ولایت: ۱۴
- ۳- طوسی، فهرست، ص ۴۱؛ نجاشی، کتاب الرجال: ۸-۷
- ۴- حلی، رجال: ۷۶
- ۵- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۶: ۲۵۷
- ۶- مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷: ۲۱۷
- ۷- مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار: ۱۴۹
- ۸- اسدحیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۲، ص ۴۵۴
- ۹- سید منذر حکیم، اعلام الهدایه، ج ۸، ص ۲۲۹
- ۱۰- حلی، منهاج الکرامه فی معرفت الامامة، ج ۲: ۷۲
- ۱۱- ابن خلکان، وفیات الاعیان و ابناء ابناء الزمان، ج ۱: ۳۲۷

آیت الله سید رحیم توکل:

ریشه بسیاری از کرامات حضرت معصومه (علیها السلام) در ولایتمداری ایشان است

سلام الله علیها) است یا مقام عصمت تنها به ۱۴ معصوم (علیهم السلام) منحصر می شود؟

اینکه حضرت معصومه (سلام الله علیها) را معصوم ندانیم، اشتباه است چرا که عصمت طبقات و درجاتی دارد چنان که پیامبران، حضرت زینب (سلام الله علیها) و حضرت ابوالفضل (علیه السلام) همگی معصوم بودند اما در درجه و رتبه این عصمت با چهارده معصوم (علیه السلام) تفاوت دارند، چنان که انبیای اوالعزم از نظر عصمت با پیامبر اکرم (ص) متفاوت بودند.

برای مثال انسان هم در دوران دبستان، هم دوران راهنمایی و هم دبیرستان محصل خوانده می شود اما قطعاً هر یک از این محصلان با هم تفاوت دارند و در یک رتبه و جایگاه نیستند.

یکی از القاب حضرت معصومه (سلام الله علیها) فاطمه ثانی است چرا ایشان به این نام خوانده می شوند؟

برکات وجود مقدس ایشان بسیار است، آیت الله العظمی مرعشی نجفی نقل کرد که: پدرم در نجف ختم مجربی پیدا کرده بود که خودش ببیند که قبر بی بی دو عالم (سلام الله علیها) کجاست و به هیچ کس هم نگوید، به قولی این راز را در سینه اش نگه دارد. یک ختم چهله که سنگین اما مجرب بود را انجام داد و بعد از این که روز چهلم تمام شد، توسل بسیار زیادی و گریه و مطالب و بعد استراحت کرد و در عالم رؤیا به محضر مقدس امام باقر یا امام صادق (علیهم السلام) مشرف شد و قبل از این که چیزی

آمنه مستقیمی: ایران زمین در میان ائمه اطهار (علیهم السلام) بیش از هر کس مرهون عنایات و الطاف فرزندان حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) است که با حضور خود در ایران در طول حیات و پس از آن، زمینه نقش بستن تحولات شگرف در کتاب تاریخ این مرز و بوم را فراهم کرده اند؛ از حرم مطهر رضوی گرفته تا بارگاه احمد بن موسی (علیه السلام) در فارس و دیگر امامزادگانی که نسبشان موسوی است و در میان آنها نام حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و کرامات خاص ایشان به گونه ای دیگر می درخشد، چنان که حضور نورانشان در قم منشأ برکاتی بوده و هست که در بسیاری از موارد جز اعجاز، نامی نمی توان بر آنها نهاد. از این رو و به منظور بررسی ابعاد مختلف شخصیت مطهر این بانوی بزرگوار (سلام الله علیها) با آیت الله سید رحیم توکل، استاد سطوح عالی حوزه علمیه، استاد اخلاق و صاحب آثاری همچون «روزنه ای به اسرار الهی» و «سیری در وادی نور» به گفت و گو پرداخته ایم که مشروح آن از نظر تان می گذرد:

آیا این کرامات علمی به زمان حیات ایشان محدود شده یا در طول تاریخ منشأ حرکات علمی و تربیت علما شده است؟

معمولاً وقتی فردی مورد بررسی قرار می گیرد به اطرافیان و همنشینان او نیز توجهی ویژه می شود، از کرامات ایشان همین بس که علمای بزرگ اسلام همچون آیات عظام بروجردی و گلپایگانی و مرحوم امام (ره) همه پروانه شمع وجود مقدس حضرت معصومه (سلام الله علیها) بودند و خدمت ایشان رسیده و در کنار ضریح نشسته و با اشک و سوز از این بانو (سلام الله علیها) طلب علم و افاضات معرفتی می کردند، چنین شخصیتی که شمع وجودش چنین مشتاقانی را به خود جلب و جذب کرده قطعاً نمی تواند معمولی باشد. چنان که در کتاب های مختلف این کرامات تصریح شده و با مراجعه به کتابخانه حرم مطهر ایشان می توان آنها را مطالعه کرد.

چرا ایشان را معصومه می نامند آیا این نام دلیل بر عصمت آن حضرت

با توجه به آنکه یکی از مقامات و کرامات حضرت معصومه (سلام الله علیها) در بعد علمی است، ایشان از نظر علمی چه شأن و جایگاهی داشتند و آیا تاریخ تصریحی درباره این حد بالای علم در آن بانوی مکرمه (سلام الله علیها) دارد؟

حضرت معصومه (سلام الله علیها) به عنوان فرزند بلا فصل امام کاظم (علیه السلام) و خواهر تنی امام رضا (علیه السلام) بعد از حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) در بعد علمی شاخص بودند، چنان که روایت شده که روزی جمعی از پیروان حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) به مدینه وارد شدند تا مسایلی را از آن حضرت بپرسند، ولی وقتی به منزل امام (علیه السلام) رسیدند، خبردار شدند که ایشان در سفرند، بنابراین پرسش های خود را مکتوب به اهل بیت امام سپردند؛ ولی در نهایت تعجب دیدند حضرت معصومه (سلام الله علیها) که کودک خردسالی بیش نبود، جواب پرسش هاشان را در کاغذی نوشته است. در هنگام بازگشت از مدینه، امام کاظم (علیه السلام) را در راه ملاقات کردند و ماجرا را به عرض آن حضرت رساندند. امام (علیه السلام) پس از مطالعه پاسخ های حضرت معصومه (سلام الله علیها) به نشان تمجید از دختر والا مقاشان سه بار فرمودند: «فداها أبوها؛ پدرش به فدایش باد». و این تعبیری است که پیامبر (ص) هم برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) به کار برده اند.

بنابراین، این حضرت (سلام الله علیها) از نظر علمی به افاضات الهی متصل بودند و جانشان با علم و معرفت الهی عجین بود.

جا یگانه حضرت معصومه (سلام الله علیها) چیست و آن بانوی بزرگوار به عنوان دختر، خواهر و عمه امامان معصوم (علیهم السلام) در لسان آن حضرات چگونه توصیف شده اند؟

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «قم کوفه کوچک است و بهشت هشت در دارد، سه در از آنها به روی قم باز است و بانویی از فرزندان من در آن جادفن خواهد شد که فاطمه دختر موسی نام دارد و با شفاعت وی همه شیعیان وارد بهشت می شوند».

همچنین از حضرت صادق (علیه السلام) است که فرمودند: «کسی که آن حضرت را زیارت کند در حالی که آگاه و متوجه شأن و منزلت او باشد، به بهشت می رود».

و در روایت است که امام جواد (علیه السلام) فرمودند: «کسی که عمه ام را در قم زیارت کند، پاداش او بهشت است».

و نیز در روایت است که به شفاعت حضرت معصومه (سلام الله علیها) از همه شیعیان همه ادوار و زمان ها نه فقط شیعیانی که معاصر ایشان بودند، دست گیری می شود.

❖ با توجه به آنکه قم در طول تاریخ قطب شیعی و مرکز ثقل تحولات تاریخی و سرنوشت ساز بوده است و پیروزی انقلاب اسلامی ایران خود بهترین شاهد بر این مدعا است، آیا می توان این تأثیر و تأثرات تاریخی قم را از برکات وجود مضجع شریف حضرت معصومه (سلام الله علیها) دانست؟

قطعاً همین طور است، چرا که علما گرد هر کسی جمع نمی شوند و در هر منزلی اقامت نمی کنند مگر آنکه آن شخصیت خاص و منحصر بفرد باشد. خوشبختانه، در طول تاریخ، قم از این برکات وجودی حضرت معصومه (سلام الله علیها) بهره مند شده و همه مراجع و علما همچون امام خمینی (ره) از قم بر خاسته و منشأ اثرات بسیار همچون انقلاب اسلامی ایران شده اند.

❖ وقتی سخن از زندگانی معصومان (علیهم السلام) و منتسبان آنها به میان می آید بر خی الگو برداری از سبک و سیره آنها را برای امروز ممکن نمی دانند، آیا این مسأله واقعیت است یا می توان از سبک زندگی کسی همچون حضرت معصومه (سلام الله علیها) برای حیات طیبه الهام گرفت؟

زندگانی حضرت معصومه (سلام الله علیها) ذو ابعاد است چنان که در زهد و تقوا در اعلی درجه قرار داشتند و در ولایتمداری و همراهی امام زمان خود، چنان کردند که می دانیم، یعنی در تمام ابعاد می توان از سبک زندگانی ایشان برای اعتلای زندگی و رسیدن به حیات طیبه برای عالمیان بهره گرفت، ایشان اگر چه دختر امام، خواهر امام و عمه امام معصوم (علیه السلام) بودند اما عبودیت در زندگیشان موج می زد و این برای همگان درسی بزرگ است.

باید توجه داشت که ما را برای عبودیت خدا و اوج گرفتن از این طریق آفریده اند نه خوردن و خوابیدن، لذا بر خورداری از الگوهای اینچنینی برای یافتن راه صحیح پرستش و قرب ضرورت دارد. اصلاً اینکه قرآن بر خی سوره ها را با نام انبیا همچون سوره های یوسف، نوح و ابراهیم (علیهم السلام) نازل کرده برای آن است که مردم به الگو نیاز دارند و بدون الگو نمی توان حرکت کرد؛ از این رو این حضرات (علیهم السلام) الگوهای مثبتی اند که تأسی به آنها مانع از بروز مشکلات فکری و فرهنگی و به تعبیری ولنگاری فرهنگی ما می شود و از تحمیل آثار سوء آن به زندگی های ما جلوگیری می کند.

به کتابهایی که کرامات معصومه به بزرگان در آنها نقل شده است می توان این مهم را دریافت و همین باعث شهرت آن حضرت (سلام الله علیها) به کریمه اهل بیت (علیهم السلام) شده است.

یکی از وجوه ممیزه زندگانی حضرت معصومه (سلام الله علیها) ولایتمداری و تبعیت از امام زمان است، این مسأله چقدر در دستیابی ایشان به مقامات



خاصه اثر داشته است؟ وقتی ایشان از مدینه برای رسیدن به خدمت برادر در خراسان راهی شدند در میانه راه با عاملان خلافت درگیر می شوند و همین درگیری سبب بیماری ایشان می شود به عبارت بهتر ایشان با جان، پای ولایت و همراهی با امام زمان (علیه السلام) خویش ایستادند؛ گرچه حضرت رضا (علیه السلام) برادرشان بود، اما کوتاهی نکرده و با دیده ولی خدا به حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) می نگرستند و برای عرض ارادت و ولایتمداری در پی ایشان رهسپار خراسان شدند.

نکته مهم آنکه بسیاری از مقاماتی که حضرت معصومه (سلام الله علیها) به آنها دست یافته اند ناشی از همین روحیه ولایتمداری است و اینکه به عشق ولی زمان و برای اظهار ارادت به ساحت امام معصوم (علیه السلام) رهسپار خراسان شده و سختی این سفر طولانی را به جان خریدند و در همین مسیر هم از دنیا رفتند!

❖ تصریح روایات درباره شأن و

بگوید، حضرت (علیه السلام) به ایشان رو کردند و فرمودند: «علیک بکریمه اهل البیت» بر تو باد که دست به دامن کریمه اهل بیت (علیهم السلام) شوی. این جا آیت الله سید محمود مرعشی نجفی، پدر آیت الله العظمی شهاب الدین مرعشی چون یک ختم گرفته که قبر بی بی دو عالم را ببیند، تصور می کند منظور حضرت زهرا (سلام الله علیها) هستند. عرضه می دارند که یا جداه قربانت بروم، اتفاقاً من ختم را برای

همین که شما بیان کردید، انجام دادم. شما محل دقیق قبر شریف را به من نشان دهید تا به زیارتشان مشرف شوم.

اما حضرت (علیه السلام) بیان فرمودند: «خدا به مصالحی نمی خواهد قبر آن حضرت (سلام الله علیها) معلوم شود و لذا ما هم نمی خواهیم، شما هم اصرار نکن.» بعد فرمودند: «خداوند آنچه که جلال و جبروت برای قبر بی بی دو عالم مقدر کرده، همه را در فاطمه معصومه قرار داده است. به آنجا برو.» ایشان وقتی این را می بینند، نجف اشرف را ترک می کنند و به قم می آیند.

❖ با توجه به آنکه صفت «کریم» در میان شیعه منتسب به امام مجتبی (علیه السلام) است پس چرا حضرت معصومه (سلام الله علیها) را نیز کریمه اهل بیت (علیهم السلام) می خوانند؟

معمولاً هر کسی چه در زمان حیات و چه اکنون که ایشان در قید حیات نیستند، برای حاجتی به در خانه این بانو (سلام الله علیها) برود دست خالی باز نمی گردد و اخبار متعددی در این باره وجود دارد که با مراجعه

صَلِّ عَلَى يَافَاظِمَةَ الْمُعْصُومَةِ

گذری بر سفر پربرکت بانوی موسوی به ایران زمین

(س) به قم در روز یکشنبه ۲۳ ربیع الاول سال ۲۰۱ هجری قمری، مردم میزبان مسافری شدند که پس از پیمودن ۵۴ منزل در مدت ۲ ماه اکنون خسته از رنج و مشقت سفر، شهر آنها را برای استراحت برگزیده بود و آن جا را با قدم مبارکش منور ساخت. موسی بن خزر ج با پای پیاده مهار شتر آن حضرت را در دست گرفته و کجاوه ایشان را در میان استقبال گرم و پر شور مردم قم، به مکانی رساند که امروز به «بیت النور» مشهور است [۶]. این مکان محل عبادت و مأوی و مسکن چند روزه آن حضرت شد و هم اکنون نیز، آن مکان شریف دارای بنایی مجلل و جالب است و همین طور دارای حجره هایی است که در آن طلاب علوم دینی مشغول علم آموزی هستند و در جنب آن مسجد باشکوهی ساخته اند. اینک آن جا به نام مدرسه سیه در محله میدان میر قم معروف است [۷].

● رحلت حضرت معصومه (س)

حضرت معصومه به مدت ۱۶ یا ۱۷ روز در قم حضور داشت و از درد فراق برادر محزون و بی قرار بود تا اینکه در ربیع الثانی سال ۲۰۱ هجری قمری در سن ۲۸ سالگی در محله سیه قم از دنیا رفت و روح ملکوتی اش به ملکوت اعلیٰ پر کشید. در خصوص دلیل وفات حضرت نیز اقوال متفاوتی نقل شده است. عده ای مسأله بیماری را مطرح کرده و عده ای دیگر معتقدند آن حضرت به وسیله زهری که توسط زنی از دشمنان اهل بیت در غذای ایشان ریخته شده بود مسموم و بیمار شدند. در کتابهای «الحیاه السیاسیه

خود را از بغداد به شهر ری می‌رساند و از آنجا راه شمال را در پیش می‌گرفت و از راه آمل، ساری و... به مرو می‌رفت و یا از راه ری، ورامین، خوار و سمنان که راه کویری است، به دیدار برادر نایل می‌شود؛ اما بر اثر اتفاق ناگواری این سفر در ساوه ناتمام ماند [۴].

● حمله به کاروان

هنگامی که کاروان آن حضرت به ساوه رسید مأموران حکومتی که پیش از این از وضعیت کاروان و مقصد آن با خبر بودند به آنان حمله ور شدند. در این درگیری تعدادی از برادران آن حضرت به نام‌های هارون، فضل، جعفر، هادی، قاسم، زید و تعدادی از برادرزادگان و تنی چند از غلامان و کنیزان به شهادت رسیدند [۵]. به محض اینکه خبر رسیدن کاروان به مردم قم رسید، شیعیان قم و در رأس آنان خاندان سعد که از شیعیان عرب اشعری و ساکن قم بودند، به سرپرستی موسی بن خزر ج به ساوه و محضر دختر امام هفتم (ع) رسیدند و از آن حضرت دعوت نمودند تا به قم عزیمت کنند. آن حضرت به محض مشاهده کاروان شیعیان قم خوشحال شده و فرمودند: تا قم چقدر فاصله است؟ عرض کردند: ۱۰ فرسخ. فرمودند مرا به قم ببرید زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: شهر قم مرکز شیعیان ماست.

● ورود به شهر قم

شیعیان قم با جلال و شکوه فراوان کاروان آن حضرت را بر محمل شتران سوار نموده و با محافظت ویژه، ایشان را از ساوه به سمت قم حرکت دادند. با ورود حضرت معصومه

اکرم جهان دیده: در اول ذی القعدة سال ۱۷۳ هجری قمری در بیت امامت و در مهد ایمان و معرفت دختری پاک و مطهر پای به عرصه گیتی نهاد. پدر گرانقدرش امام موسی کاظم (علیه السلام) و مادر گرامی اش نجمه بود که به ایشان ام ولد، تکتیم، اروی، سکن، ام البنین و طاهره نیز می‌گفتند [۱]. فاطمه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) از تبار پاکان و بانویی بود که با سر بلندی و افتخار پلکان ملکوت را طی کرد و به رتبه ای پس والا دست یافت. ایشان به القاب طاهره، تقیه، رضیه، مرضیه، نقیه، حمیده، رشیده، سیده، اخت الرضا و محدثه ملقب بود [۲]. دوران کودکی آن حضرت در کانون گرم خانواده و در محضر پدر بزرگوارش گذشت ولی پس از آن، یعنی از سال ۱۷۹ تا ۱۸۳ هـ به دلیل حضور امام کاظم (علیه السلام) در زندان هارون عباسی، حضرت معصومه (س) تحت سرپرستی برادر بزرگوار خود قرار گرفت.

طبق نقل تاریخ، امام رضا (علیه السلام) در ۲۵ ذی القعدة سال ۲۰۱ هجری قمری به اجبار از مدینه به سمت مرو حرکت کرد و به اصرار مأمون مجبور به پذیرش ولایتعهدی شد. هنگامی که حضرت رضا (علیه السلام) از مدینه به مرو تبعید شد، با خانواده و نیز با شیعیان و دوستداران خود در مدینه وداع کرد. پس از رفتن امام هشتم (ع) از مدینه، زندگی برای بنی هاشم که بیشتر از خاندان موسوی بودند، بسیار سخت شد و این امر هم به دلیل جدایی از امام و مولایشان و هم به خاطر فشار روزافزون عوامل بنی عباس بود. امام رضا (علیه السلام) پس از سکونت در مرو، نامه ای خطاب به خواهر گرامی اش حضرت فاطمه معصومه (س) مرقوم فرمود [۳].

حضرت پس از دریافت نامه برادر، به همراه همراهان شان که عمدتاً از خاندان موسوی بودند، سفر خود را از شهر مدینه آغاز و تا معدن نقره (که محل تلاقی راه بصره، کوفه و مدینه است و هشتمین منزل راه به حساب می‌آید)، مسیر شان با مسیر حرکت امام رضا (علیه السلام) مشترک بود. پس از معدن نقره، امام رضا (علیه السلام) راه نیناج را در پیش گرفته بود، در حالی که حضرت معصومه (س) به قادسیه می‌رفت تا از مسیر کوفه راه را ادامه دهد. حضرت معصومه (س) پس از قادسیه از کوفه، نجف، بغداد و کاظمین عبور کرد. آن حضرت برای ادامه مسیر تا مرو، باید

للامام الرضا، «قیام سادات علوی»، «وسيله المعصومه»، «بحرالانساب» و «مسند فاطمه معصومه» نقل اخیر، عنوان و پذیرفته شده است [۸].

● زیارتی ممتاز

حضرت معصومه (س) همچون حضرت فاطمه (س) دارای مقام شفاعت و احتمالاً نامیده شدن ایشان به فاطمه بی ارتباط با این مقام نبوده است و به واسطه این بانوی گرامی، بسیاری از شیعیان داخل بهشت می‌شوند [۹]. همان گونه که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ لِلْحَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَيَّ فَمَنْ تَقَبَّضَ فِيهَا أُمَّرَأَةً مِنْ وَلَدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَ تَدَخَّلَ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْحَنَّةُ بِأَجْمَعِهِمْ؛ آگاه باشید برای بهشت هشت در است که سه در به سوی قم باز می‌شود. در آنجا بانویی از جمله فرزندانم که نامش فاطمه دختر موسی است قبض روح می‌شود و به شفاعت او همه شیعیان من داخل بهشت می‌شوند» [۱۰].

حضرت فاطمه معصومه (س) مستغرق در عبادت و از معاصی و زشتی‌ها پیراسته بود و گویی به همین جهت امام رضا (علیه السلام) به عنوان معصومه از ایشان یاد کرده و فرموده است: «مَنْ زَارَ الْمُعْصَمَةَ بِقَمٍ كَمَنْ زَارَنِي؛ هر کس معصومه را در قم زیارت کند مانند کسی است که مرا زیارت کرده است» [۱۱].

● چرایی انتخاب قم

درباره اینکه چرا حضرت معصومه (س) شهر قم را برای اقامت در واپسین روزهای عمر شریفش برگزید چند نظر به وجود دارد. بنا به قول مشهور پس از اینکه فاطمه معصومه (س) به شهر ساوه رسید بیمار شد و چون در خود توان رفتن به خراسان ندید و یقین پیدا کرد که دیگر هرگز امام رضا (علیه السلام) را نخواهد دید تصمیم گرفت به قم برود. به ویژه آنکه مردم ساوه شافعی مذهب و متعصب بوده و در مقابل، مردم قم از شیعیان و دوستان اهل بیت (علیهم السلام) بودند [۱۲].

چنانکه خاندان اشعری که اهل یمن بودند، در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم به قم آمدند، از جمله موسی بن عبدالله اشعری که از شاگردان امام صادق (علیه السلام) بود و نقش بسزایی در گسترش تشیع در قم داشت. همچنین شخصیت‌های برجسته شیعی که پرورده مکتب ائمه بودند، در قم ساکن شدند [۱۳]. بنابراین می‌توان گفت یکی از دلایل سکونت حضرت معصومه (س) در قم تحقق سخن و سفارش جد اطهرش امام صادق (علیه السلام) بود. ایشان در روایتی فرمودند: «إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلَدٌ قَمٍ وَ

سَدَدٌ قُنٌ فِيهَا أُمَّرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ برای ما حرمی است و آن سرزمین قم است و در آن بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دفن خواهد شد و هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود» [۱۴]. از این رو آن حضرت خواستار آن شدند تا در بین شیعیان حضور یافته و در این مرکز به وصال خدا رسیده تا پایگاه عظیمی برای شیعیان ایجاد شود.

● تأثیرات حضور حضرت معصومه (س) در ایران

ورود حضرت معصومه (س) به قم و مرقد مطهر او موجب تحولات تازه و مؤثر در استحکام و گسترش تشیع شد و در کنار آن نقش بسزایی در تحکیم و گسترش دانش شیعی و ارتباط علما و روایان و شاگردان برجسته ائمه (علیهم السلام) داشت. از لحظه ورود اخت الرضا به قم، پیوسته این شهر از جهات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، عمرانی و اقتصادی رو به رشد و پیشرفت نهاده است. برکات این بانوی مجله در شهر قم آنگاه به اوج خود می‌رسد که بدانیم تأثیر وجود بابرکت آن حضرت در تحولات تاریخی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی نه تنها در محدوده یک شهر بلکه گاهی در کل کشور ایران بوده و یا حداقل وقایع و حوادث ایران به نوعی مرتبط با شهر قم است.

از هنگامی که شهر قم، مسکن حضرت معصومه (س) شد بعد فرهنگی و معنوی آن در کنار تحولات اجتماعی و سیاسی متحول و شکوفا شد و از چنان موقعیتی برخوردار شد که حسین بن روح نوبختی از نواب اربعه امام زمان (علیه السلام) تأیید محتوای یک کتاب علمی و فقهی را مشروط به نظر مساعد علمای قم نمود [۱۵]. البته قبل از آن و در قرن دوم هجری نیز، قم در قبضه شیعیان بود و همه شیعیان این سرزمین تحت اشراف آل اشعری بودند. ورود حضرت رضا (ع) در سال ۲۰۰ هجری به قم و استقبال گرم مردم از آن حضرت نیز بیانگر آن است که در اواخر قرن ۲ و آغاز قرن ۳ در قم، زمینه‌های عمیق و وسیعی برای بروز فرهنگ تشیع وجود داشته و همان زمینه‌ها پدیدار شدن حوزه علمیه و برخاستن افراد فرزانه و برجسته را از آن حوزه نوید می‌داد. با این تفاسیر با قطعیت می‌توان ادعان کرد حضور حضرت معصومه (س) در قم به این روند شتاب بخشید و تشکیل حوزه غنی و بزرگ شیعه در این شهر و دفاع علمی از اسلام راستین به وسیله تالیف کتاب‌ها و اعزام مبلغان و در سالیان بعد، زادگاه انقلاب اسلامی و منشأ تحولات مهم، همه به برکت این دردانه موسوی است.

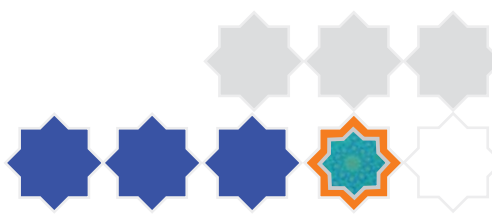
یکی از دیگر تأثیرات حضور این بانوی فرزانه در ایران و به ویژه قم، کمک به شناخت حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) است.

حضرت معصومه (س) شخصی ولایی و مدافع ولایت بود و به هنگام حضور در مدینه مباحث علمی را دنبال می‌کرد. ایشان از روایان احادیث اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه از برادر گرامیشان امام رضا (علیه السلام) و پدر بزرگوارش امام موسی کاظم (علیه السلام) بود. حدیث غدیر، حدیث معراج و حدیث دوستی آل محمد از جمله احادیث و روایاتی است که از آن بانوی گرامی نقل شده است [۱۶]. ایشان علاوه بر فعالیت‌های علمی و روایی، به مقتضای نیاز زمان، در حرکتی سیاسی-اجتماعی همراه برادران خویش به عرصه مبارزه وارد شد و هجرت را به عنوان عامل اعتراض به وضعیت موجود و حکومت وقت برگزید. همین عمل به وظیفه و از جان گذشتگی حضرت معصومه (س) موجب شد تا خداوند به ایشان عنایت داشته باشد و پس از رحلت در قم، این شهر مرکز توجه شیعیان قرار گرفت و به مرور زمان حوزه علمیه از نجف به قم وارد شد و این شهر مرکز تشیع و اسلام شناسی قرار گرفت. همچنین بعد از ورود حضرت معصومه (س) به قم و دفن پیکر مطهر آن حضرت در این سرزمین، علویان و سادات بیشتری به این شهر روی آوردند و موقعیت مذهبی قم تثبیت و استحکام تاریخی یافت. همین طور عده بسیاری از فرزندان امام حسن و امام حسین و موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا (علیهم السلام) و از فرزندان محمد حنفیه و زید بن علی بن الحسین (علیهم السلام) و اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام) به قم روی آوردند و نفوذ شیعه آن چنان قوی شد که شاخص‌های مقدس آن (بقاع متبرکه) حتی از جانب حاکمان اهل سنت نیز محترم شمرده می‌شد. با توجه به علاقه شیعیان به دفن شدن در کنار این مزارها، روز به روز بر اهمیت و توسعه آنها افزوده گشت و به زودی این اماکن متبرکه به عنوان نماد تمایلات سیاسی و مذهبی شیعیان کاربرد یافت. هدایای فراوانی به شکل نذورات نقدی، املاک و موقوفات به متولیات این بقاع واگذار و افزایش جمعیت نیز منجر به افزایش تعداد زائران این امامزاده ها شد [۱۷].

در مجموع می‌توان گفت برکات حضرت معصومه (س) در شهر قم و تأثیر این شهر بر کل ایران آنچنان مهم بوده و هست که سال‌ها دل و دیده میلیون‌ها زائر و مجاور را به خود مشغول داشته است و در عظمت و شکوه ظاهری این بارگاه مقدس، حقیقت و معنویت خاصی نهفته است که ناخودآگاه هر بیننده‌ای را به سوی آن متوجه ساخته و دل و دیده‌اش را منور و بارانی می‌سازد

پی نوشت:

۱. یوسفی، شهیده قم فاطمه معصومه (سلام الله علیها): ۲۹-۲۸
۲. لقمانی، یاس یاسین: ۳۵
۳. یوسفی، شهیده قم فاطمه معصومه (سلام الله علیها): ۶۱-۵۷
۴. گروه نویسندگان، مجموعه مقالات: ۸۶
۵. میر عظیمی، بارگاه فاطمه معصومه (ع) تجلیگاه فاطمه زهرا (ع): ۳۱
۶. یوسفی، شهیده قم فاطمه معصومه (سلام الله علیها): ۷۰-۶۹
۷. اشتهدادی، حضرت معصومه فاطمه دوم: ۱۴۹
۸. یوسفی، شهیده قم فاطمه معصومه (سلام الله علیها): ۸۰-۷۹
۹. گروه نویسندگان، مجموعه مقالات: ۴
۱۰. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷: ۲۲۸
۱۱. محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۵: ۳۵
۱۲. گروه نویسندگان، مجموعه مقالات: ۲۲
۱۳. اشتهدادی، حضرت معصومه فاطمه دوم: ۷۱
۱۴. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰: ۳۶۸
۱۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷: ۲۱۷
۱۶. یوسفی، شهیده قم فاطمه معصومه (سلام الله علیها): ۳۳-۳۰
۱۷. احمدزاده، نقش امامزادگان در گسترش مذهب شیعه در ایران: ۷-۶



تولیت آستانه مقدس «شاهچراغ» در گفت و گو با زائر

احمد بن موسی علیه السلام «نورانی ترین چراغ» در بین امامزادگان هستند

پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر (ع)، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) آن امانت را از بانو طلب کرد. «أم احمد» در رثاء حضرت موسی بن جعفر (ع) بسیار گریست و گریبان چاک زد و امانات را به امام رضا (ع) تحویل داد و با امام هشتم شیعیان بیعت کرد.

اما در خصوص ورود حضرت احمد بن موسی علیهما السلام به ایران باید بگویم که جریان حق طلبی امامزادگان از حرکت حضرت ابوالفضل العباس (ع) و سایر فرزندان امیرالمومنین (ع) در رکاب امام حسین (ع) آغاز شد و با قیام جناب «زید بن علی بن الحسین» و «شهید فخر» و بعضی دیگر ادامه یافت.

از جمله حرکت حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (ع) و جمعی از اقارب و منسوبین می باشد که پس از کسب اجازه از امام رضا (ع) و به حمایت از حضرتش به

آستان مقدس احمدی و محمدی علیهما السلام که معروف به شاهچراغ می باشد بعد از مشهد و قم به عنوان سومین حرم اهل بیت علیهم السلام در ایران، سالانه پذیرایی خیلی زائرانی از اقصا نقاط کشور و حتی سایر کشورها می باشد. این بارگاه مقدس که ملجا و پناهگاه زائران می باشد با انجام برنامه های فرهنگی مذهبی به یکی از مراکز ترویج معارف دینی تبدیل شده است.

ششم ذیقعدہ یکی از روزهای دهه کرامت به بزرگداشت مقام حضرت احمد بن موسی الکاظم معروف به شاهچراغ نامگذاری شده است. از این رو در گفت و گو با حضرت آیت الله دستغیب تولیت محترم آستان مقدس احمدی و محمدی علیهما السلام به بررسی شخصیت این امامزاده عظیم الشان پرداخته ایم که از نظر می گذرد:

آن حضرت اسرار خود را به وی می گفت و اماناتش را نزد او به ودیعه می گذاشت، تا جایی که هنگام حرکت به بغداد از میان تمام نزدیکان و وابستگان، این بانو را برای حفظ امانات الهی برگزیده و امانات امامت را به او سپرد و فرمود: «کسی از این امانت با خبر نیست، هر گاه یکی از فرزندانم آن را از تو طلب کرد، بدان که من شهید شده ام و او امام بعد از من است، امانت را به او بسپار و با او بیعت کن.»

● **ضمن تشکر از حضر تعالی لطفاً درباره نسب و شجره نامه امامزادگان مدفون شاهچراغ و چگونگی ورود ایشان به ایران و سپس دفن آنها در شیراز توضیحاتی برای خوانندگان ماهنامه زائر بفرمایید.**

نام شریفش «احمد» است و پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر امام کاظم (ع) می باشد. این بزرگوار و برادرش حضرت سیدمیر محمد بن موسی (ع) از یک مادر به نام «أم احمد» می باشند.

«أم احمد» به نقل علامه مجلسی، داناترین، پرهیزکارترین و گرامی ترین همسران حضرت موسی بن جعفر (ع) بود که

سمت طوس عزیمت نمودند تا دیگر بار جریان شهادت پدرشان (حضرت موسی بن جعفر) که در غربت واقع شد و کسی ایشان را حمایت و یاری نکرد، برای برادرشان امام رضا (ع) تکرار نشود، شایان ذکر است که در بین راه تعداد زیادی از ارادتمندان و دوستداران خاندان نبوت به آنان پیوستند. هنگامی که خبر حرکت این قافله به مأمون رسید، دستور جلوگیری از حرکت قافله را صادر کرد. کاروان حضرت احمد بن موسی (ع) در سه نقطه با سپاه مأمون درگیر شدند و پس از شهادت و زخمی شدن بسیاری از یاران، نهایتاً حضرت شاهچراغ (ع) در همین جایگاهی که محل دفن ایشان است با ضربتی که به فوق مبارکش خورده بود و ضربه‌های شمشیر که بر بدن مبارکش وارده شده بود به شهادت رسید.

ایشان از نظر معرفتی دارای چه جایگاهی می‌باشند و اگر ممکن است از کرامت‌های این دو بزرگوار مواردی را بیان فرمایید.

اسماعیل فرزند حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌گوید: «به همراه پدرم و احمد و سایر برادران به اطراف مدینه رفتیم. در رکاب احمد، بیست نفر از خادمان و خاصان پدرم بودند که کمال ادب را نسبت به آن حضرت به جا می‌آوردند. پدرم محبت بسیاری نسبت به احمد داشت و به وی مهر می‌ورزید و هر وقت احمد از پدر دور می‌شد، پدرم مخفیانه گوشه چشم و نگاهی محبت‌آمیز بر او داشت و همه گرداگرد او بودیم و هر وقت احمد از جمع ما خارج می‌شد، ما نیز متفرق می‌شدیم.

مرحوم شیخ مفید می‌گوید: احمد بن موسی (ع) کریم و بزرگوار و پرهیزکار بود و حضرت موسی بن جعفر (ع) او را دوست داشت و او را مقدم می‌داشت و محترم می‌شمرد.

کرامت‌های ذاتی حضرت و عنایت‌های پدر و تقوی و بزرگواری حضرت احمد بن موسی (ع)، باعث شد که پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر (ع) مردم به خانه حضرت «ام احمد» آمدند با «احمد بن موسی» بر امامت او بیعت کردند. حضرت احمد بن موسی (ع) از همگان بیعت گرفت و بعد از تسلیم آنها و بیعتشان، دسته جمعی به سوی مسجد حرکت کردند. حضرت در مسجد به منبر رفته و خطبه‌ای در نهایت بلاغت و کمال فصاحت انشاء نمود و بعد فرمود: «مردم! همچنان که شما با من بر امامت بیعت کردید، من در بیعت با برادرم «علی بن موسی الرضا» علیه‌السلام هستم. بدانید که او امام و خلیفه بعد از پدرم می‌باشد و او ولی خداست و از طرف خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اطاعت او بر من و

شما واجب است در هر چه که امر فرماید.» سپس از منبر پایین آمده و همراه مردم در حالیکه پیشاپیش آنها حرکت می‌فرمود، به در خانه حضرت علی بن موسی الرضا (ع) آمده و اول خود تجدید بیعت فرمود و بعد سایر مردم با امام رضا (ع) بیعت کردند.

حضرت امام رضا (ع) برادرش احمد بن موسی (ع) را دعا کرد و فرمود: خداوند حق تو را ضایع نفرماید، همچنانکه حق مرا ضایع نکردی. کشی در کتاب خود و علامه مامقانی در کتاب تنقیح المقال، احمد بن موسی (ع) را یکی از فضایل عصر خود نام می‌برند و او را از محدثانی می‌شمردند که احادیثی از پدر و اجداد طاهرینش نقل کرده است.

مضجع شریف و حرم مطهر حضرت احمد بن موسی الکاظم (ع) همواره منشاء خیر و برکت و پناهگاه دلدادگان به حضرتش بوده است. زائرین آن مرقد تابناک پیوسته از فیض برکات امامزاده عظیم الشان بهره‌مند گشته و آن ولی خدا و شهید بزرگ خاندان رسالت از دریای رأفت و رحمت خویش بیماران و درماندگان را مورد لطف و عنایت قرار داده و بارها به اذن الله واسطه شفای آنان گردیده است.

حضرت سید میر محمد علیه‌السلام نیز شب‌ها را به عبادت و بندگی و روزها را به روزه داری سپری می‌کردند، اهل فضل، صلاح و تقوی بودند. در زمان خلافت مأمون عباسی به همراه شیعیان و نزدیکان اهل بیت (ع) به قصد دیدار برادرشان حضرت امام رضا (ع) از مدینه به سمت طوس حرکت می‌کنند و همانطوری که در ذکر حضرت شاهچراغ (ع) گفته شد در جنگ سختی که بین اهل بیت (ع) و یارانشان با سپاه «قتلغ خان» حاکم فارس در گرفت، از بنی هاشم عده‌ای شهید و عده‌ای هم متفرق و در گوشه و کناری مخفی گردیدند. شهادت و یارحلت حضرت سید میر محمد (ع) مشخص نیست. آنچه مسلم است ایشان در نهران به کتابت قرآن مشغول بوده و از همین راه بندگان بسیاری را آزاد فرمودند. چنانکه گویند از کثرت عبادت به «محمد عابد» مشهور گردیدند.

حدود سنه ۷۵ هـ ق میرزا عنایت الله دستغیب رضوان الله علیه، نوری در خانه خویش مشاهده می‌کند و بعد از جست‌وجو به لوح قبری برمی‌خورد و مشخص می‌شود که جسد مطهر حضرت سید میر محمد (ع) در این خانه مدفون است.

میرزا عنایت الله دستغیب بانی بارگاه این بزرگوار می‌شود و چندین خانه از اطراف خریده و آن را توسعه می‌دهد و بعد هم مقداری املاک بر آن وقف می‌نماید.

حضرت سید میر محمد (ع) مقبره و زیارتگاهی پربرکت و عالی مرتبه دارد که

محل وثوق و اعتماد مردم جهت نیایش بدرگاه پروردگار می‌باشد.

در خصوص نامگذاری این آستان مقدس به «شاهچراغ» نکات مختلفی مطرح شده لطفاً بفرمایید چرا این آستان به آستان شاهچراغ (ع) معروف شده است.

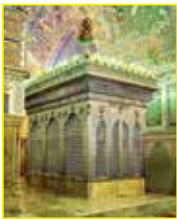
در کنار القاب شریف حضرت از جمله «السید الکریم» به معنی آقای بخشنده و بزرگوار، «سید السادات الاعظم» به معنی آقای بزرگواران صاحب عظمت، لقب «شاهچراغ» معروف تر است و این همانند: «شاه مردان»، (لقب امیرالمومنین علیه‌السلام) و «شاه شهیدان» (لقب امام حسین علیه‌السلام) و «شاه خراسان» (لقب امام رضا علیه‌السلام) است و اشاره به آن دارد که در بین امامزادگان و نوادگان حضرات معصومین (ع) حضرت احمد بن موسی (ع)، «نورانی‌ترین چراغ» و ماه این ستاره‌ها است که خطه فارس به برکت آنها خاک «هزار مزار» شده است.

جسد مطهر حضرت احمد بن موسی علیه‌السلام پس از شهادت، از نظرها مخفی ماند و کسی از مدفن حضرتش خبر نداشت تا بیش از یک قرن بعد از شهادت حضرت در زمان سلطنت پادشاه ایرانی الاصل عضدالدوله دیلمی، برخی از مومنین در حوالی محل شهادت، بارها و خصوصاً در شبهای جمعه، چراغی را در نهایت درخشش و روشنایی در بالای تلی از خاک مشاهده می‌کردند که تا طلوع صبح نورافشانی می‌کند.

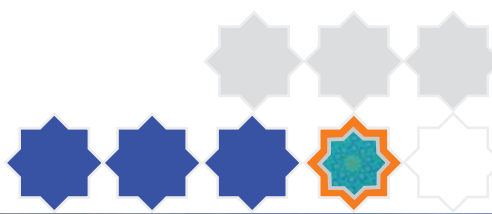
عضدالدوله پس از مشورت با علماء و بزرگان، دستور داد محل مزبور را بشکافند تا اینکه به لوحی از «سنگ یشم» رسیدند که بر آن نوشته بود: «السید امیر احمد بن موسی الکاظم».

وقتی آن سنگ را برداشتند سردابی عمیق آشکار شد. در نقل است که «شیخ ابو عبد الله محمد بن خفیف» معروف به «شیخ کبیر» که در تقوی و تدین سرآمد روزگار خود، به سرداب مشرف شد، جسد مطهر آن حضرت را صحیح و سالم و بدون هیچگونه تغییر و تبدیل در حالی که نور از آن ساطع بود مشاهده کردند و انگشتی در دست راست حضرت دیدند که بر نگین آن نوشته بود: «العهز لله احمد بن موسی». عضدالدوله دیلمی دستور داد که بنایی بر مرقد مبارکش ساختند.

● با توجه به در پیش بودن روز تجلیل از امامزادگان و همچنین بزرگداشت حضرت احمد بن موسی (ع)، چه برنامه‌هایی از سوی آستان مقدس برای این منظور در نظر گرفته شده است؟



حضرت در مسجد به منبر رفته و خطبه‌ای در نهایت بلاغت و کمال فصاحت انشاء نمود و بعد فرمود: «مردم! همچنان که شما با من بر امامت بیعت کردید، من در بیعت با برادرم «علی بن موسی الرضا» علیه‌السلام هستم. بدانید که او امام و خلیفه بعد از پدرم می‌باشد و او ولی خداست و از طرف خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اطاعت او بر من و شما واجب است و هر چه که امر فرماید.» سپس از منبر پایین آمده و همراه مردم در حالیکه پیشاپیش آنها حرکت می‌فرمود، به در خانه حضرت علی بن موسی الرضا (ع) آمده و اول خود تجدید بیعت فرمود و بعد سایر مردم با امام رضا (ع) بیعت کردند



این امامزادگان و قرارگیری آن در حدود مرزها، زائرین شاهچراغ معمولاً از چه استان‌ها و چه کشورهای می‌شوند و سالانه چه تعداد می‌باشند؟

با عنایت به معرفی حرم مطهر حضرت شاهچراغ(ع) به عنوان سومین حرم اهل بیت در ایران اسلامی از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۷ و حضور پرشمار زائرین از سراسر کشور و با توجه به موقعیت جغرافیایی استان فارس و شهر شیراز که در نیمه جنوبی کشور واقع شده است، بیشترین آمار زائرین داخلی از استان‌های جنوبی کشور و همچنین استان‌های هم‌جوار می‌باشد که سالانه میلیون‌ها نفر به قصد زیارت به این حرم مطهر مشرف می‌شوند. به عنوان نمونه تعداد ۳ میلیون و ۴۹۰ هزار نفر در نوروز ۱۳۹۵ به این آستان مقدس مشرف شده‌اند. علاوه بر زائرین داخلی، سالانه حضور زائرین غیرایرانی نیز در این حرم مطهر مشهود می‌باشد، به نحوی که در سال ۱۳۹۴ تقریباً تعداد ۳۹۰۰۰ نفر و در ماه‌های آغازین سالن ۱۳۹۵ (سه ماه اول) تعداد ۲۱۰۰۰ نفر از زائرین غیرایرانی به این حرم مطهر مشرف شده‌اند که در مجموع، در مدت مذکور در حدود ۶۰۰۰۰ نفر از این حرم مطهر بازدید کرده‌اند. بررسی به عمل آمده گویای این موضوع است که اکثریت زائرین غیرایرانی از کشورهای فرانسه، آلمان و چین می‌باشند.

❖ از لطف شما برای حضور در این گفت‌وگو سپاسگزاریم.

در طول دهه کرامت نیز گروه‌های جهادی متشکل از خدام مبلغ آستان مقدس، پزشکی، روحانی، مشاور و روانشناس، خدام فرهنگی و به روستاها و مناطق محروم حاشیه شیراز و مناطق کمتر برخوردار استان اعزام شده و به ارائه خدمات مختلف پزشکی، فرهنگی، اجتماعی می‌پردازند.

از دیگر برنامه‌های این آستان مقدس در دهه کرامت برگزاری نمایشگاه معرفی خدمات آستان مقدس در حوزه‌های مختلف به عموم مردم، برگزاری مسابقات ورزشی استانی جام دهه کرامت در رشته‌های شنا، تیراندازی، فوتسال، برگزاری شب شعر حضرت شاهچراغ(ع)، اجرای روزانه تئاتر از زندگی‌نامه حضرت، توزیع زندگی‌نامه حضرت احمد ابن موسی(ع) در بین عموم مردم، برگزاری مسابقه پیامکی با اهدای جوایز، محفل بزرگ انس با قرآن با حضور قاریان بین‌المللی در حرم مطهر، مسابقه دنوشته‌های مردمی به حضرت شاهچراغ(ع)، گلباران حرم مطهر، مسابقه نقاشی دیواری با موضوع حضرت شاهچراغ(ع) ویژه کودکان و پیاده روی خانوادگی است.

برگزاری جشن‌های دهه کرامت در مساجد سراسر استان فارس، برپایی ایستگاه عرضه کتاب با موضوعات دینی و مذهبی، برگزاری جشن دهه کرامت در مناطق دهگانه شهرداری شیراز و ویزیت رایگان در دارالشفاء حرم مطهر از دیگر برنامه‌های مورد اجرا در این دهه مبارک می‌باشد.

❖ با توجه به موقعیت جغرافیایی

برنامه‌های دهه مبارک کرامت همزمان با روز میلاد حضرت معصومه(س) همراه با پیاده‌روی بزرگ دختران و بانوان شیرازی از مقبره ام‌احمد(س) به سمت حرم مطهر حضرت شاهچراغ(ع) آغاز می‌شود.

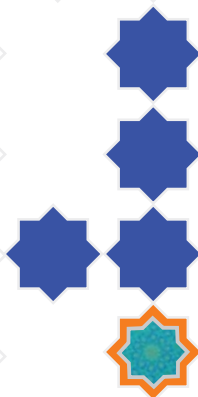
یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها در دهه کرامت بر نامه کوچ عاشقانه است که این مراسم بزرگ معنوی با همکاری نهادهای خدماتی و اجرایی در استان فارس برگزار شده و عموم زائران و عاشقان اهل بیت(ع) از شهرستان‌های استان فارس، در قالب کاروان‌های پیاده مردمی به سمت شیراز حرکت می‌کنند.

بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته خیل عاشقان اهل بیت(ع) در قالب کاروان‌های پیاده از شهرستان‌های استان فارس به سمت شهر شیراز حرکت کرده و در روز ششم ذی‌القعده مصادف با روز بزرگداشت حضرت شاهچراغ(ع) از مسیرهای چندگانه وارد شیراز شده در مراسم بزرگداشت امین ولایت شرکت می‌یابند. مراسم افتتاحیه جشنواره ملی ادبی هنری شاهچراغ(ع) در دهه کرامت نیز برای سومین سال در رشته‌های مختلف و در سطح ملی و با حضور هنرمندان سراسر کشور برگزار می‌شود.

همچنین برنامه‌های مشترک این آستان مقدس با آستان قدس رضوی برگزار و جشن میلاد حضرت فاطمه معصومه(س) و حضرت امام رضا(ع) نیز باشکوهی خاص در حرم مطهر حضرت احمد بن موسی شاهچراغ(ع) برگزار می‌شود.

گروه خدام سفیران نور آستان مقدس در دهه کرامت امسال همانند سال‌های گذشته علاوه بر گلباران قبور مطهر شهدا و دیدار با خانواده‌های معظم شهدا به ویژه خانواده‌های شهید مدافع حرم در طول ایام دهه کرامت به عیادت بیماران، سالمندان و ایثارگران در بیمارستان‌ها، خانه‌های سالمندان و آسایشگاه جانبازان می‌روند.

بازدید از مراکز توانبخشی و بهزیستی، زندان‌ها، پرورشگاه کودکان و افرادی سرپرست، کمپ نگهداری معتادان به موادمخدر نیز از دیگر برنامه‌هایی است که با حضور خدام حضرت مطهر حضرت شاهچراغ(ع) و اهدای هدایای تبرکی این آستان مقدس انجام می‌شود.



مروری بر شخصیت امامزاده احمد بن موسی (علیه السلام) برادر ارجمند امام رضا (علیه السلام)

از بیعت با امام تا اشتهار به «شاه چراغ»

این جماعت به قصد مقاتله و جدال در این جاگرد آمده‌اند، بنابراین اصحاب و یاران خود را خواست و جریان را به آگاهی همه رساند و افزود: قصد این‌ها ریختن خون فرزندان علی بن ابی طالب (ع) است هر کس از شما مایل به بازگشت باشد می‌تواند جان از مهلکه به سلامت برد که من چاره‌ای جز جهاد با این اشرار ندارم. تمامی برادران و یاران احمد بن موسی (ع) عرض کردند که مایل‌اند در رکاب وی جهاد کنند، آن بزرگوار در حق آن‌ها دعای خیر کرد و فرمود: پس برای مبارزه خود را آماده سازید.

جدال و پیکار

چون قتلخ خان خبر ورود احمد بن موسی را به حوالی شیراز شنید بالشکری انبوه از شهر خارج گردید و در برابر اردوی شاهزادگان و سادات بنی فاطمه قرار گرفت. در سه نوبت به فاصله چند روز سپاهیان قتلخ شکست سختی خورد و عده‌ای از آنها نیز کشته شده و پا به فرار نهادند و در اثر رشادت و شجاعت بی‌مثل و مانند، برادران و یاران احمد بن موسی (ع) پیروزی در سه جنگ پی در پی نصیب آنها شد و در مرتبه سوم در اثر رشادت حضرت سیدمیر احمد سپاه اشرار آن چنان به هزیمت رفتند که از محل جنگ تا نزدیک برج و با روی شیراز که دو فرسنگ می‌شد روی بازنگردانیدند.

نیرنگ دشمن

احمد بن موسی (ع) یاران خود را به پشت دروازه شهر شیراز منتقل کرد و همان جا خیمه زد. قتلخ خان با عده‌ای از فرماندهان سپاه خود، طرح نیرنگی را ریخت تا بلکه بر این روش بر آن‌ها فایق آیند. براساس نیرنگ و توطئه طراحی شده، جمعی از سپاهیان جنگ آزموده خود را با شیوه جنگ و گریز به صفوف یاران احمد بن موسی گسیل داشت و به آن‌ها دستور داد در اولین درگیری وانمود به عقب نشینی و شکست کنند و به سوی دروازه‌های شهر بازگردند. یاران و برادران احمد بن موسی (ع) با این خدعه وارد شهر شدند. هنگامی که آن‌ها وارد شهر شدند، دشمن مکار دروازه‌های شهر را بست، سپاهیان قتلخ خان که از پیش در گذرگاه‌های شهر کمین کرده بودند، یاران احمد بن موسی (ع) را

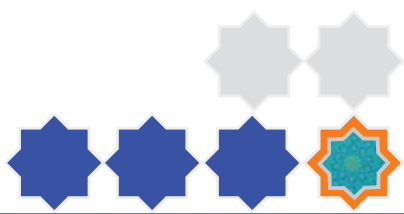
توطئه مأمون برای از میان برداشتن امام رضا (ع) شدت یافت. احمد بن موسی (ع) به همراه دو تن از برادرانش به نام‌های محمد و حسین و گروه زیادی از برادرزادگان، خویشان و شیعیان، بالغ بر دو یا سه هزار نفر از طریق بصره عازم خراسان شدند و از هر شهر و دیاری که می‌گذشتند بر تعداد همراهانشان افزوده می‌شد، به طوری که برخی از مورخان تعداد یاران احمد بن موسی (ع) را نزدیک به پانزده هزار نفر ذکر کرده‌اند. خبر حرکت احمد بن موسی (ع) توسط کارگزاران حکومتی به مأمون رسید. مأمون که ورود برادران امام را به مرکز حکومت، تهدیدی جدی برای موقعیت حساس خود می‌دید دستور داد که در هر کجا قافله بنی‌هاشم را یافتند، مانع از حرکت آن‌ها شوند و آن‌ها را به مدینه بازگردانند یا به قتل برسانند.

این دستور به شهری که می‌رسید، کاروان از آن جا گذشته بود، مگر در شیراز که پیش از رسیدن کاروان احمد بن موسی (ع) حکم به حاکم وقت رسید. حاکم فارس قتلخ خان مردی جدی و مقتدر بود وی بالشکری انبوه از شهر خارج شد و در عیوا بر کاروان احمد بن موسی (ع) اردو زد. احمد بن موسی (ع) در دو فرسنگی شیراز با قتلخ خان روبه‌رو شد در آن جا خبر شهادت برادرش علی بن موسی الرضا (ع) انتشار یافت، و به احمد بن موسی (ع) خبر دادند که اگر قصد دیدن برادر خود علی بن موسی الرضا (ع) را دارید، بدانید که وی فوت شده است. حضرت احمد بن موسی (ع) که وضع را چنین دید دانست،

غلامعلی سلیمانی مهر: هنگامی که خبر شهادت حضرت امام موسی کاظم (ع) در مدینه منتشر شد، مردم بر در خانه «ام احمد» جمع شدند. آن‌گاه همراه با احمد بن موسی (ع) به مسجد آمدند و به سبب شخصیت والای احمد بن موسی (ع) گمان کردند که پس از وفات امام موسی کاظم (ع) وی جانشین و امام است. به همین سبب با وی بیعت کردند و او نیز از آن‌ها بیعت گرفت، پس بر بالای منبر رفت و خطبه‌ای در کمال فصاحت و بلاغت بیان کرد و فرمود: ای مردم همچنان که اکنون تمامی شما با من بیعت کرده‌اید، بدانید که من خود، در بیعت برادرم علی بن موسی (ع) هستم، او پس از پدرم، امام و خلیفه به حق و ولی خداست از طرف خدا و رسولش بر من و شما واجب است که از او اطاعت کنیم».

پس از آن، احمد بن موسی در فضایل برادرش علی بن موسی الرضا (ع) سخن گفت و تمامی حاضران، تسلیم گفته او شدند و از مسجد بیرون آمدند، در حالی که پیشاپیش آن‌ها احمد بن موسی (ع) بود، آن‌گاه خدمت امام رضا (ع) رسیدند و به امامت آن بزرگوار اعتراف کردند. سپس همگی با حضرت امام رضا (ع) بیعت کردند و حضرت علی بن موسی (ع) درباره برادر من (احمد) دعا فرمود: «هم چنان که حق را پنهان و ضایع نگذاشتی، خداوند در دنیا و آخرت تو را ضایع نگذارد.»

آغاز قیام احمد بن موسی (ع)
قیام احمد بن موسی زمانی آغاز شد که



هر کدام به وضعی و در موضعی به شهادت رساندند.

● زندگی مخفیانه و شهادت احمد بن موسی (ع)

در نتیجه توطئه دشمن، بسیاری از یاران احمد بن موسی به شهادت رسیدند و عده‌ای نیز که از نیرنگ دشمن به سلامت گریخته بودند، در اطراف پراکنده شدند. مورخان اتفاق نظر دارند که غالب امامزادگان در فارس و دیگر شهرهای ایران، از پراکنده شدگان این نهضت هستند.

احمد بن موسی با تنی چند از برادران و یاران خویش تا مدتی زندگی مخفیانه‌ای برگزیدند. حکمران فارس، جاسوسان بسیاری را برای یافتن احمد بن موسی گماشت، سرانجام جاسوسان محل اختفای حضرت احمد بن موسی و یارانش را یافتند و قتلخ خان با شمار زیادی از سپاهیان خود به آن‌ها هجوم برد، احمد بن موسی شجاعانه در مقابل دشمن پایداری کرد و به دفاع از خود پرداخت و چون دشمن دید از عهده او بر نمی‌آید، شکافی در جایگاه استراحت وی ایجاد کرد و از پشت بر سرش شمشیر زد، سپس خانه را خراب کرد، و بدن او در زیر توده‌های خاک در محلی که هم اکنون مرقد و بارگاه اوست پنهان شد.

● نکته‌هایی درباره خبر پیدایش مرقد احمد بن موسی (ع)

در کتاب بحرالانساب سبب پیدایش مرقد احمد بن موسی را نوری می‌داند که از مدفن آن حضرت می‌درخشید، این نور، تنهادر شب‌های جمعه و در یک سوم آخر شب از درون تپه‌ای خاکی رو به روی کلبه پیرزنی ساطع می‌شد، پیرزن که این نور مرموز را در شب‌های جمعه می‌دید، به این گمان که درخشش این نور مرموز،

راز نهفته‌ای در دل خاک دارد، به دربار امیر عضدالدوله دیلمی می‌رود، اما کارگزاران امیر به تصور این که پیرزن برای خواسته‌ای، این سخنان خیال‌آمیز را دستاویز دیدار با امیر کرده و یا این که سخنان وی ناشی از ضعف قوا، عارضه پیری و اوهاماست، موضوع را جدی تلقی نکردند. اما امیر عضدالدوله در اولین شب جمعه دور از چشم درباریان به خانه پیرزن رفت و از وی خواست که هنگام درخشش نور، وی را بیدار کند. وقتی نور «چراغ» تا بیرون گرفت، پیرزن از شدت خوشحالی بر بالین امیر عضدالدوله رفت و سه بار بی‌اختیار فریاد کشید:

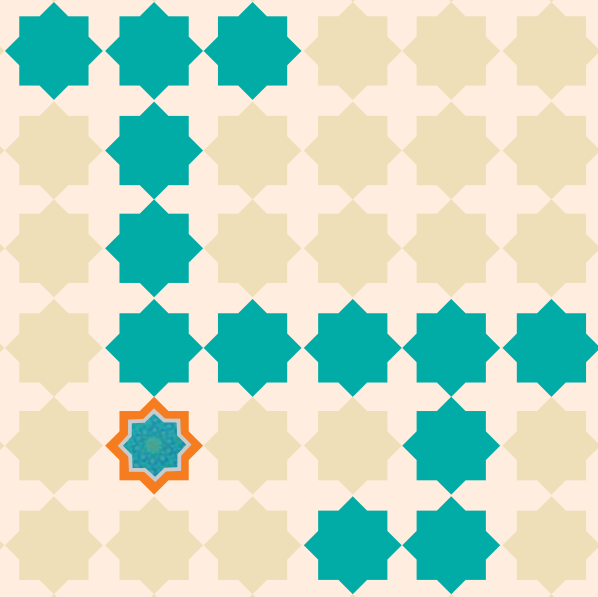
شاه، چراغ، «شاهچراغ» - سبب اشتها احمد بن موسی به شاهچراغ (ع) در افواه عامه از این ماجرا نشأت گرفته است. امیر ناگهان از خواب بیدار شد، متوجه درخشش نور از تپه خاکی می‌شود و در نهایت شگفتی از محل درخشش نور از تپه خاکی بالا می‌رود او همین که به جای درخشش نور می‌رسد، اثری از نور نمی‌بیند. امیر این عمل را هفت بار تکرار می‌کند و از آنچه که دیده است سخت در شگفت می‌ماند، با همین اندیشه و خیال امیر به خواب می‌رود، در عالم رؤیا سید بزرگ مرتبه‌ای را می‌بیند که می‌پرسد «ای امیر در

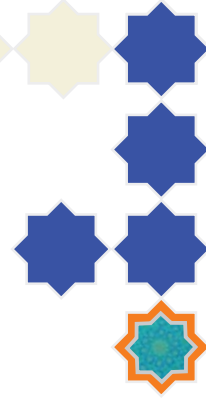
چه اندیشه‌ای هستی؟ این محل دفن من است و من احمد بن موسی کاظم (ع) هستم. امیر عضدالدوله قضیه را برای فقها و علما بازگو نموده و شیخ کبیر می‌گوید این خواب از نوع رؤیای صادقه است و من نیز شب گذشته آن حضرت را در خواب دیده‌ام و چون آن حضرت اشاره و اجازه داده‌اند شکافتن قبر از نظر هتک احترام و حرمت، بی‌اشکال است. به امیر عضدالدوله فرمای آن روز به محل درخشش نور می‌رود و دستور می‌دهد آن محل را خاک برداری کنند، در اثنای خاک برداری «لوح مزاری از سنگ پشم» آشکار می‌شود، امیر عضدالدوله، علما و روحانیون لوح را می‌بینند که بر روی آن با خط کوفی در دو سطر نوشته شده است: «السید امیر احمد بن موسی الکاظم» امیر عضدالدوله به شکرانه این توفیق عظیم دستور داد چندین شبانه روز، فقیران و مسکینان را طعام دهند و زندانیان را نیز آزاد کنند و با کوبیدن نقاره سلطنتی و آذین بندی شهر، شور و نشاط عمومی بوجود آید و سپس به ساخت عمارتی بر آن محل همت گماشت.

با اقتباس از کتاب چلچراغ شیراز نوشته دکتر جلیل عرفان منش



کتاب





متولی بقعه حضرت رقیه(س) در پاکستان:

در قلبم خودم را خادم رضوی می دانم

همسر مسلم بن عقیل و مادر طفلان مسلم هستیم. وی از بانوان جلیل القدری است که نقش مهمی در واقعه کربلا داشته و همسر و فرزندانش نیز در راه امام حسین(ع) به شهادت رسیده اند. بارگاه این بانوی مکرمه در شهر لاهور قرار دارد و من متولی حرم ایشان هستیم.

از این بارگاه بیشتر بر ایمان بگوئید؟ چه روزهایی شلوغ تر است؟

این بارگاه روزانه حدود ۵ هزار نفر زائر دارد که در ماه محرم و صفر تعداد زائران خیلی بیشتر هم می شود. روز نهم ذی الحججه که همزمان با روز عرفه و سالروز شهادت حضرت مسلم است، شلوغ ترین روز بارگاه این امامزاده است. فردای آن روز یعنی دهم ذی الحججه که عید قربان است نیز، افراد در خانه جشن نمی گیرند بلکه همه به حرم حضرت رقیه(س) می آیند و شهادت مسلم بن عقیل را تسلیت می گویند. همه در روز عید قربان به تسلیت شهادت می آیند و درست است که روز عید است ولی همه عزاداری می کنند!

در سه ماه ذی الحججه، محرم و صفر نیز به طور کامل در بارگاه حضرت رقیه(س) عزاداری برگزار می شود.

از کشورهای دیگر هم برای زیارت می آیند؟
خیر، متأسفانه هنوز بین بقیه کشورهای این بارگاه مقدس آنقدر شناخته نشده است و فعلاً فقط از استان ها و ایالت های دیگر پاکستان به زیارت می آیند.

ایرانی ها چطور؟ آیا شرایطی هست که بیایند و بارگاه حضرت رقیه(س) را زیارت کنند؟

راستش یکی از اهداف ما همین است که زائران بیشتری به آنجا بیایند، حتی ما گنبد حرم ایشان را از روی گنبد امام رضا(ع) طراحی کرده ایم. پنج مناره هم به نشان پنج تن اهل بیت(ع) ساخته ایم و خیلی دوست داریم شباهتی ایجاد کنیم بین این حرم و تمام حرم های اهل بیت(ع) و دوست داریم که زائران به راحتی بتوانند برای زیارت بیایند و فضای کافی داشته باشند و از نظر بهداشتی و سلامتی در امنیت کامل باشند، امیدوارم با این تمهیدات ایرانی ها هم حضورشان در این بارگاه پررنگ تر شود.

گفتید طرحی برای توسعه حرم این امامزاده دارید؟



صد بقیه رضوانی نیا: در بین میهمانان جشنواره بین المللی امام رضا(ع) بانوی چشم پزشک ۵۵ ساله ای از کشور پاکستان حضور داشت که علاوه بر سمت نماینده مجلس پاکستان، متولی بقعه حضرت رقیه(س) دختر باکرامت امام علی(علیه السلام) و همسر مسلم بن عقیل در شهر لاهور نیز بود.

«اسما ممدوت» که یکی از شخصیت های سیاسی کشور پاکستان شناخته می شود، در نگاه اول آدم را یاد یکی دیگر از چهره های سیاسی ماندگار در پاکستان می اندازد. «بی نظیر بوتو» اسمی است که با دیدن ممدوت در ذهن آدم نقش می بندد... این تشابه جالب ظاهری در کنار آرامش و متانتی که در چهره اش دیده می شد از وی شخصیتی جذاب و ویژه برای مصاحبه ساخته بود....

گفت و گوی ما با این بانوی پاکستانی اینک پیش روی شماست:

خیر، اکنون نماینده پایتخت یعنی اسلام آباد هستم. ولی قبلاً پنج سال نماینده ایالت پنجاب بودم.

شما علاوه بر اینکه نماینده مجلس هستید، متولی حرم یک امام زاده در لاهور هم هستید، درست است؟...

بله! من متولی بارگاه حضرت رقیه(س)

خانم دکتر ممدوت! می دانستید چهره تان خیلی آدم را یاد مرحومه «بی نظیر بوتو» نخست وزیر سابق پاکستان می اندازد. خیلی شبیه ایشان هستید؟ (می خندد) بله خیلی ها در ایران و حتی در پاکستان هم این را به من می گویند.

شما نماینده ایالت پنجاب هستید؟

بله! طرحی داریم که صحن حرم برای حضور زائران بزرگ تر شود. الان کوچک است و زائران نمی توانند بیایند نماز بخوانند. بالاخره افراد مسن و کودک هم می آیند که اگر حرم توسعه نیابد و ازدحام بشود آنها دچار مشکل خواهند شد. مثلاً در عیدها خیلی شلوغ می شود و واقعا مشکل کمبود فضا احساس می شود. ولی با طرحی که من دارم قرار است ان شاءالله اتفاقات خوبی بیفتد و حرم توسعه یابد.

این طرح را به دولت هم ارایه کرده اید؟

بله! من دیزاین و طرح را در مجلس پاکستان مطرح کرده ام و سپس به دولت داده ام و دولت پاکستان هم آن را قبول کرده است. در حرم امامزده ای که متولی آن هستید علاوه بر فعالیت های مذهبی، چه فعالیت های دیگری انجام می دهید؟ ما در آنجا علاوه بر برنامه های آموزشی که برای کودکان و بانوان درباره زندگی اهل بیت (ع) و سخنان آنان داریم، یک مرکز سوادآموزی نیز برای بی سوادان و یک مرکز درمانی برای درمان بیماران هم راه اندازی کرده ایم.

منزل شما نزدیک حرم است؟

خیر، منزل من از حرم دور است.

پس چطور این کارها را انجام می دهید؟

(با خنده می گوید) راستش همیشه در رفت و آمد.

آیا حرم امامزاده دیگری هم در پاکستان وجود دارد؟

در پاکستان امامزادگان زیادی هستند. من درباره امامزادگان و فرزندان اهل بیت (ع) که در خاک پاکستان قرار دارند تحقیقی هم انجام داده و این تحقیق را به آستان قدس رضوی داده ام که البته در حال بررسی است.

از عشق مردم پاکستان به امام رضا (علیه السلام) بر ایمان بگویید...

مردم پاکستان باور و اعتقاد قلبی دارند و با وجود همه مشکلات و تهدیدها، باز هم می بینید در حرم رضوی چقدر تعداد پاکستانی ها زیاد است. آن هایی که بضاعت بیشتری دارند هوایی می آیند ولی آن هایی که زمینی می آیند، این اعتقاد دارند که اگر در این راه کشته شوند شهید شده اند. این عشق و علاقه، به طلی کردن این راه سخت کمک می کند. با اینکه در این حملات گاهی مسافران را از اتوبوس ها پیاده و همان جادر راه تیرباران می کنند.

شیعیانی که به مشهد می آیند آداب و رسوم خاصی دارند؟ مثل ایرانی ها که وقتی از سفر کربلا و مکه برمی گردند ولیمه می دهند و...؟

آداب رسوم برگشت از مشهد تقریباً مثل همین آداب و رسوم ایرانی هاست که شما برآیم گفتید. افراد برای تبریک گفتن به خانه آن ها می روند و البته برعکس مراسم شما، اقوام، فامیل و همسایگان زائران مشهد را برای ناهار یا شام و.. دعوت می کنند و میهمانی می دهند.

خودتان تا به حال چند بار به مشهد آمده اید؟

من هر سال به مشهد می آیم. سعی می کنم برنامه ریزی ام برای زمان های خاص باشد. مثلاً یکبار اربعین مشهد بودم و بیست روز ماندم تا زمان شهادت امام رضا (ع). من اربعین کربلا هم بوده ام و آرزو داشتم یکبار هم مشهد باشم که خدا را شکر همینطور هم شد و اربعین مشهد را هم دیدم.

اربعین مشهد چطور بود؟

خیلی زیبا! لذت بردم بخصوص که من تا حدی زبان فارسی را بلدم و عزاداری ها را متوجه می شدم. شب و روز هیات ها در حرم و اطراف در حال عزاداری و سینه زنی بودند. با پسر، اربعین، کربلا رفته بودیم ولی چون آنجا مراسم عربی است خیلی متوجه نمی شدیم؛ اما روضه ها و عزاداری هایی که در مشهد برگزار می شود را متوجه می شدیم. هر چند روضه و عزاداری به هر زبان و با هر شکل و قالبی باشد برای ما شیعیان جذاب است و تأثیر خودش را دارد. ولی در کل من عزاداری های ایرانی ها را خیلی دوست دارم و از آن لذت می برم.

شما از مدیران کشور پاکستان هستید. می خواهم بدانم وقتی با نگاه یک مدیر عالی رتبه سیاسی به مشهد نگاه می کنید این شهر را چطور می بینید؟ و این بار که آمدید آیا تغییری را در شهر مشهد شاهد بودید؟

من هر دفعه که می آیم می بینم که مشهد نسبت به دفعه قبل رشد و پیشرفت بیشتری داشته است. حرم امام رضا (ع) هم که همیشه در حال توسعه است و من از دیدن این همه پیشرفت خیلی خوشحال هستم.

اینکه می گوید پیشرفته تر شده به چه معناست از چه لحاظ رشد داشته؟

بنظرم مشهد در حال مدرن شدن است. در این مدت پیشرفت ها و توسعه های شهری خوبی داشته ولی تا کید من بیشتر روی مردم این شهر است که به نظرم فرهنگ شان روز به روز در حال رشد و بهتر شدن است. مثلاً اینکه زنان در ایران و در مشهد اینقدر امنیت دارند از نظر من یک جهش فوق العاده است. حتی من در اینجا راننده

تا کسی زن دیدم. کاش در کشور من و در دیگر کشورهای اسلامی اینقدر امنیت وجود داشت که زنان راحت در جامعه فعالیت کنند. آنچه برای من خیلی ستودنی است امنیت بانوان در این شهر است که بسیار موضوع مهم و مورد اهمیتی است.

به عنوان یک مسلمان از امام رضا (ع) چه آموخته اید؟

امام رضا (ع) به عنوان عالم آل محمد (ص)، درس های اخلاقی خیلی خوبی را به ما آموختند. ایشان همیشه مسایل اخلاقی را به شیعیان شان تذکر می دادند و در زمان خود عالم ترین فرد و از همه بخشنده تر و معتمدتر نسبت به تعالیم الهی بودند. به نظر من این ها همه برای ما درس است.

شما زائر امام رضا (ع) هستید در حرم شان چه دعاهایی می کنید؟

یکسری مسایل شخصی است که بیان می کنم. ولی مسأله اصلی این است که من روحم را در حرم ایشان تزکیه می دهم و به خدا نزدیکتر می شوم. به آموزه هایی که اهل بیت (ع) به دنبال آن بودند نزدیک می شوم و همیشه دعا می کنم خداوند قدرتی به من دهد و امام رضا (ع) برایم دعا کنند تا بتوانم آموزه های اهل بیت (ع) را بیاموزم و به دیگران نیز آموزش دهم.

من در حرم امام رضا (ع) از ایشان خواستم توانایی طی کردن ادامه این مسیر را به من بدهند. ایشان عالم آل محمد (ص) هستند و برای همه ما افتخار بزرگی است که در محافل آکادمیک و دانشگاهی و به لحاظ علمی راه ایشان را ادامه دهیم و در همه مقاطع به خصوص سطوح بالا از انجام امور تحقیقاتی راجع به ایشان و سخنان گهربارشان دریغ نکنیم تا هم بخشی از دینمان را به این امام همام ادا کرده باشیم و هم در راه ترویج علم و بصیرت مردمان سرزمین های اسلامی قدمی برداشته باشیم. آخرین جملات این گفت و گو را به شما می سپارم تا با حضرت رضا (ع) راز و نیاز کنید...

«ای امام! نمی دانم چه رازی در آن گنبد و بارگاه ملکوتی تان نهفته که میلیون ها دل را از سراسر دنیا به خود جذب کرده است من هم یکی از آن میلیون ها ارادت مند شما هستم و شما خودتان بیشتر از هر کسی از این ارادت ها باخبرید.»

ضرورت طرح مفاهیم دینی به زبان های جهانی

سواد رسانه ای با بیان این مهم که یکی از نکات تاثیر گذار در این حوزه در نظر گرفتن باید ها و نیاید های دینی است، گفت: با این حال به دلیل جهانی بودن دین اسلام، هر روز که این گستره امکانات افزایش یافته است، دین نیز در کنار آن در حال هماهنگ سازی خود با آن می باشد، چنانکه تبلیغ یکی از این امور و مهم ترین عرصه آن در روزگاران گذشته منبر بوده است.

متعاقبا سخنورانی که دارای دقت عمل در گفتار خود بوده اند سخنشان از ضریب تاثیر گذاری بیشتری برخوردار بوده است. با این حال امروزه تکنولوژی های پیام رسانی در حال گسترش و از این رهگذر می توان از آن به عنوان ابزاری برای انتقال پیام های دینی سود برد، چراکه از سویی امور دینی دارای ظرفیتی بی مانند و از سوی دیگر مخاطبین نیز در تکاپوی کسب اطلاعات می باشند.

یکی از ویژگی های زمان ظهور، بیان مفاهیم دینی به زبان های جهانی است، چراکه مخاطبین در سطح گسترده ای قرار دارند و یکی از ضرورت های یاران حضرت قائم (عج) بیان مفاهیم دینی در عرصه جهانی و انتقال آن است. بر این اساس ضرورت بکاگیری از فضاهای مجازی به ویژه در عصر حاضر بسیار بنیادی می باشد.

● لزوم فراگیری سواد رسانه ای

در ادامه مدیر مرکز رسانه سراج در بیان این پرسش که چرا در این حوزه با وجود نیاز های روز و نیز تاکیدات مقام معظم رهبری تا کنون برنامه ریزی مدونی در سطح کلان صورت نپذیرفته و سازمانی به صورت مستقیم خود را متولی این امر نمی

مصطفی لعل شاطری: دنیای امروز دنیای رسانه های مجازی است و اهمیت و جایگاه این دسته از رسانه ها در کنار فعالیت های مکتوب یا تبلیغات شفاهی بر کسی پوشیده نیست. فضای مجازی فرصت فوق العاده ای است، که لازم است اصحاب رسانه از توان این بخش در جهت اطلاع رسانی به موقع، شفاف و کارآمد بهره ویژه در حوزه فعالیت های توسعه همه جانبه دینی استفاده کنند. اگر از بعد فرهنگی به این موضوع مهم بنگریم نیاز فضای مجازی نیاز روز کشور است چنانکه در این رابطه مقام معظم رهبری بیان داشته اند: «دیگر در این عرصه باید جهادی کار کرد». مبتنی بر این امر رسانه های مجازی در کنار رسانه های مکتوب همواره باید بکوشند تا در فضایی سالم، مفید، به دور از تخریب، تشویش اذهان عمومی و نادیده گرفتن مصالح عمومی، و البته با دیدی باز و کارآمد به ترویج مسائل دینی بپردازند. در این راستا در نشست با اصحاب رسانه به بررسی این موضوع پرداخته ایم که از نظر تان می گذرد.

● در دسر های غفلت از مهندسی پیام

محمد صادق حاتمی، مدیر باشگاه خبرنگاران جوان شعبه خراسان نیز ضمن اشاره به این موضوع که امروزه رسانه های مجازی به عنوان یک وسیله انتقال پیام به صورت گسترده و همه جانبه است و برای عبور از دیوار های بسته ابزاری کارآمد محسوب می گردد، گفت: نمونه های این موضوع را بسیار می توان دید، چنانکه تنها یک از آنها نامه رهبری به جوانان اروپا بود که در پرتو این رسانه ها در اندک زمانی منتشر و باز خورد یافت. با این حال چالش این حوزه در نشر مسائل دینی، سطحی بودن این رسانه ها است در حالی که باید به مسائل دینی عمیق پرداخته شود و صرفا شبکه های اجتماعی بحث ایجاد انگیزه را می توانند داشته باشند و جرقه شروع یک آشنایی برای نشان دادن یک مسیر باشد و نه بیشتر. از سویی باید جنس هر رسانه را به خوبی شناخت و در آن انتقال پیام و مهندسی پیام را در نظر گرفت و بر اساس مقتضیات افراد به انتقال موضوعات مختلف دینی پرداخت.

● الگوبرداری از منبر در تعامل با کاربران

حجت الاسلام مجتبی دانش، مدرس

● ایجاد انگیزه رسالت رسانه مجازی

احمد عارفخانی مدیر دفتر اداره پژوهش های رسانه در خراسان با طرح بحث در این زمینه که رسانه های مجازی به عنوان وسیله انتقال پیام چه تاثیری می تواند در مباحث دینی داشته و می باید چه تدابیری برای ورود به این عرصه اندیشیده شود، با اشاره بر سطحی بودن اطلاعات رسانه های مجازی گفت: با توجه به این موضوع که کشور ایران دارای مردمی مذهبی و آگاه به بسیاری از مسائل دینی می باشد، شاید در برخی از موارد بتوان از طریق این رسانه ها ایجاد انگیزه کرد و اموری که نیاز مخاطبان به ویژه قشر جوان است را در آن مطرح نمود.

حتی یکی از تاکیدات مقام معظم رهبری در دیدار با شورای عالی فضای مجازی، بهره گیری از این فضا برای بستر سازی مسائل دینی بوده است تا این فضا به جویانگه افکار غربی و اسلام ستیز مبدل نگردد.

● دین، برترین رسانه!

علی اصغر سلطانی هروی مدیر مرکز رسانه سراج نیز با بیان این موضوع که ماهیت دین در حقیقت خود یک پیام است؛ چنانکه فرستنده آن خداوند متعال و مخاطب، انسان ها می باشند که از طریق پیامبر (ص) در ماهیت قرآن و احادیث انتقال یافته است، عنوان کرد: بر این اساس دین هم شامل محتوی و هم ابزار رسانه مبتنی بر نیاز های روز می گردد.

گروهی بر این اعتقاد هستند که رسانه ابزار انتقال پیام و گروهی بر این باورند که رسانه ذات گرایانه است؛ لذا با مقایسه انواع رسانه ها این امر حاصل می شود که هر یک کارکرد مختص به خود را دارا می باشند.



یکی از ویژگی‌های زمان ظهور، بیان مفاهیم دینی به زبان‌های جهانی است، چراکه مخاطبین در سطح گسترده‌ای قرار دارند و یکی از ضرورت‌های یاران حضرت قائم (عج) بیان مفاهیم دینی در عرصه جهانی و انتقال آن است

مد نظر متولیان امر قرار گیرد، نخست مخاطب شناسی و دیگر تنظیم پیام‌ها، مبتنی بر مقتضیات روز است.

• آثار مخرب روانی بر روی جوانان!
حجت الاسلام دانش با اشاره به این موضوع که باید این نکته را در نظر داشت که عدم توجه به رسانه‌های مجازی با توجه به فراگیری آن به ویژه در میان جوانان، می‌تواند آثار مخرب روانی فراوانی را به همراه داشته باشد، گفت: متأسفانه مسئولین در انتظار این هستند تا این معضل ظهور کرده و پس از آن در پی اقداماتی برآیند و در حال حاضر تنها موسسات اندکی این موضوع را دغدغه خود قرار داده‌اند. با این حال زمانی که در مخاطبین نیاز واقعی مبنی بر مخاطره آمیز بودن این گونه از رسانه‌ها از درون ایجاد نشود، در پی آشنایی هر چه بیشتر با آن نخواهند بود.

• نباید منتظر دستگاه‌های دولتی بود!
حاتمی در پاسخ به خبرنگار زائر مبنی بر اینکه با توجه به موضوعات مطرح شده این گونه برداشت می‌شود که نظارت چندانی در زمینه ترویج صحیح مسائل دینی وجود ندارد، آیا این امر صحیح است، با اشاره به

و به نهادی دیگر واگذار می‌کنند، چنانکه گروهی این موضوع را مربوط به سازمان تبلیغات، گروهی حوزه‌های علمیه و گروهی مراکز رسانه‌ای می‌دانند که این رویکرد دلیل مغفول ماندن مسائل دینی در فضای مجازی شده است. بر این اساس مراکز تولید کننده محتوای دینی، هنوز به ضرورت بررسی تخصصی تدوین برنامه‌ای مدون پی نبرده‌اند.

• مخاطب شناسی بر اساس مقتضیات روز
مدیر باشگاه خبرنگاران جوان شعبه خراسان همچنین عنوان کرد: باید به این امر اشاره داشت که بالواقع یکی از آفات فضاهای مجازی عدم تعریف ساز و کاری مدون برای آن است. لذا شاهد آن هستیم که به عنوان مثال در گروه‌های شبکه‌های اجتماعی تلفن‌های همراه که مخاطبین بسیاری را به خود مشغول کرده است، کانال‌ها و گروه‌های بسیاری وجود دارد که اکثر آن‌ها فاقد اطلاعات قوی و یا تکراری و دارای سطح هم پوشانی بالایی است و از سویی مطالب ارائه شده در آن تنها سطحی و گاه فاقد اعتبار است که متعاقباً جذب مخاطب به مسائل دینی را به همراه نخواهد داشت. بر این اساس باید یکی از نکاتی که

دادند، بیان داشت: مهم‌ترین ویژگی رسانه‌های مجازی، تعاملی و هوشمندی آن می‌باشد چنانکه مخاطب خود را درگیر این فضای می‌سازد. حال باید پویایی و نقاط موثر و تاثیر گذار دین را دریافت و از ظرفیت‌های این فضا برای انتقال آن بهره‌مند شد. از سویی به دلیل تکثیر گرای رسانه‌های مجازی، افراد دچار آشفتگی و سطحی نگری شده‌اند و این یکی از معضلات رسانه‌های مجازی محسوب می‌شود. البته این فضا می‌تواند با تاثیر گذاری عمقی به فعالیت بپردازد، اما مبتنی بر این امر که آموزش‌های لازم و به ویژه سواد رسانه‌ای را مخاطبین فرا گرفته باشند. همچنین باید تدابیر لازم مبتنی بر قوانینی مدون در این حوزه تعریف گردد.

• عدم برنامه ریزی منسجم
مدیر دفتر اداره پژوهش‌های رسانه در خراسان نیز با اشاره به این موضوع که متأسفانه بحث سواد رسانه‌ای و رسانه شناسی به صورت کامل در فضای جامعه معرفی نگردیده و به عبارتی فرهنگ سازی لازم در این حوزه صورت نگرفته است، خاطر نشان کرد: از سویی با توجه به تکثیر متولیان فرهنگی، تمامی موسسات و ارگان‌ها این مهم را وظیفه خود ندانسته

آموزش‌های رسانه‌ای بهره‌مند می‌شوند و متعاقباً نمره این امر فعالیت آنان در این عرصه می‌باشد. از سویی بسیار از طلاب در حال حاضر به فعالیت جدی در این عرصه مشغول هستند، اما متأسفانه به معرفی آنها پرداخته نشده است. بر این اساس بر چسب زدن به حوزه‌های علمیه مبنی بر غیر منفعل بودن را می‌توان غرض ورزانه و مبتنی بر دیدگاه‌های اسلام‌ستیزانه دانست.

● تولید محتوای غیر تخصصی

همچنین حاتمی، مدیر باشگاه خبرنگاران جوان شعبه خراسان اظهار داشت: باید دانست حوزه‌های علمیه از حضوری گسترده در فضای مجازی برخوردارند، اما مهندسی شده نیست. باید این نکته را در نظر داشت که امروزه افراد فعال در حوزه دین شامل دو گروه می‌شوند. دسته‌ای افراد متخصص حوزه‌ی و گروهی افراد غیر متخصص که به تولید محتوا می‌پردازند که با توجه به نوع غیر تخصصی گروه دوم، گاه شاهد رواج عقاید واهی و خرافی در غالب پوشش مسائل دینی می‌باشیم. از این رو نباید این قبیل فعالیت‌ها را به نام حوزه‌های علمیه دانست.

● فعالیت منحصر به فرد طلاب قم

حجت الاسلام دانش نیز بیان داشت: نکته‌ای که باید به آن توجهی ویژه نمود، نوظهور بودن این شبکه‌ها می‌باشد. بر این اساس تاکنون بر نامه‌ریزی دقیقی برای این حوزه نشده است. در این بین حوزه‌های علمیه نیز به مانند تمامی سازمان‌ها در حال رصد آسیب‌ها و سپس برنامه‌ریزی جامع می‌باشد. با این دیدگاه نمی‌توان حوزه‌های علمیه را منفعل و کم‌کار دانست. چراکه در حوزه‌های علمیه به ویژه در قم، فعالیت‌های گسترده‌ای در عرصه فضای مجازی در حال فعالیت است، به نحوی که در بحث تولید محتوا پیشروی گسترده‌ای را شاهدیم.



فرهنگ‌سازی است. امروزه باید آموزش‌های لازم به والدین و فرزندان ارائه شود تا نسبت به این محیط ایمن و از آسیب‌ها و مخاطرات آن آگاه باشند. بر این اساس می‌توانند به کنترل این فضا بپردازند. همچنین بیشتر باید نظارت در حوزه مسائل ملی و فراملی باشد، چراکه اگر این نظارت بسیار جزئی اعمال شود، ثمره آن روی‌آوری به راه‌های غیر قانونی برای دستیابی به این فضا می‌باشد. از این رو تنها راه نظارتی چاره‌ساز، ارائه شیوه‌های صحیح آموزشی است.

● بر چسب زنی به حوزه علمیه ممنوع!

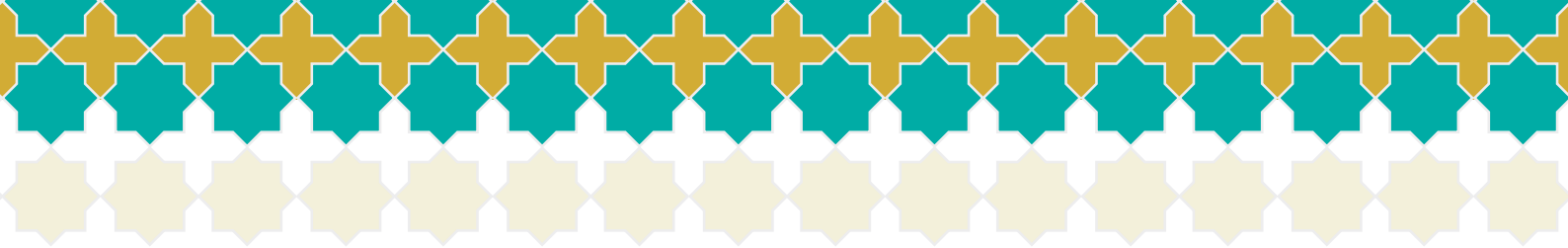
در ادامه عارفخانی، مدیر دفتر اداره پژوهش‌های رسانه در پاسخ به این موضوع که عده‌ای بر این باورند که با توجه به نیاز گسترده روز به بیان مسائل دینی و پاسخگویی ویژه به شبهات حوزه‌های علمیه در عرصه فضای مجازی چندین فعال نمی‌باشند گفت: باید این نکته را در نظر داشت که نه تنها حوزه علمیه بلکه بسیاری از نهادها ورود گسترده‌ای در این عرصه نداشته‌اند. با این حال فعالیت حوزه نیز تاکنون در نوع خود ممتاز بوده است. چراکه تنها سالانه بین ۱۵۰۰-۲۰۰۰ نفر از طلاب در مشهد از

این نکته که انفعال افراد در حوزه معرفی و از سویی نظارت بر این رسانه‌های مشهود است، گفت: باید دانست که امور نظارتی تنها منحصر به دستگاه‌های دولتی نیست. امروزه افراد تا حد زیادی در این میدان در حال بازی خوردن در زمینه هستند که از قبل آماده شده است. با این حال باید توجه داشت که از طرفی دیگر حرکات عجولانه نظارتی کارساز نیست و باید این مهم با تدبیر و رویکردی ویژه در دستور کار نهادها و حرکات خودجوش مردمی قرار گیرد. بهترین راه نظارتی نیز تربیت افرادی است که خود نظارت‌گر بر رفتار خود باشند. در این صورت دیگر نیاز چندانی به برنامه‌های نظارتی فشرده نخواهد بود.

همچنین حجت الاسلام دانش با بیان این موضوع که امروزه اکثر خانواده‌ها درگیر این موضوع هستند تا فرزندان خود را از آسیب‌های این فضا حفظ کنند، خاطر نشان کرد: در این شرایط نباید منتظر بود تا نهای وارد عمل شود، بلکه باید تمامی افراد به صورت خودجوش به نظارت در این حوزه بپردازند. هرروزه این فضا در حال پیشرفت است و نمی‌توان به امید تدوین برنامه و سپس نظارت بود. بر این اساس مردم باید خود حساسیت ویژه‌ای بر این موضوع داشته و از حوزه فرمایشی خارج شود.

● فرهنگ‌سازی نه نظارت فشرده!

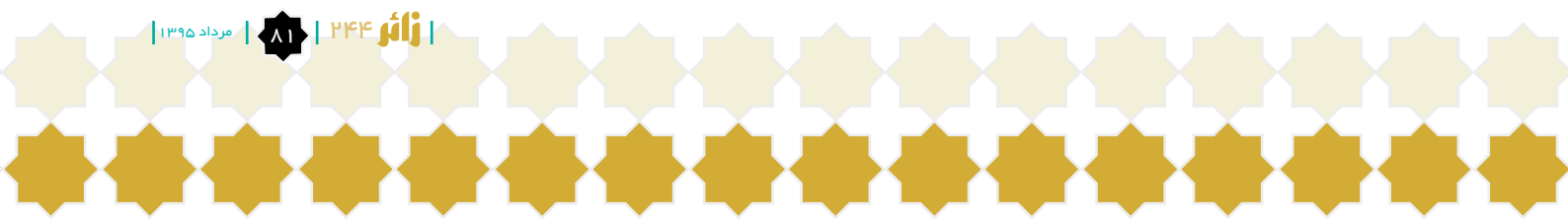
عارفخانی نیز با بیان این موضوع که از آنجایی که شبکه‌های مجازی از حوزه‌ای گسترده برخوردار می‌باشند و نمی‌توان به راحتی از نظارتی همه‌جانبه سخن گفت، خاطر نشان کرد: یک نمونه عینی این موضوع در حوزه برخورد نظارتی با شبکه‌های ماهواره‌ای است. طبق آمارهایی که ارائه شده است در حدود ۵۰-۶۰ درصد خانواده‌های ایرانی در حال استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای می‌باشد. موضوعی که باید توجه داشت این است که بحث نظارتی تا حدودی موفق خواهد بود، اما مهم تر از آن



بازترین پنجره این حوالی

محبوبه سادات رضوی نیا: زمین مملو از ازدحام است، آدم‌ها پریها و روزگار آن قدر شلوغ از اتفاقات رنگارنگ که ذهن و روحمان دمی آرامش و سایه‌ای آسایش را چنان گوهری ثمین و همراهی امین در به در می‌جوید. گاه پیش می‌آید که درگیر و دار گرفتاری‌هایی از جنس تن، «خود» را گم کرده و پربشان حال و گیج در دنیای جسم حتی «خدای» خود را هم به فراموشی می‌سپاریم. خسته‌ایم، خسته! آن قدر که حتی نفس کشیدن هم ملولمان می‌کند. نه قلب سلیمی داریم و نه ظاهر صلاحی. روسپاهیم، دل چرکین و آن قدر زبان به شیرینی گناه تلخ کرده ایم که دست و دلمان به سوی هیچ توبه‌ی مقبولی نمی‌رود.

آه که در وانفسای این حیرانی گاه چه دلم پر می‌کشد به سمت بازترین پنجره این حوالی. آن جا که فقط تویی و من و خدای مان. بی هیچ ازدحام و هیاهو و شلوغی. دورت بگردم ای امام حریم‌های سبز! دیگر چه جای اندوه است وقتی تو به اندک دل شکستی اذن ورودم داده و با پاسخ سلام هنوز بر لب نیامده‌ای تمام غم را می‌ستانی. مولا ببین! اشک‌هایم گله‌گله آهوان رمیده از دلی است که در جست‌وجوی شفاعت تو در پای ضریح روشنت یکی یکی جان می‌دهند. چنگ می‌زنم به آهنگ مهربانی مشبک‌های زرینت که از این جا تا عرش سر بر آورده‌اند. امیدم فقط به حریم امنی است که در آن دلشکستگان را پر بها می‌خرند و دست آلودگان را به آسانی بار می‌دهند. گناهکاران سر به سفره کرم و بخشش تو می‌برند و صالحان دل از لطف و عنایت تو سرشار می‌کنند. هیچ مکانی چون این چند صحن کبریایی قلب را سبک نمی‌کند و هیچ دست پر محبتی روح را این چنین صیقل نمی‌دهد. از تو طبیب تر کجا دارو و شفا بیابم و تمام‌ترین مهر و وفا را از کدام حبیب بخواهم؟ ای مشرقی‌ترین امام! من این جا به جست‌وجوی طلوع دوباره انسانیت خود درآمده‌ام



...می گفت سوریه کربلای امروز ماست

ساحل عباسی: حریم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) همواره مورد تعرض و جسارت خناسان و شیطان صفتان بوده است اما مدافعان حریم آن پاکان در طول تاریخ با نثار جان و مال خویش نگذاشته اند دشمنان اهل بیت در دستیابی به اهداف خود توفیق یابند. امروز نیز داعشیان شیطان صفت و خونریزان سفاک بنای خود را بر هتک حرمت حریم اهل بیت (ع) گذاشته اند اما مدافعان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) از شهرها و کشورهای مختلف، جانانه در مقابل وحشی صفتان داعشی ایستاده اند و انشاءالله تا حذف کامل آن ها از پای نخواهند نشست.

معصومه قنبری همسر شهید مدافع حرم اسدالله ابراهیمی است شاید باور خوشحالی پر کشیدن همسری که از او دو فرزند هفت ساله به نام حسین و یک دختر یک ساله به نام زینب خانم باقی مانده است سخت باشد! همسری که در پاسخ به این سؤال که آیا از شهادت و نبودن همسرت و از این جدایی و فراق با وجود دو فرزند هفت ساله و یک ساله که دیگر نمی تواند پدرش را به یاد بیاورد ناراحت نیستی می گوید: خدا را شاکرم برای این فیض عظیم، لحظه ای از شهادت همسر ناراحت نشدم شاید باورتان نشود حسرت می خورم و غبطه می خورم که اسدالله به بهترین جایی رسید که هر انسانی امکان ورود به آنجا را ندارد. شهادت بهترین روزی بود که خداوند برای همسر در نظر گرفته بود چرا که او می بایست با شهادت از دنیا می رفت و مرگی غیر از شهادت نه زیننده روح والای او و نه خلوص نیت و قلب بزرگش بود که در تمامی دوران عمرش با شهدا محشور بود و برای خدمت به شهدا و خانواده های آنان در صحنه بود.

سال ۱۳۸۱ این زوج با هم آشنا می شوند انگار یادآوری خاطرات خوب آن روزها کمی دل همسر شهید ابراهیمی را شاد می کند، انگار که در روز خواستگاری هستیم برق چشمانش کاملا هویدا است وقتی به یاد نجابت همسرش می افتد که در همان نگاه اول عاشق آن پاک صوری و سیرت می شود.

همسر شهید ابراهیمی درباره آن روزها و آغاز زندگی مشترکشان می گوید: از همان لحظه اول عاشق شدم؛ به یاد دارم در آشپزخانه بعد از بردن سینی چایی به خواهرم گفتم اسدالله همان مردی است که مرا خوشبخت می کند انگار خدا او را برای من ساخته بود جوانی با نگاهی کاملا مردانه و در عین حال با غیرت، تواضع و افتادگی به حجب و حیای نگاهش معصومیتی

غیر قابل وصف داده بود و چون از قبل شنیده بودم که ایشان از بچه های جبهه و جنگ و علاقه مند به مسایل دینی و آموزه های قرآنی است اشتیاقم برای پاسخ مثبت به خواستگاری او چندین برابر شد تا اینکه برای چهارده سال زندگی عاشقانه و صمیمی را با هم تجربه کردیم که ماحصل آن دو فرزند است که مهمترین و عزیزترین یادگارهای شهید ابراهیمی هستند.

همسر شهید اسدالله ابراهیمی پیش از خواستگاری در جامعه الزهرا تحصیل می کرده اما عاشقی او را راهی تهران می کند تا در کنار همسر آینده اش زندگی اش را در پایتخت دنبال کند و همانجا به درسش ادامه دهد. وی در ادامه خاطر نشان می کند: نورانیتی که در چهره همسر دیدم به من اجازه ماندن نداد از این رو بعد از عقد و ازدواج با او به تهران آمدم چون می دانستم احساس می کردم باید شریک مسیری باشم که همسر سالها قبل با دستکاری شناسنامه و افزایش سن برای دفاع از اسلام و ایران آغاز کرده بود بنابراین مطمئن بودم در راهی مشترک در زندگی نورانی قدم می گذارم که انتهای آن ختم به خیر شدن همه ماست.

سال هایی که در کنار همسر بودم از نزدیک شاهد فعالیت های اسلامی و انقلابی او بودم با آنکه در ایران جنگی و دفاعی از اسلام و کیان اسلامی نبود اما شهید هرگز صحنه معرفت و بصیرت افزایی را به حال خود رها نکرد از این رو دایماً در صحنه های فرهنگی و معنوی حضور داشت. همواره شاهد بودم که آقا اسدالله علاقه خاصی به پیگیری مطالبات مقام معظم رهبری داشت و هرگز از فعالیت برای تحقق این مطالبات خسته نمی شد شاید ساعت ها کار می کرد و بار سال

مطالب فرهنگی و حضور در پایگاه های فرهنگی بسیج و مساجد و... نشان می داد که ما همچنان در صحنه جنگ فرهنگی و ارزشی با دشمنانی هستیم که آرمان های اسلامی و انقلابی را نشانه رفته اند از این رو با توجه به اینکه بسیار دست به قلم بود و قلم خوبی هم داشت از هیچ کاری برای افزایش بصیرت مردم دریغ نمی کرد.

وی درباره حضور همسرش در فتنه ۸۸ و دفاع از ارزش های اسلامی و انقلابی که مورد حمله معاندان نظام اسلامی و فتنه گران قرار گرفته بود گفت: در روزها و ماه هایی که فتنه گران در حال بی حرمتی و اهانت کردن به مقام معصومین علی الخصوص در ایام محرم به ساحت امام حسین (ع) در روز عاشورا بودند به یاد دارم که ایشان در تمامی آن روزها بسیار فعال بودند و از تعرض فتنه گران به جانیشان باکی نداشتند با دوربین در وسط میدان حاضر بودند و از چهره تمامی فتنه گران عکاسی و فیلم برداری می کردند بنحوی که به جرات می توان گفت به واسطه عکس هایی که گرفته بودند بسیاری از فتنه گران لو رفته و برای تحقق عدالت به دست قانون سپرده شدند.

وی درباره اهمیتی که شهید به انقلاب و ارزش ها و آرمان های انقلابی می داد خاطر نشان کرد: به یاد آن روزها که می افتم به جرأت می گویم که لحظه ای نبود که اسدالله از آن غافل باشد و یا در راه دفاع از ارزش های اسلام و انقلاب در صحنه نباشد چرا که اسلام و انقلاب اولین مسأله مهمی بود که شهید بدان اهتمام ویژه ای داشت حتی از همان روزهای اول خواستگاری و آشنایی با صراحت به من گفت که اولین موضوع مهم زندگی من اسلام و انقلاب است تا جایی که



سوریه آماده شد از این رو دیگر آرام و قراری نداشت و به هر دری و هر لشکری سر می زد تا هر چه زودتر خود را به سوریه برساند بعضی وقتها از ایشان می پرسیدند که حالا چه اصراری داری و چه عجله ای که اینقدر برای رفتن به سوریه تقلا می کنی، شهید در پاسخ به این افراد می گفت: الان سوریه مرز ماست و اصلا اسلام مرز جغرافیایی ندارد هنگامی که می دانم حرم خاندان اهل بیت در معرض جسارت و تعرض کافران قرار دارد چگونه می توانم در کنار خانواده ام باشم و چشمم را به روی حقایقی ببندم که هر روز در اطراف ما اتفاق می افتد.

۲۱ بهمن ماه سال ۹۴ اولین بار شهید اسدالله ابراهیمی به سوریه اعزام می شود این رفتن سرشار از عشق به اسلام و امامت دو ماه طول می کشد تا اینکه شهید بعد از ایام عید و در ۲۱ فروردین سال ۹۵ به آغوش خانواده باز می گردد در حالی که دیگر جسم او اینجاست و روحش در حریم حرم خاندان اهل بیت (ع) پر می کشد همسر وی در این باره گفت: شب ها تا دیر وقت اخبار سوریه بخصوص خان طومان را دنبال می کرد و روزها به لشکرهای مختلف می رفت و پیگیر اعزام مجددش بود حتی به او گفتم عجله نکنند تا با هم به یک سفر کربلا یا مشهد برویم اما دلش در سوریه در کنار حرم حضرت زینب (س) و حضرت رقیه (س) جا مانده بود بنابراین متوجه شدم وقت رفتن فرا رسیده و قرار است اسدالله به آن جایی سفر کند که لیاقت روح بزرگش را دارد.

هیچ چیزی غیر از دفاع از حریم اهل بیت راضی اش نمی کرد انگار ماندن در ایران خوشحالش نمی کرد از این رو با اقدامات مجدد بار دوم به عنوان فرمانده دسته فاطمیون اعزام شد دهم خرداد رفت و ۲۷ خرداد به اوج آسمان ها پر کشید بی اینکه پیکرش به وطن باز گردد.

شهید اسدالله ابراهیمی جاوید الاثر شد جسمش در دست خدا و روحش در نزد بهترین خلائق آفرینش است. همسرش می گوید: عکسش را از اینترنت دیدم که گلوله ای به سرش خورده بود بالاخره به آرزویش رسید و با مرگ طبیعی از دنیا نرفت من هم دعا می کنم که خداوند برای من و دو فرزندم سعادت شهادت را رقم زند. همیشه در خلوت که با همسرم نجوا می کنم به او می گویم شهادت مبارک.

ای نداری؟ شهید آنقدر با اطمینان و جرأت به من جواب می داد که اینک وقتی به یاد استدلال هایش می افتم حق را به او می دهم و به سعادت می نصیبش شده غبطه می خورم. او شهادت را زیباترین اتفاق و بهترین تولد ابدی برای کسانی تعریف می کرد که اینگونه از دنیای فانی رخت بر بسته اند. اسدالله همیشه می گفت مسیری که مرگ معمولی می پیماید با مسیر شهادت کاملا متفاوت است مردن غیر از شهادت از فشار قبر تا سؤال و جواب و برزخ و... را دارد اما شهادت روزی خوردن نزد خداوند و ابدی زنده بودن است. شهادت رفتن به آغوش اهل بیت و در کنار و خدمت آنان زیستن است از این رو با شجاعت ذاتی که داشت لحظه ای از رفتن و شهید شدن نترسید تا اینکه به آرزویش رسید و بعد از دیدن آموزش های لازم عازم سوریه شد.

وی افزود: شهید همانقدر که شجاع بود مهربان هم بود شاید به جرأت بگویم مصداق آیه «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» بود در عین شجاع و بی باک بودن در برابر دشمن در برابر دوستان و اقوام و خانواده بسیار مهربان و رئوف بود. با دیدن بچه های یتیم دلش می شکست و برایشان گریه می کرد با حسن خلقی که داشت همه را به خود جذب کرده بود حتی کسانی که به لحاظ مذهبی و اعتقادی با او هم عقیده نبودند عاشق حسن خلق و حسن رفتار ایشان بودند بنابراین بعد از شهادت تنها خانواده اش عزا دار نشدند بلکه همه کسانی که کم و بیش او را می شناختند داغدار شده بودند.

همسر شهید ابراهیمی درباره چگونگی اعزام شهید ابراهیمی به سوریه گفت: تقریباً دو سال پیش پاسپورت همسرم برای اعزام به

اگر لازم باشد برای حفظ ارزش های اسلامی و انقلابی حاضر به دادن جانم هستم از این رو مطمئن بودم که اسدالله روزی شهید می شود اما نمی دانستم که این موضوع چگونه و در چه شرایطی محقق می شود.

هنگامی که دوستان شهید راهی سوریه می شدند و موضوع شهادت و دفاع از حریم اهل بیت به میان آمد به گفته همسر شهید ابراهیمی دیگر شهید قرار ماندن نداشت، وی در این باره می افزاید: مسیر شهادت و دفاع از اسلام و حریم اهل بیت باز شده بود اسدالله همیشه می گفت سوریه کربلای امروز ماست حالا وقت اجابت لیبیک امام حسین (ع) است این همه زیارت عاشورا خواندیم و ناله سر دادیم که مولای من کاش روز عاشورا بودیم تا تو را یاری می کردیم اینک عاشورای حسینی در سوریه اتفاق افتاده یک جان بلکه هزاران جان را باید قربانی دفاع از حریم خاندان عترت و امامت کرد. آیا من می توانم در کنار خانواده ام به راحتی زندگی کنم وقتی که خبرها حاکی از بی دینی تروریست ها و اهانتی است که به مقدسات دینی می کنند؟ آیا می توان نشست و شاهد کینه توزی های تکفیری ها علیه ائمه اطهار (علیهم السلام) بود؟ تنها پاسخی که شهید به خود می داد رفتن بود. بنابراین برای تحقق این مهم لحظه ای از پاننشست به گونه ای که به همه جاسر می زد هر جایی که گمان می کرد امکان اعزام و آموزش داشته باشد را پیگیری می کرد و در همه جا ثبت نام کرد تا هر چه زودتر خود را به قافله دفاع از اسلام برساند و چنین نیز هم شد.

وی درباره اشتیاق شهید ابراهیمی به شهادت چنین می گوید: بارها از او پرسیدم از اینکه کشته شوی نمی ترسی، از مرگ واهمه

حدیث دل‌تنگی

میل زیارت

چند روزیست دلم میل زیارت دارد باز حس می‌کنم این قلب، حرارت دارد واژه در واژه برای تو غزل می‌گویم بیت بیت غزلم عرض ارادت دارد بی جهت نیست که قلبم به کبوتر هایت چند سالیست که احساس حسادت دارد نیستم لایق دیدار تو، اما آقا چشم‌هایم به تماشای تو عادت دارد آه! دل‌تنگ توام، باز مرا دعوت کن چند روزیست دلم میل زیارت دارد

طیبه عباسی

....بادو هزار کیلومتر فاصله

دلم خواست که الان پنجره خونم رو به حرم بود و فنجون چای به دست دل‌سیر نکات می‌کردم و به مجاور شدنم می‌نازیدم.. درسته الان پنجره اتاقم رو به مشهد باز میشه، ولی با دو هزار کیلومتر فاصله.. با به عالمه پیچ جاده و کوه و کمر... دلم یه زیارت خواست، یه زیارت با معرفت که مجاور باشم خونم که تو خیابون امام رضاست تا حرم فقط به اندازه طاقتم فاصله باشه پیاده بیام زیارت تو خودم برسونم جای همیشگی حرم...

تشنه سقاخونتم آقا، من هیچ وقت از آب خوردن تو حرمت سیری ندارم، صدای زنگ ساعت و صدای فواره صحن آزادی که همش تو گوشمه.. صدای مناجات گلدسته‌ها قبل اذان صبح نگو و نپرس... کی منو مجاور میکنی آقا؟

زینب

غریب مهمان نواز

مولای من! تو را امام غریب می‌نامند، می‌دانم بد میزبانی بودند و در مهمان نوازی وفا نکردند. مولای من! بعد از گذشت روزگار، حال تو میزبان ما هستی؛ تو میزبان گریه‌ها و نیازها، غم‌ها و دل‌تنگی‌های ما هستی. تو که غریبی را احساس کرده‌ای! حال غریبه‌ها به آستان کرم تو چشم دوخته‌اند و به داستان پر مهرت توسل کرده‌اند. مولای من! می‌خواهم از زائرانی بگویم که جاده به جاده و شهر به شهر گذشته‌اند تا نفسی مهمان شوند و از می‌عشق تو بنوشند.

مولای من! می‌خواهم از سنگفرش آستان مقدس بگویم که سجده‌گاه قدم مهمانانت شده است؛ از کبوتران عاشقی که گرداگرد حرم پاک تو می‌چرخند و تو را طواف می‌کنند؛ از نسیم بگویم که بیریق گنبدت را بوسه باران می‌کند و عطر دل‌ربای تو و اشک تمنای زائرانت را به اوج افلاک می‌برد.

مولای من! می‌خواهم از آسمان بگویم که هر روز نه، هر ساعت نه، هر لحظه و ثانیه از تو جان می‌گیرد و در پیشگاه شکوه تو جان می‌دهد.

ای آفتاب مهربانی! می‌خواهم از خورشید بگویم که هر طلوع با انوار خود به پنجره فولاد تو چنگ می‌زند و از ضریح تو نور می‌گیرد.

ای حجت خدا! خوش به حال جاده که از قدم زائرانت بغض تنهایی خود را می‌شکند و خاک پایشان را به سینه زخم‌آلود خود می‌زند که عمری است از طواف تو جا مانده است.

خوش به حال رواق‌ها، درها و دیوارهایی که از نفس مهمانانت پر می‌گیرند و به ضریح پاک تو می‌رسند. خوش به حال مناره‌ها و کاشی‌ها!

یلدا بهرامی

تو «رضا» یی

به آستانه محبت تو، دامن دامن حاجت می‌آوریم و صحرا صحرا کرامت می‌بریم. چه کنیم که ظرفیت دست و دامن کوچک ما اندک است و آدریای احسان تو بیکرانه است. میلیون‌ها زائر را می‌پذیری، نه منت می‌گذاری و نه منت می‌پذیری. هر کس را به نحوی می‌نوازی، تو «رضا» یی و همه را راضی بر می‌گردانی و ذره‌ای از عنایت تو و ارادت ما کم نمی‌شود. آنجا که فرشتگان به کفشداری حرمت مشغولند و کروبیان خادمان افتخاری آستان تو، ما کمتر از آنیم که خاک پای خسته زائرانت باشیم و «باصلت» آستانت به شمار آییم. اما تو زائرانت را دوست داری و در خانه خودت به حضور می‌پذیری. لحظه‌ای که دل‌مان می‌شکند و شانه‌هایمان می‌لرزد و اشک در دیدگانمان حلقه می‌زند، یعنی اذن ورودمان داده‌ای. وقتی «السلام علیک» می‌گوییم، رواق چشممان با قطرات اشک، آینه کاری می‌شود. آنگاه از پشت ضریح اشک، سیمای تو را می‌بینیم که در هاله‌ای از عصمت سبز قرار دارد و دست عنایتت بر سر زائران است و نگاه مهربانت، ضامن آهوی دل ما می‌شود، دلی که از همه جا ریمیده و به حرم تو روی آورده است. همه هستی ما، نذر یک لحظه حضور در کنار ضریح با!

حیدری



عکس: حسین کامشاد

السلام عليك يا امام رضا

ای امام رؤوف سلام می کنم به شما از طرف خودم و همه عاشقان اهل بیت. خدا را شاکرم که توفیق دارم که به شما دلنوشته بنویسم. سپاسگزارم که این لطف شامل حالم شده و امیدوارم دلنوشته ام را بخوانید البته این از کرم شماست و گرنه من گنهکار به خاطر گناهایی که انجام داده ام از روی شما خجالت دارم ولی نادم هستم از این معصیت هایی که انجام داده ام ولی به رحمت شما و مغفرت خدای عزیزم امید دارم. دلم برایتان تنگ شده و خواستم حالتان را بپرسم و دلتنگی ام رفع شود. امام رضا جان اگر چه نتوانم به پابوستان بیایم ولی عاشقتان هستم و از شما می خواهم طلبم کنید که به زیارتتان بیایم. خدایا من را ببخش. خدایا ازت ممنونم به خاطر نعمت هایی که به من داده اید. نعمت هایی که قابل شمارش نیست، سلامتی - خانواده - امکانات - کار - عقل سالم خیلی چیزهای دیگر که غیر قابل شمارش است. متشکرم ای پروردگارم به اندازه عظمت و رحمت شکر گزار تم.

بنده گنهکار پشیمان

بهونه

دل من کرده بهونه برای یه شب پریدن پشت کوهای خراسان مرقد پاک تو دیدن واسه اون گنبد زرین پشت کوهای خراسان واسه او صحن مطهر تو غروب کنار ایوون واسه کفترای معصوم که تو آسمون می گردن واسه آدمای مغموم که میان، دخیل می بندن واسه اون هوای تازه که پر از عطر گلایه اگه دستم به ضریحت برسه واسم یه خوابه واسه اون حوض قشنگی که پر از آب زلاله واسه سنگ فرشای ایوون که برام خواب و خیاله دل من تنگه میدونی کاشکی قابلم بدونی...
رویاسادات



زهد حقیقی در سیره رضوی

معمولی بودن این خوراکی است.

● پرهیز از اسراف

اسراف کردن عملی مخالف ساده زیستی و زهد و راهی برای گستردن دام‌های شیطان است؛ زیرا اسراف موجب زیاده روی و زیاده روی موجب زیاده خواهی می‌شود، زیاده خواهی نیز انسان را به خود مشغول کرده و از یاد خدا غافل می‌نماید. بر این اساس یکی از ویژگی‌های زندگی زاهدانه حضرت، پرهیز از اسراف بود. در این باره مرحوم کلینی به سند خود از یاسر خادم روایت کرده که نقل کرده است: «أَكَلُ الْعُلَمَاءِ يَوْمًا فَكَهَيْهَ فَلَمْ يَسْتَقْصُوا أَكْلَهَا وَرَمَوْا بِهَا؛ غلامان آن حضرت روزی میوه‌ای را خوردند اما کامل آن را نخوردند و مابقی آن را به دور انداختند. پس امام رضا (علیه‌السلام) که چنان دید به آنها فرمود: سَبِحَانَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ اسْتَعْنَيْتُمْ فَإِنْ أَنَا سَأَلْتُمْ يَسْتَعْنُوا أَطْعَمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ؛ سبحان الله! اگر شما از این میوه بی‌نیاز گشته و نیاز خود را از آن برده‌اید، مردمانی هستند که به آن نیازمندند به آنها که نیاز دارند بخورند» [۹].

● زهد حقیقی

با این حال باید دانست بنده ای که به خدا ایمان آورده و دل در گرو سرای آخرت و جهان پایدار دارد، متاع دنیا را امانتی می‌داند که خدای بزرگ جهت آزمودنش در اختیار او قرار داده است. بنابراین دیگر فریب دنیا را نمی‌خورد و از داشتن آن مسرور و از رفتن آن محزون نمی‌گردد. بر این اساس حضرت علی (علیه‌السلام) درباره حقیقت زهد می‌فرماید: «همه زهد در دو جمله از قرآن آمده است. خداوند می‌فرماید: بر آنچه از دستت می‌رود اندوهگین نشوید. و به آنچه دستت می‌آید شادمانی نکنید. بنابراین کسی که بر گذشته اندوه نخورد و برای آنچه به دستش می‌رسد شاد نشود، زاهد است» [۱۰].

پی‌نوشت:

- ۱- مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰: ۳۱۵
- ۲- صدوق، امالی صدوق ص ۱۳۷
- ۳- دهخدا، لغت نامه، ج ۸: ۱۱۴۷۷
- ۴- انصاریان، عرفان اسلامی، ج ۸: ۱۳۸
- ۵- اسماعیلی یزدی، فرهنگ صفات: ۷۵
- ۶- مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹: ۱۲۹-۱۲۸
- ۷- صدوق، عیون الاخبار، ج ۲: ۱۷۹
- ۸- همان: ۱۳۶
- ۹- کلینی، کافی، ج ۶: ۳۴۶-۳۴۵
- ۱۰- مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷: ۳۲۰

تواضع در دنیا امید رفعت و بلندی مقام در پیشگاه خدای عزوجل را دارم».

● خانه‌ای فارغ از تجملات

یکی از جلوه‌های زهد حضرت رضا (علیه‌السلام) در نحوه زندگانی آن حضرت تجلی یافته است. در حدیثی که صدوق به سندش از ابی عباد درباره گوشه‌ای از زهد امام (ع) روایت کرده می‌گوید: «كَانَ جُلُوسَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّيْفِ عَلَي حَصِيرٍ وَفِي الشِّتَاءِ عَلَي مَسِجٍ وَ لَبَسَهُ الْعَلِيظَ مِنَ الثِّيَابِ حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَزَيَّنَ لَهُمْ؛ محل نشستن حضرت رضا (علیه‌السلام) در تابستان حصیر بود و در زمستان فرش می‌پوشید و لباس آن حضرت جامه‌های زبر و خشن و چون در برابر مردم حاضر می‌شد برای آنها خود را می‌راست» [۶].

● خوراکی ساده

در حدیث سنگ‌های کوه سناباد و دعایی که حضرت درباره آنها کرد و دستوری که داد تا از آن سنگ‌ها برای آن بزرگوار دیگ بسازند، ایضاً هروی نقل کرده است: «وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَفِيْفَ الْأَكْلِ قَلِيْلَ الطَّعْمِ؛ آن بزرگوار کم خوراک و کم غذا بود» [۷]. نیز کلینی به سندش از سلیمان بن جعفر جعفری روایت کرده که بیان داشته است: به محضر حضرت رضا (علیه‌السلام) شرفیاب شدم و مشاهده کردم که در برابر ایشان مقداری از نوع خرماي «برنی» گذارده‌اند و امام (ع) با اشتیهای زیاد مشغول خوردن آنها است و چون مرا دید به من نیز تعارف کرده فرمودند: ای سلیمان پیش بیا و بخور و من پیش رفته و از آن خرما خوردم و آن گاه عرض کردم: قربانت شوم! می‌بینم که با اشتیهای این خرما را می‌خورید؟ فرمودند: آری من آن را دوست دارم. پس علت آن را پرسیدم؟ حضرت بیان داشتند: تمامی اجداد من خرما را دوست داشتند و من نیز چنین هستم (و آن برای ما کفایت است) و شیعیان ما خرما را دوست دارند چون از طینت ما خلق شده‌اند و دشمنان ما ای سلیمان شراب مسکر را دوست دارند چون از آتش آفریده شده‌اند [۸]. باید توجه داشت که خرما در میان خورش‌ها، معمولی‌ترین خوراک‌ها و ارزاترین و دسترس‌ترین آنها بوده و منظور حضرت بیشتر همان جنبه اقتصادی و

زهد از فضایل اخلاقی و مورد تشویق و ترغیب روایات اهلبیت (علیهم‌السلام) است. با این حال برای مردان الهی «زهد» در زندگی شخصی آنها یک اصل بوده و در همه شرایط همیشه زهد ورزیده و آن را کلیدی از کلیدهای وصول به نجات و رسیدن به سعادت می‌دانند. امام صادق (علیه‌السلام) در حدیثی بیان داشته‌اند: «الزُّهْدُ مُفْتَاْحُ بَابِ الْآخِرَةِ وَ الْبِرَاءَةُ مِنَ النَّارِ؛ زهد کلید در آخرت و بی‌زاری از آتش دوزخ است» [۱]. و رسول خدا حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز فرموده‌اند: «إِنْ صَلَّحَ أَوَّلَ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالزُّهْدِ وَ الْيَقِيْنِ؛ به راستی که صلاح و رستگاری آغاز این امت به وسیله زهد و یقین خواهد بود» [۲].

● معنای زهد

زهد در لغت به معنای «بی‌ رغبت شدن، روی برگرداندن از چیزی، پارسایی و ترک دنیا می‌باشد» [۳] و در اصطلاح به معنی بی‌ رغبتی و دل‌ نداشتن به ظاهر دنیا به خاطر به دست آوردن آخرت و خشنودی و رضوان خداوند است» [۴]. در فرهنگ اسلام زهد به این معنا نیست که انسان از مال و منال دنیوی بر خوردار نباشد، بلکه رکن اساسی و حقیقت زهد آن است که آدمی اسیر دنیا و مظاهر آن نگشته و در عین بهره‌مندی از آن، امیر و حاکم بر آن باشد؛ زهد دل‌کندن از دنیا و پرهیز از آمال و آرزوهای است که تعلق به آنها انسان را زمین‌گیر می‌سازد [۵]. بر اساس آن انسان در عین این که قدرت و امکان آن را دارد که لباس خوب بپوشد، غذای لذیذ بخورد، در مسکن عالی اقامت داشته باشد و بر مرکب گران قیمت سوار شود، اما برای این که مسؤولیت خود را بهتر انجام بدهد، با مردم مستمند و دردمند همدردی و همرنگی داشته باشد و خشنودی پروردگار را به این وسیله جلب کند، از همه اینها صرف نظر کند و امکانات خود را در راه رفاه مستمندان و تأمین زندگی محتاجان صرف نماید و خود زندگی ساده و از تنعم و تجمل و لذت‌گرایی پرهیز کند.

● وسیله نجات در دنیا

زندگانی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) تجلیگاه زهد حقیقی بوده است؛ چنانکه در سیره حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) نیز با همه امکانات و فراخی زندگی که ایشان از آن برخوردار بودند، این اصل مراعات می‌شد و آن بزرگوار خود را ملزم به پیروی از آن می‌دانستند، چنانکه در ماجرای ولایتعهدی آن بزرگوار این قسمت به چشم می‌خورد که وقتی مأمون می‌خواهد در آغاز، خلافت را به ایشان پیشنهاد کند می‌گوید: «يَا أَبَانَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ عَرَفْتُ فَضْلَكَ وَ عِلْمَكَ وَ زَهْدَكَ وَ وِرْعَكَ وَ عِبَادَتَكَ وَ أَرَاكَ أَحَقَّ بِالْخِلَافَةِ مِنِّي؛ ای فرزند رسول خدا من به فضیلت و علم و زهد و وِرْع و عبادت تو اعتراف دارم و تو را به منصب خلافت شایسته‌تر از خود می‌دانم» و حضرت در پاسخش می‌فرمایند: «بِالْعُبُودِيَّةِ لِلَّهِ أَفْتَحِرُ وَ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو النِّجَاةَ مِنَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ بِالْوَرَعِ عَنِ الْمَجَارِمِ أَرْجُو الْقَوْزَ بِالْمَعَانِمِ وَ بِالتَّوَاضُعِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو الرِّقْعَةَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ به عبودیت خدا افتخار می‌کنم و به وسیله زهد در دنیا نجات از شر دنیا را می‌جویم و با کمک‌گیری و استعانت از ورع و پارسایی از محرمات امید دست‌یابی به نعمات الهی را دارم و با

فراخوان مقاله

تراوشات فکر و قلم شما یاریگر ما در ارائه ماه نامه ای جامع و غنی خواهد بود. «زائر» که با هدف اطلاع رسانی و ترویج و نشر معارف بی کران اهل بیت(ع) در قالب ها و بخش های متنوع همه ماهه منتشر می شود، همواره از نظرات، آثار و نوشته های اندیشمندان و نویسندگان سراسر کشور استقبال می کند. منتظر آثار قلمی شما هستیم.

فراخوان خاطره و دلنوشته حرم رضوی

حرم و بارگاه امام هشتم مملو از شور و احساس است و حضور در آن حال معنوی خاصی به انسان می بخشد. اما بعد فاصله با سلامی پر از ارادت شکسته می شود. نوشتن و به روی کاغذ آوردن احساسات ناب شما ماندگار کردن شور رضوی و خلق اثری ادبی است. زائر که افتخار انتساب به بارگاه ملکوتی ثامن الحجج(ع) را دارد، آماده دریافت و انعکاس خاطرات و دلنوشته های شماست. نوشته های برتر و زیبایی شما همراه با تایپوگرافی اختصاصی منتشر خواهد شد.

فرم اشتراک

همراهی شما را در پیوستن به این نشریه می ستاییم و از همکاری شما در دعوت دیگران به این جمع استقبال می کنیم

شرایط اشتراک

واریز هزینه اشتراک به حساب جاری ۱۶۰۷۲۱۴۶/۶۸ بانک ملت به نام ماهنامه بین المللی زائر (طلاب، دانشجویان، دانش آموزان و مراکز فرهنگی تا ۴۰ درصد مشمول تخفیف خواهند بود)

ارسال فیش بانکی به نشانی:
مشهد، بلوار سجاد،
نیش سجاد ۱،
ساختمان موسسه
فرهنگی قدس
دفتر ماهنامه بین
المللی زائر
تلفن:
۰۵۱-۳۷۶۶۸۰۰۶
صندوق پستی:
۹۱۷۳۵-۱۳۶۳
شماره پیامک:
۳۰۰۰۴۵۶۷

در هر کجای ایران
عزیز هستید می
توانید با یک تماس
تلفنی مشترک
ماهنامه زائر شوید
برای اشتراک
می توانید با شماره
تلفن
۰۵۱-۳۷۶۶۸۰۰۶
تماس بگیرید

دوره اشتراک	قیمت با احتساب هزینه پستی
۶ ماهه	۱۵۰,۰۰۰ ریال
یکساله	۳۰۰,۰۰۰ ریال

تکمیل و ارسال فرم اشتراک

نام و نام خانوادگی	
تاریخ تولد	
میزان تحصیلات	
تلفن	
نشانی کامل پستی	
مبلغ واریزی	
شماره فیش بانکی	

